

استفتاءات جدید

حضرت آیت اللہ العظمیٰ محقق کابلی

مدظلہ العالی

جلد «۲»

❖ نام کتاب : استفتائات جدید حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی (مد ظله العالی)

❖ ناشر:

❖ نام مؤلف : حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی (مد ظله العالی)

❖ شمارگان:

❖ نوبت چاپ : چاپ اول

❖ تاریخ انتشار : ۱۳۸۸

❖ چاپ:

❖ شابک:

❖ بها :

**کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست مطالب

۹.....	مقدمه.....
۱۱.....	احکام تقلید.....
۱۵.....	احکام طهارت.....
۲۰.....	احکام نجاسات.....
۲۴.....	احکام وضوء.....
۲۶.....	احکام غسل.....
۳۴.....	کیفیت نماز میّت.....
۳۶.....	احکام تیمّم.....
۳۷.....	احکام نماز.....
۵۲.....	احکام نماز جماعت.....
۵۳.....	احکام نماز آیات.....
۵۵.....	نماز مسافر.....
۶۱.....	احکام روزه.....
۶۹.....	احکام روزه، و ثبوت رؤیت هلال.....

۷۳.....	احکام خمس
۱۱۳.....	احکام زکات
۱۲۳.....	احکام حج
۱۴۵.....	امر به معروف و نهی از منکر
۱۴۸.....	احکام دفاع
۱۵۰.....	احکام خرید و فروش
۱۸۷.....	احکام خیار فسخ
۱۹۰.....	احکام بیع شرط
۱۹۷.....	احکام شرکت
۲۰۷.....	احکام صلح
۲۱۰.....	احکام اجاره
۲۲۵.....	احکام شفعه
۲۲۶.....	احکام هبه
۲۳۵.....	احکام قرض
۲۳۷.....	احکام رهن
۲۴۱.....	احکام ضمان
۲۵۷.....	احکام نکاح
۳۳۱.....	احکام اولاد
۳۳۳.....	احکام رضاع
۳۳۵.....	احکام طلاق
۳۴۶.....	احکام عدّه

۳۴۹	..... احکام مهریه
۳۵۳	..... احکام مفقود الأثر
۳۵۸	..... احکام غضب
۳۶۵	..... احکام ذبح
۳۶۸	..... احکام صید
۳۶۹	..... احکام مال مجهول المالك
۳۷۱	..... احکام حریم
۳۷۴	..... احیاء موات
۳۸۲	..... احکام نذر
۳۸۷	..... احکام قسم
۳۸۹	..... احکام وقف
۴۰۱	..... احکام وصیّت
۴۱۹	..... احکام ارث
۴۳۹	..... احکام قضاء
۴۴۸	..... احکام قصاص
۴۷۰	..... احکام حدود
۴۷۶	..... احکام دیّه
۵۲۱	..... احکام تعزیر
۵۲۳	..... احکام قذف
۵۲۵	..... احکام عزاداری
۵۲۹	..... احکام رقص و موسیقی

- ۵۳۸..... احکام جهانگرد (سیاحت)
- ۵۴۶..... کُفَّار
- ۵۴۹..... مسائل بانک
- ۵۵۰..... احکام کُفَّاره
- ۵۵۶..... احکام رباء
- ۵۵۸..... ورزش
- ۵۶۶..... مسائل متفرقه



## مقدمه



الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين والصلاة والسلام على سيدنا محمد(ص) و آله الطاهرين.

{فاسئلوا اهل الذكر ان كتتم لاتعلمون} (قرآن كريم)

باحمد و سپاس الهی جلد اول استفتائات جدید در مسائل روز و مستحدثه توسط دوتن از شاگردان فاضل و برجسته حوزه‌ی درسی حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی (مدّ ظلّه العالی) که به نحو احسن بر طبق فتوای معظم له تحقیق و بررسی شده بود در اختیار علاقه مندان قرار گرفت و صدها مسئله‌ای مشکل و پیچیده‌ی شرعی مؤمنین در داخل و خارج حل گردید.

با توجه به تراکم استفتائات و مسائل مبتلاء به و استقبال بی نظیری که از جلد اول شد، حسب الأمر مرجع بزرگوار، با همّت و تلاش مستمر برادران بخش استفتائات: حضرت حجّت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسینعلی

افتخاری جاغوری و حضرت حجّت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد باقر فاضلی بهسودی جلد دوم استفتائات جدید بطور تحقیقی و با نظارت شخص معظّم له تدوین گردیده که هم اکنون در اختیار علاقه مندان قرار دارد.

لازم می‌دانم از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از تلاش شبانه روزی اعضاء استفتائات که حقیقتاً در جمع آوری، بررسی و تلخیص استفتائات در مدت ۱۵ سال زحمات زیادی را تقبل نموده‌اند تقدیر و سپاس گزاری بعمل آوریم.

از خداوند متعال طول عمر برای حضرت استاد و توفیقات روز افزون برای این دو محقق ژرف نگر مسئلت می‌نمایم و از خوانندگان بزرگوار به ویژه طلاب و علماء حوزه‌های علمیه تقاضا می‌کنیم که در صورت ملاحظه‌ی اشتباهات بخش استفتائات را در جریان بگذارند.

معاونت دفتر قم: ناصر اخلاقی

حوزه علمیه قم

۱۳۸۷ / ۸ / ۱۲

## احکام تقلید

**س ۱:** کسی که هنوز بر تقلید امام خمینی نث باقی مانده است آیا میتواند وجوهات خود را به مرجع دیگری پرداخت کند؟

**ج:** باید به مرجع تقلید زنده پرداخت کند.

**س ۲:** آیا تقلید از مجتهدی که متهم به حزب خاصی است، جایز است؟

**ج:** اتهام و مکان حجت ندارد، اگر مجتهد جامع الشرایط باشد تقلید از او جایز و اگر اعلم باشد

تقلید از او واجب است.

**س ۳:** کسی که مقلد امام خمینی نث است می تواند به استفتائات و

رسالة عملیه دیگری عمل کند؟

**ج:** مقصنای احتیاط این است، در مسائلی که به فتوای او عمل نموده به فتوای مجتهد دیگری،

که مساوی با اوست عمل نکنند و اگر مجتهدی اعلم باشد عدول به سوی او متعین است به تفصیلی که

## در رساله علمیه ذکر شده است.

س ۴: هل تجیز سماحتک البقاء علی تقلید الشہید المظلوم الحجّة السید محمد صادق الصدر المکتبی بالشہید الصدر الثانی علی ان یتّم الرجوع فی المسائل المستحدثات الشرعیة فی فقہ العبادات و المعاملات الی سماحتک؟

ج: كنت مقيماً في النجف الاشرف عشرين سنة ما كانت المعارفة بيني و بين الشہید الصدر الثانی ثا ولكن الشہید محمد باقر الصدر ثا كان معروفاً بالعلم و الفضيلة و يجوز البقاء علی تقلیده بلاشبهة.

س ۵: مع عدم وجود وكيل عام او مكتب یمثل سماحتک فی النجف الاشرف، كيف یتّم الاتصال مطلقاً و ایصال الحقوق الشرعیة؟

ج: يمكن ایصال الحقوق بواسطة زائری الامام الرضا (ع).

س ۶: آیا مقلد می تواند از مجتهد زنده به مجتهد و مرجع تقلید دیگری عدول کند؟

ج: اگر آن مجتهد دیگر اعلم باشد عدول متعین است با تفصیلی که در رساله توضیح المسائل

بیان شده است.

س ۷: کسی که مجتهدی را نه اعلم می داند و نه مساوی با اعلم تنها به این دلیل که همشهری اش است از او تقلید کرده است. این تقلید چه حکمی دارد؟

ج: تقلید باطل است.

س ۸: در تقلید از دو نفر مجتهد شهادت عدلین (دو نفر عادل) بر

اعلمیت مقدم است یا شیاع بر اعلمیت؟

ج: اگر شیاع، علم آورو اطمینان آور باشد شیاع مقدم می شود و اگر علم آورو اطمینان

آور نباشد شهادت عدلین مقدم می شود.

س ۹: اگر امر دایر شود بین مجتهد اعلم غیر عادل و مجتهد عادل غیر

اعلم، از کدام یکی باید تقلید کند؟

ج: از مجتهد عادل غیر اعلم.

س ۱۰: با توجه به مسأله ۷ توضیح المسائل حضرت شما که عمل کردن

بدستورات مجتهد را در تحقق تقلید شرط میدانید اگر کسی بحکمی عمل

نماید که نتیجه فتوای دو مجتهد در آن یکی است در اینجا از کدام یکی از

دو مجتهد تقلید صورت گرفته است؟

ج: این شخص عمل خود را مستند به هر کدام نموده باشد تقلید از همان شخص تحقق یافته

است.

س ۱۱: مجتهدی که از او تقلید می کند در مسائل مستحدثه فتوایی نداشته

باشد، و حکم آن مسائل را بیان نکرده است با توجه به این مسأله که مقلد

او در جایی قرار دارد که دست رسی با مرجع تقلید خود نداشته باشد. آیا

مقلد او می تواند به مجتهد دیگری که حکم آن مسائل یاد شده را بیان

فرموده است با رعایت «الاعلم فالأعلم» رجوع کند؟

ج: در فرض سوال بلی مراعات «الاعلم فالأعلم» بکنند می تواند در آن مسائل مستحدثه از او

تقلید کند.

س ۱۲: کسانی که مقلد حضرت امام ث و یا آیه الله خوئی ث بودند وظیفه آنها بقاء است و یا به حضرت تعالی رجوع کنند؟

ج: آنها در بقاء و رجوع به اینجانب مختارند.

س ۱۳: بعضی از مقلدین حضرت امام و آیه الله خوئی ب چندین سال بدون اجازه مجتهد حای باقی ماندند در این مدت عبادات و اعمالی که انجام داده اند چگونه است؟

ج: اگر اعمال شان بر طبق فتوی آن دو بزرگوار و یا مطابق با فتوای مجتهدی که وظیفه شان

رجوع به او بوده و یا اعمال شان مطابق با احتیاط بوده مجزی است.

## احکام طهارت

**س ۱:** آیا حیض می‌تواند هفت آیه از سوره‌هایی که سجده واجب ندارد را تلاوت کند؟

**ج:** بله! می‌تواند اما پیش از آن مکروه است.

**س ۲:** آیا حیض و جنب می‌تواند دعای کمیل و توسل بخواند؟

**ج:** بله! اما دعای کمیل یک آیه از یکی از سوره‌های سجده‌دار است که احتیاطاً نباید آن

را بخواند آیه‌ی مورد نظر این است:

{أَقْمِنُ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ}

**س ۳:** آیا خونی که همراه با شیر در هنگام دوشیدن گاو و گوسفند می‌آید پاک است؟

**ج:** نجس است و شیری که با آن مخلوط شده است نیز نجس است.

**س ۴:** خروج منی از مردها نشانه‌ها و علامت‌هایی دارد اما در زنان

چنین نیست بنا بر این ترشح مایعی از زنان در هنگام ملاحظه - بدون دخول - چه حکمی دارد؟

**ج:** اگر نشانه‌های منی را داشته باشد حکم منی را ندارد.

**س ۵:** در مردها، باقی مانده‌ی منی با استبراء از مجرای بول خارج می‌شود اما در زنان به خاطر تعدد مجاری، منی که در مجرای باقی مانده است با استبراء خارج نمی‌شود بنا بر این مایعی با نشانه‌های منی که بعد از غسل از زنان ترشح می‌کند چه حکمی دارد؟

**ج:** اگر نشانه‌های منی را داشته باشد حکم منی را دارد و اگر شک داشته باشد حکم منی را ندارد.

**س ۶:** آیا نوشتن یا خالکوبی حرفی، کلمه‌ای یا آیه‌ای از قرآن بر بدن انسان جایز است؟

**ج:** نوشتن و خالکوبی آیات قرآن بر بدن کسی که طهارت ندارد جایز نیست.

**س ۷:** باقی ماندن خط قرآن بر بدن کسی که طهارت ندارد جایز است؟

**ج:** اظهر عدم جواز است.

**س ۸:** آیا زنان در خواب محتلم می‌شوند، با چه نشانه‌هایی؟

**ج:** اگر مایعی با نشانه‌های جنابت خارج شود، جنابت محسوب می‌شود.

**س ۹:** کنت اشعر بخروج بعض القطرات بعد التبول بالرغم من الاستبراء، و



بعد المعاینة تبین لی حقاً ان بعض القطرات تخرج منی و لكنی لا اجزم انها بول ام غير ذلك، ولا ادري هل كان من ضعف في عضلة التبول ام لا؟ هل يحكم انها نجاسة و تكون ثيابی نجسة؟ ما حکم صلاتی؟

ج: اذا خرجت القطرات بعد الاستبراء فتكون محكومة بالطهارة و اذا كانت قبل الاستبراء فتكون نجسة.

**س ۱-۱۰:** نظر به مضاف بودن فاضلاب های جمع آوری شده از سطوح شهر، مزارع و کارخانجات صنعتی و تلاقی آنها با اعیان نجس و یا سایر مایعات متنجس ولی به صورت اندک در مجاری و مخازن تصفیه خانه‌ها مرقوم فرمایید؛

اولاً: حکم تمام آبهای جمع آوری شده به لحاظ نجس و پاکیزه بودن چیست؟

ثانیاً: حکم این آب‌ها پس از طی پروسه باز یافت و گذشتن از چندین مرحله تصفیه، اقدامات بهداشتی و گند زدایی و رفع کدورت که نهایتاً منتج به زلال گشتن آن می‌گردد، آیا حکم قبلی همچنان پایدار است یا با این اوصاف عارضی تغییر می‌کند؟

**س ۲-۱۰:** حکم استفاده از پساب های تصفیه شده برای مصارف خانگی، خوردن و آشامیدن را در صورت متنجس دانستن پساب مذکور بیان فرمایید و لو اینکه به لحاظ بهداشتی در سطحی مطلوب از کیفیت و معیار های استاندارد های مختلف جهانی باشد؟

ج: در مورد فوق آب به نجاست خود باقی است مگر اینکه به آن آب باران بارویا

## آب جاری به آن وصل بشود و الانجاستش باقی است.

**س ۱۱:** با فرض متنجس بودن پساب‌ها مرقوم فرمایید که حکم استفاده از آن در مصارف کشاورزی چون آب یاری چگونه خواهد بود. آیا می‌توان نظر به استحالة آب در تبدیل شدن آن به محصولات مذبور حکم به جواز این استعمال کرد؟

### ج: اشکال ندارد.

**س ۱۲:** نظر به گستره وسیع طیف صنعتی کشور و اهمیت آب در انجام امور و بر آورده ساختن نیازهای آنها عنایت بفرمایید احکام مربوطه به استعمال پساب‌ها متنجس را در مصارف صنعتی بیان فرمایید.

**ج:** در صورتیکه به مصرف اکل و شرب نرسد در مصارف دیگر اشکال ندارد اما وضو و

### غسل به آن جایز نیست.

**س ۱۳:** اذا اجنبت فی لیل رمضان و جاء الفجر دون ان اغتسل کسلا و لیس تعمداً ما حکم الصوم؟

**ج:** اذا ترک الغسل فی لیلۃ رمضان کلاً یجب علیه القضاء و الکفاره.

**س ۱۴:** در مناطق هزاره جات خانه های گِلی است که در کف آن خانه‌ها در داخل اتاق‌ها اطفال بول و غایط می‌کنند که کف آن اتاق‌ها نجس می‌شود بعد از خشک شدن آن مواضع نجس جاروب می‌کنند که گرد

و غبار از آن برخاسته در فضای اطاق پخش می‌شود آیا آن گرد و غبار که از اثر جارو از مکان نجس برخاسته محکوم به طهارت است یا نجاست؟

ج: اگر توسط آفتاب خشک نشود آن گرد و غبار که از موضع نجس برخاسته نجس است و اگر

بارطوبت ملاقات کند شی طاهر را نجس می‌کند و اگر نداند آن گرد و غبار از موضع نجس است یا نه

محکوم به طهارت است.

## احکام نجاسات

**س ۱:** اگر برای یک محصل مسلمان بورس های تحصیلی در یکی از ممالک خارجی مانند، آمریکا، فرانسه و هند و.... میسر می گردد تکلیف محصل در مورد غذا و مسائل مذهبی مانند نماز و روزه و.... چیست؟

**ج:** تحصیل در آنجا حائز است ولی از پذیرش و غذای که با دست آنها تماس میگرد و اداری

رطوبت باشد اجتناب کند نماز و روزه را هم با شرایطش باید انجام دهد.

**س ۲:** فی المطاعم الغریبة هل يجوز شرب حساء اللحم دون اللحم نفسه، و هل اللحم المختلط مع مأكولات اخرى تصیح کلها حراماً؟

**ج:** اذا كان الحيوان غير مذبوح بطريق الشرع، يكون لحمه ميتاً و نجساً و تصیح کل مأكولات، معه نجساً و اكله حراماً.

**س ۳:** در خانه های گلی و کوچه های خاکی معمولاً بچه ها ادرار می کنند بعد از آنکه محل ادرار خشک شد از اثر جاروب گرد و غبار بر می خیزد آیا این گرد و غبار نجس است؟

ج: اگر محل نجاست در زمان ترمی توسط آفتاب خشک نشده باشد آن محل محکوم به نجاست است و کرد و غبارش نجس است و با هر شیئی طاهر بار طوبت ملاقات کند نجس می‌کند و اگر شک کند که این کرد و غبار از محل نجس است یا نه؟ محکوم به طهارت است.

**س ۴:** مناطقی که کوچه های آن خاکی است، فاضلاب های خانه ها به داخل کوچه می‌ریزد و با توجه به عبور اشخاص و وسایل نقلیه از روی این نجاسات معمولاً حدس زده می‌شود که این نجاسات به بقیه نقاط کوچه سرایت کرده یا باد و طوفانها ذرات گرد و غبار برخاسته از این فاضلابها را به دیگر نقاط کوچهها منتقل می‌کنند، حالا حکم این ذرات گرد و غبار خشک ناشی از این فاضلاب چیست؟ و همچنین در روزهای بارانی آیا گل ولای که از این گونه کوچهها به لباس یا بدن اشخاص ترشح می‌کند پاک است یا نجس؟

ج: آنجا های که یقین دارید باصین نجاست و یا با تنجس ملاقات کرده است، نجس است و جا های که یقین به نجاست آن ندارید و احتمال نجاست می‌دهید محکوم به طهارت است.

**س ۵:** اگر در دهلیز خانه خصوصاً در مناطق هزاره جات که دهلیز خانه گلی است اگر بول کند دهلیز نجس شود بعد در اثر جاروب زدن گرد و خاک آن بالای فرش و لباس بنشینند آیا فرش و لباس نجس می‌شود؟

همچنین اگر حیوانات با پای تر از دهلیز به طویله‌اش برود آیا طویله‌اش نجس می‌شود؟

ج: اگر یقین دارند که آن کردو خاک از خاک نجس روی لباس و فرش نشسته اگر با رطوبت ملاقات کند لباس و فرش نجس می‌شود اگر لباس و کردو خاک خشک باشد موجب نجاست نمی‌شود با تکان دادن پاک است.

و اگر ندانند که از خاک نجس روی لباس و فرش نشسته در این صورت محکوم به طهارت است. اگر ندانند که پای حیوانات نجس است یا نه؟ و می‌دانند که آن کردو خاکها از خاک نجس است یا نه؟ در هر دو صورت فرش و لباس محکوم به طهارت است.

س ۷: با وزیدن باد پشم پنجاه گوسفند با موی سگ مخلوط شده استفاده از این پشم شرعاً چه حکم دارد؟

ج: در صورتیکه علم داشته باشد موی سگ در بین این پشمها موجود است جایز نیست لباس دست‌کند و با آن لباس نماز بخواند ولی اگر ندانند دست‌کند و بالایاش نشینند و یا نخواهد اشکال نداشت ولی با تری با تمام آن نماز ملاقات نکند.

**ص ۷:** زمینی هست که عمقاً تا ۲۰ یا ۲۵ متر شن و ماسه دارد و اتفاقاً اگر چاه آبی کنده شود هم تا آن مقدار به آب می‌رسد. و فاضلاب بزرگ به عمقی به همان اندازه (۲۰ تا ۲۵ متر) در آنجا وجود دارد که فاصله آن چاه آب با فاضلاب حدود ۱۶ و یا ۱۷ متر می‌باشد. آیا در زمین شن زار استفاده کردن از آب این چاه جهت آشامیدن اشکال شرعی دارد یا نه؟

ج: در فرض سوال حکم آب چاهی که ماده دارد یعنی از زمین می‌جوشد حکم آب جاری را دارد همان طوریکه آب جاری نجس نمی‌شود مگر اینکه رنگ آب رنگ نجاست شود یا بوی آب بوی نجاست شود یا مزه اش مزه نجاست شود و الا نجس نمی‌شود فاصله اش هر مقدار باشد باشد فرق نمی‌کند بشرطی که رنگ یا مزه یا بوی آب نجاست را بنخورد نگیرد، وقتی یکی از این اوصاف [رنگ یا بوی مزه] سه‌گانه را به خود گرفت اگر خود به خود آن وصف زایل بشود آب دوباره پاک

می‌شود.

## احکام وضوء

**س ۱:** در رساله های عملیه (توضیح المسائل) آمده است که در وضوء ریختن آب بر صورت و دست‌ها در مرحله اول واجب، در مرحله دوم مستحب و در مرحله سوم و بیش از آن حرام است. آیا علاوه بر حرمت موجب بطلان وضوء هم می‌شود آیا ملازمه ای بین حرمت و بطلان است؟

**ج:** بله! هم حرام است و هم موجب بطلان می‌شود.

**س ۲:** اگر در وضو با آفتابه بالای دست و مرفق آب بریزد نه با کف دست و سپس با کف دست از بالا به پایین بکشد وضو صحیح است یا نه حتماً با کف آب بریزد؟

**ج:** اگر با آفتابه قصد وضو آب بریزد کافی است اگر پوست بدن خیس بشود دست

کشیدن هم لازم نیست.

**س ۳:** کسی که دست چپش کاملاً در گچ است با آب لوله یا آفتابه در صورتیکه نفر کمکی موجود باشد یا نباشد چگونه باید وضوء جبیره ای



بگیرد یا تیمم کند؟

ج: وظیفه این شخص وضوی جیره‌ای است و هم احتیاطاً تیمم کند یعنی با دست راست بالای کچ را از آنج تا سر انگشتان (در صورتیکه تمام دست چپ در کچ باشد) مسح کند و اگر خودش نمی‌تواند وضوء بگیرد باید نیاب بگیرد و خودش تیت وضوء کند.

س ۴: اگر در غیر وقت نماز واجب برای غیر نماز - مثلاً برای مس قرآن و یا یک امر مستحب دیگر - وضو بگیرد آیا با این وضوء می‌تواند نماز واجب را بخواند؟

ج: در صورتی که قصد قربت کرده باشد می‌تواند با آن وضوء نماز بخواند.

س ۵: آیا وضو و غسل و طهارت با آب نیم خورده کفار جایز است؟

ج: وضو و غسل با آب نیم خورده آمان باطل است چون دهن کفار نجس است و آب

را نجس می‌کند.

## احکام غسل

**س ۱:** اگر غسل دادن میت ممکن نباشد و او را از باب ضرورت تیمم بدهند آیا بدن میت پاک می‌شود؟

**ج:** تیمم فقط حدث را برمی‌دارد اما نجس و نجاست را بر نمی‌دارد بنا بر این باید بدن میت از نجاست تطهیر شود اگر ممکن باشد.

**س ۲:** اگر بعد از غسل کفن میت، در میان قبر نجس شود آیا تطهیر آن واجب است؟

**ج:** بله! تطهیر واجب است. اگر تطهیر امکان ندارد، آن قسمت کفن باید بریده شود.

**س ۳:** اگر غسل دادن میت امکان نداشته باشد آیا یک تیمم کفایت می‌کند؟

**ج:** نه خیر! باید به جای هر غسل (غسل با سرد، کافور و آب خالص) یک تیمم داده شود و در

پایان بنا بر احتیاط واجب یک تیمم به جای حرسه غسل داده شود.

س ۴: اگر وظیفه انسان تیمم دادن میّت باشد آیا میت با دست خودش تیمم داده می شود یا بادست انسان زنده تیمم داده می شود؟

ج: اگر ممکن است میت هم بادست های خودش و هم بادست های انسان زنده تیمم داده شود اما اگر ممکن نیست تنها بادست های انسان زنده تیمم داده شود.

س ۵: اگر در تیمم دادن میت دست راست تیمم دهنده به طرف چپ صورت میت و دست چپ تیمم دهنده به طرف راست صورت میت قرار گیرد تیمم میت صحیح است؟

ج: بله! صحیح است.

س ۶: آیا زنان مانند مردان محتلم می شوند؟

ج: بله! ممکن است، با خروج منی غسل بر زنان واجب شود.

س ۷: اگر مردی با زنش ملاعبه و شوخی کند، مایعی از زن ترشح کند که نداند منی است یا خیر؟ آیا نشانه و علایمی وجود دارد که تشخیص داده شود که منی است؟

ج: علایم خروج منی (لذت و سستی بدن) در مردان و زنان تفاوتی ندارد اما در فرض

سؤال اگر زن شک کند که منی است یا نیست غسل بر او واجب نیست.

س ۸: اگر کسی گمان کند که آب سرد برایش ضرر دارد آیا می تواند به جای غسل تیمم کند یا این که یقین به ضرر داشته باشد؟

ج: با احتمال و خوف ضرر می تواند به جایی غسل تیمم کند.

س ۹: کسی که غسل جنابت می کند و می خواهد نماز بخواند، قصد نماز در هنگام غسل شرط است؟

ج: قصد نماز شرط نیست می تواند با همان غسل نماز بخواند.

س ۱۰: کسی که برای نماز صبح غسل جنابت می کند، می تواند با آن نماز ظهر و عصر را بخواند.

ج: اگر محدث نشده و طهارتش باقی است می تواند نماز بخواند.

س ۱۱: مرد یا زن غیر مسلمان که جنب و حیض شده آیا پس از مسلمان شدن باید غسل جنابت و حیض انجام دهند؟

ج: غسل لازم نیست.

س ۱۲: اگر بعضی اعضای میّت مانند دست، پا، سر و انگشت جدا شود آیا غسل دادن آن واجب است، اگر واجب است باید مانند خود میّت سه بار غسل داده شود؟

ج: بله! واجب است که سه بار غسل داده شود، اما اگر عضو جدا شده استخوان نداشته باشد غسل آن واجب نیست. در پارچه ای پیچیده و دفن شود.

س ۱۳: کدام اعضای میت اگر جدا شود نماز بر آن واجب است؟

ج: اعضایی که مثل بر سینه میت باشد، غسل، کفن، نماز و دفن آن واجب است.

س ۱۴: اگر دندان یا انگشت انسان زنده جدا شود، دفن آن واجب

است؟

ج: دفن آن مستحب است.

س ۱۵: اگر زن در عده طلاق رجعی وفات کند آیا شوهر می تواند او را

غسل دهد؟

ج: بله! پیش از تمام شدن عده شوهر می تواند او را غسل دهد.

س ۱۶: اگر زن حیض یا مرد جنب پیش از غسل حیض و جنابت فوت

کند آیا غسل میت برای آن ها کفایت می کند؟

ج: بله! کفایت می کند.

س ۱۷: کسی که جنب بوده و پیش از غسل جنابت فوت کرده است آیا

بر غسل دهنده لازم است که در هنگام غسل میت، نیت غسل جنابت او را

هم داشته باشد؟

ج: لازم نیست، غسل میت کفایت می‌کند.

س ۱۸: اگر بدن میت نجس باشد آیا ازاله نجاست پیش از غسل میت واجب است یا همزمان با غسل کفایت می‌کند؟

ج: احوط آن است که پیش از غسل ازاله نجاست شود اما اگر همزمان با غسل ازاله شود و

آب غسل هم با نجاست نجس نشود کفایت می‌کند.

س ۱۹: اگر کسی وصیت کند که بعد از مرگش فلان شخص او را غسل بدهد آیا بر آن شخص واجب است که قبول کند و او را غسل بدهد؟

ج: واجب نیست مگر اینکه کسی دیگر نباشد که میت را غسل دهد.

س ۲۰: اگر برای غسل میت غیر از آب غصبی، آب مباح نباشد، میت غسل داده شود یا تیمم؟

ج: در این صورت واجب است تیمم داده شود.

س ۲۱: اگر بعد از غسل، بدن یا کفن میت نجس شود، تطهیر آن واجب است؟

ج: در صورت امکان، تطهیر آن واجب است.

س ۲۲: آیا گرفتن مزد و اجرت برای غسل، کفن و دفن میت جایز است؟

ج: کمر فتن مزود مقابل نفس تغسیل، تکفین و تدفین جایز نیست. اما در مقابل آب غسل و سایر مقدمات می‌توانند اجرت بگیرند.

س ۲۳: اگر خشتی<sup>۱</sup> مشکل فوت کند و محرم نداشته باشد چه کسی او را غسل دهد؟

ج: بنا بر احتیاط واجب یک بار مرد از روی لباس و یک بار زن، از روی لباس او را غسل بدهند.

س ۲۴: اگر عضوی از اعضای انسان پیدا شود، بدانیم که عضو انسان مسلمان اسأت اما ندانیم که مرد است یا زن چگونه غسل داده می‌شود؟

ج: یک بار مرد و یک بار زن از روی پارچه آن را غسل بدهند.

س ۲۵: میت خشتی<sup>۱</sup> که آلت تناسلی زن و مرد را دارد اما محرمی ندارد چه کسی، چگونه او را غسل می‌دهد؟

ج: یک بار مرد و یک بار زن از روی لباس او را غسل بدهند.

س ۲۶: خشتی<sup>۱</sup> که آلت تناسلی زن و مرد را دارد وظایف شرعی خود را مانند مردان انجام دهد یا مانند زنان؟

ج: وظایف هر کدام که مطابق با احتیاط است به آن عمل کند.

**س ۲۷:** دوقلو (دوگانه) هایی که از پشت به هم چسبیده‌اند در هنگام دفن چگونه رو به قبله گذاشته می‌شوند؟

**ج:** قرص کشتی شود، قرص به نام هر که در آید رو به قبله گذاشته شود.

**س ۲۸:** زنی که دارایی عادت وقتیه و عددیه است در اول وقتش کمی خون به صفت استحاضه می‌بیند و قرص جلوگیری مصرف می‌کند خون را قطع می‌کند با توجه به اینکه حیض از سه روز کمتر نمی‌تواند باشد این خون باید استحاضه باشد با توجه به اینکه زن صاحب عادت وقتیه و عددیه است خون در وقتش آمده اگر قرص نمی‌خورد این خون تا هفت روز - مثلاً - که وقتش است ادامه پیدا می‌کرد حالا این خون حکم کدام یکی را دارد، بر فرض بودن خون حیض آیا این زن هفت روز که عادتش است عمل مستحاضه را انجام دهد یا عمل حیض را که عبادتش را ترک کند؟ (توضیح اینکه بعد از آن خون که در اول وقتش دیده دیگر خون ندیده).

**ج:** در فرض سوال چون حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی‌باشد لذا این خونی که

قبل از سه روز قطع شود و لو خون را عمدتاً با خوردن قرص قطع کند این خون استحاضه است نه خون

حیض.

**س ۲۹:** اگر بعد از غسل متوجه شود قسمتی از ناخن دست یا پا، قسمتی از موی سر یا صورت آلوده به رنگ بوده و مانع از رسیدن آب شده است



در چنین حالتی اگر ناخن را بچیند یا موی سر یا صورت را بچیند غسل را باید اعاده کند؟

**ج: در فرض سؤال اعاده غسل لازم است.**

**س ۳۰:** در هنگام که جنب باشد حیض شود، در هنگام که حیض است غسل جنب صحیح است یا نه؟ اگر صحیح نیست پس چه شرایط دارد؟

**ج: اگر جنب باشد و قبل از آنکه غسل جنابت را بکند حیض شود بعد از پاک شدن از حیض**

**اگر یک غسل جنابت بکند از هر دو کفایت می‌کند.**

**س ۳۱:** در حال حیض حمام کردن (از نگاه نظافت) اشکال دارد یا نه؟

**ج: در حال حیض حمام کردن برای نظافت اشکال ندارد.**

## کیفیت نماز میت

**س ۱:** اگر میت دو مرد و یا دو زن و یا یکی مرد و دیگری زن باشد، نماز میت بر آنها چگونه خوانده می شود؟

**ج:** ادکار نماز میت تا تکبیر سوم بین یک نفر و دو نفر فرق نمی کند. اما بعد از تکبیر چهارم

اگر دو نفر مرد باشند باید بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ عَبْدَاكَ وَ ابْنَا عَبْدَيْكَ وَ ابْنَا أُمَّتِكَ نَزَلَا بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُمْ إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِمْ مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَا مُحْسِنِينَ فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِمْ وَ إِنْ كَانَا مُسِيئِينَ فَتَجَاوَزْ عَنْهُمْ وَ اغْفِرْ لَهُمْ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُمْ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَى أَهْلِهِمْ فِي الْغَابِرِينَ وَ ارْحَمْهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

و اگر یک نفر مرد و یک نفر زن باشند بهمان کیفیت بالا خوانده می شود با اعتبار میت بودن و یا

از باب غلبه مرد بر زن.

**س ۲:** اگر میت چند نفر مرد و یا چند نفر زن باشند و فرصت خواندن نماز برای هر کدام جدا جدا نباشد نماز میت چگونه خوانده می شود؟

**ج:** اگر میت خدّم داشته باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ عِبِيدُكَ وَآبْنَا عِبِيدِكَ وَآبْنَا إِمَائِكَ نَزَّلُوا بِكَ وَآنتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُمْ إِلَّا خَيْرًا وَآنتَ أَعْلَمُ بِهِمْ مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانُوا مُحْسِنِينَ فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِمْ وَ إِنْ كَانُوا مُسِيئِينَ فَتَجَاوَزْ عَنْهُمْ وَ اغْفِرْ لَهُمْ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُمْ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَى أَهْلِهِمْ فِي الْغَابِرِينَ وَ ارْحَمْهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

**و اگر میت چند نفر زن داشته باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید:**

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ إِمَائِكَ وَ بَنَاتُ عِبِيدِكَ وَ بَنَاتُ إِمَائِكَ نَزَلْنَ بِكَ وَ آنتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُنَّ إِلَّا خَيْرًا وَ آنتَ أَعْلَمُ بِهِنَّ مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كُنَّ مُحْسِنَاتٍ فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِنَّ وَ إِنْ كُنَّ مُسِيئَاتٍ فَتَجَاوَزْ عَنْهُنَّ وَ اغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُنَّ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَى أَهْلِهِنَّ فِي الْغَابِرِينَ وَ ارْحَمْهُنَّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

**س ۳:** آیا بین غسل و کفن و نماز میت ترتیب شرط است؟ به قسمیکه

اگر نماز قبل از کفن نمودن میت خوانده شود مجزی است؟

**ج:** بلی ترتیب شرط است. و قبل از کفن نماز خواندن کفایت نمی کند.

## احکام تیمم

**س ۱:** وقتی کسی خودش تیمم می‌کند هر دو دست را به صورت خود میکشد و هر دو انگشت کوچک در کنار هم قرار می‌گیرند اما وقتی که کسی دیگری یا میتی را تیمم بدهد رو به روی او می‌نشیند و انگشتان بزرگ (شصت) در کنار هم قرار می‌گیرند آیا این گونه تیمم دادن صحیح است؟

**ج:** شرط تیمم این است که با هر دو کف دست پیشانی و ابروها مس شود. دیگر شرطی ندارد

اما درصحن حال می‌شود در تیمم نیابتی پشت سر منوب غنیمت قرار بگیرد و دست‌های خود را از زیر بغل آن‌ها رد کرده تیمم بدهد.

## احکام نماز

**س ۱:** اینکه می گویند در نماز زن باید از مرد عقب تر بایستد، چه اندازه عقب باشد؟

**ج:** اگر محل ایستادن زن از محل ایستادن مرد ولو کمی عقب تر باشد کفایت می کند.

**س ۲:** کسی که اذکار نماز را بدون طمأنینه و از روی فراموشی انجام داده وظیفه اش چیست؟

**ج:** اعاده نماز واجب نیست.

**س ۳:** اگر کسی، مدتی به سمتی نماز بخواند و بعداً معلوم شود که قبله به آن سمت نبوده است نماز هایش چه حکمی دارد؟

**ج:** اگر بعد از تفحص و اطمینان به آن سمت نماز خوانده باشد و بعد اگشت خلاف شود نماز

بایش قضاء ندارد. البته اگر انحراف از قبله به نود درجه نرسیده باشد و الا هفتاد آن نمازها واجب

است.

**س ۱۴:** کسی که یقین به احتلام پیدا کرده و منی را در لباس خود دیده اما کار فرما به او اجازه غسل و تطهیر نداده است، نماز خواندن در چنین حالت و با چنین لباسی چه حکمی دارد؟

**ج:** نماز خوانده شده باید قضا شود و برای نمازهای بعدی باید غسل و لباس را تطهیر کند. اجازه

ندادن کار فرما عذر به شمار نمی آید.

**س ۱۵:** اگر کسی در مسافرت، محتمل شود و نتواند غسل کند و لباسش را بشوید در هنگام نماز چه وظیفه ای دارد؟

**ج:** اگر ممکن باشد باید غسل کند و لباسش را بشوید و یا عوض کند. اما اگر ممکن نیست تیمم کند با

همان لباس نماز بخواند.

**س ۱۶:** کسی که از روی جهل پیش از تسیحات اربعه «بسم الله الرحمن الرحیم» گفته است آیا نمازش صحیح است و قضاء ندارد؟

**ج:** صحیح است و قضا ندارد.

**س ۱۷:** کسی که محتمل و لباسش نجس شده، در حالی که می تواند لباسش را عوض کند، اگر تیمم کند و با همان لباس نجس نماز بخواند چه حکمی دارد

ج: اگر دسترسی به آب نداشت باید تیمم کند و لباسش را عوض کند و کمر نه نمازش باطل

است.

س ۸: اگر کسی در رکعت سوم به امام جماعت اقتدا کند و به خواندن سوره حمد شروع کند و اما در رکوع به امام جماعت نمی‌رسد، اگر در سجده به امام جماعت برسد آیا نمازش صحیح است یا اینکه قصد «فرادا» بکند؟

ج: نیت فراداکند نماز جماعت محقق نمی‌شود.

س ۹: اگر کسی در رکعت اول نیت جماعت کند اما در رکوع به امام نرسد آیا نمازش فرادا می‌شود یا جماعت باقی است؟

ج: نمازش فرادی است اگر حمد و سوره و ادکار را بخواند اشکال ندارد.

س ۱۰: بیشتر مردم در جامعه ما تجوید بلد نیست، در قرائت حمد و سوره و مخارج حروف اشتباهات زیادی دارند و نمازهای شان را همین طور می‌خوانند از سوی دیگر آموختن قرائت و تجوید برای آنان دشوار است، وظیفه آنان چیست؟

ج: مؤمنان تلاش کنند که قرائت و تجوید نمازشان را یاد بگیرند. اگر قدرت نداشته باشند

معدوزند. و نمازشان صحیح است انشاء الله.

**س ۱۱:** کسانی هستند که به خاطر بلد نبودن وضو و جاهل بودن به احکام نماز چند سالی نماز شان را اشتباه خوانده‌اند آیا قضای نماز های خوانده شده بر آن‌ها واجب است؟

**ج:** اگر اعتقاد داشته‌اند که قرائت شان درست بوده و بعد اگش خلاف شد نماز بازش اعاده و قضا ندارد. اما اگر اعتقاد داشته‌اند که وضوی شان صحیح بوده است و بعد اگش خلاف شد نماز باشی خوانده شده با چنین وضو باید اعاده و قضاء شود.

**س ۱۲:** کسی که محتلم می‌شده و صبح هنگام بیدار می‌شود که نماز در حال قضا شدن است و وظیفه‌اش تیمم است آیا با همان لباس نجس می‌تواند نماز بخواند؟

**ج:** اگر لباس دیگری نداشته باشد اشکالی ندارد.

**س ۱۳:** آیا گفتن ذکر رکوع در سجده و ذکر سجده در رکوع - عمداً - جایز است؟

**ج:** نباید عمداً چنین شود و اگر سهواً انجام دهد نمازش صحیح است.

**س ۱۴:** اگر در نماز - اشتبهاً - به جای ذکر رکوع، ذکر سجده یا به جای تسبیحات اربعه سوره حمد خوانده شود آیا سجده سهو واجب می‌شود؟



ج: سجده سهو واجب نیست.

س ۱۵: در قضای سجده و تشهد فراموش شده، تنها خواندن ذکر سجده و تشهد فراموش شده کفایت می‌کند یا علاوه بر آن سلام هم داده شود؟

ج: در قضای سجده و تشهد فراموش شده، ذکر سجده و تشهد کفایت میکند اما برای سجده سهو ذکر

مخصوص با تشهد و سلام کفایت می‌کند.

س ۱۶: اگر در سجده شک کند که در سجده دوم است یا سوم وظیفه چیست؟

ج: بنا بر سجده دوم گذاشته و نماز را تمام کند. بعد از نماز سجده سهو لازم نیست.

س ۱۷: آیا در سجده های واجب قرآن رو به قبله بودن شرط است یا نه؟

ج: رو به قبله بودن شرط نیست اما بهتر است.

س ۱۸: اگر کسی، پایش را گج گرفته باشد به گونه ای که در هنگام مسح پا، دستش به پایش نرسد وظیفه اش چیست؟

ج: کسی دیگر به نیابت از او ترمی (رطوبت) از دست او بگیرد و پایش را مسح کند. و احتیاطاً

تیمم هم بکند.

س ۱۹: اگر امر دایر شود بین نماز اول وقت و رسیدگی به امور ایتم،

مستمندان، سادات و مریض های بد حال کدام یکی مقدم می شود؟

**ج: در فرض سوال تاخیر انداختن نماز اول وقت اشکال ندارد و رسیدگی به امور مستمندان**

**اولویت دارد.**

**س ۲۰:** اگر نماز انسان در زمان مجتهدی قضا شود که تسبیحات اربعه را سه بار احتیاط واجب می داند اکنون که از شما تقلید می کند می تواند قضای آن را با یک تسبیحات اربعه بخواند؟

**ج: بد! می تواند.**

**س ۲۱:** بیدار کردن افراد برای نماز صبح چه حکمی دارد؟

**ج: اگر راضی نباشند جایز نیست. البته افراد خانواده و اولاد را باید بیدار کند.**

**س ۲۲:** کسی که در نماز یک مرتبه تسبیحات اربعه را خوانده است، نمازش صحیح است؟

**ج: یک مرتبه هم کفایت می کند.**

**س ۲۳:** آیا مسافرتی که رفت و برگشت آن پنجاه کیلو متر باشد موجب قصر نماز می شود؟

**ج: بد! موجب قصر می شود.**

**س ۲۴:** منظور از طهارت مسجد در نماز تنها محل سجده است یا زیر

هر دو کف دست را نیز شامل می‌شود؟

**ج:** منظور تنها محل سجده است. اگر نجاست زیر زانو، دست و پا، مسنری نباشد اشکالی

ندارد.

**س ۲۵:** کسی که در فاصله یک یا دو کیلومتری اش نماز جمعه بر گزار می‌شود اگر همزمان با نماز جمعه، نماز جماعت بر گزار کند، این نماز چه حکمی دارد؟

**ج:** نماز جماعت اشکال ندارد.

**س ۲۶:** کسی که در محل نماز جمعه است، اگر نماز ظهرش را در اول وقت به طور فرادا بخواند نمازش چه حکمی دارد؟

**ج:** اشکالی ندارد.

**س ۲۷:** اگر لازم باشد که نماز فرادا یا جماعت از نماز جمعه به تأخیر انداخته شود این تأخیر به اندازه وقت نماز جمعه است یا کمتر؟

**ج:** تاخیر لازم نیست.

**س ۲۸:** آیا طلبه ای که درسش در حد شرح لمعه است می‌تواند نماز جمعه بر گزار کند و امامت نماز جمعه را به عهده بگیرد؟

**ج:** اگر حاکم شرع صلاحیت او را تأیید کند اشکال ندارد.

**س ۲۹:** کسانی که در افغانستان زن دارند و بدون اجازه آنها برای کارگری به ایران می‌ایند آیا نماز آنها در این مسافرت قصر است یا تمام یعنی سفر آنها حرام است یا نه؟

**ج:** در صورتیکه مسافرت آنها ادامه داشته و قصد اقامه ده روز در جای نکنند نمازشان قصر است و سفرش حرام نمی‌باشد فقط آنچه برایشان واجب است رساندن نفقه برای زوجه اش میباشد.

**س ۳۰:** شخصی در محل زندگی خود اقامه میکند ولی هر روز برای تحصیل نفقه عیالش بیش از مسافت شرعی را طی میکند در تمام سال، و شبها در محل اقامه خود بر میگردد تکلیف صوم و صلاة ایشان چه است؟

**ج:** نمازش تمام و روزه را باید بگیرد.

**س ۳۱:** در نماز صبح و مغرب و عشاء که قرائت حمد و سوره را باید با صدای بلند بخوانند اگر کسی از روی جهالت یا فراموشی آهسته بخواند نمازش صحیح است یا خیر؟

**ج:** نمازش صحیح است ولی باید یاد بگیرد و عمداً آهسته نخواند.

**س ۳۲:** در سجده که باید هفت عضو بدن بر زمین تماس پیدا کند اگر بقیه اعضاء بدن هم با زمین تماس پیدا کند مانند سه یا چهار تا انگشتان پا

یا آرنج حکمش چیست؟

ج: اگر بقیه اعضا به علاوه هفت موضع بزین برسد نماز صحیح است.

س ۳۳: آیا یاد گرفتن تجوید در نماز برای همه واجب است؟

ج: آنچه واجب است تصحیح قرائت حمد و سوره است و آن وقت‌هایی که علماء علم تجوید قائلند یاد گرفتن آن واجب نیست.

س ۳۴: شخصی از روی جهل و نادانی تسبیحات اربعه را مدت سه یا چهار سال با بسم الله خوانده است آیا نماز‌های ایشان صحیح است یا قضا دارد؟

ج: نمازش صحیح است.

س ۳۵: اگر زن بدون اجازه شوهر خانه را ترک کند آیا نمازش صحیح است یا نه؟

ج: این زن حق نفقه بر شوهر ندارد اما نمازش صحیح است مگر اینکه بالباسی که شوهر برایش به نکرده فقط اجازه استفاده در صورت اطاعت از شوهر برایش داده باشد در این صورت اگر شوهر راضی نباشد و با آن لباس نماز نخواند نمازش باطل است. و هم چنین اگر بدون اجازه‌ی شوهر به

## اندازه مسافت شرعی مسافرت کند نماز را باید تمام بخواند.

**س ۳۷۶:** اینجانب بخاطر کار حواله داری مدت یکسال است که مسافر هستم و در ایران خانه و جای ندارم و حالا هم معلوم نیست که تا چه وقت دیگر مسافر هستم آیا نماز و روزه ام قصر است یا تمام؟

**ج:** چنانچه تصمیم دارید که تا مدت سه ماه و بیشتر شهر به شهر گردش بکنید و وظیفه شما تمام است و هم چنین اگر مدت ده روز و بیشتر قصد ماندن در یکجای بکنید باز وظیفه شما تمام است.

**س ۳۷۷:** شخصی برای قضای نماز و روزه میت اجیر شده مقداری را انجام داده و مقداری باقی مانده ولی نمی داند چه مقدار در ذمه اش باقی مانده است اینها چکار کند؟

**ج:** اگر مدت اجاره باقی است باید آن مقدار انجام دهد تا یقین به فراغ ذمه خود پیدا کند و اگر مدت اجاره تمام شده باید دوباره وقت اجاره را با مستاجر تمدید کند. نماز و روزه باقی مانده را انجام دهد و اگر دسترسی به مستاجر ندارد از حاکم شرع استجازه کند.

**س ۳۷۸:** شخصی مدت سه سال مریض بوده و توانای نماز خواندن را نداشته است و از زبان لال بوده است وصیت هم نکرده تکلیف پسر بزرگ ایشان چه است آیا قضا این سه سال نماز و روزه بر پسر بزرگ واجب است یا نه؟

ج: بر شخص مریض هم نماز واجب است و لو قدرت بر رکوع و سجود و ایستادن و نشستن نداشته باشد حتی با اشاره چشم و ابرو باید رکوع و سجود را انجام دهد اگر زبان ندارد عوض قرائت باید به قلب خود بخورد به حال که در این مدت نماز نخوانده است و روزه نگرفته است قضا نمازش بر پسر بزرگش واجب است اما قضا روزه اش اگر در همین مدت سه سال قدرت بر گرفتن روزه پیدا نکرده است واجب نیست فقط روز یک مد طعام که تقریباً هر مدی به مقدار سه ربع کیلو است به قسیم دهد.

س ۳۹: شخصی خانه اش در علی شاوز کرج و محل کارش در تهران است بین محل کار و خانه اش حدود ۳۰ کیلو متر فاصله است این شخص روز شنبه هر هفته در تهران در محل کارش می رود و روز پنج شنبه بخانه اش بر میگردد نماز و روزه این شخص قصر است یا تمام؟

ج: اگر رفت و آمد این شخص حد اقل بیشتر از سه ماه طول بکشد در هر دو جا نماز و روزه اش

تمام است.

س ۴۰: اگر کسی اذان و اقامه را فراموش کند بعد از نیت یادش بیاید

چکار کند؟

ج: اگر قبل از رکوع یادش بیاید مستحب است نماز را بسکند و نماز را با اذان و اقامه بخواند.

۴۱: فی آذان المغرب عند السنّة، بعد کم دقیقه تقریباً یحین موعد الآذان

عندنا؟

ج: يجب احتیاطاً أن لا یصلی قبل ذهاب الحمرة المشرقية من فوق الرأس.

س ۴۲: اگر کسی در محلی که نماز جمعه بر گذار است [ مثلاً در یک کیلو متری یا دو کیلو متری آن ] نماز جماعت را در اوّل ظهر روز جمعه برگزار نماید، آیا این نماز جماعت حرام است یا مکروه است و یا کلاً باطل است؟

ج: نماز صحیح است و اشکالی ندارد.

س ۴۳: اگر کسی در محلی که نماز جمعه بر گذار است نمازش را در اوّل ظهر جمعه فرادا بخواند، این نمازش مکروه است یا حرام است یا کلاً باطل است.

ج: نمازش صحیح است، حرمت و کراهت ندارد مگر اینکه موجب بی اعتنائی به نماز جمعه

شود.

س ۴۴: اگر نماز جماعت و نماز فرادا که در سؤالهای فوق ذکر شده، از اوّل ظهر جمعه تأخیرش لازم باشد، چه مقدار باید تأخیر بیاندازد، تا تمام شدن نماز جمعه و یا مقدار کمتر هم کافی است؟



### ج: تاخیر نماز لازم نیست.

**س ۱۴۵:** اینکه در نماز، زن باید از مرد عقب تر بایستد، مراد اینست که جای سجده زن از جای پای مرد عقب تر باشد، یا اگر جای سجده زن از جای سجده مرد عقب تر باشد کافی است، اگر چه جای سجده زن برابر خود مرد باشد؟

### ج: اگر محل ایستادن زن از محل ایستادن مرد عقب تر باشد کافی است.

**س ۱۴۶:** اگر در بیابان و صحراها وقت نماز تنگ شود و اگر کفش خود را در بیاورد دست و پایش را سرما ناقص می کند یا اصلاً امکان ندارد در این صورت می تواند با کفش نماز بخواند و اگر نماز خواند آیا این نماز قضاء یا اعاده دارد یا خیر؟

### ج: در فرض سوال اگر وضو داشته باشد نماز صحیح است.

**س ۱۴۷:** نماز مغرب و عشاء بعد از ساعت ۱۲ نیمه شب قضا می شود یا خیر؟

### ج: ملاک قضاء بعد از نصف شب است نه ساعت ۱۲.

**س ۱۴۸:** آیا در نیت نماز قصد وجه یعنی تعیین نمودن وجوب یا استحباب لازم است؟ یا فقط قصد قربت کفایت می کند.

ج: وقت قصد خواندن نماز می‌کند لکن قصدش معلوم است که نماز واجب می‌خواند یا

مستحب همان مقدار کافی است.

**س ۴۹:** پسر سیزده سال دارد مدعی است که یکبار از او منی بیرون شده البته علامتش را سؤال نکردیم که مطمئن شویم راست است یا نه؟! یا اینکه وذی یا مذی است، البته ایشان روزه را کاملاً می‌گیرد، سؤال ما اینست که روزه و نماز برایش واجب شده یا نه؟

ج: «در فرض سؤال اگر از پسر شامنی خارج شده باشد روزه و نماز برای او واجب شده

است چون یکی از علامات بلوغ خروج منی است و لو پانزده سالش تکمیل نشده باشد.

**س ۵۰:** در سجده نماز و یا هر سجده واجب، دستورش اینست که باید دست در زمین قرار بگیرد حال اگر انگشتان دست روی زمین قرار نگیرد سجده و نماز صحیح است یا نه؟

ج: فقط کف دست و زانوها و سر انگشتان بزرگ پاها اگر بر زمین قرار بگیرند کافی است.

**س ۵۱:** در برخی مناطق هزارجات، زن‌ها قسمتی از موی خود را در طرف صورت خود می‌اندازند که در اصطلاح «پیچه» می‌گویند و در معرض دید نامحرمان است. آیا این کار جایز است. اگر در نماز پوشانده نشود چه حکمی دارد؟

ج: بر زنان واجب است که موی خود را از نامحرمان بپوشانند. در هنگام نماز هم باید بپوشانند و کمره نمازشان باطل است. نگاه کردن مرد به موی زنان نیز حرام است مگر به قسمتی از موی زنان سانخورده و پیر که در روستاها زندگی می‌کنند که معمولاً نمی‌پوشانند مگر اینکه نظر مرد به نامحرم از روی شهوت باشد. اما در نماز همین پیرزن هم باید موی خود را بپوشانند و الا نمازشان باطل است.

## احکام نماز جماعت

**س ۱:** اگر عدالت امام جماعت احراز نشده باشد یا عقیده به عدم عدالت امام جماعت دارد اما بخاطر بعضی جهات مثلاً اگر به او اقتدا نکند ضرری به او می‌رسد مثلاً یک طلبه در یک مدرسه اگر به متولی مدرسه اقتداء نکند ممکن است او را از مدرسه اخراج کند با توجه به مشکلی جاه در مدارس حالا وظیفه، این طلبه چیست؟

**ج:** اگر عقیده به عدالت امام نداشته باشد اقتداء جایز نیست و اگر صورتاً اقتداء کند باید نماز را

دوباره بخواند.

## احکام نماز آیات

**س ۱:** زنی که در هنگام خسوف یا کسوف گرفتار عادت ماهانه بوده و پیش از انجلاء به اندازه درک یک رکعت باطهارت فرصت پیدا کرده است اما نماز آیات را نخوانده است آیا قضای آن بر او واجب است؟

**ج:** بله! واجب است.

**س ۲:** آیا در پس لرزه های زمین لرزه (زلزله) نیز نماز آیات واجب است؟

**ج:** اگر بر آن نماز آیات واجب است.

**س ۳:** اگر در موقع زلزله و رعد و برق و آفتاب و ماه گرفتگی انسان در خواب باشد بعد از بیداری قضاء نماز بر او واجب است یا نه؟

**ج:** بله در زلزله و رعد و برق که اکثر مردم بترسند و آفتاب و ماه گرفتگی کامل قضاء واجب

است و اگر مقداری از آن گرفته بوده قضاء بر او واجب نیست، در زلزله اگر اکثر مردم هم

ترتیب قضاء لازم است.

## نماز مسافر

**س ۱:** کسی که خانه‌اش در ورس است و دوسال است که در پنجاب کار می‌کند هر وقتی که از کابل به پنجاب می‌آید چهار - پنج روز در آن جا میماند در این مدت نمازش را تمام بخواند یا قصر؟

**ج:** در فرض سوال نماز تمام خوانده می‌شود حتی اگر یک روز در آنجا بماند.

**س ۲:** کسی که خانه‌اش در اردوگاه مشهد و کارش در شهر مشهد است بعد از بازگشت نماز و روزه‌اش چه حکمی دارد؟

**ج:** اگر در اردوگاه و نیز در مشهد ده روز نمی‌ماند و کارش بیش از سه ماه طول بکشد نمازش تمام است و اگر قصد اقامه ده روز در اردوگاه و یا مشهد کند نماز در آن دو جا نیز تمام است.

**س ۳:** کسی که اهل و عیالش را رها کرده و مدت سیزده سال است که مسافر است آیا او دایم السفر به شمار می‌آید؟

**ج:** کسی که اهل و عیال خود را ضایع گذاشته، سفرش، معصیت است. نماز و روزه‌اش قصر

نمی‌شود طبق حدیث «مَنْ ضَيَّعَ عِيَالَهُ فَهُوَ مَلْعُونٌ».

**س ۴:** طلابی که اقامت دارند اگر از مسافرت بر گردند و یک شب یا یک روز در حوزه‌ی محل درس خود بمانند و دو باره مسافرت کنند، نماز و روزه آنها چه حکمی دارد؟

**ج:** اگر سه سال یا بیشتر در آن جا مانده باشند یا قصد ماندن دارند، وطن او محبوب می‌شود. باید

روزه بگیرند و نماز را تمام بخوانند.

**س ۵:** کسی که در ده زندگی می‌کند و با شهر دو - سه ساعت فاصله دارد. وقتی از ده حرکت می‌کند قصد مسافرت هشت فرسخ دارد. در این صورت وقتی به شهر خود رسیدند آیا نمازش قصر و روزه‌اش افطار می‌شود؟ آیا در شهر خودش هم نیاز به قصد اقامت ده روز دارد؟

**ج:** پس از گذشتن از حد ترخص یعنی جایی که دیوار دیده و آذان ده شنیده نمی‌شود روزه

افطار می‌شود. اگر از ابتدا قصد سفر به شهری را داشته باشد که بین آن شهر و ده چهار فرسخ فاصله

نیست در این صورت نیاز به قصد اقامت نیست، نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است.

**س ۶:** در اداره ای کار می‌کنم که چهل و پنج کیلو متر تا منزل من فاصله دارد غیر از روزهای تعطیل، مرخصی و مأموریت، این فاصله را طی می‌کنم. گاهی به اقتضای شغل وظیفه سرزدن به شهرستان‌های دیگر استان



را هم دارم اکنون:

۱-۶: آیا در ایام معمولی و کاری مسافر حساب می‌شوم؟

۲-۶: وقتی که به دیگر شهر های استان می‌روم وظیفه ام چیست؟

۳-۶: روزهایی که به خاطر تعطیلی یا مرخصی در خانه هستم وظیفه

شرعی ام چیست؟

ج: ۱- اگر این رفت و آمد سه ماه یا بیشتر طول بکشد، و ایام السفر به شمار می‌آید و روزه و

نمازتان در خانه و محل کار تمام است.

ج: ۲- ۶ ماه و بیشتر رفت و آمد می‌کنید در شهرهای دیگر استان اگر جزء کار معمولی تان باشد موجب قصر نماز

و روزه تان نمی‌شود.

س ۷: کارگر مهاجر افغانی هستم که محل کارم چهل و پنج کیلومتر با

خانه‌ام فاصله دارد نمازم چگونه خوانده می‌شود؟

ج: اگر به مدت سه ماه و بیشتر رفت و آمد می‌کنید در حکم و ایام السفر هستید و نمازتان در خانه و

محل کار تمام خوانده می‌شود.

اگر به مدت دو ماه رفت و آمد می‌کنید احتیاطاً هم قصر بخوانید، هم تمام.

اگر به مدت یک ماه رفت و آمد می‌کنید نمازتان در محل کار قصر و شگته خوانده می‌شود.

**س ۸:** اگر کسی شک کند که سفرش مباح است یا معصیت و وظیفه‌اش

چیست؟

**ج:** تا وقتی که معصیت بودن سفر ثابت نشود نماز قصر خوانده می‌شود.

**س ۹:** در دهاتی هستیم که در هر سال دو ماه تابستان به جهت مالرداری ایلاق می‌رویم و این ایلاق در مسافت یکفرسخی قشلاق قرار دارد در بعضی از اوقات از قشلاق تصمیم مسافرت می‌گیرم شب را در ایلاق سپری و صبح بطرف سفر حرکت می‌کنم قصدم تا جای است که اگر از قشلاق مسافت را حساب کنیم. چهار فرسخ میشود و اگر نه از ایلاق حساب کنیم مثلاً سه فرسخ میشود در بعضی از اوقات از ایلاق تصمیم سفر می‌گیرم باز هم قصدم همان مکان قبلی است آیا نمازم تمام است یا قصر؟ و در بعضی اوقات که ایلاق نمی‌باشم اما گذرم از بالای همین منطقه است.

**ج:** اگر در ایلاق قصد اقامه کنید و از آنجا قصد مسافرت می‌کنید باید رفت و برگشت هشت

فرسخ باشد تا اینکه نماز قصر شود و اگر از قشلاق قصد مسافرت چهار فرسخ کنید و به ایلاق عبور کنید و

تا جایی بروید که از قشلاق چهار فرسخ می‌شود و قصد برگشتن داشته باشید بدون قصد اقامه نماز را قصر

بنخوانید اگر چه به ایلاق عبور کنید.

**س ۱۰:** اگر در مسافرت جووری اتفاق بیافتد که برای نماز ماشین استاده نشد و وقت نماز هم تنگ است آیا می‌تواند نماز را در حال حرکت در داخل ماشین بخواند آیا جهت قبله شرط نیست حالا به این شکل اگر نماز بخواند صحیح است چگونه سجده و رکوع کند؟

**ج:** اگر جهت قبله را تشخیص ندهد به هر سمت بخواند کافی است و قضاء واجب نیست و رکوع و سجده را به هر مقدار ممکن است انجام دهد.

**س ۱۱:** سربازها حکم دائم السفر را دارند که باید همیشه نماز را تمام بخوانند و روزه را در سفر بگیرند؟ یا اینکه قصد اقامت نمایند؟

**ج:** سربازها مثل بقیه مردم گاهی دائم السفرند و گاهی مسافرنند و در صورت قصد اقامه ده روز نماز را تمام بخوانند.

**س ۱۲:** من از تهران هستم محل کارم هشت فرسخ می‌باشد ساعت شش صبح می‌روم ظهر آنجا هستم شب ساعت هشت به خانه بر می‌گردم، حکم نماز و روزه من چیست؟

**ج:** اگر سه مایا بیشتر این شغل تان ادامه پیدا کند فرض سوال کثیر السفر استید در سفر اول جمع کنید بین قصر و تمام بعد از آن تمام بخوانید.

**س ۱۳:** کسی منزلش در قم و کارش در شهرک شکوهیه است که از قم

تاشکوهیه حدود ۱۵ کیلو متر است و مدت سه چهار سال است که کارش ادامه دارد؛ اکنون به خاطر اینکه بتواند روزه نگیرد از قم به تهران می‌رود و از تهران به قم نمی‌آید بلکه به شکوهیه سر همان کارش می‌رود و مدت ۹ روز کار می‌کند و باز مسافرت می‌کند. آیا می‌تواند چنین کاری بکند و روزه‌اش را نگیرد یا نه؟

**ج: در فرض سوال چون بیشتر از سه سال در آنجا کار کرده اند و آنجا به منزله وطن ایشان شده و نمی‌تواند با این مسافرت روزه خود را اظفار کند.**

**س ۱۴:** کسی مدت چهار ماه تا چهار فرسخی می‌رود کار می‌کند منتهی اول قصد نداشته است که چهار ماه کارش را ادامه دهد مدت دومه را با تردید سر کار رفته یعنی نمی‌دانسته است که تا چه وقت کارش ادامه دارد تا دو ماه با همین شک و تردید کارش را ادامه داده اما دومه دیگر را با قصد سرهمین کار رفته است در این صورت آیا دائم السفر گفته می‌شود یا نه؟

**ج: در فرض سوال اگر چه دومه اول را بدون قصد به آن کار رفته است و دومه دیگر را که با قصد برود و در صدق دائم السفر کفایت می‌کند.**

## احکام روزه

**س ۱:** کسی که ناراحتی و بیماری کلیه دارد، پزشک بر اساس معاینه و عکس او را از گرفتن روزه منع کرده است اکنون وظیفه‌ی شرعی او چیست؟

**ج:** تشخیص پزشک ماهر معتبر است.

**س ۲:** بعضی از جوان‌ها به خاطر غرور یا ندانستن اهمیت روزه و یا به گمان اینکه کسانی که کار می‌کنند می‌توانند روزه‌شان را افطار کنند، چندین ماه رمضان روزه نگرفته‌اند. آیا روزه خواری این‌ها افطار عمدی به شمار می‌رود و کفاره و قضا دارد، یا قضای آن کفایت می‌کند؟

**ج:** اگر عمداً افطار کرده، یا جاهل مقصر باشند قضا و کفاره دارد. اگر جاهل قاصر باشند قضای

تنها کفایت می‌کند. اگر نمی‌توانند قضای آن را بگیرند توبه و از خداوند طلب بخشایش کنند.

**س ۳:** کارگری که صبح‌ها سرفلکه می‌رود، برای رسیدن به سرکار گاهی چهار فرسخ یا بیشتر و کمتر، مسیر طی می‌کنند و شب‌ها به خانه

بازمی‌گردند حکم نماز و روزه‌اش چیست؟

ج: اگر در هفته سه بار یا بیشتر مسافرتی دارد که رفت و برگشت، هشت فرسخ می‌شود و این شغل سه ماه یا بیشتر طول بکشد و ایم السفر به شمار می‌رود و نماز و روزه‌اش قصر و افطار نمی‌شود. اگر در هفته دو روز مسافت یاد شده را طی می‌کند، بین اتمام و قصر جمع کند. اگر در هفته یک روز مسافت یاد شده را طی می‌کند، حکم مسافر را دارد و نماز و روزه‌اش قصر و افطار می‌شود.

س ۱۴: هشت سال است که در منطقه ورامین زندگی می‌کنیم و در هر سال سه ماه پنبه می‌چینیم که بین مزرعه پنبه و خانه ما بیش از چهار فرسخ فاصله است بنا بر این حکم نماز و روزه ما چیست؟

ج: محل سکونت برای شما وطن به حساب می‌آید. در سفر اول بنا بر احتیاط بین قصر و تمام جمع کنید. در سفرهای بعدی روزه بگیرید و نماز را تمام بخوانید چون و ایم السفر هستید.

س ۱۵: در بعضی از مناطق افغانستان وقتی که هوا بارانی یا ابری است استهلال و رؤیت ماه رمضان و شوال ممکن نیست. اگر مراجع تقلید در جمهوری اسلامی ایران رؤیت هلال را اعلام کنند آیا مردم افغانستان هم می‌توانند عید کنند؟

ج: اگر یقین یا اطمینان به رؤیت ماه در جمهوری اسلامی ایران پیدا کنند می توانند اسماک یا

اظهار کنند.

**س ۴:** کسی در ماه رمضان در خانه پدر زنش کار می کرده است. از یک سو به دلیل شدت و سختی کار و ضعف بدنی و از سوی دیگر به دلیل آداب و رسوم محلی که خستگی و ضعف و خوب کار نکردن داماد را در خانه پدر زن، مایه شرمندگی و سرشکستگی می دانند - اضطراراً - روزه اش را خورده است آیا کفاره دارد؟

ج: در فرض سوال اظهار عمدی است هم قضا و هم کفاره دارد. آداب و رسوم محلی عذر

شرعی به حساب نمی آید.

**س ۷:** بعضی ماه های رمضان که در هنگام کار و گرمای هوا واقع می شود، برای برخی افراد گرفتن روزه خیلی دشوار است. گمان کرده اند که در این صورت مضطر و معذورند و روزه شان را خورده اند وظیفه ی شرعی شان چیست؟

ج: اگر عقیده به جایز بودن اظهار نداشته اند قضا و کفاره واجب است و گرنه فقط قضا واجب

است.

**س ۸:** کسی که از سفر برمی گردد به شهر خود می رسد اما خانه اش در

روستایی است که دو-سه ساعت از این شهر فاصله دارد آیا در شهر یاد شده نماز قصر و روزه افطار است؟

**ج: معیار قصر و افطار نشین اذان و ندیدن دیوارهای روستا است شہر و وطن بہ حساب**

**نمی آید.**

**س ۹:** کسی که بدون اینکه وصیت کند از دنیا رفته است. پسر بزرگش نمی داند که قضای روزه و نماز بر عهده پدرش بوده یا نبوده است، وظیفه پسر بزرگ چیست؟

**ج: قضای نماز و روزه پدر بر او واجب نیست.**

**س ۱۰:** کسی که خانه اش در روستا و محل کارش در شهر است و از خانه به قصد سفر حرکت کند آیا می تواند در محل کارش افطار کند؟

**ج: نمی تواند افطار کند و محل کار و ایمی حکم وطن را دارد.**

**س ۱۱:** مسافری در بازگشت به خانه خود، چند روزی در محل کارش توقف می کند آیا در محل کار حکم مسافر را دارد؟

**ج: محل کار و ایمی حکم وطن را دارد.**

**س ۱۲:** جناب عالی که وحدت افق را شرط نمی دانید اگر در ایران اول ماه ثابت شود در افغانستان هم اول ماه ثابت می شود؟



ج: مردم افغانستان در صورت اطمینان به رؤیت هلال ماه شوال در ایران می‌توانند عید کنند.

س ۱۳: در کشور نروژ، جایی که شش ماه روز و شش ماه شب است مسلمانان روزه و سایر تکالیف خود را چگونه انجام بدهند؟

ج: باید اوقات فرائض کشورهای همسایه را در نظر بگیرند که از نظر ساعت شبانه روزی حالت

عادی دارد.

س ۱۴: شخصی ساکن در قم است، در ماه مبارک رمضان به جهت کار در تهران رفته در آنجا قصد اقامه نموده و دوباره در قم که محل سکونت ایشان است آمده و ده روز نمانده و روزه‌اش را گرفته و ایشان مقلد امام [خمینی (ره)] می‌باشد.

ج: البته به فتوای حضرت امام ششم برای ایشان حکم وطن را پیدا نمی‌کنند باید اینجا قصد اقامت ده روز می‌کرد اما چون ایشان مسأله رانمی‌دانسته نماز و روزه‌اش تمام کرده صحیح است و قضای اردو بی بعد از این باید قصد اقامه کند تا نماز و روزه‌اش تمام شود.

س ۱۵: ماه رمضان قبلی بنده تنها موفق به گرفتن ۳ روز روزه شدم و تابه حال هم روزه‌هایم را نگرفته‌ام آیا چه مقدار کفاره بدهم؟

ج: اگر قضاء روزه تان را تا رمضان بعدی نکرقتید بعد از رمضان آینده هم قضاء آن را بگیری و هم کفاره تاخیر بدهید که برای هر روز یک مد طعام به فقراء بدهید یک مد ۷۵۰ گرم می شود و مجموع ۲۷ روز است کیلو و یک چهارم کیلو  $\frac{1}{4}$  ۲۰۰ طعام می شود.

س ۱۶: کسی در یک جای زمین و خانه دارد ولی زندگی در آنجا ندارد روزه اش چه گونه است؟ آیا روزه بگیرد یا نه؟

ج: در فرض سوال اگر در آنجا به دنیا آمده و مدتی رشد و نمو کرده باشد و از آنجا اعراض نکرده باشد آنجا وطن او است هر وقتی به آنجا بر میگردد نماز و روزه اش تمام است و لوقصد ماندن ده روز را در آنجا نداشته باشد.

س ۱۷: حد ترخص مثلاً وقتی از طرف غزنی یا قندهار به طرف کابل مسافر می آید از کجا است؟

ج: حد ترخص آن است که از وطن خود به اندازه ای دور بشود که صدای آذان معمولی و بدون بلندگو شنیده نشود و این مسأله در توضیح المسائل مفصلاً نوشته شده است به آنجا مراجعه کنید.

س ۱۸: آیا استفراغ روزه را باطل می کند، یا نه؟ و اگر باطل کرد روزه خورده می شود یا نه؟ اگر خورده شود قضا دارد؟

ج: اگر استقراغ بدون اختیار باشد روزه را باطل نمی‌کند. و اگر عمدی باشد و ضرورت برای

استقراغ باشد فقط قضا دارد.

س ۱۹: با خانم در حال روزه باهم بازی می‌کردیم، بدون دخول در حال بازی بودیم بدون اختیار منی از من خارج شد، سؤال اینکه حالا کفاره جمع باید پرداخت کنم یا هفت صد و پنجا گرم کافیست؟

ج: اگر قصد جماع و قصد خروج منی را نداشته‌اید و با بازی کردن عادت خروج منی هم

نداشته‌اید با این سه شرط روزه شما باطل نشده قضا و کفاره بر شما واجب نیست.

س ۲۰: اگر خانم‌ها بعد از آذان ظهر یا عصر عادت شوند روزه آن روزش باطل است یا خیر؟

ج: در هر زمانی از روز که زن حائض بشود روزه اش باطل می‌شود چه قبل از ظهر باشد و چه

بعد از ظهر.

س ۲۱: آیا کشیدن سیگار و نسوار جایز است یا نه آیا نسوار روزه را باطل میکند یا نه؟

ج: دلیل بر کراهت یا حرمت آنها نداریم مگر اینکه ضرر داشته باشد که در این صورت باید

ترک کند و بنا بر احتیاط واجب نوار روزه را باطل می‌کند.

## احکام روزه، و ثبوت رؤیت هلال

**س ۱:** شخصی در ماه رمضان نتوانسته روزه بگیرد و کفاره آن را در سال دوم قبل از رمضان داده است اما در سال دوم نیز بر اثر مریضی که داشته نیز روزه نگرفته و سال سوم هم نیز توان روزه را نداشته آیا کفاره سال دوم و سوم را هم بدهد یا نه؟

**ج:** هرماه رمضان که قضایش را تا رمضان دیگر نتواند بگیرد یک مرتبه کفاره دارد و ماه اگر افطار کند چهل و پنج کیلو گرم کفاره بدهد و هکذا.

**س ۲:** شخصی مبتلا به سنگ کلیه میباشد دکتر دستور داده که باید در هر روز مقدار معین آب بخورد و مقداری غذا بخورد و الا روی کلیه فشار میاید آیا تکلیف این شخص چه است؟

**ج:** حرف دکتر حافظ مورد اعتبار است نباید روزه بگیرد. اگر قدرت بر قضای آن هم ندارد باید برای هر روز ۷۵۰ گرم کندم برای فقیر فیه بدهد.

**س ۳:** در مناطق کوهستانی هزاره جات رؤیت هلال اول ماه مبارک رمضان و یا اول شوال مشکل است و اکثر مردم وسائل خبری و اطلاعاتی ندارند و روز اول رمضان و شوال ثابت نمی‌شود نمیدانند در آن روز روزه بگیرند یا نه؟

**ج:** در اول رمضان اگر رؤیت هلال نشود روزه گرفتن واجب نیست مگر اینکه سی روز از اول رؤیت هلال شعبان بگذرد که در این صورت روزه واجب است و اگر رؤیت هلال شوال نشود روزه واجب است مگر اینکه سی روز از اول رمضان بگذرد.

**س ۴:** اگر در کشوری هم جوار غرب افغانستان رؤیت هلال ثابت بشود این رؤیت هلال در کشور غربی هم جوار در کشور شرقی تاثیر دارد و کشور شرقی میتواند به آن رؤیت عمل نماید یا نه؟ و آیا به اعلان رادیو میتواند عید کنند یا نه؟

**ج:** ملاک رؤیت هلال است در هر جای دنیا باشد بشرطی که در شب و روز و لود در مقداری از شب و روز اشتراک داشته باشند کافی است اما رؤیت به شهادت عدلین باید ثابت بشود لذا به اعلان رادیوی اعتماد نمی‌شود چون در بعضی کشورها یکروز قبل یا دو روز قبل اعلان عید میشود که آن اعلانات فاقد اعتبار است.

**س ۵:** اگر در ایران رؤیت هلال ثابت شود یا یک مجتهدی یا فقیهی حکم کند که فردا اول رمضان یا عید است این حکم نسبت به غیر مقلدین این مجتهد هم نافذ است یا نه؟

**ج:** اگر حکم کند که فلان روز عید است یا رمضان است حکمش نسبت به همه مردم نافذ است چه از او تقلید داشته باشند چه نداشته باشند اما اگر حکم نکند و اعلان کند که فلان جا رؤیت شده نباید عید کنند چون رؤیت به شهادت حدیث ثابت می‌شود به اعلان رادیو هم چنین اگر در رمضان باشد آن روز روزه اش واجب نیست مگر اینکه اطمینان پیدا کنند به رؤیت هلال در ایران.

**س ۶:** اگر ماه را با دوربین یا تلسکوپ و یا سائر آلات و وسایل ببیند این رؤیت اعتبار دارد یا حتماً با چشم عادی ماه را ببیند؟

**ج:** به نظر اینجانب دیدن ماه چه با چشم عادی و چه با وسائل امروزی مانند دوربین و تلسکوپ و غیره باشد فرق نمی‌کند بشرطی که دو شاهد عادل شهادت بر رؤیت ماه بدهند و بگویند که ما ماه را دیدیم و لوبادوربین یا تلسکوپ باشد یا تعداد زیادی از مردم بگویند که ماه را با دوربین یا وسائل دیگر دیدیم و اگر به حدیث برسد برای دیگران هم حجت است و اگر به حدیث نرسد یا دو نفری که ماه را دیده‌اند

ولو با وسائل امروزی عادل نباشند این دیدن برای خودشان حجت است اما برای دیگران اعتبار

ندارد.



## احکام خمس

**س ۱:** کارگر افغانی که در ایران کار می‌کند و پیش از رسیدن سال پولش را برای پدرش در افغانستان هبه و بخشش می‌کند آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

**ج:** اگر هبه «لایق به حال» باشد خمس تعلق نمی‌گیرد.

**س ۲:** پولی که به افغانستان فرستاده شده و پیش از رسیدن سرسال ماشین خریده شده و با آن کار می‌کند آیا خمس آن بر واهب تعلق می‌گیرد، اگر تعلق می‌گیرد به قیمت خرید یا به قیمت کنونی؟

**ج:** خمس به قیمت کنونی ماشین تعلق می‌گیرد.

**س ۳:** تاجری که در اول سال زیان دیده اما در آخر سال از تجارت سود برده است آیا می‌تواند زیان اول سال را با سود آخر سال جبران کند یا اینکه خمس همه سود را پرداخت کند؟

**ج:** اگر تجارت واحد بوده است جبران بعید نیست اما احوط تخمیس همه سود است.

**س ۴:** آیا مردم می‌توانند خمس و رد مظالم را به مستحق پرداخت کنند؟

**ج:** پرداخت آن باید با اجازه شخص حاکم شرع باشد.

**س ۵:** آیا خانه، وسایل خانه، زمین زراعتی و... که از ضروریات اولیه زندگی به شمار می‌روند، خمس دارد؟

**ج:** اگر در بین سال استفاده شده و با پول غیر مخمس خرید شده باشد خمس ندارد.

**س ۶:** آیا پدر فقیر می‌تواند با پول خمس و زکات برای پسرش زن بگیرد؟

**ج:** از زکات اشکالی ندارد.

**س ۷:** اگر کسی از اندازه متعارف بیشتر لباس داشته باشد و خیلی مورد نیازش هم نباشد آیا به لباس‌های اضافی بعد از گذشت سال خمس تعلق می‌گیرد؟

**ج:** اگر در بین سال حتی یک بار استفاده شود خمس ندارد.

**س ۸:** طلابی که به طور تمام وقت در کارهای دینی، فرهنگی و اجتماعی مشغول هستند، اگر حقوق نگیرند برای مصارف زندگی خود می‌توانند از خمس، زکات و کفارات استفاده کنند؟

ج: اگر فقیر باشند می توانند از زکات و کفارات استفاده کنند اما مصرف از خمس نیاز به

اجازه مرجع تقلید دارد.

س ۹: کسی که با سرمایه مخمس تجارت می کند و سود می برد، در سال آینده خمس به همه سرمایه تعلق می گیرد یا به سود تنها؟

ج: خمس تنها به سود تعلق می گیرد.

س ۱۰: اگر بازرگانی در وسط سال سود و در پایان سال زیان کند به گونه ای که غیر از اصل سرمایه مخمس برایش نماند آیا خمس به عهده او تعلق می گیرد؟

ج: خمس تعلق نمی گیرد.

س ۱۱: کسی که گوسفندی را برای ذبح و مصرف گوشت نگهداری و در سال اول خمس او را پرداخت می کند، اگر بعد از گذشت یک سال دیگر و مقداری نمو و رشد آن را ذبح کند آیا به نمو و رشد آن خمس تعلق می گیرد؟

ج: بله! تعلق می گیرد.

س ۱۲: اگر درآمد ملا امام مسجد، زندگی اش را کفایت نکند می تواند از سهم امام (ع) مصرف کند؟

### ج: با اجازه حاکم شرع می تواند مصرف کند.

**س ۱۳:** من در ایران کار می کردم در حالیکه پدرم در افغانستان بدهکار بود وقتی به افغانستان رفتم پولم مصرف شد. آیا به این پول خمس تعلق گرفته بوده است؟

### ج: اگر پول یکسال در نزد شما مانده باشد، خمس به آن تعلق می گیرد.

**س ۱۴:** کسی که سهم سادات اموالش را پرداخت کرده اما سهم امام (ع) را پرداخت نکرده و مدتی از آن گذشته است وظیفه اش چیست؟

### ج: فقط سهم امام را پرداخت کند که به عهده اش مانده است.

**س ۱۵:** آیا خمس به حیواناتی که برای استفاده از شیر آنها نگهداری و بزرگ می شود، تعلق می گیرد؟

### ج: تا وقتی که شیرده نشده تعلق می گیرد.

**س ۱۶:** جنگل زاری که در آن درخت خود رو، روییده و اکنون ریشه کن شده است اگر به جای آن زمین جدید (برای کشاورزی) احداث شود خمس دارد؟

### ج: در صورتی که مورد حاجتش باشد خمس ندارد.

**س ۱۷:** کسی که سر سال گندم و جو خود را در برج میزان (مهرماه)

قرار می‌دهد آیا واجب است که در وقت خرمن خمس آن را پرداخت کند؟

**ج:** خمس به حیوات تعلق نمی‌گیرد مگر این که سال بر آن گذشته باشد.

**س ۱۸:** کسی در هنگام خوشه و دانه زراعتش فوت می‌کند آیا بعد از فوت او اگر محصول به حد نصاب برسد خمس و زکات به آن تعلق می‌گیرد؟

**ج:** اگر دانه با سفت شده و بر آن گندم وجود کند زکات تعلق می‌گیرد و بنا بر احتیاط

**خمس آن نیز پرداخت شود.**

**س ۱۹:** کسی که چندین سال است که حسابش مخلوط شده و نمی‌داند که وسایل خانه را با پول مخمس خریده یا با غیر مخمس وظیفه‌اش چیست؟

**ج:** تخمین همه اموال واجب نیست، با حاکم شرع مصاحبه کند.

**س ۲۰:** بعضی از علما در دوران جهاد و انقلاب گفته بودند که خمس واجب نیست. حالا در دوران طالبان که مردم در حال تلف هستند چگونه خمس واجب است؟

**ج:** نظر علمای جاهل معتبر نیست. خمس بر مسلمانان واجب است اگر کسی در حال تلف

باشد (در فرض سوال) خمس بر او هم واجب نیست زیرا زاید بر مؤنه چیزی ندارد. اگر داشته باشد

## پرداخت خمس واجب است.

**س ۲۱:** در طول انقلاب در منطقه... خمس و زکات را با جبر و اکراه از مردم جمع آوری و در امور نظامی مصرف می کردند و مردم هم قدرت ندارند که خمس آن سالها را دوباره پرداخت کنند وظیفه شان چیست؟

**ج:** اگر قدرت پرداخت دوباره را ندارند بزرگان و خاصان و جاهلانی که خمس را به زور

گرفته اند مشغول الذمه هستند. احوط آن است که با حاکم شرع مصاحبه کنند.

**س ۲۲:** پدر عروس برای دخترش به عنوان جهیزیه تعداد ده - بیست دست لباس تهیه می کند. داماد هم چندین دست لباس برای عروس تهیه می کند آیا به این لباس ها خمس تعلق می گیرد؟

**ج:** اگر لباس در بین سال، حتی یکبار استعاده نشود خمس تعلق می گیرد.

**س ۲۳:** اگر زنی درآمدی داشته باشد که از مصرف سالش بیشتر و شوهرش فقیر باشد آیا می تواند خمس و زکات خود را به شوهرش بدهد و شوهر هم همین خمس و زکات را به عنوان نفقه برای زن و فرزندانش مصرف کند؟

**ج:** زکات را می تواند به شوهر فقیرش پرداخت کند اما برای پرداخت خمس به شوهرش باید

از مرجع تقلید اجازه بگیرد.

**س ۲۴:** کسی که مبلغ صد هزار تومان مخمس از سال گذشته داشته و آن را امسال مصرف کرده است و همچنین در پایان امسال مبلغ صد هزار تومان اضافه بر مصارف و مؤونه دارد آیا پرداخت خمس آن واجب است؟

**ج:** اگر صد هزار مخمس معین بوده و همان را مصرف کرده است باید خمس مبلغ باقی مانده را پرداخت کند اما اگر صد هزار تومان مخمس معین نبوده و با درآمد و سود امسال مخلوط شده است می تواند صد هزار باقی مانده را به جای صد هزار تومان مخمس پارسال حساب کند و خمس آن را پرداخت نکند.

**س ۲۵:** آیا به شیربهای رایج در افغانستان خمس تعلق می گیرد؟

**ج:** اگر با گراه ازداد گرفته شده باشد خمس ندارد چون اصل آن حرام است و باید به داماد برگردانده شود. اگر داماد شیربها را به پدر دختر نخشیده باشد و تا سه سال بماند خمس تعلق می گیرد.

**س ۲۶:** آیا به زمین زراعتی، درخت میوه و غیر میوه خمس تعلق

می گیرد؟

**ج:** زمین زراعتی و درخت میوه به اندازه یا محتاج زندگی خمس ندارد مگر اینکه با پول غیر مخمس خریده شده باشد. به درختان غیر میوه و نمورشده آن خمس تعلق می گیرد. خمس نمورشده را

می‌توان هر ساله یا بعد از قطع در حتماً حساب پرداخت کرد.

**س ۲۷:** بره، بزغاله و گوساله‌ای که خمس آن‌ها پرداخت شده است در سال‌های آینده نمودی آن‌ها خمس دارد؟

ج: پیش از آنکه مورد استفاده (مثلاً استفاده از شیر آن‌ها) قرار بگیرد تخم‌نشین نمونگفایت

می‌کند.

**س ۲۸:** کسی که به خاطر ندانستن مسئله به جای اینکه خمس را به مرجع تقلید یا با اجازه‌ی او به فقرا و سادات بدهد، خودش بدون اجازه به فقرا و سادات داده است و هنوز با مرجع تقلید مصالحه هم نکرده است، وظیفه‌اش چیست؟

ج: باید از حاکم شرع اجازه بگیرد و مصالحه کند.

**س ۲۹:** کسانی که با پدرشان زندگی می‌کنند و اختیار سرمایه و اموالشان در دست پدرشان است آیا خمس به عهده آنان تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر اموال را به پدر خودشان به نکرده باشند خمس به عهده آنان تعلق می‌گیرد.

**س ۳۰:** کسانی که از افغانستان به ایران می‌آیند چگونه سر سال خمس خود را تعیین کنند؟

ج: روزی که به کار شروع کرد، و ربح به دست آورد اول سال خمس است. اگر در



سال آینده در همان روز پولی داشت باید تخمیس کند.

**س ۳۱:** آیا کسی می تواند به خاطر نداشتن پول پرداخت خمس را به زمان تمکن به تأخیر اندازد؟

ج: با اجازه حاکم شرع مانعی ندارد.

**س ۳۲:** کسی که سال خمسی ندارد می تواند بدون اجازه حاکم شرع در اموال خود تصرف کند؟

ج: در اموالی که متعلق خمس است حق تصرف ندارد.

**س ۳۳:** آیا به طلایی که شوهر برای همسرش می خرد خمس تعلق می گیرد؟

ج: اگر با پول نمخس یا از درآمد بین سال خرید شده باشد و مناسب شأن همسرش باشد

خمس ندارد.

**س ۳۴:** آیا اجناس و اموالی که در طول سال یک بار استفاده می شود، ما یحتاج زندگی به شمار می رود تا خمس به آن تعلق نگیرد؟

ج: منظور از ما یحتاج زندگی آن است که انسان به آن نیاز داشته باشد حتی یکی دو بار در

سال.

**س ۳۳:** در رساله های عملیه آمده است که زمین های خریداری شده خمس دارد، بسیاری از زمین ها در افغانستان توسط اجداد و پدران خریداری و به فرزندان به ارث رسیده است و اکنون قیمت زمین ها چندین برابر شده و صاحبان کنونی نمی دانند که خمس زمین های شان پرداخت شده است یا نه وظیفه ی آنان چیست؟

**ج:** خمس به عمده و رتبه تعلق نمی گیرد زیرا احتمال دارد که زمین ها از ضروریات اجداد بوده و یا

با پول محض خریده شده باشد.

**س ۳۴:** آیا به چاه هایی که در کنار آبادی ها برای استفاده از آب آشامیدنی آن حفر شده است خمس تعلق می گیرد؟

**ج:** خمس تعلق نمی گیرد.

**س ۳۷:** آیا کفن میت به طور جداگانه خمس دارد یا مانند دیگر اموال تخمیس می شود؟

**ج:** اگر از درآمد بین سال خریده شده باشد خمس ندارد، اگر بعد از سر سال خمسی از پول

غیر محض خریده شده باشد خمس دارد.

**س ۳۸:** زمین و اجناسی که با پول غیر مخمس خریده شده است، تصرف و نماز خواندن در آن بدون اجازه حاکم شرع چه حکمی دارد؟

ج: اگر آن با در مقابل عین غیر مخمس خریده شده باشد ناز و تصرف در آن با بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست. اگر بیع کلی و در ذمه باشد یعنی بگوید این جنس چه مقدار ارزش دارد مالک عین بگوید صد هزار مثلاً مشتری بگوید به این قیمت خریدم و قیمت آن را از پول غیر مخمس بدهد ناز خواندن و تصرف در آن با اشکالی ندارد اما خمس آن به ذمه مشتری باقی می ماند.

س ۳۹: اموال و زمینی که از دیگران خریده شده و نمی دانیم که تخمیس شده یا نه چه حکمی دارد؟

ج: تخمیس آن بر مشتری واجب نیست.

س ۴۰: اگر اموالی پیش از مخلوط شدن با مال حرام متعلق خمس باشد آیا با پرداخت خمس آن پاک می شود؟

ج: اگر مقدار و اندازه مال حرام معلوم و صاحب آن نامعلوم باشد با اجازه حاکم شرع از طرف صاحب صدقه داده شود. اگر مقدارش و صاحبش معلوم نباشد و اموال خود انسان هم مخمس نباشد دو مرتبه تخمیس کفایت می کند.

س ۴۱: آیا روحانیون در صورت نیاز شدید به پول می توانند از وجوهاتی که در نزدشان است به عنوان قرض بردارند و بعداً عوض آن را

بدهند؟

**ج:** بدون اجازه حاکم شرع تصرف و تاخیر در وجوهات جایز نیست.

**س ۴۲:** آیا به سرگین حیوانات که به عنوان هیزم استفاده می شود پیش از خشک شدن و پس از خشک شدن خمس تعلق می گیرد؟

**ج:** پیش از خشک شدن و بعد از خشک شدن خمس تعلق می گیرد اگر تا سر سال باقی

ماند.

**س ۴۳:** در میان سال خمسی یک دستگاه ماشین خرمن کوبی خریدم در حالی که هنوز سال خمسی من به سر نرسیده بود ملای مکتب خمس خرمن کوبی را از من گرفت، وظیفه شرعی من چه بوده است؟

**ج:** اگر ملای مکتب از طرف مرجع تقلید وکیل نموده است حق دریافت خمس ندارد و اگر وکیل است باید قبض وصول به شما بدهد. در هر صورت تخمیس ماشین خرمن کوبی در بین سال بر شما واجب نموده است.

**س ۴۴:** بسیاری از کارگران در ایران، پول شان را برای خانواده شان در افغانستان می فرستند آیا می توانند این پول ها را به عنوان هدیه به خانواده شان بفرستند تا خمس به آن تعلق نگیرد؟

ج: هدیه هم اگر از سر سال اضافه شود، خمس دارد.

س ۴۵: آیا سهم سادات اختصاص به سادات دارد؟

ج: خیر! در هر جا که مجتهد جامع الشرائط اجازه بدهد مصرف می شود.

س ۴۶: کسی که نوروز را به عنوان سر سال خود انتخاب می کند پیش از رسیدن نوروز زمینی را اجاره می کند. نصف اجاره بها را پرداخت و نصف دیگر نسیه می ماند. زمین اجاره ای در فصل زمستان کشت می شود. آیا به پول اجاره بها که پرداخت شده و نیز به پولی که نسیه مانده است و به پولی که برای تخم، شخم، کود شیمیایی و کرایه کارگر مصرف شده خمس تعلق می گیرد؟

ج: به پولی که به عنوان نصف اجاره بها پرداخت شده و نیز به قیمت تخم، شخم، کود شیمیایی و کرایه کارگر... خمس تعلق نمی گیرد اما اجاره بهای نسیه؛ اگر از اول قرار گذاشته شده است که در سال آینده پرداخت شود خمس تعلق می گیرد. اول باید خمس آن پرداخت شود بعد از آن به مالک زمین داده شود.

س ۴۷: بنده طلبه هستم و ازدواج نکرده ام. مبلغ یک میلیون تومان پول

دارم آیا خمس تعلق می گیرد؟

### ج: اگر پول شهریه نباشد و یکسال بر آن گذشته باشد، خمس تعلق می‌گیرد.

**س ۴۸:** مبلغی پول برای برادرانم به افغانستان فرستادم بعد از مدتی به افغانستان رفتم. از برادرانم خواستم که خمس پول‌های مغازه را پرداخت کنند. اما جواب مثبت یا منفی ندادند. دوباره به ایران آمدم. من پول‌ها را نه هبه کردم و نه واگذار کردم. هم اکنون نمی‌دانم مبلغ پول چقدر بوده است. وظیفه‌ام چیست؟

ج: اگر پول به مدت یکسال در نزد شما بوده باشد اگر چه در بین سال فرستاده باشید خمس تعلق می‌گیرد. اما اگر خمس آن را پرداخت شده، بعد از آن به افغانستان ارسال کرده‌اید، خمس ندارد مگر این که زیاد شده باشد و اگر مقدار آن را نمی‌دانید با حکم شرع مصالحه کنید.

**س ۴۹:** کارگری در کارخانه‌ای دستش قطع می‌شود، صاحب کارخانه مبلغ سه میلیون تومان به او به عنوان خسارت، دیه یا از باب مصالحه حق السکوت می‌دهد، آیا به این پول خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: چون پول را به عنوان دیه داده است (مصالحه) خمس ندارد.

**س ۵۰:** طلبه‌ای مبلغی پول از شهریه و وام حوزه برای ازدواج پس انداز کرده است، آیا به این پول خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: خمس پول وام که اقساط آن پرداخت شده بنا بر احتیاط واجب بدهد.

**س ۸۱:** کارگری که در ایران کار می‌کند، پدر و مادرش در افغانستان به پول احتیاج دارد اما او پولش را به افغانستان نمی‌فرستد و از سوی دیگر نسبت به مسایل شرعی از جمله خمس بی تفاوت است. آیا این پول خمس دارد و اگر پول غیر مخمس چندین سال در نزدش باقی مانده باشد سر سال خمسی را از چه زمانی آغاز کند؟

**ج:** بر چنین پولی اگر سال بگذرد خمس تعلق می‌گیرد و پرداخت آن واجب است. برای تعیین سر سال اگر می‌داند اولین پول (رِخ) در چه زمانی به دستش رسیده همان زمان سال خمسی او تعیین می‌شود اما اگر نمی‌داند به حاکم شرع رجوع کند. حاکم شرع پس از مصاحبه برایش سر سال خمسی تعیین می‌کند.

**س ۸۲:** مبلغ صد هزار تومان به کسی قرض دادم. وقتی سر سال خمسی ام رسید پولم را طلب کردم اما بدهکار نداشت که بدهد. بعد از سر سال خمسی به من پرداخت کرد و من با آن طلا خریدم آیا دستبند طلا اکنون خمس دارد؟

**ج:** اگر پیش از رسیدن سر سال قرض داده‌اید و آن پول اضافه بر مؤونه (خرج) سال شما بوده است خمس دارد.

**س ۸۳:** با توجه به این که جناب عالی، مصارف خمس را بدون اجازه

حاکم شرع و مجتهد جایز نمی‌دانید، بنده که مبلغی پول از یک نفر سید طلبکارم، می‌توانم آن را به عنوان سهم سادات به او بدهم؟

**ج:** اگر سید فقیر باشد مجاز هستید.

**س ۵۴:** بعضی از سادات، ازدواج دختر سید را با پسر هزاره جایز نمی‌دانند، پرداخت خمس به آن‌ها و معاشرت با آن‌ها چه حکمی دارد؟

**ج:** بیج دلیلی بر حرمت ازدواج دختر سید با هزاره، مگفتند وجود ندارد و بیج مجتهدی به حرمت آن فتاوی‌ده است. اگر کسی حکم شرعی جواز را انکار کند پرداخت خمس به او جایز نیست.

**س ۵۵:** کسی که اموال صغیر را تصرف کرده و قرار شده است که هر وقت صغیر، کبیر شد به او بازگرداند. آیا کسی که تصرف کرده از صغیر بدهکار است و اگر پولی پس انداز می‌کند خمس به آن تعلق می‌گیرد؟ آیا می‌تواند به اندازه بدهکاری‌اش به صغیر از پول پس اندازش کسر کند؟

**ج:** اگر صغیر ولی شرعی نداشته باشد باید آدم اینی به حاکم شرع معرفی شود تا او را ولی و قیم صغیر نصب کند. اگر پس انداز تصرف‌کننده از سر سال اضافه شود و قرض برای مصرف در مؤونه بوده خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و اگر از درآمدین سال بدهکاری خود را بدهد نیز خمس

ندارد.



**س ۵۶:** آیا خمس به اصله‌ی درختان میوه که هزینه سالانه زندگی صاحبش را به تنهایی تأمین می‌کند، تعلق می‌گیرد؟

**ج:** اگر درآمد دیگری ندارد و نفقه زندگی‌اش وابسته به فروش میوه، بهمن درختان است.

**خمس به اصله درختان تعلق نمی‌گیرد.**

**س ۵۷:** آیا خمس به اصله درختان میوه‌ای که درآمد میوه‌اش به اضافه محصولات دیگر زمین، هزینه سالانه زندگی صاحب درخت را تأمین می‌کند، تعلق می‌گیرد؟

**ج:** اگر هزینه سالانه متوقف و وابسته به محصولات درختان یادشده و محصولات زمین باشد.

**خمس به درختان میوه تعلق نمی‌گیرد.**

**س ۵۸:** آیا خمس به اصله درختان میوه که محصولات آن از هزینه سالانه صاحبش بیشتر شود، تعلق می‌گیرد؟

**ج:** اگر اضافه شود خمس دارد.

**س ۵۹:** به اصله درختان میوه با چه شرایطی خمس تعلق می‌گیرد؟

**ج:** اگر امور زندگی صاحب درختان، بدون درآمد درختان میوه بگذرد، خمس تعلق

**می‌گیرد.**

**س ۷۰:** آیا خمس به اصل درختان میوه که محصولات آن از هزینه سالانه صاحبش بیشتر شود تعلق می‌گیرد؟

**ج:** اگر اضافه شود خمس دارد.

**س ۷۱:** کسی در افغانستان به دلیل عدم دسترسی به مجتهد و دشواری دسترسی به وکیل مجتهد سهم سادات را به دلیل نیاز مندی سید و رابطه پیر مریدی به فرد سیدی می‌دهد حکم این دریافت‌ها و پرداخت‌ها چیست؟ آیا بری الذمه شده است؟

**ج:** رابطه پیر مریدی نشأ شرعی ندارد. اگر سید فقیر مستحق بوده باشد مجزی است. ان شاء

الله.

**س ۷۲:** برخی کارگران که در ایران کار می‌کنند، کسانی که زن و بچه دارند به زحمت هزینه زندگی آنان را تأمین می‌توانند و کسانی که مجرد هستند هزینه از دواج را با سختی به دست می‌آورند آیا به پول این گروه خمس تعلق می‌گیرد؟

**ج:** اگر پول را در بین سال برای خانه و ازدواج شان مصرف کنند خمس ندارد. اما اگر

سال بگذرد بعد از آن پول را مصرف کنند خمس تعلق می‌گیرد.

**س ۷۳:** کسی که اکنون در ایران زندگی می‌کند و در اوایل انقلاب زمین

های کشاورزی خود را در افغانستان در برابر ۱۲۵ سیر گندم در سال اجاره داده و هنوز اجاره بها را مطالبه نکرده و معلوم هم نیست اجاره بها را بتواند به دست آورد وظیفه این شخص چیست؟

**ج: اگر اجاره بها را به دست آورد خمس به آن تعلق می‌گیرد.**

**س ۴۹:** کسی که از دوستان خود پول می‌گیرد و آن را ضمانت می‌کند به مرد دیگری می‌دهد که برای صاحبان پول زمین مسکونی بخرد اما هنوز از پول و زمین خبری نیست حالا کسی که پول‌ها را با ضمانت از مردم گرفته بود می‌خواهد با تقبل ضرر و زیان پول‌های مردم را بدهد آیا به این پول خمس تعلق می‌گیرد؟

**ج: اگر صاحبان پول خمس پول‌های خود را داده اند، خمس تعلق می‌گیرد. اگر منظور**

**سؤال ضامن است، اگر ضامن از درآمدین سال پرداخت می‌کند خمس تعلق نمی‌گیرد.**

**س ۷۳:** آیا مصرف ردّ مظالم مانند مصرف خمس منوط به اجازه مجتهد است.

**ج: بله. بدون اجازه مجتهد نمی‌توانید ردّ مظالم را به فقیر بدهید.**

**س ۷۴:** بنده در ایران کار می‌کنم اما اختیار دار تمام پدر و برادر بزرگم هستند که آنها در وطن می‌باشند آیا خمس بر من واجب است یا بر صاحبان اختیار؟

ج: خمس آن پولیکه شهادت میاورید و سال بر آن بگذرد بر خود شما واجب است.

س ۴۵: اگر مادر انسان سیده باشد و پدر انسان غیر سید باشد می تواند

سهم سادات بگیرد یا نه؟

ج: سیادت توسط پدر تحقق پیدا می کند نه مادر بنابراین اگر پدر سید باشد و مادر عام فرزند سید

محبوب است و اگر بر عکس باشد فرزند عام محبوب می شود.

س ۴۴: شخصی جهت رفع ضرورت از منافع بین سال زمین خریده آیا

بعد از یک سال خمس بر این زمین تعلق می گیرد یا نه؟

ج: اگر تا یکسال مورد استفاده قرار گرفته و در تائین معاش به آن زمین احتیاج مبرم داشته

باشد خمس ندارد.

س ۴۷: ماده گاوی که در گوسالگی خمس آن را داده بودم وقتی شیر ده

شد از شیر آن برای ضرورت خانه ام استفاده می کردیم در وسط سال بخاطر

احتیاجاتی که داشتیم آنرا فروختم و از پول آن گندم و غیره خریدم و

مقداری پول آن باقی مانده و مقداری هم گندم باقی مانده و سال خمسی

من رسیده است آیا خمس دارد یا نه؟

ج: خمس ندارد.

س ۴۸: طلبه ای هستم در حوزه علمیه کابل مشغول درس هستم و

برای فراگیری زبان و ریاضی، خطاطی و غیره از سهم مبارک امام (ع) استفاده میکنم آیا از پول شهریه فیش آن را می‌توانم پرداخت کنم یا نه؟

**ج:** در صورتیکه میت شما از فتن آن خدمت بدین و اسلام باشد جایز است. و اگر

**برای بدست آوردن پول و پوست و مقام باشد جایز نیست.**

**س ۷۹:** شخصی اوّل برج حمل سر سالش می‌باشد. در طول سال هر ماه از حقوق خود را پس انداز میکند. در اواخر زمستان مثلاً ده پانزده روز قبل از نوروز پولی به عنوان عیدی برایش می‌رسد آیا بر این پول با توجه به اینکه تازه بدستش رسیده است اگر تا سر سال خمسی اش باقی بماند خمس دارد یا نه؟

**ج:** بنا بر احتیاط واجب خمس این پول را هم باید بدهد.

**س ۷۰:** شخصی مبلغی را مثلاً حدود یک میلیون تومان قرض میکند و آن را برای رهن منزل می‌پردازد و در طول سال با زحمت فراوان و پس انداز ماهانه به صورت اقساط و غیره قرض فوق را می‌پردازد آیا نسبت به این پول که بصورت رهن منزل در اختیار صاحب منزل میباشد در صورت گذشت چند سال خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

**ج:** بعد از رفع احتیاج دادن خمس آن پول واجب است در صورتیکه که از دادن قرض

آن پول یک سال بگذرد و اگر اخراج خمس باعث شود که دوباره منزل رهن تواند مجاز است تخمیس را به تاخیر بیندازد.

**س ۷۱:** شخصی که چند سال سهم مبارک امام (ع) نداده و دارای دو یاسه میلیون سرمایه می باشد و طلبهای بایست هزار تومان مصالحه کرده و مجموعاً شصت هزار تومان به عنوان سهم امام (ع) از آن شخص گرفته آیا چنین مصالحه صحیح است یا نه؟

**ج:** چنین مصالحه طبق موازین شرع نیست.

**س ۷۲:** اهالی افغانستان که گاو و گوسفند دارند و زمین های زراعتی هم دارند سرگین و پشکیل گاو و گوسفند را جمع مینمایند که به اسم هوتکُو نامیده می شود از آنجا که برای زراعت مفید است قیمت دارد و خرید و فروش می کنند.

این گُت حیوانی که مصرف زراعت میشود آیا در حساب خمس وزکات مقدار قیمت آن را میتوانند استثناء کنند یا خیر؟

**ج:** بنا بر احتیاط از زکات استثناء نمی شود و اگر تا سر سال خمسی بماند پرداخت خمس آن

لازم است.

**س ۷۳:** اگر برای زراعت آن هوتکو را خریداری کرده باشند استثناء

می تواند یا نه؟

**ج: بنا بر احتیاط اگر از پول غیر محض خرید شده باشد استثناء نکند.**

**س ۷۴:** مقداری پولی دارم که سال بر آن گذشته است ولی شدیداً برای رهن خانه به آن پول نیاز دارم آیا باز خمس آن پول بر من واجب است یا نه؟

**ج: اگر با دادن خمس آن پول خانه رهن نمی توانید خمس آن پول بر شما واجب نیست.**

**س ۷۵:** شخصی که سر سال دارد مبلغی را جهت خریدن ضروریات اولیه زندگی اثاثیه خانه تهیه نموده اما قبل از اقدام به خریدن ضروریات زندگی آن پول به نحوی از دست وی خارج و بعد از گذشت چندین سال بوی بازگردانده می شود بدلیل نیاز بلافاصله صرف و خرج زندگی می شود آیا به این پول خمس تعلق می گیرد یا نه؟

**ج: چون در مؤنه سال مصرف شده است باید خمس آن را بدهد.**

**س ۷۶:** پولی که طلاب مستأجر بابت رهن خانه بصاحب خانه می دهند جزء مؤنه سال بحساب می آید؟ در فرض مذکور خمس دارد یا نه؟

**ج: هر زمانیکه پول را قبض کرد و از رهن بی نیاز شد خمس آن را بدهد.**

**س ۷۷:** ما روحانیون در مناطقی مستقر هستیم که سرو کار ما با مردم است گهگاهی با دعوت یا بدون دعوت در خانه ای آنها میرویم ولی

اطمینان یا یقین به حرام بودن اموال آنها داریم یا از ناحیه عدم پرداخت خمس و زکات یا مخلوط بودن مال آنها به ربا و رشوة و دزدی تکلیف ما چیست؟

**ج:** اگر یقین به حرام بودن غذا و غصبی بودن لباسهای آنها ندارید برای شما اشکال ندارد و کنایه بر عمده میزبان است آنچه بر شما لازم است امر به معروف و نهی از منکر است.

**س ۷۸:** اینجانب شخص مجردی هستم و مشغول کار هستم و علاوه بر هزینه های خود ماهیانه مبلغی را جدا میگذارم تا وقت فرصت برای پدر و مادرم در افغانستان بفرستم اما مدت یکسال یا بیشتر این پولی را که به نیت فرستادن بوطن جدا میکنم در نزد من می ماند آیا خمس این پول بر من واجب است یا نه؟

**ج:** خمس آن را باید بدهید.

**س ۷۹:** پولی را که انسان از صاحب کار طلبکار میباشد و سر سال این شخص میرسد اما صاحب کار پولش را نمی دهد یا اینکه چک مدت دار میدهد که بعد از رسیدن سالش چگ تبدیل به پول میشود آیا خمس این پول در این سال بر او واجب است یا از سال آینده حساب میشود؟

**ج:** در این سر سال خمس واجب نیست و در سر سال آینده اگر باقی ماند خمس را بدهد.

**س ۸۰:** چند سال قبل منزل را خریدم به دو میلیون تومان نصف پول مال



برادرم بود و نصف مال خودم آیا این منزل سهم و خمس دارد یا خیر؟ در صورت داشتن سهم و خمس به قیمت که خریداری شده پرداخت شود یا طبق قیمت فعلی که ۱۵ میلیون تومان ارزش دارد محاسبه شود؟

**ج:** اگر با پول خمس داده شده و یا از درآمد بین سال خریده باشید و منزل مورد حاجت تان باشد خمس ندارد و الا خمس آنرا از قیمت که خریداری شده پرداخت کنید.

**س ۸۱:** معدن ذغال سنگ برای استخراج کننده خمس دارد؟ اگر استخراج کننده برای مصارف سوخت شخصی خودش استخراج کنند نیز خمس دارد؟

**ج:** اگر به حد نصاب (۱۵ مثقال طلای معمولی مسکوک) برسد خمس آن واجب است و الا اگر از سر سال اضافه کند خمس دارد و اگر اضافه نکند خمس ندارد.

**س ۸۲:** اگر ذغال سنگ را برای سوخت خودش استخراج کرد اما استخراج یکسال مصرف خودش به حد نصاب خمس نرسد اما اگر چند سال را روی هم حساب کند به حد نصاب می‌رسد در این صورت خمس واجب است؟

**ج:** اگر مجموعاً از سر سال خمس اضافه کند خمس دارد.

**س ۸۳:** به حضرت تعالی نسبت داده شده که اگر سادات دخترشان را به

عام نداد به آن سید خمس دادن جایز نیست، آیا این نسبت صحیح است؟  
**ج:** چنین نسبتی صحت ندارد ولی اگر قائل به عدم جواز ازدواج دختر سید با عام باشد نباید به او خمس بدهد.

**س ۸۱۴:** آیا خمس درخت های میوه دار واجب است؟

**ج:** اگر برای نیاز شخصی باشد خمس ندارد و اگر برای فروش باشد خمس دارد.

**س ۸۱۵:** آیا خمس زمینهای که سنگ چینی نموده و حق اولویت پیدا کرده واجب است؟

**ج:** در این صورت خمس ندارد.

**س ۸۱۶:** آیا خمس سال گذشته را از منافع سال جاری می تواند پردازد؟

**ج:** نمی تواند پرداخت کند مگر اینکه خمس آن را هم پرداخت کند.

**س ۸۱۷:** وکلایی شما که اجازه یک ثلث سهم امام (ع) را دارند حق تصرف برای دانش آموزها و دانشجویها دارند یا خیر؟

**ج:** حق تصرف در آن موارد را ندارند مگر در صورت که درس دینی بخوانند و یاد در حال

اضطرار قرار گرفته باشند.

**س ۸۱۸:** در طول سه سال است که وجوهات خویش را از قبیل سهمین

و... در اختیار شخصی قرار داده ام که از جانب شما نه وکالت داشته و نه رسید حضرتعالی را به ما آورده است، فقط با دستخط خودش به ما رسید داده، البته یکسال - از یک آقایی که هیچیک از مراجع مشهور و معروف قم و نجف اشرف نیست اصلاً نمی‌دانیم که ایشان چه شخصی است و کجا است - رسید آورده است، با توجه به اینکه همه ما مقلدین حضرتعالی هستیم حالاسؤال این است:

اولاً: بفرمائید آیا با دادن وجوهات به چنین شخصی برائت ذمه برای ما حاصل شده است یا نه؟ اگر نشده تکلیف ما چیست؟

**ج: دادن وجوهات به چنین شخصی جایز نیست اگر رسید که با ما بر این حقیر باشد نیاید پولها را**

**پس بگیریید.**

ثانیاً: آیا اسم گذاری چند تا اطاق به اسم حوزه علمیه - آنهم بدون مدرّس و محصل - مجوز شرعی برای جمع آوری خمس می‌شود یا نه؟

**ج: در مفروض سؤال که محصل و مدرس ندارد سهم امام را نباید در آنجا مصرف کنند و هیچ**

**مرحبی اجازه نمی‌دهد.**

**س ۸۹:** زمینی خریداری شده برای بهره برداری یا باغ جزء سرمایه است که خمس به آن تعلق دارد اگر دارد قیمت خرید یا قیمت فعلی است؟

ج: اگر برای نیاز خود و عائله باشد خمس ندارد و اگر برای فروش باشد قیمت فعلی آن خمس

دارد.

**س ۹۰:** اگر زمینی کشاورزی برای سرمایه گذاری در اختیار داشته باشد، ولی اگر خمس آن را بپردازد مخارج آن تأمین نخواهد شد آیا خمس بر او واجب است؟

ج: اگر برای امرار معاش خود و عائله خریده باشد خمس ندارد، و اگر برای استقاوه و تکثیر

ثروت باشد اخراج خمس آن واجب است.

**س ۹۱:** در بعضی کشورها والدین برای دختران خود جهیزیه و وسایل منزل تهیه می کنند تا به هنگام ازدواج به آنان هدیه کنند آیا خمس بر آن تعلق می گیرد؟

ج: اگر از درآمد بین سال بهمنزیه تهیه کند و قبل از رسیدن سر سال برای دخترش بدهد

خمس ندارد و دختر هم اگر در بین سال آن وسایل را استعمال کند خمس ندارد و اگر تا سر سال

استعمال نشود خمس آن را بدهد.

**س ۹۲:** اتومبیل یا زمین مغازه و نظایر آن که به عنوان کار و کسب باشد فروخته تا اتومبیل شخصی یا خانه مسکونی که برای زندگی است بخرد آیا

بر مبلغ فروخته شده خمس تعلق می‌گیرد؟

**ج:** اگر اتومبیل وزین و مغازه را قبلاً تخمین کرده باشد ترقی قیمت تنها خمس دارد و اگر تخمین نشده باشد در سر سال تمام قیمت تخمین شود و اگر مورد نیاز شخصی باشد اتومبیل خمس ندارد.

**س ۹۳:** شخصی کار گر یا کار مند کم کم پس انداز کند که بتواند مغازه یا اتومبیل کرایه یا خانه برای اجاره دادن خریداری کند. آیا به این پس انداز خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

**ج:** اگر از سر سال خمسی اضافه کند خمس دارد.

**س ۹۴:** خود رو برای کار خریدم یا برای شخص خود خریدم آیا خمس دارد؟

**ج:** اگر برای کار خریده خمس آن را بدهد و اگر شان او اقتضا کند که ماشین داشته باشد و برای کسب و کار نباشد خمس ندارد.

**س ۹۵:** کسیکه خانه یا ساختمان خریده از بعضی واحدها خودش استفاده می‌کند واحدهای دیگر را اجاره داده است آیا خمس بر در آمد و کرایه آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: آن مقدار از ساختمان که زاید بر نیاز است خمس آن واجب است پرداخت کند و مال الاجاره هم اگر از مؤنه سال اضافه کند خمس دارد.

س ۹۶: قرض های زیاد داشتم مجبور شده خانه مسکونی خود را بفروشم تا از یکسو قرض را بدهم از سوی دیگر باقی مانده پول را به عنوان سرمایه کسب خود قرار دهم برای این سرمایه خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج: در فرض سوال خمس ندارد.

س ۹۷: مسأله رهن را استدعا می شود واضح فرمایید، و اگر خمس آن را بپردازم خانه مناسب نمی توانم بگیرم؟

ج: مادامیکه در رهن خانه به آن پول نیاز دارید اخراج خمس آن واجب نیست و اگر پرداخت کنید خمس آن را، در آینده لازم نیست خمس آن را دوباره پرداخت کنید.

س ۹۸: آیا خمس به ما زاد مخارج سالانه تعلق می گیرد؟ از قبیل مواد غذایی موجود در خانه مانند شکر، برنج و غیره.

ج: بلی خمس تعلق می گیرد.

س ۹۹: جوانی در کشوری بیگانه مهاجرت می کند از کار خود پس انداز می کند که بر گردد در کشورش برای ازدواج یا خانه مسکونی بخرد، آیا

بآنچه پس انداز کرده خمس تعلق می‌گیرد؟

**ج:** بلی بعد از گذشت یکسال اخراج خمس واجب است و اگر در ازدواج در عمر و حرج قرار می‌گیرد با حاکم شرع مصاحبه کند.

**س ۱۰۰:** اگر کسی چنین گمانی نداشت که مالک ثروت می‌شوم ناگهانی ثروت زیاد به دستش رسید، آیا بر این پول باید سال بگذرد یا فوراً خمسش را بدهد؟

**ج:** از باب «الْخُمْسُ بَعْدَ الْمَوْتِ» باید یکسال از آن بگذرد قبل از آن اخراج خمس واجب نیست.

**س ۱۹۱:** من ثروت داشتم ولی از بین رفته آیا من به پرداخت خمس آن تعهد دارم یا خیر؟

**ج:** اگر در بین سال از بین رفته باشد خمس آن بر عهده شانیست و اگر بعد از گذشت یکسال تلف شود خمس آن بر عهده شماست.

**س ۱۰۲:** صاحب مغازه یا کارخانه یا نظایر آن اگر سال مالی (خمس) او فرابرسد و نتواند حسابهایی خود را به دلیل طلب و بدهکاری های زیاد تنظیم کند، چگونه خمس اموال خود را پردازد؟

ج: مجموع اموال را تخمین بزند و با حاکم شرع مصاحبه کند.

س ۱-۳: کسی حقوق شرعی خود را در زندگی خود نپرداخته است می خواهد خمس در آمد و ثروت خود را بپردازد چه باید بکند؟

ج: در فرض سوال با حاکم شرع مصاحبه کند.

س ۱-۴: کسی خمس نمی دهد آیا رفت و آمد و استفاده کردن از اموالش چه حکم دارد؟

ج: ارشاد و نصیحت کند اگر تاثیر نکرده و مراد و رفت و آمد اشکال ندارد.

س ۱-۵: اگر زمینی و یا ملکی را جهت سرمایه گذاری خریداری کند و قیمت آن افزایش یابد آیا قیمت افزوده را بدهد و یا تمام سرمایه را تخمیس کند؟

ج: اگر مورد نیاز و مورد احتیاج باشد ترقی قیمت خمس ندارد و اگر زاید بر احتیاج باشد مجموع

زمین متعلق خمس است.

س ۱-۶: گاه دان شخصی را خریدم به مبلغ چهار میلیون پول رایج آن زمان، بشرط خیار فسخ در مدت یکسال و سپس همین گاه دان را به صاحبش اجاره دادم به قیمت بیست و پنج سیر گندم. اولاً: این معامله صحیح است یا نه؟



ثانیاً: این پول و اجاره‌اش را مدت هفت سال است که نداده است و خمس آن پرداخت نشده اجاره آن خمس دارد یا نه؟

**ج:** اگر واقعاً قصد معامله را داشته باشند آن بیع و اجاره صحیح است هر موقع مال الاجاره را داد

**اخراج خمس آن واجب است.**

**س ۱-۷:** در آخر سال مؤنه ام مقداری بریدگی های «چرم» و مقداری چسب استفاده شده و تعدادی کفش باقی مانده است. آیا خمس به آنها تعلق می‌گیرد و اگر می‌گیرد چگونه باید آن‌ها را محاسبه کرد؟

**ج:** در فرض سؤال هر مقداری که ارزش دارد باید قرار ارزش خمس را حساب کند.

**س ۱-۸:** چک‌هایی را بابت فروش کفش قبل از مؤنه سالم گرفته ام ولی تاریخ وصول آنها بعد از مؤنه سال می‌باشد آیا چک‌های فوق جزء در آمد سال حساب می‌شود و یا سال آینده؟

**ج:** چک‌های مذکور در فرض سؤال از سال بعد حساب می‌شود.

**س ۱-۹:** تعدادی کفش به شخصی فروخته ام و در قبال آن نه چک گرفته‌ام و نه پول بعد از دریافت قیمت کفشها آیا پول آن جزو در آمد این سال حساب می‌شود و یا سال آینده؟

**ج:** هر وقت قیمت کفش‌ها را گرفتید از درآمد همان سال حساب می‌شود.

**س ۱۱۰:** در دهات و روستاها رسم است که قوچ (گوسفند نر) یا بُز نر که برای تولید نسل گوسفندان و بزها لازم است و از ضروریات به حساب می‌آید، آیا خمس به اینها تعلق می‌گیرد؟

**ج:** مقدار نیازی برای گوسفند و بزهای ماده جزء مؤنذ است، خمس ندارد و در صورتیکه در بره

گی و بزغالگی خمس آن بار پرداخت شده باشد و پیش از آن خمس دارد.

**س ۱۱۱:** بره و بزغاله ی نری که برای تولید نسل گذاشته است تقریباً دو سال طول می‌کشد، تا اینکه این بره یا بزغاله نر به حد بلوغ برسد آیا تا به حد بلوغ نرسیده باید هر سال خمس آنها را بدهد؟

**ج:** بله! تا آن موقع خمس آنها داده شود. (در سال اول خمس تمام قیمت و در سال دوم

خمس ترقی قیمت را بدهد).

**س ۱۱۲:** گوسفند نر و بز نر تا زمان که برای گوسفندان و بزها لازم است خمس ندارد و قتیکه پیر شد و از ضرورت افتاد باید خمس آنها را بپردازد؟

**ج:** خمس ندارد.

**س ۱۱۳:** طلاب علوم دینی که در حوزه های علمیه افغانستان مشغول به تحصیل هستند از تمام شهریه مراجع محترم تقلید محروم هستند در صورت که غالب آنها با مشکلات معیشتی مواجه می‌باشند آیا اجازه می‌فرمایید که

سهم مبارک امام (ع) در حوزه‌ها علمیه آن جا مصرف شود تا اینکه طلاب بتوانند در همان جا به تحصیل خودها ادامه دهند؟

ج: در فرض سؤال مراجع و کلاء اینجانب کنند و با اجازه آنها می‌توانند سهم مبارک امام

(ع) را به طلاب علوم دینی بدهند.

س ۱۱۴: خمس جوایز و هدایای که به ورزشکاران داده می‌شود چه حکمی دارد؟

ج: اگر تا سر سال باقی ماند تخمیس واجب است و اگر باقی ماند خمس ندارد.

س ۱۱۵: سه نفر باهم با صاحب کاری کار می‌کردیم، فقط خرجی شب و روز را دریافت می‌کردیم باقی مزد ما طلبکار ماند تا به چند میلیون رسید، با همان صاحب کار زمین خریداری کردیم که خانه بسازیم شش میلیون ابزاری کار خریدیم دولت سند نداد، آیا ما مدیون خمس هستیم؟

ج: اگر بعد از گذشتن سال زمین خریده باشید زمین و ابزار کار هر دو خمس دارد و اگر از آمدن

بین سال زمین خریده باشید و در سر سال ساخته باشید باز خمس آنرا بدهید.

س ۱۱۶: خمس نداده ام ده میلیون تومان خرج ازدواج پسرم کردم، آیا مدیون خمس می‌باشم؟

ج: پولهای که یکسال از آن گذشته و در ازدواج مصرف شده خمس آن واجب است

پرداخت شود و هر مقدار از درآمد من سال خرج شده خمس ندارد اگر پرداخت خمس مشقت دارد با حاکم شرع مصاحبه کند.

**س ۱۱۷:** در کارخانها لاستیک کار می‌کنم خرید و فروخت می‌کنم چکهای سفید برایم می‌دهد که اعتباری هم ندارد که پول شود یا خیر حکم خمس آن چه می‌شود؟

**ج:** بعد از وصول پول و رسیدن سر سال خمس به آن تعلق می‌گیرد اگر وصول نشد چکها خمس ندارد.

**س ۱۱۸:** اینجانب از سهم سادات قرض دار هستم با اینکه فقیر مستحق عام بیشتر است آیا می‌توانم برای فقیر مستحق عام یک مقدار آن را بدهم یا خیر؟

**ج:** در فرض سوال با وجود سادات فقیر برای فقیر غیر سادات نمی‌توانید بدهید بلی اگر سادات فقیر پیدا نشود در این صورت می‌توانید با اجازه حاکم شرع به فقیر غیر سادات بدهید.

**س ۱۱۹:** در کوئته پاکستان مهاجر بودیم، دولت پاکستان فرزندان مارا اجازه نمی‌داد که در مدارس دولتی درس بخواند عدّه از مؤمنین مدرسه درست کرده اند. و ما نیز پول کرایه ساختمان مکتب و معاش معلمین را پرداخت کرده ام. آیا این مصارف ما به وجوهات شرعیّه مجرا می‌شود

یاخیر؟

ج: در فرض سؤال پولی که برای مدرسه مصرف کرده اید کاری خوبی کرده اید ولی عوض

و جوهات مجرا نمی شود.

**س ۱۳۰:** شخصی به عربستان سعودی بدون قصد کار گری رفته بود در حین بر گشت از طریق پاکستان در فرودگاه پاکستان (فقط به دلیل افغانی بودن) گرفتار می شود، این فرد با اینکه عائله مند و فقیر بود کار گری دیگری هم نداشت متهم زندانی شد بعد از چند مدت زندانی او را به ۴۲۰۰۰۰۰ چهار صد و بیست هزار روپیه پاکستان خریداری کردیم. و فرد یاد شده فعلاً در ایران مهاجر است که هنوز هم فقیر هست به هیچ وجه نمی تواند پول ما را پرداخت کند.

سؤال این است که این مبالغ پول که برای آزادی او از زندان و نجات عیال و فرزندانش داده ایم به کدام وجه شرعی مجرا می شود یاخیر؟

ج: در فرض سؤال اگر پولی را که برای نجات زندانی به عنوان قرض داده باشید می توانید

عوض زکات بجا کنید و هم چنین کسانی دیگر می توانند زکات خود را به ایشان بدهند و ایشان قرض

شمار بدهد.

**س ۱۳۱:** شخص آهنگر است برای آهنگری خود یک اطاق نیاز دارد یا

دو اطاق - مثلاً - مقدار مصارف برای ساخت اطاق انجام داده و چوب لازم را هم خریداری کرده است در صورتیکه تا اوّل سال خمسّی وی (سری سال) اطاق مذکور آباد نگردد در مورد چوب مذکور خمس است؟ در صورتیک اطاق آباد و قابل استفاده شود آنگاه سرسال فرا رسد خمس دارد یا خیر؟

ج: اگر قبل از سرسال چوب برای ساختن اطاق مصرف نشود و آن خمس آن چوب واجب است ناکفته ماند اطاق برای آن سگری اگر وسیله درآمد باشد خود آن اطاق هم خمس دارد یعنی در سرسال تمام اطاق قیمت و خمس آن جدا شود.

س ۱۳۲: زیارت سخی کابل را باز سازی می کنند آیا در قسمت اعمار و بازسازی آن از وجوهات شرعیّه می توانیم مصرف نمائیم؟

ج: در قسمت بازسازی و اعمار آن زیارت از سهمین مبارکین مصرف نمی توانید و هم چنین زکات و فطره و رده منظام را هم به فقراء بدهند.

س ۱۳۳: آیا مقلدین شما در پرداخت سهم سادات را به سادات فقیر مجازند؟

ج: در فرض سوال در صورتیکه سادات فقیر مستحق باشند می توانند سهم سادات را به آنها

بدرمند.

**س ۱۲۴:** اگر شهریه طلاب عینش در سر سال باقی باشد خمس به او تعلق می‌گیرد یا نه؟ و اگر با پول شهریه جنسی را بخرد تا سر سال مصرف نشود یا مورد استفاده قرار نگیرد آیا خمس دارد؟

**ج:** خمس به عین شهریه اگر تا سر سال بماند تعلق نمی‌گیرد اما اگر تبدیل به جنس شود و سال بر آن بگذرد و مورد استفاده قرار نگیرد خمس آن جنس واجب است.

**س ۱۲۵:** کسی چندین سال است که برای تمام اموالش یک سر سال مشخص دارد، حالا می‌تواند که برای پول نقد، مواد خوراکی، هیزوم، علوفه ای حیوانات و... هر کدام به تنها و علیحده یک سر سال قرار دهد؟ با توجه به اینکه اگر کسی چنین کند شاید در بیشتر از موارد یاد شده خمسی نشود. و در این مسأله مقلدین امام خمینی ن که بر تقلید او باقی مانده هم می‌توانند عمل کنند؟

**ج:** اگر سر سال را جلو بکشد اشکال ندارد اما اگر عقب برود سال اولی که می‌خواهد عقب برود باید آن مقدار اموالی که در فاصله بین سال جدید و سال فعلی به دست آمده خمس آن مقدار را هم حساب کند اما از سالهای بعد می‌تواند خمس اموال خود را در سر سال جدید حساب کند.

**س ۱۲۶:** نظر حضرت تعالی به مصرف خمس [سهم سادات] این است که

«بنا بر احتیاط با اجازه حاکم شرع به سادات فقیر داده شود» ولی مردم طبق فتوای که بعضی فقهاء دارند ولو اینکه مقلد شما هم باشند خود شان به فقیر می دهند اینگونه عمل کردن نسبت به مصرف خمس صحت دارد یا نه؟

**ج: مقلدین این جانب باید سهم سادات را به اجازه این جانب به سادات فقیر بدهند.**



## احکام زکات

**س ۱:** زمینی را اجاره کرده بودم؛ خمس اجاره را پرداخت کردم آیا به محصولات زمین اجاره شده زکات تعلق می‌گیرد؟

**ج:** اگر به حد نصاب برسد تعلق می‌گیرد.

**س ۲:** کشاورزی هستم که یک چهارم ( $\frac{1}{4}$ ) محصول گندم و جو به من تعلق می‌گیرد اما هنگام برداشت محصول، صاحب زمین محصول را با دستگاه‌های مکانیکی جمع‌آوری و به دولت می‌فروشد. در حالی که من عین سهم خود را اخذ و قبض نمی‌کنم آیا به قیمت سهم من خمس و زکات تعلق می‌گیرد؟

**ج:** اگر سهم شما به حد نصاب برسد (در حدود ۸۴۷ کیلوگرم) زکات به آن تعلق می‌گیرد و پولی را که بابت قیمت محصول فروخته شده گرفته‌اید اگر از سر سال بگذرد پرداخت خمس آن نیز واجب است.

**س ۳:** در خانواده ای که پدر صاحب اختیار تام و تمام است و فرزندان خانواده زندگی مستقل ندارند. اگر در آمد این خانواده از زمین های کشاورزی و دامداری مال یک نفر (پدر خانواده) به شمار آید زکات تعلق می گیرد. اما اگر فرزندان خانواده هم مالک و صاحب اموال و در آمد به شمار آیند زکات تعلق نمی گیرد وظیفه این خانواده چیست؟

**ج:** اگر زمین و دام با مال پدر است و فرزندان در همان و کارگر به شمار می روند در محصولات کشاورزی و دامی، سهمی ندارند، در صورتی که محصولات به حد نصاب برسند زکات به آن تعلق می گیرد و اگر زمین و محصولات آن در میان پدر و فرزندان مشترک باشد، در صورتی زکات تعلق می گیرد که سهم هر کدام به حد نصاب برسد.

**س ۴:** پدری که خانه و مخارج زندگی فرزندان خود را جدا کرده اما زمین های کشاورزی هنوز در اختیار پدر خانواده است و تقسیم نشده است. بذر و تخم و کارهای کشاورزی به طور مشترک انجام می شود؛ آیا به مجموع محصولات زکات تعلق می گیرد یا به سهمیه هر یک از افراد؟

**ج:** اگر پدر خانواده زمین را برای فرزندان خود اباح کرده است که کشت کنند باید سهمیه هر کدام به حد نصاب برسد تا زکات به آن تعلق بگیرد.

**س ۵:** پدری که در ایران زندگی می کند. اما فرزندش در افغانستان زمین

های زراعتی او را کشت می‌کند، آیا زکات به عهده پدر (صاحب زمین) است یا به عهده فرزند؟

**ج:** اگر حاصلات زمین مال فرزند باشد زکات به عهده فرزند است.

**س ۴:** کسی که زمین خود را نصفه کاری یا اجاره به کشاورزی می‌دهد در چه صورتی زکات به آن تعلق می‌گیرد؟

**ج:** در نیمه‌کاری اگر سهم هرکدام به حد نصاب برسد زکات تعلق می‌گیرد. در اجاره

زکات به عهده اجاره‌گیرنده است نه صاحب زمین.

**س ۷:** کشاورزی که محصولاتش به حد نصاب می‌رسد آیا اجازه می‌دهید که مخارج کود کیمیایی، تخم، شخم و کرایه آب دهنده را از خرمن کسر کند و زکات باقی مانده را بدهد.

**ج:** هزینه‌هایی که بعد از تعلق زکات به محصولات مصرف می‌شود مانند هزینه‌های دروازه نقل،

و انتقال، جنول، تصفیه و... را می‌تواند کسر کند، اما درباره کسر هزینه‌های پیش از تعلق زکات،

می‌تواند از مرجع تقلید جامع الشرائطی که کسر را جایز می‌داند، تقلید کند.

**س ۸:** زنی که شوهرش فوت کرده و فرزندی دارد که موظف به تأمین

هزینه‌های زندگی مادر خود است، آیا این زن می‌تواند زکات فطرة، رد

مظالم و غیره دریافت کند؟

## ج: اگر احتیاج ندارد، نمی‌تواند.

**س ۹:** آیا پدر می‌تواند زکات خود را برای فرزندش که طلبه علوم دینی است کتاب بخرد؟

## ج: بله! می‌تواند.

**س ۱۰:** اگر صاحب مال یا وکیل مجتهد کسی را فقیر و مستحق تشخیص داد و چیزی از خمس و زکات به او داد بعداً معلوم شد که مستحق نبوده و فریبکاری کرده است، وظیفه چیست؟

**ج:** اگر عین مال خمس و زکات باقی است باید برگردانده شود. اگر از بین رفته است و کسریزه می‌دانسته است که از زکات و خمس بوده است باید جبران کند و عوض آن را برگرداند. اما اگر کسریزه نمی‌دانسته است باید صاحب مال و وکیل جبران کند.

**س ۱۱:** آیا غیر سید می‌تواند به سید صدقه مستحب بدهد؟

## ج: اگر موجب توہین نشود اشکال ندارد.

**س ۱۲:** اگر زمین کشاورزی و تخم [بذر] مال صاحب زمین باشد، اما آب کشاورزی از چاه عمیق کسی دیگری تأمین شود و هر دو توافق کنند که در عوض آب کشاورزی یک سوم حاصلات مال او باشد آیا زکات به کل محصولات تعلق می‌گیرد یا تنها به سهم صاحب زمین؟

ج: اگر سهم هر کدام به حد نصاب برسد زکات آن بر عمده صاحب زمین و مالک چاه

آب است.

**س ۱۳:** چند برادری هستیم که مایملک هر کدام ما از اموال منقول و غیر منقول با وصیت یا تملیک مشخص و در میان ما تقسیم شده است اما چون زندگی مشترک داریم محصولات زمین در آمده‌ها و نیز مخارج زندگی، مشترک است، آیا به مجموع خرمن (که به حد نصاب می‌رسد) زکات تعلق می‌گیرد یا به سهمیه هر کدام ما؟

ج: اگر سهمیه هر کدام به حد نصاب برسد زکات تعلق می‌گیرد.

**س ۱۴:** کشاورزی که گندم و جو خود را - طبق معمول - پس از برداشت به دولت می‌فروشد، آیا زکات به آن تعلق می‌گیرد یا خمس به قیمت آن؟

ج: اگر به حد نصاب رسیده باشد زکات تعلق می‌گیرد و اگر قیمت آن از مؤونه سال

اضافه شود خمس تعلق می‌گیرد.

**س ۱۵:** درباره مهمان شب عید فطر در رساله فرموده اید، اگر مهمان نانخور صاحب خانه به شمار می‌رود فطره‌اش بر صاحب خانه است، منظور از «نانخور» چه کسی است؟

ج: اگر همان شب عید به خانه اش برگردد زکات فطره به عمده خودش است اما اگر یک شب یا دو شب یا بیشتر همان بماند زکات فطرش به عمده منیران است.

س ۱۴: آیا مصرف خمس، زکات و فطره برای تعمیر حسینه و تکیه خانه و وسایل آن جایز است؟

ج: مصرف زکات و فطره اشکال ندارد اما اگر مردم قدرت ندارند که از پول شخصی خود تعمیر کنند می توانند شلث سهم امام را در تعمیر حسینه و تکیه خانه مصرف کنند. آنانیاز به اجازه شخصی از مجتهد (مرجع تقلید) دارد.

س ۱۷: در طول انقلاب، حکومت های محلی، زکات و فطره جبراً بدون رضایت، جمع آوری می کردند آیا از گردن ما ساقط شده است؟

ج: اگر مردم قدرت و توان ندارند که دوباره پرداخت کنند باید با حاکم شرع مصاحبه کنند زیرا پرداخت و بوجه شرعی به افراد یاد شده موجب برانت ذمه نمی شود.

س ۱۸: آیا زکات فطره را می توان به زن پدر (مادراندر) داد؟

ج: اگر پدر توانایی تأمین نفقه زنش را دارد جایز نیست.

س ۱۹: اگر صدقات سادات و غیر سادات مخلوط شود آیا می توان به

سادات داد؟

**ج:** اگر از صدقات مسجده باشد اشکالی ندارد.

**س ۲۰:** یقین داشتیم که زکات به خرمن من تعلق خواهد گرفت اما خرمنم را آتش زدند و بیشتر آن سوخت، آیا زکات باقی مانده باید پرداخت شود یا زکات همه؟

**ج:** اگر مالک درنگه داری خرمن کوتاهی کرده باشد باید زکات همه را بدهد و اگر زکات باقی

مانده را بدهد.

**س ۲۱:** زراعت گندم و جو و درخت های بید و چنارم را که زکات به جو و گندم و خمس به درختانم تعلق گرفته بود، سیل برد، وظیفه شرعی من در برابر باقی مانده ارقام یاد شده چیست؟

**ج:** خمس را باید پرداخت کنید چون عمداً به تاخیر انداخته اید اما زکات واجب نیست چون

فرض بر این است که هنوز وقت وجوب اخراج زکات نرسیده بوده است.

**س ۲۲:** زکاتی را که طالبان بزور از ما گرفته اند عوض زکات مجرا است یا باید دوباره بدهم؟

**ج:** تومی توانید زکات را به فقراء بدهید اگر ممکن نباشد مجزی است ولی حتی الامکان به آنها

کمتر بدید.

**س ۳۳:** در دهات رسم است که شخصی را به عنوان خادم حسینیه و مسجد انتخاب میکنند و اجرت آن را از زکات فطره یا زکات غلات میپردازند این کار صحیح است یا نه؟

**ج:** اشکالی ندارد.

**س ۳۴:** چشمه‌ی است مشرف به مسجد قریه که اغلباً نماز گذاران غسل و وضو می‌کنند و نماز در مسجد می‌خوانند و چشمه موصوف لازم به کار و ترمیم دارد آیا میتوانیم از زکات برای آن چشمه سیمان (سمت) خریداری و برای چشمه مصرف کنیم؟

**ج:** همه مصارف را مربوط به زکات نکنید فقط لوازمات مسجد و حسینیه را میتوانید از زکات

تهیه کنید.

**س ۳۵:** در نصاب زکات مصارف در وقت درویدن گندم و کوبیدن و نرم کردن و خرمن کردن و امثال این کارها کسر میشود یا نه؟

**ج:** مصارف درو و کوبیدن و تصفیه از زکات اخراج میشود. اما مصارفی که قبل از تعلق

زکات کرده مانند کشت کردن و کود کماوی و آبیاری یا کرایه کاو قله و یا تراکتور کسرنمی شود.

**س ۳۶:** گندم و جو اگر با تراکتور کاشته شود و تراکتور کرایه داشته



باشد آیا زکات دارد یا نه؟

### ج: زکات آن واجب است، در صورتیکه به حد نصاب برسد.

**س ۲۷:** با توجه به فقر اکثر مردم افغانستان که خوراکی زمستانی خود را از آرد گندم بخوبی تهیه نمی‌توانند آیا عوض گندم و جو می‌توانند فطره را از اجناس دیگر بدهند یا خیر؟

ج: اگر ممکن است فطره را گندم یا جو بدهند و اگر قدرت ندارند هر جنسی که به درد فقیر بخورد

می‌تواند به قیمت گندم و جو بدهند.

**س ۲۸:** بنده خرمن خود را پیمانه کردم ۱۲۰۰ کیلو شد خرمن گندم مصارفم قرار ذیل است.

الف: تخم ۵۷ کیلو گندم که زراعت کرده بودم.

ب: کرایه شخم زمین ۲۱ کیلو گندم.

ج: کود کمیای ۸۰۰۰۰۰۰ افغانی به نرخ روز خرمن گرفتن معادل ۲۰۰ کیلو گندم.

د: مصارف آبیاری ۲۸ کیلو گندم

ه: مصرف درو کردن و کوفتن و تصفیه کردن ۲۲۰ کیلو گندم جمله

مصرف ۵۲۶ کیلو گرم جمله خرمن که باقی مانده ۶۷۴ کیلو گندم می‌شود.

ج: بنا بر احتیاط واجب مصارف قبل از تعلق زکات کسر نمی‌شود و مصارف بعد از

تعلق زکات کسرمی شود زکات بر شما واجب است و مقدار (۹۸) کیلوگرم زکات بر شما تعلق گرفته است

## احکام حج

**س ۱:** کسی که خانه و لوازم ضروری خانه داشته باشد چه مبلغ پول داشته باشد تا مستطیع به شمار آید؟

**ج:** علاوه بر ضروریات خانه آن مبلغ پول داشته باشد که مخارج رفت و برگشت، مصارف

اهل و عیال و اداره زندگی اش را بعد از بازگشت به طور معمول ادامه بدهد و آبرویش نرزد.

**س ۲:** کسی که عمره تمتع را انجام داده و در مکه فوت می کند آیا برای انجام حج تمتع نایب لازم دارد یا انجام عمره از حجة الاسلام کفایت می کند؟

**ج:** نایب لازم نیست، کفایت می کند.

**س ۳:** کسی که بعد از انجام عمره تمتع تصادف می کند و در بیمارستان بستری می شود آیا این شخص برای اعمال حج تمتع نایب لازم دارد، اگر لازم دارد، آیا کسی که خودش حج واجب انجام می دهد می تواند نایب او شود؟

ج: شخص مورد نظر حکم محصور از حج را دارد، اگر از سال های قبل مستطیع بوده و اقدام نکرده است و یا استطاعت تا سال آینده باقی می ماند در هر دو صورت واجب است که در سال آینده حج انجام دهد در صورتی که اس سال امکان نداشته باشد اگر امکان دارد محرم شود به مقدار واجب در کت و قوفین کند و سایر اعمال را خودش انجام دهد و اگر نمی تواند نایب بگیرد.

س ۴: اگر کسی از مدینه احرام ببندد بامید این که در مسجد شجره نیت کند. در مسجد شجره متوجه نمی شود، در مکه نیت می کند، حج او صحیح است؟

ج: حج صحیح نیست، اگر پیش از انجام اعمال برگردد و از یکی از میقات ها محرم شود کفایت می کند همچنین است بعد از انجام اعمال در صورت تقایم وقت.

س ۵: آیا کسی می تواند بعد از انجام عمره تمتع و قبل از انجام حج تمتع عمره مفرده را انجام بدهد؟

ج: نمی تواند.

س ۶: آیا بعد از انجام عمره تمتع و قبل از حج تمتع می تواند به عرفات، منا، مشعر، غار حراء، و غار ثور برود؟

**ج: بدون ضرورت خارج شدن از محدوده ای که عرفاً کفّه صدق می‌کند جایز نیست.**

**۷: کسی که بعد از طواف وسعی بین صفا و مروه از اعمال عمره تمتع تقصیر کرده و می‌آید در اتاق سرش را می‌تراشد آیا کفاره دارد؟**

**ج: اگر عمره تمتع را در ماه شوال انجام داده است تا پایان ماه شوال تراشیدن سر جایز است**

**اما بعد از آن اگر عالماً و عامداً تراشد بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.**

**۸: آیا بعد از عمره تمتع حاجی می‌تواند با همسرش نزدیکی کند؟**

**ج: بعد از تقصیر اشکال ندارد.**

**۹: در این سال ها، قربانگاه حاجیان از منابه پشت جبل النور انتقال یافته است و علاوه بر این، گوسفندان و بزهایی را که در برابر چهار صد ریال عربستان می‌دهند جامع و واجد شرایط قربانی نیستند آیا حاجی می‌تواند با تلفن به خانواده اش خبر دهد که به نیابت از او در وطن خودش، قربانی کنند؟**

**ج: اشکالی ندارد در صورتیکه آن روز عید قربان باشد.**

**۱۰: کسی که روزگاری مستطیع بوده است اما به حج نرفته است اما اکنون هزینه آن را ندارد مگر که زمین خود را تریاک بکارد تا بتواند به حج رود و وظیفه اش چیست؟**

ج: تحت پول قرض کند به مکه برود برای پرداخت بدهکاری خود میتواند کشت تریاک کند در صورتیکه از طریق دیگر امکان نداشته باشد.

س ۱۱: کسی که از پول تریاک به حج می رود آیا حج او صحیح است؟  
آیا خمس بر او واجب است؟

ج: حج صحیح است و در سر مال خمس بر او واجب می شود.

س ۱۲: روحانی که از سهمین تعدادی از حاجیان حج کرده است در صورتی که از سادات و غیر سادات باشد حجش صحیح است؟

ج: البته اگر مرجع تقلید اجازه بدهد صحیح است.

س ۱۳: فقیری که پولی به دست می آورد و به حج می رود آیا بر این شخص خمس واجب است؟

ج: اگر پیش از رسیدن سر مال به مکه برود، خمس واجب نیست.

س ۱۴: کسی که چند فرزند دارد، سرمایه و اموال شان مشترک است اما اختیار تمام سرمایه با خودش (پدر) است. آیا سرمایه مال پدر به حساب می آید که مستطیع می شود یا مال فرزندان و پدر که در این صورت هیچ کدام مستطیع به شمار نمی آیند؟

ج: اگر فرزندان اموال خود را به پدر بده کرده باشند یا اجازه حج را به پدر داده باشند پدر خانواده

منطیع است و حج بر او واجب است، اما اگر همه نکرده اند باید اموال هر که را م به اندازه استطاعت برسد حج بر آن ها واجب شود.

**س ۱۵:** در فرض سؤال (۱۵) اگر پدر واجب الحج شد می تواند یکی از فرزندان خود را به نیابت از خود به حج بفرستد؟

**ج:** اگر پدر می تواند حج برود حج بر خودش واجب است و اگر توانایی ندارد و در آینده نیز توانایی پیدا نمی تواند نایب بگیرد.

**س ۱۶:** اگر حاجی به خاطر شلوغ حاجیان، تقیه یا عذر دیگری نتواند در محل قربانگاه قربانی کند وظیفه اش چیست؟

**ج:** اگر ذبح حیوان در قربانگاه امکان نداشته باشد کسی را در وطن یا در مکه یا در یکی دیگر از شهرهای عربستان وکیل بگیرد که از طرف او در روز عید قربانی کند.

**س ۱۷:** کسی که در حج بعد از انجام عمره دستگیر می شود و نمی تواند حج تمتع و طواف نساء را انجام بدهد وظیفه اش چیست؟

**ج:** کسی که دستگیر شده وظیفه اش قربانی و تراشیدن سراسر است و پس از آن از احرام خارج می شود. اگر در همان سالی که به حج رفته بود، استطیع شده بود دیگر حج بر او واجب نیست اما اگر

## استطاعت از سال‌های قبل بوده، حج بر ذمه‌اش باقی است.

**س ۱۸:** شخصی در حیات خود مستطیع بوده یک مقدار زمین و اموال خود را برای یکی از پسرانش هبه میکند تا در عوض از طرف پدر حج انجام بدهد ولی تا کنون حج انجام نشده با اینکه میتواند همان سال اول حج را انجام دهد حالا حکم مسئله چه است؟

**ج:** پسران دیگرش حق دارند به رافع کنند و بحاکم شرع مراجعه کنند تا حاکم زمین و اموال را به کسی بدهد تا حج نیابتی را برای میت انجام دهد.

**س ۱۹:** شخصی که خودش مستطیع است آیا می‌تواند از طرف میتی حج نیابتی انجام دهد؟

**ج:** نه خیر شخص مستطیع نمی‌تواند نائب حج برای کسی دیگر بشود.

**س ۲۰:** از شخصی دو پسر و دو دختر باقی مانده از تاریخ فوت پدر پنجاه، شصت سال می‌گذرد یک دختر را برادران راضی به هبه زمینش میکنند دیگری را راضی نمی‌کنند این دختر از ارث پدر اگر بفهمد که مستطیع شده یا نه مال موروثی پدر از تاریخ فوت پدر باید قیمت شود یا ارزش فعلی آن اموال؟ آیا خواهی را که راضی کرده حج بر ذمه آن خواهر هم در صورت استطاعت از آن اموال استقرار پیدا کرده یا نه؟



ج: از تاریخ حساب می‌شود که دختران از اموال موروثی بی‌نیاز شده باشد مثلاً اگر در هنگام فوت پدر این دختر شوهر داشته از همان زمان از میراث پدر بی‌نیاز بوده حج بر ذمه اش واجب شده است اگر دختران با میراث باقی مانده از پدر استطاعت مالی پیدا کرده و سایر شرایط حج در آنها وجود داشته و بعد از برگشتن از حج در مشقت زندگی قرار نگیرند حج در ذمه آنها استقرار پیدا کرده است.

**س ۳۱:** مقداری زمین شخصی به عنوان میراث به دخترش رسیده و تا آخر عمر این زمین در اختیار شوهرش بوده و در آخر عمر زمین را به پسرش تملیک میکند آیا حج بر ذمه این زن واجب شده یا نه؟

ج: اگر مصرف حج را کفایت حج بر ذمه زن واجب شده است.

**س ۳۲:** کسی وکیل می‌شود تا از طرف شخصی حج انجام بدهد آن شخص از افغانستان تا ایران می‌آید ولی به علت ناتوانی پیری رفتن به حج برای او مقدور نمیشود اکنون میخواهد پسر خود را به حج بفرستد جائز است یا نه؟

ج: اگر حج برای میت باشد باید وصی یا ورثه میت راضی بر رفتن پسر این شخص به حج باشند و

اگر حج برای آدم عاجز باشد خود مستطیع اگر راضی باشد اشکال ندارد.

**س ۲۳:** همین شخصی که نایب شده برای انجام حج احتمال دارد خودش هم مستطیع باشد اگر از مکه برای آن شخص که نایب او شده میتواند کسی دیگر را نایب بگیرد تا حج میقاتی انجام دهد و خودش برای خود حج انجام بدهد یا نه؟

**ج:** اگر میت منظورش حج بلدی بوده باید حج بلدی برایش انجام شود و اگر تصریح بر حج بلدی نکرده و قرینه هم وجود ندارد که منظورش حج بلدی بوده است و هم چنین نظریت انجام حج توسط خود این شخص نبوده میتواند خودش برای خود حج کند و کسی دیگر را نایب حج میقاتی بگیرد تا برای میت حج انجام دهد.

**س ۲۴:** اگر این شخص در استطاعت خود شک و تردید داشته باشد که مستطیع هست یا نه؟ و وظیفه اش چیست؟

**ج:** وظیفه اش این است که باید دارائی خود را بسجد تا معلوم شود که مستطیع هست یا نه.

**س ۲۵:** زنی مهریه اش که به اندازه استطاعت معین کرده، و شوهرش هم قبول نموده ولی بعداً یا شوهر تمرد کرد مهریه را نداده یا اینکه قدرت بر پرداخت نداشت آیا در این صورت حج به عهده این خانم استقرار دارد یا خیر؟

**ج: در فرض سوال زن مستطیعه نمی باشد، حج در ذمه او استقرار پیدا نمی کند.**

**س ۲۶:** اگر خانمی مستطیعه شود در این عصر قاعدتاً بدون شوهر یا محرم دیگری می تواند به حج برود؟ آیا لازم است پول دونفر را پیدا کند یا فقط پول یک نفر، که همان زن باشد برای استطاعت این زن کافی است.

**ج: اگر زن به تنهایی می تواند حج انجام دهد، مصارف یک نفر را داشته باشد کافی است برای**

**استطاعت.**

**س ۲۷:** مقدار مهریه ای خانمی به اندازه استطاعت برای حج معین شده، آیا به محض که به عهده شوهر واجب شد که مهریه را بدهد استطاعت برای صاحب مهریه پیدا می شود یا اینکه تا این مبلغ به دست زن قرار نگرفته استطاعت حاصل نمی شود؟

**ج: مادامیکه شوهر مهریه را پرداخت نکند زن مستطیعه نمی شود.**

**س ۲۸:** مهریه ای خانمی به اندازه استطاعت است، اگر این مبلغ را به شوهرش هبه کرد حج به عهده او استقرار پیدا می کند؟

**ج: در فرض سوال حج بر زن واجب است و اگر برای شوهر هبه کند حج در ذمه زن باقی**

**می ماند.**

س ۲۹: من كان نائباً عن غيره و مات بعد الاحرام و دخول الحرم و ترک

میراثاً هل يجب على وارثه ان يردّ من تركته ما بقى من الاجرة؟

ج: فی مفروض السؤال حجه صحیح و يستحقّ تمام اجرت المسمی و یفرغ ذمّة المنوب عنه.

**س ۳۰:** اگر به مکه با پول حرام بروم سفر و زیارت مکه معظمه من چه

حکمی دارد؟

**ج:** اگر احرامی و قربانی و لباس نماز طواف از پول حرام نباشد حج صحیح است اگر چه

تصرفاتش حرام است.

**س ۳۱:** شخصی در منا قبل از ذبح قربانی حلق کرده بعداً متوجه شده

است که موالات شرط است و وظیفه ایشان چیست؟

**ج:** حش صحیح است اعاده آن بعد از قربانی واجب نیست.

**س ۳۲:** فرد در منا برای قربانی نایب گرفته است بعد از اطمینان که

قربانی انجام شده حلق کرده، بعداً کشف خلاف شده که قربانی نکرده حلق

قبل از قربانی صورت گرفته وظیفه و تکلیف او چیست؟

**ج:** اشکال ندارد.

**س ۳۳:** فرد عمره تمتع انجام داده، بعد از سعی تقصیر نکرده فوراً

احرام حج تمتع بسته و اعمال حج را انجام داده، حج این شخص چگونه

است؟

**ج:** اگر نیاباً بوده عمره اش صحیح است و احوط این است که یک کوشندگانه بدهد.

**س ۳۴:** وقوف در منا از اول شب تا نصف شب و یا از نصف شب تا طلوع خورشید واجب است؟

**ج:** از نصف شب تا طلوع فجر کافیت. و هم چنین از اول شب تا نصف شب هم کافی است.

**س ۳۵:** شخصی برای اعمال حج رفته به جهت طولانی شدن اعمال و یا شلوغی ماشین ساعت دو بعد از نصف شب منا آمده وظیفه چیست؟

**ج:** اگر تاخیر عمدی نبوده چنانچه در سوال آمده اشکال ندارد.

**س ۳۶:** خانمی در ایام حج از قرص استفاده کرده بعد از ایام عادت یا در ایام عادت لگه های خون می بیند آیا می تواند طواف حج و یا عمره را انجام بدهد یا خیر؟

**ج:** اگر تا سه روز مستمر بوده نمی تواند طواف کند.

**س ۳۷:** فرد جاهل به مسأله بعد از احرام از مسجد جحفه اعمال عمره تمتع را انجام نداده ولی اعمال حج تمتع را به طور کامل انجام داده است آیا حج باطل است یا خیر؟

**ج:** حج افراد محقق شده است ولی از حج تمتع کفایت نمی کند باید در سال بعد انجام دهد.

**س ۳۸:** بعضی از مهاجرین مقیم عربستان سعودی بخاطر عدم مجوز

دولتی، از میقات معین نمی‌تواند محرم شود بالباس عادی آمده از مسجد تنعیم احرام پوشیده عمره مفرده انجام داده بعداً اگر در مراسم حج تمتع شرکت بکند آیا حجش درست است یاخیر؟

**ج:** در صورتیکه از میقات یا محاذی آن احرام برایش ممکن نباشد، حکم به صحت عمره می‌شود

**ولی باید عمره تمتع را نیت کند و اعمال آنرا انجام دهد و در موسم حج، حج تمتع را انجام دهد.**

**س ۳۹:** در قربانگاه حاجی اصلاً ذابح عرب را نایب نگرفته است به مجردی که فیش قربانی را به ایشان داده فوراً سربریده بعد از سر بریدن حاجی دست روی گوش گوسفند گذشته نیت کرده در حالیکه وکالت تحقق پیدا نکرد است. آیا قربانی مجدد واجب است یاخیر؟

**ج:** قربانی بدون وکالت کافی نیست.

**س ۴۰:** حاجی از میقات با ماشین سرباز آمده داخل مکه شده آیا از داخل شهر مکه می‌تواند با ماشین سربسته جهت اعمال عمره تمتع مسجد الحرام مشرف شود یا نه؟

**ج:** بعد از رسیدن بکعبه برای رفتن به مسجد الحرام می‌تواند با ماشین مشرف برود.

**س ۴۱:** شخصی بعد از طواف عمره تمتع، نماز طواف را فراموش کرده بعد از اعمال حج متوجه شده وظیفه چیست؟

**ج: باید برگردد در مسجد الحرام خلف مقام ابراهیم نماز طواف را بخواند.**

**س ۴۲:** در مسجد الحرام و مسجد النبى (ص) برای مسافر در بخش های که بعداً توسعه داده و صحن های اطراف مسجدین چگونه است آیا منخیر است بین قصر و تمام و یا وظیفه قصر است؟

**ج: وظیفه قصر است.**

**س ۴۳:** بعد از اعمال حج واجب از طرف خودش باشد و یا نایب باشد آیا میتواند در طول ۱۵ روز چندین عمره مفرده به جا آورد یا خیر؟

**ج: در زیحجه که یک عمره مفرده انجام داد نمی تواند دیگری را انجام دهد مگر در ماه محرم. ولی به نیت شخص دیگر می تواند انجام دهد اگر چه در زیحجه باشد ولی برای یک شخص دو عمره در یکجا نمی شود.**

**س ۴۴:** اگر طواف بین خانه و مقام حضرت ابراهیم مشکل باشد، آیا طواف از پشت مقام جواز دارد؟

**ج: جایز است.**

**س ۴۵:** روز عید قربان رمی جمرة عقبه بسیار مشکل است بعضی ها احساس خطر می کنند آیا می تواند از طبقه دوم رمی جمرة عقبه نماید یا خیر؟

**ج: جوانها انجام داده می‌توانند ولی زنها و ساخورده‌ها نایب بگیرند.**

**س ۱۴۶:** اگر سهواً در حال احرام سر را بپوشاند آیا کفاره دارد یا خیر؟

**ج: کفاره ندارد.**

**س ۱۴۷:** سوال کسی که مستطیع باشد بطرف حج رفت ولی در بین راه

فوت کرده حج این چه حکم دارد؟

**ج: اگر بعد از احرام و دخول در محدوده حرم فوت کند حج از ذمه او ساقط می‌شود.**

**س ۱۴۸:** سوال کسی مستطیع است ولی بطرف مکه رفت ولی در بین راه

فوت شد وارث ندارد، حکم این مسئله چیست؟

**ج: اگر از طبقه اول و دوم و سوم ورثه نداشته باشد تا ترکش مربوط به حاکم شرع است.**

**س ۱۴۹:** شخصی یک و نیم خورد [زمین] املاک پدری داشت و یکنیم

خورد ملک زر خرید مجموع می‌شود سه خورد زمین و پنج خورد ملک

نائبی حج داشت که شخصی فوق الذکر خودش نایب بوده جهت عذری

شرعی موفق به انجام آن نشده برای پسرانش وصیت کرده که حج را انجام

دهند پسرانش بعداً انجام داده و تمام ملک و زمین های فرد یاد شده را

پسرانش بین خودها تقسیم کردند.

و همان سه خورد ملک پدری حصه سه پسر شده با کمی از ملک نیابتی

حج و زمین نیابتی حج حصه دو پسری دیگر آن شده. که بعد از مدت چهل



و پنج سال ورثه شخص منوب عنه دعوا راه انداخته و پنج خورد زمین را پس گرفته که حصه دو برادر چیزی باقی نمانده است به جز کمی از علف کاره. حالا سؤال این است که سه خورد زمین باقی مانده در پیش سه برادر تنها حق آن سه برادر است یا اینکه دو برادر دیگر هم به آن حق دارند؟

ج: در فرض سؤال از قضیه «شخصیه» شما اطلاع ندارم ولی به طور کلی اگر آن زمین عوض حج نیات که نوشته اید اگر فی الواقع و شرعاً مال پدر شما بوده است ورثه منوب عنه حق پس گرفتن آن را ندارند و زمین مال پدر شماست و تقسیم هر کدام از برادران شما که بوده است همان تقسیم صحیح است و خود آن شخص باید زمین خود را از ورثه منوب عنه پس بگیرد و خوب است که بقید برادران هم آن شخص را در پس گرفتن آن زمین غصب شده محاکم نمایند و اگر آن زمین شرعاً مال پدر شما نبوده است باید زمین های پدری را که برای ورثه پدرتان به ارث رسیده است مجدداً بین ورثه پدر تقسیم کنند.

س: شخصی ۱۷ سال قبل واجب الحج بود اما موفق به رفتن مگه نشد و در زمان حیات پدر فوت کرد زمین خریداری که در کابل داشت برای پدرش به ارث رسید وقتی که پدر متوفی<sup>۱</sup> می خواست ما یملک خود را بین ورثه تقسیم کند یک در بند دوکان را به جای حج متوفی گذاشت و

برای پسر دوّم خودش وصیت نمود که به نیابت او به حج برود اگر هم نرفت در دوکان حق نداشته باشد این دوکان با جمع از دوکان دیگر و صاحب سرای دعوا شد و دعوا به نفع صاحب سرای تمام شد این دوکان را همراهی دوکان های دیگر مردمان که در سرای بود خراب کرد. صاحب دوکان که می‌بایست حج برود بعد از تلف شدن دوکان دیگر قدرت به حج رفتن را پیدا نکرد ولی فرزندش به اجازه پدر به نام عموی خودش (شخصی متوفی) برای حج نیابتی ثبت نام کرد که تبرعاً به حج برود اما وقتی نامش برای حج بیرون شد مبلغ شصت هزار افغانی داشت. و مبلغ چهل هزار افغانی دو عمره مفرده نیابتی گرفت مبلغ شانزده هزار افغانی دیگر قرض نمود و در ماه شوال هم صاحب پولی که قرض گرفته بود قرضش را بخشید در نتیجه از این طریق او خود استطاعت پیدا کرد از جانب دیگر از دواج نکرده و خانه شخصی هم ندارد در خانه پدری است و مشکلی از نظر اسکان در عسر و حرج قرار ندارد، آیا شرعاً این فرد مستطیع است یا نیست؟ به جای عمویش (که به قصد نیابت او اسم نویسی کرده بود) به عنوان نیابت می‌تواند برود؟ یا به جای خودش برود؟

**ج: میزان استطاعت حج این است که اگر به مقدار رفت و برگشت مکّه منظم پول دارد که**

**بعد از برگشتن از حج دچار مشقت و سختی اقتصادی نشود در این فرض حج بر خود شخص واجب**

**است و نمی‌تواند به جای عموی خود حج انجام دهد باید خودش حج انجام دهد و برای عموی خود نیابت**

**حج میقاتی بکیر و کافی است لازم نیست برای عمومی خود حج بلدی انجام دهد.**

**س ۱۵۱:** آیا حاجی بعد از اتمام عمره و قبل از حج می تواند از حرم و مکه خارج شود؟ و اگر خارج شد چه حکم دارد؟

**ج:** اگر مطمئن باشد که وقت احرام حج برمی گردد اشکال ندارد.

**س ۱۵۲:** آیا عرفات و غار حراء خارج از مکه است یا نه؟ آیا بعد از عمره تمتع و قبل از حج رفتن در آنجا جائز است؟

**ج:** رفتن به آنجا اشکال ندارد.

**س ۱۵۳:** شخصی نماز طواف را پشت حجر خوانده به خیال اینکه او مقام است در خارج از وقت عمره متوجه شده وظیفه او چیست؟

**ج:** وظیفه اش خواندن نماز طواف خلف مقام ابراهیم است.

**س ۱۵۴:** شخصی اعمال عمره را انجام داد ولی تقصیر نکرده بعد از آن احرامی خود را در آورده لباس عادی پوشیده، کسی به او فهمانده که باید تقصیر کند اعمال طواف و عمره او چه حکم دارد کفاره دارد یا نه؟

**ج:** باید تقصیر کند و کفاره لبس منخط [پوشیدن لباس دوخته شده] را بدهد.

**س ۱۵۵:** شخصی بعد از تقصیر یا در عوض تقصیر حلق نموده و این حلق در ماه ذی القعدة روز ۲۵ ماه بوده کفاره دارد یا نه؟ و عمره اش درست

است یانه؟

ج: در عمره تمتع حلق حرام است ولی عمره اش صحیح است و کفاره ندارد.

س ۵۶: شخصی از جدّه محرم شده و وارد مکه شده چه وظیفه دارد؟

ج: باید به جهنم برود و از آنجا محرم شود و اگر ممکن نباشد از ادنی الحلق یعنی از مسجد تهیم

محرم شود.

س ۵۷: شخصی در حال طواف واجب حجر الاسود را لمس کرده و

صورتش به طرف کعبه شده چه حکم دارد؟

ج: اگر در آنحال ایستاده بوده اشکال ندارد و اگر روبه رو طرف کعبه مشی کرده [راه رفتن]

آن مشی باطل است باید از سر گیرد یعنی همان مقدار مشی را اعاده کند.

س ۵۸: شخصی بعد از اعمال عمره و تقصیر سری خود را حلق کرده

کفاره دارد؟

ج: کفاره ندارد ولی بنا بر احتیاط واجب نباید حلق کند.

س ۵۹: شخصی شب دهم وارد مشعر الحرام شده ولی تا آمدن آفتاب

نمانده شاید قبل از آذان صبح و یا بعد از آن خارج شده به طرف مکه رفته

وظیفه او چیست؟

ج: اگر جهلاً اینکار را کرد حج او صحیح است و یک کوفتند کفاره بدهد.

س ۷۰: شخصی از عرفات مستقیم به طرف مکه رفته به مشعر اصلاً نیامده و یا اگر آمده هم نمی فهمیده که در مشعر چه وظیفه دارد؟

ج: اگر جهلاً و قوف نکرده حجش صحیح است و یک کوفتند کفاره بدهد.

س ۷۱: شخصی شب یازدهم عوضی اینکه در منا باشد در قربانگاه که خارج از منا است مانده چه وظیفه دارد؟

ج: یک کوفتند جهت کفاره فح کند.

س ۷۲: کفاره ای که بر عهده حاجی واجب می شود چه از ارتکاب اعمال موجب کفاره در احرام حج و یا عمره در کجا ذبح شود آیا در وطن و یا در مکه مکرمه کفایت می کند؟

ج: اگر محرم به احرام عمره مرتکب کفاره شود کفاره آن را در مکه معظمه نخری یا فح نماید و اگر محرم به احرام حج مرتکب کفاره شود فح یا نخری در منی انجام دهد و اگر در منی و مکه امکان نداشته باشد بعد از مراجعت در وطن فح کند.

س ۷۳: ذبح کفاره در منی امکان ندارد و شیعه هم به دسترس نیست آیا در خود مکه ذبح کند یا در وطن هم کفایت می کند؟

### ج: در وطن کافیت.

**س ۷۱۴:** شخصی از عرفات یا مشعر به طرف مکه رفته و به گفته ای خودش اعمال حج را انجام داده بعد در مکه یا قربانگاه قربانی کرده البته بعد از رمی جمره حجش چه حکم دارد؟

### ج: هضای رمی حمرات را انجام دهد حجش صحیح است.

**س ۷۱۵:** پدری به فرزندش یک حج وصیت نموده و فرزند بعد از سالها قدرت پیدا کرده که حج پدر را انجام دهد حال بفرمایید پول این حج اگر از پول وسط سال خمسی باشد خمس دارد یا خیر؟

### ج: در این فرض خمس آن پول واجب نیست.

**س ۷۱۶:** اگر شوهر بالفعل قدرت پرداخت مهریه را نداشته باشد و زن مهریه خود را ببخشد برای بریء الذمه شدن زن از حج کافی است؟ یا اگر بالقوه و در مرور زمان بتواند بدهد لازم است وقتی بدهد و در فرصت پرداخت کند و زن همان موقع حج برود. البته من فتوای بعضی مراجع را دیدم فرموده بودند: فرصت داده شود حالا شما نظر مبارکتان را بیان نمایید.

**ج:** اگر شوهر قدرت پرداخت را ولو بالقوه داشته باشد و آن مهریه کفایت مصارف حج را

بکند زوجه نمی تواند مهریه خود را ببخشد و باید منتظر ماند هر وقت مهریه را گرفت باید حج انجام دهد.

**س ۷۷:** در رابطه با تعیین مهریه زن‌ها، و وجوب پرداخت مهر آیا بعد از خواندن عقد نکاح است؟ یا هنگام قدرت پیدا کردن شوهر به پرداخت مهریه؟

**ج:** وجوب پرداخت در صورت قدرت شوهر است بر پرداخت مهریه.

**س ۷۸:** اگر مهر معین به اندازه پول استطاعت باشد برای زن و پس از خواندن عقد نکاح دائمی و زفاف زن مهریه‌ی خود را به شوهرش ببخشد حج به عهده‌اش نمی‌ماند؟

**ج:** اگر مرد قدرت بر پرداخت داشته و به آسانی حاضر به پرداخت مهریه باشد حج بر زن مستقر

می‌شود و لو مهریه را ببخشد.

**س ۷۹:** فرض اینکه مهریه به حد استطاعت باشد، شوهرش بگوید من نمی‌توانم پرداخت کنم یا قدرت بر پرداخت آن ندارم، اگر واقعیت نداشته باشد؛ شما فرمودید حج در عهده زن نمی‌ماند ولی اگر مرد حيله کند یا زور بگوید و زن را وادار به هبه کردن نماید باز نسبت به استطاعت زن مشکل دیگر نمیاید یعنی در هر حال می‌تواند زن مهریه خود را به شوهرش ببخشد یا جوری دیگر است؟

**ج:** جواب این سوال همان جواب قبلی است. اگر قدرت به گرفتن مهریه دارد آنرا بگیرد

دبج برود.



## امر به معروف و نهی از منکر

**س ۱:** با توجه به اینکه امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد علماء و طلاب و مؤمنین تا کدام مرتبه‌اش میتوانند امر به معروف و نهی از منکر کنند مثلاً زدن و بدست قانون دادن را هم اجازه دارند یا نه؟

**ج:** علماء و مبلغین امر به معروف و نهی از منکر را سالماً انجام دهند ولی زدن و تخریر احتیاج به

دستور مجتهد جامع الشرائط دارد.

**س ۲:** اگر یک نفر پیرو مکتب اهل بیت نماز و روزه را عمداً ترک کند در حالیکه معتقد است معاشرت با آنها چگونه است:

**ج:** این کونه اشخاص را امر به معروف و نهی از منکر کنند اگر منکر نماز و روزه نباشند و

شهادتین بر زبان جاری کنند نجس نیستند و معاشرت با آنها اشکال ندارد مگر اینکه ترک معاشرت

موجب هدایت او بشود که در این صورت باید ترک معاشرت کند.

**س ۳:** آیا جهاد، و امر به معروف و نهی از منکر و عتق رقبه، مشروط به نیت هستند یا خیر؟ چنانچه باشند به دلیل فقهی آن راهنمایی فرمایید.

**ج:** امر به معروف و نهی از منکر از واجبات توصلیه است که در صحت آن قصد قربت محاط شده اگر چه ثواب بدون نیت و قصد قربت بر آنها مترتب نمی شود غرض از آن دو قطع فساد و اقامه فرائض است چنانچه در روایات این باب تصریح شده است و این غرض بدون قصد قربت هم حاصل می شود در صورت شک مقتضی اطلاق و اصول هم توصلیت است. اما عتق رقبه در صحت آن قصد قربت محاط شده و روایات کثیره بر آن دلالت دارد:

«عن ابی عبدالله (ع) انه قال: لا عتق الا ما ارید به وجه الله تعالی»

در روایت دیگر از امام صادق (ع) وارد شده: «لا عتق الا ما طلب به وجه الله عزوجل»<sup>۱</sup>

**س ۴:** تعداد از محصلین شیعه که در کشورهای غربی به تحصیل اشتغال دارند نمی توانند مسائل شرعیه شان را رعایت کنند و در صورت صرف نظر از بورسیه نمی توانند بار دیگر چنین شانس را به دست آورند و ممکن است محروم از تحصیلات شوند آیا از نظر شرعی ترک تحصیل واجب است یا خیر؟

۱. الوسائل، ج ۱۶، باب ۴ از ابواب کتاب العتق، ح ۲۰۱.

ج: شامی توانید هم تحصیل کنید و هم مسایل شرعی تان را رعایت کنید نهایت یک مقدار مشکل است اگر رعایت مسائل شرعی امکان نداشته باشد از نظر اسلام آنچه مهمتر است باید مسائل شرعی را رعایت کنید اگر چه موجب ترک تحصیل شود.

س: علماء و مؤمنان از باب امر به معروف و نهی از منکر در کتک زدن و تعزیر کردن تا چه حد اجازه دارند؟

ج: وظیفه علماء امر به معروف و نهی از منکر است. تعزیر کردن نیاز به دستور مجتهد جامع

الشرايط دارد.

## احکام دفاع

**س ۱:** در شرائطی که دولت وجود نداشته باشد اموال شخصی مورد غارت دیگران قرار بگیرد یا زمین او را مورد تعدی قرار بدهند که آن هم با اسلحه گرم هجوم آورند آیا این شخص که مورد هجوم دیگران قرار گرفته می تواند با اسلحه گرم از خودش دفاع کند؟

**ج:** چنانچه مهاجمین قصد قتلش را داشته باشند با اسلحه گرم می تواند دفاع کند.

**س ۲:** مواردی عدیده در افغانستان اتفاق افتاده اند که افراد فرصت طلب در قلمرو زمین همسایه خود تجاوز کرده و مقداری از زمینش را ضمیمه زمین خود کرده اند و متصرف گردیده آیا از طریق جنگ پس گرفتن زمین چه صورت دارد؟

**ج:** اقدام بکرفتن زمین از راه معقول و شرعی نباید و اگر کسی را بکشند قاتل عمدی حساب می شود و حکم قتل عمد بر او جاری است.

**س ۳:** در صورت درگیری غاصب مهدور الدم است یا نه؟

## ج: غاصب ممدورالدم نيست.

س ١٤: غاصبي كه بزور زمين كسى را تصرف كند و ايجاد درگيرى كند و موجب فتنه و خون ريزى شود ضامن است يا نه؟

## ج: هر ظالمى كه تعدى كند هر مقدار مال و جان را تلف كند ضامن است.

س ٥: بدأت تعلقو فى الفترة الأخيرة بعض الأصوات المشككة بشرعية مقاومة المحتل الكافر لبلدنا الإسلاميه العزيز (العراق) متجاهلين إجماع العلماء على إن جهاد الدفع لا يحتاج الى إذن فى زمن الغيبة و الحضور، و عندما نناقشهم يقولون نحن لانعترف إلا بأوامر و أذن العلماء الأحياء، و بما أنكم احد كبار الفقهاء المجاهدين نطلب من سماحتكم أن تبينوا حكم الشارع المقدس بصورة واضحة فيما يخص مقاومة الاحتلال الأمر يكى فى العراق لتطمئن قلوب المجاهدين من جهة و لتقطع السن المشككين من جهة ثانية.

ج: لو هجم الأعداء على بلاد المسلمين و حدودهم فيجب على جميع المسلمين الدفاع و دفع العدو بأى وسيلة ممكنة من بذل المال و النفس و هو غير منوط بإذن الحاكم الشرعى.

## احکام خرید و فروش

**س ۱:** شخصی زمینش را می‌فروشد و با مشتری قرار می‌گذارد که از این قسمت زمینم تا زنده هستم بتوانم استفاده کنم بعد از من مال شما باشد این معامله و شرط صحیح است یا نه؟

**ج:** در صورتیکه با بیع قیمت را تماماً قبض نموده باشد زمین مال مشتری است و مشتری اگر

اجازه دهد اشکال ندارد.

**س ۲:** دو تا برادر یکی در ایران کار میکنند و دیگری در افغانستان مشغول کسب و کار و تلاش است از قبیل خیاطی و... و از این پول خیاطی برای خود یکمقدار زمین خریده و آن برادر یکی که در ایران کار کرده است در طول این مدت فقط شصت هزار تومان فرستاده است اکنون آن برادر یکی که در ایران بوده ادعا دارد که در آن زمینی که برادرش خریده شریک است آیا این ادعا صحیح است یا نه؟

**ج:** اگر همان شصت هزار تومان را قیمت زمین داده باشد به همان مقدار در آن زمین

## شریک است.

**س ۳:** آیا کشت تریاک در شرائطی که افغانستان گرفتار فقر اقتصادی است حلال است یا حرام؟

**ج:** کشت تریاک بنا بر احتیاط واجب حرام است.

**س ۴:** دلیل بر حرمت آن از آیات و روایات چیست؟

**ج:** دلیل حرمت آن ایجاد فساد در زمین است. (فساد اجتماعی)

**س ۵:** کسانی که پولهای زیاد از تریاک گرفته و الآن توبه کرده پول آن چه حکم دارد؟

**ج:** اشکالی ندارد.

**س ۶:** آیا تریاک سهم و خمس دارد یا ندارد؟

**ج:** اگر سال بر آن بگذرد خمس آن را باید بدهند.

**س ۷:** از پول تریاک برای خوردن میاورد و زیارت میروند حکمش چیست؟

**ج:** اشکالی ندارد.

**س ۸:** شخصی از پول تریاک برای خود لباس و کفن تهیه میکند نماز در آن لباس چه حکم دارد؟

## ج: نمازش صحیح است و خریدن کفن هم جایز است.

**س ۹:** شخصی از پول تریاک قرض خود را ادا میکند آیا بری الذمه می شود؟

## ج: بله بری الذمه شود.

**س ۱۰:** شخصی برای کشت تریاک زمین به دو برابر اجاره میدهد یا برای حمل تریاک کرایه میگیرد آیا جایز است یا نه؟

## ج: هر دو مورد جایز است.

**س ۱۱:** در مناطق مرکزی افغانستان مردم در حال فقر شدید بسر میبرند که امرار معاش برای آنها خیلی سخت است و یا شخصی بیش از حد قرضدار است که به هیچ وجه قدرت بر اداء را ندارد در این صورت کشت تریاک برای چنین اشخاصی جواز دارد یا نه؟

## ج: در صورتیکه مضطر باشد و بیج راهی برای اداء دین و امرار معاش نداشته باشد بمقدار رفع

## ضرورت و اضطرار می تواند کشت کند.

**س ۱۲:** شخصی ماده گاوی را به شخص دیگری فروخته است و قرار بوده که مشتری قیمت گاو را بعد از چهار ماه به بایع بدهد اما در موعد مقرر پول بایع را نداده علاوه بر آن دوماه دیگر هم گاو را در نزد خود نگه



میدارد بعد گاو را بر میگردداند و از صاحب گاو قیمت علف خود را که به گاو داده مطالبه میکند آیا مشتری قیمت علف را حق دارد یا نه؟

**ج:** در فرض مذکور مشتری قیمت علف را حق ندارد.

**س ۱۳:** پدرم زمین دو برادر را به بیع قطعی خریده البته امضا و شست یکی از دو برادر در سند فروش زمین آمده و اما برادر دیگر در آن سند شست و امضا نکرده است.

ولی در زمان حیات هر دو برادر بمدت ۱۲ سال پدرم زمین را تصرف کرده است و بعد از ۱۲ سال از خرید زمین پدرم از دنیا رفت در حالیکه من صغیر بودم و من حق خود را نفروختم آیا آن برادر حق دعوا دارد یا نه؟

**ج:** اگر هر دو شریک قیمت زمین را با هم تصرف کرده اند بیع نسبت به حصه هر دو برادر صحیح و نافذ است چون تصرف در قیمت اجازه علی بیع زمین است اما اگر این برادر یک امضا نکرده در قیمت هم تصرف نکرده باشد بیع نسبت به حصه او فضولی است اکنون میتواند حصه خود را پس بگیرد.

**س ۱۴:** احتکار چه چیزهای شرعاً حرام است؟ و آیا تعزیر محتکران جایز است؟

**ج:** حرمت احتکار آنچه در روایات آمده و نظر مشهور هم همان است فقط در غلات چهارگانه و

در روغن حیوانی و نباتی است که طبقات جامعه به آن نیاز دارند ولی حاکم شرع وقتی مصلحت عمومی اقتضاء کند حق دارد از احتکار سایر یا محتاج مردم هم جلوگیری نماید و باز اگر حاکم مصلحت ببیند میتواند شخص محکوم را تنزیر نماید.

**س ۱۵:** آیا جایز است انسان بعضی از اعضای بدن خود را مانند کلیه بکسی بفروشد؟

**ج:** اگر آن عضو از اعضای باشد که برداشتن آن خطر و ضرر قابل ملاحظه برای فروشنده عضو نداشته باشد اشکالی ندارد.

**س ۱۶:** در چاپ کتاب آیا می توان در مطالب آن دخل و تصرف نمود و یا بعضی از مطالب آن را حذف کرد؟

**ج:** بدون اجازه مؤلف حق دخل و تصرف را ندارد مگر اینکه رضایت مؤلف احراز شود.

**س ۱۷:** مبادله کتاب (پشت جلد به پشت جلد) که بین ناشران رایج است آیا صحیح است یا خیر؟

**ج:** اگر شرایط بیع وجود داشته باشد اشکال ندارد.

**س ۱۸:** آیا می توان کتابی را که زیر چاپ است به صورت نسیه و چکی فروخت؟

ج: اگر مشتری با آن کتاب و نحوه چاپ و کاغذ آشنایی دارد معامله آن اشکال ندارد.

س ۱۹: افرادی که اطلاعات مذهبی ندارند، می‌توانند به عنوان ناشر، کتابهای مذهبی نشر دهند؟

ج: اگر با مجوز وزارت ارشاد اسلامی که بر کتابهای مذهبی نظارت دارد باشد چاپ آن

اشکال ندارد.

س ۲۰: اگر موقع فروش کتاب، تاریخ چاپ آن را در شناسنامه کتاب تغییر دهیم. اشکال دارد؟

ج: اگر موجب انراء به جهل مشتریها شود جواز ندارد.

س ۲۱: چاپ کتاب، عکس و نقاشی چه حکمی دارد؟ و همچنین چاپ کتابهایی که حاوی تصاویر زنان و دختران می‌باشد، چه علمی و چه غیر علمی آن، چگونه است؟

ج: اگر موجب اضلال و بی بندباری و انحراف جوانها شود جواز ندارد.

س ۲۲: کتابهایی که در چاپهای جدید آن، مرتب اضافات دارد و تغییر می‌کند (مثل فرهنگ های زبان و...) آیا می‌توان چاپهای قبلی آن را که هنوز در انبار مانده است، فروخت؟ و همچنین فروش کتابهایی که مطالب آن کلاً متروک شده است و قابل استفاده نیست چه حکمی دارد؟

ج: اگر در معرض دید مردم باشد و به اسم کتابهای جدید عرضه نکنند فروش آن جایز

است.

**س ۳۳:** تجدید چاپ کتابها و مقاله هایی که از خارج وارد شده و یا در داخل جمهوری اسلامی چاپ می شوند، بدون اجازه ناشران آنها چه حکمی دارد؟ و آیا این شامل تمام کتاب است یا می توان بخش از آن را منتشر نمود؟

ج: انتشار آن با نام مؤلف و نویسنده اشکال ندارد.

**س ۳۴:** برای سیگار امروزه مضرات زیادی ثابت شده و علاوه بر این مضرات کشیدن آن در بین عموم موجب ایذاء و اذیت مردم می شود بفرمایید کشیدن سیگار و خرید و فروش او فعلاً چه حکم دارد؟

ج: بهتر است از کشیدن سیگار خودداری نمایند. مگر اینکه یقین به ضرر معتدله داشته باشد که در

این صورت ترک آن واجب می شود از باب دفع ضرر قطعی.

**س ۳۵:** یکقطعه زمین آبی که مقدار ۱۳ سیر [کابل] تخم ریز می باشد با پسر عموی خودم عوض کردم و یک رأس «نرگا» پشیمانه گذاشتیم از این قضیه مدت پنجسال گذشت، بعداً با برادر خودم عوض کردم، مدت شانزده سال می شود که برادرم در مسافرت رفته و مفقود گردیده، حالا

پسران عمویم می‌خواهد بدل زمین را پس کند. ولی پسران برادرانم تندهی ندارد می‌گویند بروید پدرم را زنده کنید بعد زمین را پس کنید. آیا زمین پس میشود یا نه؟

**ج: پسران عمو حق فسخ ندارند.**

**س ۲۶:** آیا زمین مشاع را یکی از شرکا می‌تواند بفروشد یا گرو بدهد؟

**ج: سهم خود را می‌تواند بفروشد و گرو بدهد.**

**س ۲۷:** خرید و فروش زمینی که بین چند نفر مشترک است و یکی از آنها سفیه یا مجنون است جایز است؟

**ج: بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست.**

**س ۲۸:** کسی که زمینش را به بیع الشرط فروخته است اما پیش از انقضای مدت پول ندارد که آن را فسخ کند. مشتری دیگری پیدا می‌شود که از طرف مالک اصلی به مشتری اول پول بدهد و زمین از او بخرد یا اجاره کند اما مشتری نخست قبول نمی‌کند. بعد از انقضای خیار زمین مال چه کسی است؟

**ج: اگر فروشنده (بایع) یا کسی از طرف بایع پول مشتری تحت را بدهد و او قبول نکند زمین**

**مال مالک اصلی است.**

**س ۳۹:** کسی که نوارها و پاسورهای مبتذل می‌فروشد و از این راه زندگی می‌کند این در آمد حلال است یا حرام؟

**ج: حلال نیست.**

**س ۳۰:** زمینی که به بیع جایزی فروخته شده است آیا صاحب زمین می‌تواند به بیع لازمی بفروشد؟

**ج: اول بیع جایز را فسخ کند بعد از آن به بیع لازم بفروشد.**

**س ۳۱:** زمینی را به قیمت معین فروختم، خریدار نصف قیمت را پرداخت و نصف دیگر را سند داد که تا ششماه دیگر پرداخت کند اما نه تنها در موعد معین یعنی ششماه بعد پرداخت نکرد بلکه شش سال بعد پرداخت کرد صاحب زمین همان زمین را بعد از چند سال به دیگر فروخت و او تمام قیمت را یک جا پرداخت کرد آیا این معامله دوم صحیح است؟

**ج: اگر زمین را مشتری تحت قبض نکرده باشد فروشنده خیار فسخ دارد و فروش همان زمین به خریدار دیگری فسخ معامله به شمار می‌آید و معامله دوم صحیح است.**

**س ۳۲:** زمینی که به عنوان بیع الشرط فروخته می‌شود، فروشنده در زمان خیار یا دسترسی به خریدار ندارد و یا پول ندارد که اعمال خیار کند آیا سپری شدن زمان خیار موجب لزوم بیع می‌شود؟

ج: بعد از انقضای مدت خیار، بیع قطعی می‌شود. اگر خریدار راضی نشود فروشنده نمی‌تواند فسخ

کند.

**س ۳۳۳:** فروشنده زمین خود را به بیع قطعی فروخته است اما با خریدار شرط کرده است اگر روزی به سرزمین خود آمد و خواست معامله را فسخ کند زمین به فروشنده برگردد، خریدار هم با این شرط موافقت می‌کند آیا این معامله صحیح است؟

ج: این معامله چون غری است صحیح نیست. اگر مدت خیار فسخ را حتی پنجاه سال تعیین

می‌کردند معامله صحیح بود.

**س ۳۳۴:** زمین پدرم را بدون اجازه‌اش فروختم، پدرم بعد از معامله در حضور مردم آن را رد کرد بعد از مدتی پدرم فوت کرد برادر و خواهرانم نیز معامله را رد کردند. این معامله نسبت به سهم خودم و سایر ورثه چه حکمی دارد؟

ج: این معامله حتی نسبت به سهم خود فروشنده باطل است چون در زمان معامله مالک زمین

نبوده است بنابراین فروشنده پول خریدار را برمی‌گرداند و کاهش ارزش پول را هم ضامن

است باید جبران کند.

**س ۳۳:** شخصی چند رأس گوسفند را به قیمت معینی می فروشد اما مشتری از پرداخت بهای آن خود داری می کند. سال ها از آن قضیه گذشت و قیمت گوسفند گران شده است آیا فروشنده حق دارد که قیمت گوسفند را به نرخ امروز بگیرد یا عوض گوسفندان خود گوسفند بگیرد؟

**ج:** فروشنده حق دارد قیمت گوسفندان را به نرخ امروز بگیرد یعنی خریدار کاهش ارزش پول

رایباید جبران کند.

**س ۳۴:** یکی از دو برادر زمین مشترک را با ادعای وکالت از جانب برادرش فروخته است آیا برادر حق دارد سهم خود را مطالبه کند؟

**ج:** اگر برادر دیگر به وکالت برادرش اقرار کرده باشد بی بروکالت وجود دارد حق مطالبه ندارد

اما اگر منکر وکالت است و شاهی هم بروکالت وجود ندارد می تواند سهم خود را مطالبه کند

**س ۳۷:** کسی که در شرایط خاصی مجبور می شود که زمین خود را به قیمت خیلی کم (از قیمت واقعی) بفروشد و در صورتی که همه قیمت را نگرفته باشد حق فسخ دارد؟

**ج:** حق فسخ ندارد.

**س ۳۸:** از طرف شهرداری اعلام می شود که خانه من در مسیر خیابان قرار گرفته و باید خراب شود. بعد از مدتی با خبر شدم که همه زمین خانه



ام در مسیر خیابان قرار ندارد یعنی بخشی از آن باقی می ماند و ارزش زمین باقی مانده اکنون چند برابر شده است این مسأله را شهرداری می دانسته اما من نمی دانستم اکنون میتوانم باقی مانده زمینم را از تصرف شهرداری خارج و باز پس بگیرم؟

**ج:** اگر مسأله طوری باشد که فروشنده اگر می دانست که بخشی از زمین در طرح شهرداری قرار ندارد آن بخش را نمی فروخت در این صورت حق فسخ دارد و غیر این صورت حق فسخ ندارد، در صورت اختلاف به دادگاه صالح مراجعه شود.

**س ۳۹:** اگر فرزندی در زمان حیات پدرش ملک مسکونی او را بدون اجازه اش فروخته باشد بعد از فوت مالک (پدر) ملک مورد معامله فضولی از طریق ارث به بایع فضولی منتقل شود آیا می تواند معامله ای را که پیش از این انجام داده است به هم بزند و ملک را به مشتری دیگر بفروشد؟

**ج:** در صورت فوت پدر و ورثه مالک مال او می شوند اگر معامله را امضا کردند صحیح است و اگر رد کردند باطل می شود.

**س ۴۰:** در بعضی مناطق مرکزی افغانستان پول با پول مبادله می شود مثلاً پنجاه هزار روپیه نقد پاکستانی به پنجاه هزار افغانی سه چهار ماه بعد یا پنجاه هزار افغانی نقد به شصت هزار افغانی سه چهار ماه بعد آیا این نوع

معامله جایز است؟

ج: مبادله پول افغانی به روپه پاکستانی، اشکالی ندارد اما مبادله پول افغانی به افغانی با اضافه جاز

نیست.

س ۴۱: کسی که زمین خود را به بیع خیراری فروخته است آیا تا زمانی که فسخ نشده می تواند همان زمین را به بیع قطعی به کس دیگری بفروشد؟

ج: تا زمانی که بیع اول فسخ نشده، بیع دوم باطل است چه شرطی باشد چه قطعی.

س ۴۲: کارگری از ایران به افغانستان پول حواله می کند طبق توافق، حواله باید پول دوره ربانی را به افغانستان تحویل می داد اکنون شش سال از حواله گذشته و پول آن دوره از اعتبار و ارزش افتاده است آیا صاحب پول می تواند از حواله دار پول امروزی افغانستان را مطالبه کند؟

ج: طرفین پول پیشین را با اجناس و کالا، مانند آرد و روغن و کندم محاسبه کنند اکنون معادل

آن را پول امروزی بگیرد.

س ۴۳: کسی که ربا داده است آیا می تواند پول خود را از گیرنده ربا از

هر طریق ممکن پس بگیرد؟

ج: بله! می تواند پس بگیرد.

س ۴۴: کسی که به خاطر نیاز معامله ربوی انجام داده و اکنون هر ساله

باید ربای پول صاحب پول را بدهد راه دیگری ندارد غیر از این که تریاک بکارد و بدهی خود را پرداخت کند تا از شر ربا خلاص شود؟

**ج:** در فرض سوال می‌تواند به اندازه پرداخت بدهی خود تریاک بکارد و بدهی خود را پرداخت

کند.

**س ۱۴۵:** قطعه زمینی مهریه زنی بوده است، همین زمین را پدر این زن (صاحب زمین) می‌فروشد اما دخترش (صاحب زمین) معامله را قبول ندارد آیا این معامله صحیح است؟

**ج:** پدر اجازه فروختن زمین دخترش را ندارد. اگر صاحب زمین (دختر) معامله فضولی را

اجازه ندهد معامله باطل است. صاحب زمین می‌تواند زمین خود را با اجرت المثل آن از خریدار فضولی بکیرد. خریدار فضولی پول خود را از فروشنده فضولی می‌گیرد.

**س ۱۴۶:** در زمان ارزانی زمین در افغانستان فروشنده زمین خود را به قیمت روز به خریدار فروخته است اکنون که زمین گران شده است فروشنده نصف زمین معامله شده را به خریدار می‌دهد آیا مسأله چه حکمی دارد؟

**ج:** فروشنده، حق ندارد نصف زمین را پس بگیرد یا مبلغ اضافی از خریدار مطالبه کند.

**س ۱۴۷:** فروشنده، زمین خود را به بیع شرطی و جایزی می‌فروشد و با

خریدار شرط می‌کند که اگر پول خریدار را در موعد معین پیدا نتواند، زمین هایش را به قیمت روز و به بیع قطعی به خریدار بفروشد. خریدار هم قبول می‌کند آیا این معامله صحیح است؟

### ج: بیع شرط، با این شرط صحیح است.

**س ۴۸:** شخص نصف زمین فروشنده را خریده و چند سال است که باهم از محصول مشترک آن استفاده کرده‌اند اکنون که می‌خواهد دو تقسیم کنند فروشنده  $\frac{1}{4}$  زمین را به علاوه یک روز نوبت آب می‌خواهد به زور بگیرد و بقیه را دو تقسیم کند آیا جایز است؟

### ج: گرفتن یک چهارم زمین و یک روز آب اضافی بدون رضایت خریدار جایز نیست.

**س ۴۹:** زمین موروثی پدری ام را که سهم من و برادر من بود به بیع خیاری فروختم بعد از رسیدن موعد، خریدار گفت یا پولم را می‌دهی یا زمین را به من بفروش، چون پول نداشتم زمین را به مبلغ سه میلیون تومان به خریدار فروختم اما بعداً معلوم شد که زمین فروخته شده هشت میلیون قیمت دارد آیا من حق فسخ دارم؟

### ج: اگر برادر شما دیوانه و مجنون باشد نمی‌توانید سهمیه او را بفروشید مگر این که حاکم شرع اجازه

بدهد و اگر واقعاً قیمت زمین را نمی‌دانسته‌اید حق فسخ دارید.

**س ۵۰:** معامله و بیع ربوی علاوه بر این که حرام است آیا باطل هم

است؟

### ج: بله! محکوم به بطلان است.

**س ۱۵۱:** کسی مبلغ صد هزار تومان (مثلاً) طلبکار بوده است در موعد معین از بدهکار پول قرض خود را می‌خواهد، چون بدهکار پول نداشته طلبکار زنجیر اسب او را می‌گیرد و می‌گوید این اسب را در برابر طلبم قبول کردم و اکنون همین اسب را تا سال آینده به مبلغ دو صد هزار به تو فروختم، آیا این معامله ربوی است؟

ج: اگر بدهکار واقعاً اسب خود را به جای بدهی خود داده و صاحب پول هم قبول کرده باشد و دوباره معامله کرده باشد اشکالی ندارد. معامله ربوی نیست.

**س ۱۵۲:** کسی که بسیار محتاج و نیاز مند است گندم را به قیمت دو برابر تا سال آینده می‌خرد (مثلاً قیمت یک سیر گندم صد افغانی است او دو صد افغانی تا سال آینده می‌خرد) آیا این معامله ربوی است؟

ج: اگر معامله دو شرطه نبوده باشد مثلاً گفته باشند که قیمت کنونی این است و قیمت سال آینده آن، این است و مدت نیز را معین نکرده باشند معامله باطل است و اگر بگوید این گندم را تا سال آینده در همین تاریخ به این مبلغ می‌فروشم و مشتری هم قبول کند معامله صحیح است.

**س ۱۵۳:** کسی زمین خود را به بیع شرط می‌فروشد در موعد معین

فروشنده پول خریدار را آماده می‌کند اما خریدار به بهانه های گوناگون رد میکند. بعد از آن که موعد معین رد می‌شود خریدار پول را نمی‌گیرد و ادعا می‌کند که زمین به او فروخته شده است. فروشنده دعوای حقوقی راه می‌اندازد اما به جایی نمی‌رسد بعد از فوت خریدار، ورثه اول ادعا می‌کند که زمین مورد نظر به آنها به ارث رسیده است. آیا ملک و زمین فروخته نشده است آیا ادعای ورثه خریدار درست است؟

**ج: چون فروشنده در موعد مهین پول خریدار را آماده کرده و خریدار بهانه آورده است معامله فسخ شده است.**

**س ۱۴:** شخصی حدود بیست سال پیش، زمین کشاورزی می‌خرد. بر روی آن کار می‌کند زحمت می‌کشد و زمین از نظر کیفیت بالا می‌رود، اکنون ورثه فرد دیگری ادعا می‌کند که زمین فروخته نشده، مال فرزند نبوده بلکه مال پدر بزرگ آنان بوده است در حالی که پدر مدعی در زمان حیات خود هیچ گونه ادعایی نداشته است اکنون که هم فروشنده و هم خریدار از دنیا رفته است چنین ادعایی مطرح شده است، آیا صحیح است؟

**ج: ادعای مدعی، اعتباری ندارد مگر اینکه در نزد حاکم شرع ثابت شود.**

**س ۱۵:** مردی همراه با پسرش یک قطعه زمین می‌خرد. سند زمین به نام پسر است پسر بر روی زمین کار می‌کند، کاریز ایجاد می‌کند. بعد از مدتی پسر از دنیا می‌رود و پدر و مادر متوفی زنده است و زمین یاد شده را

بین خود و فرزندان متوفی و نواسه‌های خود تقسیم می‌کند. اما کاریز و حریم زمین تقسیم نمی‌شود آیا باید مثل زمین تقسیم شود؟

**ج: مثل زمین بین ورثه تقسیم شود و حریم زمین و کاریز تابع زمین و کاریز است.**

**س ۵۶:** زمینی از پدرم به من و برادرم به ارث رسیده بود. برادرم زمین‌های مشترک را فروخته است و از قیمت آن به من چیزی نداده است:

۱-۵۶: آیا این معامله صحیح است؟

۲-۵۶: درخت‌هایی را که بر زمین مشترک غرس کرده بودم بدون اجازه من فروخته است، درخت‌ها مال کیست و اگر مجدداً روید مال چه کسی خواهد بود.

۳-۵۶: در طی بیست و دو سال برادرم به من اجاره بها نداده است آیا اجاره بهای معین را به من پرداخت کند یا اجرت المثل را به پول همان زمان حساب می‌شود یا به پول رسمی کنونی؟

**ج: ۵۶۱:** اگر به فروش سهم خود راضی نبوده‌اید فروش سهم شهاب‌طل است اما معامله در

سهم فروشنده (برادر شما) صحیح است. شما می‌توانید سهم خود را از مشتری باز پس بگیرید.

**ج: ۵۶۲:** درختان مال شهاب‌طل است بنابراین قیمت درختان به شما تعلق دارد اما چون

درختان بر زمین مشترک غرس شده بوده برادر شما حق دارد اجرت زمین خود را از شما بگیرد.

ج: ۵۶۳: اگر مدت زمان اجاره را تعیین نکرده باشد اجاره باطل است و شما اجرت

المثل زمین خود را مستحق هستید.

**س ۷۷:** اینجانب مبلغ دو صد هزار تومان را در تاریخ ۷۵/۴/۱ به شخصی از قرار صرف هر هزار تومان به شانزده هزار افغانی داده بودم تا مدت یک سال اما آن شخص تا کنون که سه سال و هشت ماه میشود پول را نداده اکنون که صرف پائن آمده و پول افغانی تنزل کرده میگوید من همان پول افغانی را به شما میدهم من قبول ندارم آیا من مستحق پول افغانی هستم یا میتوانم پول تومان خود را پس بگیرم؟

ج: شما ارزش همان پول افغانی را در همان موعد مقرر حق دارید مثلاً مبلغ پول افغانی در زمان

موعد مقرر چه مقدار کندم یا روغن یا بنج میشد اکنون قیمت همان مقدار جنس را به قیمت فعلی حق دارید از مشتری بگیری یا همان دو صد هزار تومان خود را بگیری.

**س ۷۸:** با توجه به مشکلاتی که در چند سال اخیر در رابطه با خرید زمین در شهرهای افغانستان مخصوصاً شهر کابل وجود داشت خرید و فروش زمین با تردید توام بود عده‌ای به حیث نماینده و واسطه عمل میکردند به این معنا که نمایندگان وقتی زمین را میخریدند احتمال پنجاه درصد وجود داشت که بالاخره مشتری صاحب زمین خواهد شد یا نه؟ و با



همین تردید بودند به کسی دیگر میفروخت و افرادی که زمین را از این نمایندگان می‌خرند هم در تردیدند که آیا صاحب زمین میشود یا نه؟ و چه مشتری و چه بائع (نمایندگان) قبول داشتند که اگر زمین بدست شان آمد خوب و الا پولهای شان ضایع خواهد شد بعداً غاصبانی پیدا شدند که با همکاری بعضی از قوماندانان زمین های خریداری شده را به کسانی دیگر فروختند در این حال نمایندگان ضامن پول مردم هستند یا نه؟

**ج: اگر بائع رفع مانع کرده باشد در اقباض غیر منقول کفایت میکند و اگر رفع مانع نکرده باشد و تلف شده باشد از کسیه بائع رفته و باید پول مشتری را بدهد.**

س ۵۹: هل يصح لديكم التمسك بالارتكاز العقلاني القائم على امتلاك حق التأليف، بدعوى وجود كبرى كلية معاصرة للمعصوم قائمة على ملكية الصنع و العلاج الشامل لصنع الامور المادية و المعنوية ايضاً حيث يخرج الكاتب الشخصية المعنوية للكتاب من وجوده التجريدي الى وجوده المادي؟

ج: إذا باع الكتاب و يشترط على المشتري ان لا يطبعه و قبل المشتري، لا يجوز له الطبع فاذا قدم عليه يجوز للبايع فسخ البيع لأجل تخلف الشرط.

و أما اذا كتب في الكتاب أن حق الطبع محفوظ للمؤلف و قال المشتري: أنا لا ألتزم بهذا الشرط و مع ذلك باعه له فهو بمعنى الغاء هذا الشرط، فيجوز للمشتري تجديد الطبع.

و اما اذا باعه و لم يقل للمشتري شيئاً و لم يظهر المشتري الالتزام بقبول هذا الشرط، فله تجديد الطبع لان الناس مسلطون على اموالهم.

س ۶۰: و اذا لم يصح لديكم التمسك بالارتكاز المذكور، فهل يرجع ذلك إلى الشك في وجود ذلك الارتكاز زمن المعصوم (ع)، بلحاظ وجود بعض المؤلفات سابقاً و مع ذلك لم تجعل الملكية لمؤلفيها لعدم شعورهم بالحاجة إلى امتلاك ذلك الحق؟

ج: الجواب عن الثاني يظهر من الجواب الاول.

س ٦١: هل ترون ملكية أعمال الانسان و نتائج أعماله؟ و على فرض الملكية فهل هي ذاتية تكوينية و بالتالى لاحتياج إلى التمسك بالارتكاز و إمضاء الشارع له؟

ج: ان ملكية الاعمال لها معنيان احدهما ان الانسان اذا عمل عملاً يكون مالكاً له كما اذا احيى ارضاً مواتاً يكون مالكاً لها. ثانيهما ان الانسان الحر اذا عمل و انتفع فى كل يوم الف دينار فحبه ظالم عشرة ايام لا يكون ضامناً لعشرة آلاف لأن عمل الحر قبل الاستيفاء لا يكون مالاً حتى يوجب الضمان. و اما العبد اذا كان عاملاً فى كل يوم الف دينار فحبه الظالم عشرة ايام يكون ضامناً لعمله و هو عشرة آلاف لأن العبد مال و عمله ايضاً مال.

س ٦٢: هل ترون أن نتائج أعمال الإنسان تعدّ مالاً لا يجوز التصرف فيها إلا بإذن من اصحابها؟

ج: ان نتيجة عمل الإنسان كاحياء الارض يكون مالاً و ملكاً. من غصبه يكون ضامناً.

س ٦٣: هل يحكم العقل بأولوية الإنسان بعمله و بنتائج عمله حكماً عقلياً معلقاً على عدم ورود ما يخالفه من الشارع؟ و عليه فهل تشمل تلك الأولوية الحقوق المعنوية؟

ج: ان الحقوق المعنوية مختلفة باختلاف مواردها فليس كلها محكوماً بحكم واحد.

س ٦٤: هل تشمل قاعدة "لاضرر" موارد حق الطبع اذا كان يتضرر أصحابها لعدم استيذانهم؟

ج: ان قاعدة لاضرر لاشتمل موارد حق الطبع فإنّ الطبع بغير اذن المؤلف لا يكون موجباً للضرر عليه بل يكون مانعاً للنفع الزائد.

س ٦٥: هل يشمل الضرر مثل التسبب بعدم المنفعة، أم يختص بالنقص الوارد على المال؟ و ما دليلكم على ذلك؟

ج: ان العقل و العرف متفقان على ان عدم النفع لا يصدق عليه الضرر.

س ٦٦: هل بالإمكان شمول مثل «اوفوا بالعقود» للمعاملات التى تقع على مثل هذه الحقوق «حق الطبع» فى حين أننا نشك فى انطباق المالية عليها؟

ج: ان العقد يصدق على المعاملة على الحقوق و ان لم يصدق المال عليها كحق التججير و حق الاولوية و حق الحضانة و امثالها و كذلك حق الطبع فان للمؤلف أن يبالغ حق طبع كتابه بمال كثير.

س ٦٧: اذا لم يَحْكَمْ العقلُ بكونِ أمرٍ ما ظلماً و حكمةً به العرفُ فهل يكون حكمُ العرفِ مُحْكَمًا؟

ج: إنَّ حكم العرفِ لاقيمةٌ له في تعيين المصادق فانه موكول الى العقل.

س ٦٨: «لا يحل مال امرء إلا عن طيب نفسه» إذا فسّر «المال» بما كان مرتبطاً بالغير، أى: ما كان مرتبطاً بالغير - و منه الطبع - لا يجوز التصرف فيه إلا عن طيب نفس. فهل تصحّ هذه التوسعة في التفسير استناداً إلى مناسبات الحكم للموضوع إلغاء خصوصية أم تصدم بمشاكل الاخرى؟

ج: ان الاجماع قائم على عدم جواز غضب حق الغير كماله مثل حق التججير و حق السبق و حق الحضانه و امثالها و اما حق الطبع فقد عرفت الكلام فيه.

س ٦٩: هل تدلّ العبارة التي تكتب في أول الكتاب وهي «حقوق الطباعة محفوظة» على كون عدم الإنتفاع بنشر الكتاب شرطاً ضمناً في البيع؟ و إذا كانت كذلك و خالف المشتري الشرط فهل يضمن؟ أو له حق خيار الفسخ أو الإمضاء لاغير؟ هذا السؤال على فرض عدم ثبوت الحق.

ج: ان العمل بالشرط مرهون لالزام الباع و التزام المشتري فاذا قال المشتري لا التزم بهذا الشرط، لا يكون العمل بالشرط لازماً عليه كما عرفت.

س ٧٠: هل ترون ما يسمى بالشرط اجزائي أو الاتفاق المالي من الناحية الشرعية (وهو اتفاق على تقدير التعويض إذا لم يقيم الملتزم بالتزامه في التنفيذ، أو إذا تأخر في تنفيذ التزامه)؟ و ما هو دليلكم على ذلك؟

ج: انّ الشرط الجزائي و الاتفاقي لادليل على لزوم الالتزام به.

س ٧١: هل ترون ثبوت جميع الحقوق المعنوية أم أنكم تقولون بالتفصيل؟

ج: انّ جوابه يظهر مما ذكرنا (في ج - س ٣٨) فلا حاجة الى الإعادة.

س ٧١-٧٠: اگر متعاملین شرط کنند که هریک از متعاملین در صورتی که

معامله را فسخ نماید، باید پنج میلیون تومان خسارت به طرف مقابل بپردازد. آیا این شرط مزبور صحیح است؟

**ج:** پرداخت پنج میلیون به عنوان خسارت وجه شرعی ندارد و اگر در ضمن عقد لازم آن مبلغ به عنوان حق فسخ معامله شرط شود و فاء به آن شرط لازم است و گرفتن آن مبلغ صحیح است.

**س ۶-۷۱:** برفرض صحت شرط با عنایت به اینکه مهلتی برای آن مقرر نشده است، آیا متعاملین تا ۱۰-۱۵ سال بعد هم می توانند معامله را به هم بزنند؟ (با اینکه تفاوت قیمت در این مدت بسیار زیاد است).

**ج:** در صورتیکه آن مبلغ را به عنوان حق فسخ شرط کرده باشند باید مدت فسخ معین شود.

**س ۳-۷۱:** در صورتی که یکی از متعاملین در مبیع تصرفاتی نموده باشد، - مثلاً - در زمین خریداری شده منزلی ساخته باشد و این ساخت و ساز در مرئی و منظر فروشنده بوده، آیا می توان این امر را به منزله اسقاط عملی حق فسخ مزبور تلقی نمود؟

**ج:** برفرض صحت آن تصرفات موجب اسقاط خيار فسخ نمی شود.

**س ۷۲-۷۱:** در بیع به شرط خيار بایع می تواند در زمان خيار با رد ثمن ملکیت مبیع را به خود برگرداند. در چنین معامله هرگاه بایع ادعای غبن

نماید باوجود اینکه راه برای بهم زدن معامله با استرداد ثمن برای او وجود دارد، آیا می‌تواند در صورت اثبات غبن در معامله بیع را فسخ و ثمن را عند الاستطاعه مسترد کند؟ اگر در زمان خیار ثمن را بر نگرداند بیع لازم می‌شود یا خیر؟

**ج:** در فرض سوال بلایع از دو جهت خیار فسخ دارد هم از جهت خیار شرط و هم از جهت مغنون واقع شدن اگر در زمان خیار فسخ نکرده و از جهت مغنون واقع شدن هم فسخ نکرده در این صورت معامله لازم می‌شود.

**س ۷۳:** شخصی زمین تا جایی خانه و دو در بند دیوار چوپ خود را در بدل مبلغ چهل هزار افغانی به فروش رسانیده و نصف قیمتش را گرفته و نصف دیگری را قسط نموده ولی قبل از سر رسیدن پرداخت قسط دوم تاجایی مذکور را به شخص دیگری به فروش رسانده آیا حق فروش را دارد یا خیر؟ آیا حق مطالبه پولش را دارد یا خیر؟

**ج:** در فرض سوال آن تاجای خانه مال شما بوده است اگر شما اجازه نکنید آن معامله باطل است و هر کسی آن زمین را خریده باشد صحیح نیست و اگر روی آن زمین نماز خوانده نمازش باطل است و باز بلایع زمین حق مطالبه قیمت را ندارد تا زمانیکه زمین را به شما بدهد.

**س ۷۴:** اگر شریک مشاعی حصه خود را به بیع محاباتی - کمتر از

قیمت سوقیه - به یکی از اقارب خود منتقل کند آیا صاحب حق شفعه با همان قیمت می تواند حصّه شریک خود را تملک کند؟

ج: اگر زمین بین دو نفر مشترک باشد یکی از شرکاء سهم خود را به کسی بفروشد شریکش حق شفعه دارد به همان قیمت فروخته شده.

س ۷۶: پس از تملک سهم مشاعی از طرف صاحب شفعه آیا بایع می تواند ادعای غبن کند؟ و در صورت ثبوت غبن آیا مال مورد معامله به مغبون بر می گردد

ج: اگر واقعاً مغبون واقع شده باشد و احتیاط خیار نکرده باشد حق فسخ دارد بعد از فسخ، ملک به ملکیت مالک بر می گردد.

س ۷۷: آیا بیع کالی به کالی همان بیع دین به دین است یا مفهوم وسیع تری دارد و بیع دین به دین یکی از مصادیق آن محسوب می شود؟ و در هر صورت بیع کالی به کالی صحیح است یا فاسد و باطل؟

ج: بیع کالی به کالی مفهوم وسیع تری دارد که بیع دین به دین یکی از مصادیق آن محسوب می شود بیع کالی به کالی یعنی ثمن و مثنی هر دو مؤجل باشد چه به صورت دین باشد که یکی از دیگری مالی را طلب دارد و آن دو را معامله می کنند که در آینده پرداخت کنند و یا از حال معامله ای انجام

می دهند بدون اینکه قبلاً از هم‌یکر مطالبه‌ای داشته باشند که ثمن و مثن در آینده پرداخت شود و این معامله باطل است.

**س ۷۸:** در بیع کالی به کالی آیا بین این که ثمن و مثن قبل از بیع به صورت دین باشد یا به وسیله بیع دین بودن آن محقق می‌شود، تفاوتی وجود دارد یا نه؟

**ج:** بین این دو در بطلان تفاوتی وجود ندارد.

**س ۷۹:** آیا حقوق مانند حق امتیاز تلفن، حق انشعاب آب و برق، حق سرقتی و... می‌توانند به عنوان مبیع قرار گیرند؟ و آیا فرقی بین حقوق مالی و غیر مالی وجود دارد؟

**ج:** اگر حقوق قابل نقل و انتقال و قابل اسقاط باشد جایز است مبیع واقع شود.

**س ۸۰:** در صورتی که در کشور یا شهری مبیع مثلاً بر اساس تَن یا مَن به فروش می‌رسد و متعارف آن شهر نیز چنین است و خریدار نیز می‌داند که این جنس در این کشور یا شهر بر این اساس خرید و فروش می‌شود و به متعارف بودن آن نیز واقف است و همچنین می‌داند که وزن مخصوصی نیز برای تَن یا مَن در آن کشور یا شهر متعارف است اما از مقدار آن بی اطلاع است. مثلاً نمی‌داند که یک تَن یا یک مَن در آن شهر چند کیلو است، آیا همین مقدار علم به متعارف بودن، برای رفع جهالت از مبیع (یا ثمن)

کفایت می‌کند یا لازم است مقدار و اندازه آن را نیز بدانند؟

**ج: لازم است مقدار و اندازه آن را بدانند.**

**س ۸۱:** آیا بیع به شرط آزمایش صحیح است، به این معنا که مشتری در صورتی مبیع را خواهد پذیرفت که آن را آزمایش کند و آزمایش موفقیت آمیز باشد؟ و در صورت صحت آیا ملکیت از حین عقد است یا پس از انجام آزمایش؟

**ج:** اگر عقد قبل از آزمایش واقع شده باشد و مبیع بر طبق وصف بایع باشد ملکیت از حین عقد حاصل می‌شود و اگر عقد بیع بعد از آزمایش باشد و مبیع را معلق کند به آزمایش که این مال را به این قیمت می‌خرم به شرطی که آزمایش کنم و مبیع دارای این اوصاف باشد در این صورت ملکیت بعد از آزمایش است.

**س ۸۲:** آیا بیع به شرط موافقت و پسند مشتری صحیح است و در صورت صحت، ملکیت از ابتدا انتقال می‌یابد و موافقت مشتری به منزله اجازه کاشفه است یا این معامله صرفاً یک وعده یک طرفی بوده و پس از اعلام موافقت و رضایت از سوی مشتری مالکیت انتقال می‌یابد؟

**ج:** اگر عقد قبلاً واقع شده موافقت مشتری به منزله اجازه کاشفه است و اگر معامله قبلاً واقع



شده و مشروط به آزمایش باشد در این صورت با موافقت مشتری ملکیت حاصل می شود.

**س ۸۳:** آیا شرط تأخیر در انتقال مالکیت مشروع است یا از شروط فاسد است و در صورتی که از شروط فاسد محسوب شود آیا مفسد عقد نیز می باشد یا نه؟

ج: اگر معامله با تمام شرایط واقع شده باشد تاخیر در انتقال ملکیت معنی ندارد ولی فساد شرط موجب فساد عقد نمی شود.

**س ۸۴:** آیا خرید و فروش بدن و اعضای انسان جهت کالبد شکافی جایز است؟

ج: بیع و شراء اعضاء رنیه انسان زنده جواز ندارد ولی غیر آن اشکال ندارد که برای حفظ جان مسلمان تبرعاً بدهد و یا بخرد و یا بکند و یا بکند و یا بیشتر از مقدار دیه با طرف مصالحه کنند.

**س ۸۵:** در موردی که بایع به لحاظ عدم تأدیه ثمن از ناحیه مشتری حق حبس میباید را دارد آیا مشتری می تواند از بایع طلب نماید نسبت به مبیع، خودش یا شخص ثالث تا تأدیه ثمن به بایع انتفاع ببرد؟

ج: اگر بیع تقد باشد و مشتری از دادن ثمن خودداری کند در این صورت بایع حق دارد از دادن مبیع خودداری کند و مشتری حق ندارد مطالبه مبیع را کند ولی در آن مدت مشتری حق

## انتفاع دارد.

**س ۸۶:** با عنایت به اینکه بعضی از فقهاء تصریح نموده اند؛ در بیع عین معین لازم است مبیع درحین عقد موجود باشد<sup>۱</sup> و به تعبیری برخی از فقهاء، اصل بر موجود بودن متعلق عقد است الا ماخرج بالدلیل<sup>۲</sup>، بفرمائید؛ اولاً: آیا به نظر حضرتعالی نیز لازم است مبیع درحین عقد موجود باشد و یا همین که بدانیم در حین تسلیم موجود خواهد بود کفایت می‌کند؟ ثانیاً: فروش آپارتمان و مکانهای تجاری که بامتراژ و ویژگی‌های معین پیش فروش می‌گردد، آیا از مصادیق عین معین است تا در نتیجه بیع آن باطل باشد یا از مصادیق کلی در ذمه است تا بیع صحیح باشد و یا از مصادیق عین معین است ولی استثنایی از قاعده کلی محسوب می‌شود و بیع آن صحیح است؟

**ج:** ابلی لازم است درحین عقد مبیع موجود باشد اگر موجود نباشد بیع مالک آن نیست و لایبغ الا فی ملک انا فرقی نمی‌کند موجود در خارج باشد و یا در ذمه مثل کفلی در ذمه مانند بیع سلم یا سلف.

۱. الحدائق الناظرة، ج ۱۸، ص ۴۹۲ حاشیة مجمع الفائدة و البرهان، ص ۱۴۳.

۲. العناوین الفقہیة، ج ۲، ص ۲۱۳.

ج: ۲۲ آپارتمان و مکانهای تجاری معمولاً مکان و مساحت آنها معلوم است و در خارج معین است، کیفیت بناء و ساختمان برای مشتری توصیف می شود و رفع غرری کرده و معامله آن اشکال ندارد و از مصادیق صین معین است و اگر در خارج معین نباشد از مصادیق کلی در ذمه است.

۸۷: در بیع معلق (در صورتی که تعلیق در منشأ باشد نه در انشاء) آیا مالکیت مبیع و ثمن از حین بیع است یا از حین حصول معلق علیه؟

ج: ملکیت از حین بیع است.

۸۸: اگر معامله ای در خارج از محل سکونت با بیع و مشتری صورت گیرد و وضعیت به گونه ای است که نمی توان محل وقوع را ملحوظ نمود، مثل اینکه بیع در کشتی و در دریا یا در هواپیما و در هوا صورت گیرد، در صورت اختلاف بین متبایعین تکلیف چیست و مبیع تکلیفش چیست؟ و مبیع و ثمن را کجا و بر اساس عرف چه مکانی باید تسلیم نمود؟

ج: ۸۹: اگر در کشتی یا هواپیما امکان تسلیم باشد در همانجا مبیع و ثمن تسلیم با بیع و مشتری شود و اگر در آنجا امکان نداشته باشد در هر کجای که طرفین توافق کرده باشند و اگر قدرت بر تسلیم در محل وقوع

عقد و در خارج از آن نداشته باشند معامله باطل است، ظاهر اعراف محل و مکان در تسلیم دخالت ندارد بلکه در تکمیل و مموزون و عدد و دخالت دارد که در صورت اختلاف بلاد، ملاک بلد معامله است.

**س ۹۰:** اگر ثمن معامله بسیار ناچیز باشد مثل فروختن خانه‌ای به هزار تومان، آیا این معامله صحیح است یا نه؟ و اگر صحیح است آیا بیع محسوب می‌شود یا صلح یا هبه یا...؟

**ج:** در فرض سؤال اول ولو ثمن کم و اندک باشد معامله صحیح و بیع محسوب است.

**س ۹۱:** در معاملاتی که به وسیله تلفن، فکس اینترنت و امثال آن واقع می‌شود، به ترتیب:

الف) معامله از چه زمانی واقع می‌شود؟ از زمان نوشتن یا گفتن ایجاب، از زمان نوشتن یا گفتن قبول، از زمان ارسال قبول توسط مشتری، از زمان وصول جواب قبولی به بایع، یا...؟

**ج:** معامله بعد از قبول مشتری محقق می‌شود.

ب) مکان وقوع معامله کجاست؟ محل سکونت بایع یا محل سکونت مشتری؟

**ج:** چون وقوع معامله منوط به ایجاب و قبول است اگر بایع و مشتری در دو جا باشند هر دو جا

## محل وقوع معامله است.

ج) محل تسلیم مبیع و ثمن کجاست؟ محل سکونت بایع، محل سکونت مشتری، محل وجود کالا، محلی که نیاز است کالا در آنجا مصرف شود، یا...؟

### ج: محل تسلیم مبیع و ثمن بستگی به توافق طرفین بایع و مشتری دارد.

**س ۹۲:** در صورتی که هنگام اجرای حکم اعدام در زنا، محکوم علیه منکر جرم ارتكابی شود (انکار بعد از اقرار) لکن قاضی علم به کذب انکار وی داشته باشد، آیا حدقتل ساقط است یا خیر؟

### ج: چون قاضی بر طبق علم خود می تواند حکم کند لذا در صورت علم قاضی به جنایت حدقتل

### ساقط نمی شود.

**س ۹۳:** با عنایت به این که در ماده ۳۴۸ قانون مدنی ایران آمده است: «بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است، باطل است» بیان فرمایید: آیا منع قانونی موجب می شود مبیع همانند مواردی که شرعاً خرید و فروش آن حرام و باطل است (مثل بیع میته، خمر و آلات قمار) در این گونه موارد نیز حرام و باطل باشد یا منع قانونی صرفاً حرمت تکلیفی می آورد اما در صحت معامله تأثیری ندارد و یا موارد مختلف است و در برخی موارد، معامله صحیح، و در برخی موارد باطل و در برخی موارد غیر

نافذ بوده و محتاج به اجازه است؟ به طور مثال: قانون، بیع سلاح و مهمات یا مواد مخدر یا فروش سیگار به افراد زیر ۱۸ سال ممنوع نمود؛ حال اگر علیرغم منع قانونی، معامله‌ای صورت پذیرد چه حکمی دارد؟ یا فروش اموال عمومی و دولتی تحت شرایطی و توسط دولت مجاز است اما افراد دیگر نمی‌توانند اقدام به خرید و فروش کنند حال اگر شخصی بی‌اعتنا به این منع قانونی، مثلاً اقدام به فروش بخشی از یک پارک به شخص دیگر جهت احداث شهرک بازی نماید و دولت نیز پس از فروش بیع مزبور را اجازه دهد آیا اجازه دولت در این مورد مؤثر است و بیع را نافذ می‌کند یا تأثیری نداشته و بیع باطل است؟

**ج:** اگر منع معامله توسط حاکم شرع واجد شرایط باشد حرمت تکلیفی دارد ولی حرمت وضعی آن نسبت به موارد مختلفه فرق می‌کند مثلاً بیع سلاح و مهمات که موجب برهم زدن نظم و امنیت جامعه می‌شود هم حرمت تکلیفی دارد و هم معامله باطل است ولی مواد مخدر و سیگار اگر به اعتبار منافع محله باشد و یا منفده اندک داشته باشد اصل معامله صحیح است.

**س ۹۴:** با عنایت به اینکه مشهور فقهای امامیه «کثر الله امثالهم» یکی از شرایط عوضین را مالیت و داشتن منفعت عقلایی دانسته‌اند بیان فرمایید: اولاً: آیا مالیت از شرایط عوضین می‌باشد یا نه؟ ثانیاً: در منفعت عقلایی و مالیت آیا اغراض نوعی ملاک است یا

اغراض شخصی؟ - مثلاً - آیا خرید و فروش نامه‌های زن و شوهر در زمان نامزدی که برای آنها اهمیت بسیار دارد و یا آلبوم عکس خانوادگی که برای آن خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، صحیح است یا چون منفعت عقلایی غالب ندارد باطل است؟

**ج: بله در صحت معامله با ایت عوضین شرط است، در منفعت عقلایی هم اغراض نوعی کفایت می‌کند و هم اغراض شخصی در هر دو صورت معامله صحیح است.**

**س ۹۵:** آیا منفعت می‌تواند مبیع واقع شود؟

**ج: منفعت مبیع واقع نمی‌شود مبیع باید عین باشد.**

**س ۹۶:** در صورتی که وسیله توزین یا اندازه گیری و امثال آن در کشور یا شهری متعارف بود و مقدار آن نیز بر اساس متعارف آن شهر معلوم باشد ولی مشتری یا بایع از مقدار آن بی اطلاع باشند آیا صرف متعارف بودن و معین بودن مقدار آن کفایت می‌کند یا لازم است بایع یا مشتری یا هر دو از آن مطلع باشند؟ مثلاً من در اصفهان ۶ کیلو گرم است و بایع یا مشتری که اهل قم است و من در آن شهر سه کیلوی است می‌خواهند در اصفهان معامله کنند.

**ج: باید بایع و مشتری مقدار ثمن و مضمن را بدانند و صرف متعارف و معین بودن در کشور و**

## شهری کفایت نمی‌کند و رفع غرضین البیع حاصل نمی‌شود.

**س ۹۷:** آیا عقود و ایقاعات مانند بیع، نکاح و طلاق به وسیله تلفن یا اینترنت یا نامه و امثال آن واقع می‌شود یا نه؟ و در صورت وقوع، محل وقوع آن در عقودی مانند بیع کجاست؟ بلد بایع یا مشتری؟ وضعیت خیار مجلس و افتراق آنها چگونه خواهد بود؟

**ج:** عقود و ایقاعات به امور فوق‌الذکر واقع می‌شود ولی محل بیع واحد نیست و قهر اخبار

مجلس موضوعاً متفی است.

**س ۹۸:** در صورتی که بایع و مشتری یا یکی از آنها در وقت عقد بیع از قیمت بازار خبر نداشته باشند و بگویند فروختم به هر قیمتی که در بازار (قیمت سوقیه) هست و نام بازار معینی را ذکر کنند آیا بیع صحیح است؟

**ج:** در فرض سؤال بیع غری است و معامله باطل است.

**س ۹۹:** اگر در عقد بیعی بایع شرط کرده که مشتری بابت پرداخت ثمن، ضامن یا رهن بدهد، در صورتی که مشتری به شرط مزبور عمل نکند بایع حق فسخ خواهد داشت، پرسشی که در این زمینه مطرح است این است که: اگر مشتری قبل از آنکه بایع اعمال فسخ کند ثمن را بپردازد آیا باز هم بایع حق فسخ خواهد داشت؟ به عبارت دیگر آیا صرف تخلف شرط در این مورد حق فسخ می‌آورد یا چون غرض اصلی از اخذ ضامن یا رهن،



پرداخت ثمن بوده و این غرض هر چند با تأخیر حاصل شده است پس دیگر حق فسخ و جود ندارد؟

**ج:** در صورتی تخلف شرط بایع حق فسخ دارد بعد از آن اگر مشتری ثمن را بیاورد حق خیار بایع محفوظ است می تواند اعمال خیار کند و با آوردن ثمن حق خیار بایع ساقط نمی شود.

**س ۱۰۰:** هر گاه مبیع کلی در ذمه باشد در صورتی که بایع فرد آن را معین کند و بگوید می خواهم این فرد را به تو تحویل دهم، آیا مشتری می تواند آن را بدون اذن بایع قبض کند یا لازم است بایع آن را به اقباض مشتری بدهد؟

**ج:** رضایت بایع کافی است در قبض مشتری آن فرومیع را.

**س ۱۰۱:** در صورتی که مبیع فرد مردد باشد ولی به گونه ای که هیچ گونه غرری در آن نباشد آیا باز هم معامله باطل است مثلاً کار خانه ی بشقاب تولید می کند و همه بشقاب ها نیز مثل همدند منتهی رنگهای متفاوتی دارند ولی قیمت ها یکی است و فروشنده به مشتری بگوید هر کدام را می خواهی به ۵۰۰ تومان به تو فروختم و مشتری پس از معامله یکی از مصادیق را انتخاب کند آیا معامله صحیح است؟

یا بشقاب ها دو نمونه است و از نظر جنس و قیمت با یکدیگر تفاوت دارند ولی بایع به مشتری می گوید اگر این نمونه را بر داری به ۱۰۰۰ تومان و اگر آن نمونه را برداری ۲۰۰۰ تومان فروختم در این صورت معامله

صحیح است یا نه؟

ج: در صورت اول بیع صحیح است و در صورت دوم بیع غری است مگر اینکه بعد از

اخذ یکی از آن دو تار بلیغ اجازه کند بیع صحیح است.

## احکام خیار فسخ

**س ۱:** شخصی یک عدد یخچال را از مغازه خریده است که بائع به مشتری گفته است من به تازگی موتور یخچال را به مبلغ پنجاه و پنج هزار تومان خریده ام فقط قیمت موتور را شما بدهید به همین مبنا معامله انجام می شود بعد طبق رؤیت کاغذ خرید معلوم میشود که موتور به مبلغ سی و دو هزار و پنج صد تومان خریده شده و بائع کاغذ خرید را دست کاری کرده تکلیف این معامله چه است و آیا مشتری حق فسخ دارد یا نه؟ ضمناً مشتری از بائع پول دیگر طلبکار است آیا در صورت فسخ معامله میتواند یخچال را به عنوان رهن تا گرفتن قرض خود یخچال را در نزد خود نگهدارد یا نه؟

ج: اگر یخچال را بدون قید و شرط به همان مبلغ پنجاه و پنج هزار خریده اید معامله صحیح است اما اگر یخچال را به قیمت موتور خریده اید و در واقع قیمت موتور مبلغ سی و دو هزار و پنج صد تومان بوده مشتری خیار فسخ دارد و در صورت فسخ معامله احوط این است که بائع اجرت انتقال یخچال را هم

## بدهد و باز مشتری می‌تواند نچال را به عنوان رهن ضمانت پول خود نگهدارد.

**س ۲:** عمر نامی زمین های خود را برای زید تملیک و هبه می کند بشرطی که در هر سال ۱۶۰ سیر بوزن افغانستان آرد و خرج سفر زیارت کربلا را پردازد و زید این شرط را قبول میکند و زمین ها را قبض میکند اتفاقاً در همان سال اول ۱۶۰ سیر آرد را برای عمر نمی دهد منتهی در خلال دو سه سال ۱۵ سیر آرد و پنج هزار افغانی برای عمر می دهد. زید از افغانستان هجرت میکند و زمین ها بدین منوال می ماند و زید در عالم هجرت فوت میکند عمر از وصی زید مطالبه زمین میکند چون به شرط عمل نشده و در همان زمان زمین ها را برای دختر خود تملیک میکند بعد آقای عمر هم فوت میکند حالا ورثه عمر زمین ها را از وصی و ورثه زید مطالبه دارد حکم مسئله را لطفاً بیان فرمائید.

**ج:** در صورتیکه زید بشرط عمل نکرده باشد عمر خیار فسخ دارد و بعد از فسخ می‌تواند برای دخترش به کند و اگر دختر در زمان حیات پدر آن زمین را قبض کرده باشد زمین مال دختر شده است و اگر زمین را دختر قبض نکرده باشد یعنی زمین در اختیار ورثه زید بوده است به باطل و زمین بوره عمر تعلق می‌گیرد و وصی و ورثه زید واجب است که زمین را به ورثه عمر تحویل دهند و اگر عمر غیر از این دختر وارث دیگری نداشته باشد باز زمین از باب ارث مال همین دختر است.

**س ۳:** شخصی زمینی را به کسی می‌فروشد اما بائع با مشتری می‌گوید که علاوه بر قیمت زمین یک قاب ساعت سیکو پنج ژاپنی هم به بائع بدهد و مشتری بعد از چند مدتی ساعتی به همان کیفیت را به بائع می‌دهد ولی بائع از گرفتن ساعت امتناع می‌ورزد و از این معامله حدود هشت سال می‌گذرد سوال این است که فروشنده حق خیار فسخ دارد یا فقط مستحق همان ساعت است؟

ج: اگر مشتری ساعتی به همان کیفیت را به بائع داده ولی بائع خودش نگرفته است در این صورت بائع فقط مستحق همان ساعت است اما حق فسخ ندارد و اگر بائع از آن ساعت اعراض کرده بوده دوباره حق گرفتن ساعت را هم ندارد.

## احکام بیع شرط

**س ۱:** املاکی که به عنوان بیع شرط فروخته می‌شود ولی بایع در مدت  
خیار یا دست رسی بمشتری ندارد یا قدرت ندارد آیا سپری شدن مدت  
خیار موجب لزوم بیع میشود یا نه؟

**ج:** بایع تا زمانی خیار حق فسخ دارد که مدت سپری شده باشد بعد از انقضاء مدت بیع لازم  
میشود. اگر مشتری راضی به فسخ نشود بایع فسخ نمی‌تواند.

**س ۲:** آیا زمین که به بیع جائزی فروخته شده باشد بعداً صاحب زمین  
می‌تواند همان زمین خود را به بیع لازمی و قطعی بفروشد یا نه؟

**ج:** اول بیع جائزی را فسخ کند بعد از آن به بیع قطعی بفروشد.

**س ۳:** شخصی زمین خود را به بیع قطعی می‌فروشد ولی با مشتری  
شرط کرده که هر وقت بایع برگشت و خواست فسخ نماید زمین را مشتری  
برایش بدهد و طرفین این شرط را قبول میکنند آیا این بیع صحیح است  
یا نه؟

ج: این معامله غری است صحت ندارد و اگر تعیین مدت بکنند مثلاً تا پنجاه سال حق فسخ

داشته باشند بیع صحیح است.

**س ۴:** یک نفر زمین خود را به پسران خود هبه مشروطه کرده بود مدت چند سال زمین در قبض پسران بود و با اجازه پدر زمین را به بیع شرط فروخت پدر هم سند را امضاء کرده حالا مدت بیع خیارى تمام نشده پدر میگوید چون پسرانم به شرط عمل نکرده اند لذا من هبه را فسخ کردم و پول رهن را از پسرانم بگیرم مدت رهن (بیع شرط) را نمی گذارم تمام بشود حالا مشتری حق دارد که تا مدت تمام نشده زمین را زراعت کند یا خیر؟

ج: در مفروض سوال اگر پسران بشرط عمل نکرده باشند پدر حق فسخ دارد در صورتیکه هبه فسخ

شد بیع شرط خود بخود فسخ می شود، مشتری حق ندارد زمین را زراعت کند، پرداختن پول برعهده

پسران است.

**س ۵:** اگر شخصی دو میلیون تومان را به عنوان بیع شرط از کسی بگیرد که ماهانه ۴۰ هزار تومان پرداخت می کند به شرط اینکه در قبال این ۴۰ هزار تومان یک بسته کبریت دریافت کند آیا این کلاه شرعی درست است؟ گرفتن این ۴۰ هزار تومان ماهانه حلال است در قبال یک بسته

کبریت یا خیر؟

ج: در فرض سؤال آن معامله باطل است و آنکه شرعاً جواز دارد معامله با ضمیمه است که دو میلیون تومان را بایک جنس که مثلاً ده هزار تومان ارزش دارد به سه میلیون بفروشد که یکسال بعد پرداخت کند و یاد هر ماه فلان مبلغ به طور اقساط پرداخت نماید.

س ۶: شخصی زمینش را به یکی از وراثش فروخته به این صورت که مشتری - مثلاً - مبلغ یک میلیون بدهکاری مرا پرداخت کند و به مدت - مثلاً - بیست سال تمام مخارج من و زخم را از قبیل خوراک و پوشاک و غیره بدهد و هر وقت از دنیا رفت مخارج کفن و دفن و رسوم عرف را انجام دهد.

با توجه در معامله باید جنس و وصف و مقدار ثمن باید معین باشد آیا معامله فوق صحیح است یا باطل؟

ج: در فرض سؤال قیمت مجهول است معامله بیج باطل است و اگر این معامله به نحو سبب معوضی باشد در برابر یک میلیون تومان اشکال ندارد، همچنین اگر مدت دادن مخارج را معین کند مانند بیست سال بیج هم صحیح است. مثلاً در سال صد هزار ولی بهتر است مصالحه نمایند.

س ۷: اگر معامله در سؤال فوق (۶) باطل باشد و بعضی از وراث حق شان را ببخشند و بقیه که نبخشیده می تواند سهم خودشان را بگیرند یا نه؟



ج: اگر پدر فوت کرده باشد آن زمین مال ورثه است اگر بقیه شرکاء سهمیه خود را به مشتری بخشند هم درست است و اگر بخشند می‌توانند سهمیه خود را از مشتری بگیرند.

س ۸: اگر مبیع خوراکی باشد قبل از قبض به خود بایع فروخته شود چه حکمی دارد؟ و اگر به غیر بایع بفروشد چه؟

ج: اگر به اصل قیمت بفروشد چه به خود بایع و چه به کسی دیگر اشکال ندارد و اگر با منفعت و زیادتی اصل قیمت بفروشد جایز نیست این در صورتی است که خوراک مکمل و موزون باشد اما اگر مکمل و موزون نباشد مثل نوشابه یا آب میوه فروش آن با اضافی اشکال ندارد چه به خود بایع باشد و چه به کسی دیگر.

س ۹: اگر بایع هنگام معامله بگوید این جنس را نقداً صد تومان نسیه و یا یکسال بعد دو صد تومان فروختم آیا صحیح است یا باطل؟

ج: چنین معامله باطل است.

س ۱۰: فرق بین کلمه نسیه و مدت معین - مثلاً - در مثال یکسال وجود دارد یا نه؟ و اگر این پیشنهاد از طرف مشتری شود آیا فرق می‌کند یا نه؟

ج: نسیه در مقابل تقد است و همان معامله مدت دار را نسیه می‌گویند اگر از طرف مشتری

## پشهادنیه شود و بایع هم قبول کند بعد معامله بر نیه صورت بگیرد اشکال ندارد.

**س ۱۱:** زمینی پنجاه سال پیش فروخته شده و مالکان اصلی سند معامله را امضاء و شصت کرده و مشتری از زمین و حریم آن استفاده کرده است. اما در دوره انقلاب مشتری به خارج رفته، ورثه فروشندگان حریم و چراگاه را کشت کرده‌اند با این استدلال که پدران ما حریم و چراگاه را نفروخته‌اند و ما آن را احیا کرده‌ایم آیا آن‌ها چنین حقی دارند؟

**ج:** ورثه فروشندگان زمین حق ندارند حریم قریه را احیا کنند زیرا یکی از شرایط احیای این است که حریم قریه نباشد. ادعای عدم فروش حریم ممنوع نیست و مشتری با خریدن زمین حق تصرف در حریم و چراگاه را پیدا می‌کند.

**س ۱۲:** بر اساس ماده ۸۲ قانون محاسبات عمومی کشور ناظر به ماده ۷۹ قانون مزبور، معاملات عمده دولتی<sup>۱</sup> تنها باید از طریق مزایده صورت پذیرد، پرسشی که در این باره مطرح است این است که: آیا مزایده شرط صحت معاملات مذکور است به گونهای که اگر بدون رعایت تشریفات مزایده تحقق پذیرد معامله باطل خواهد بود و یا صرفاً یک امر تشریفاتی و جهت اثبات آن در محاکم ضرورت داشته و در صحت معامله تأثیری ندارد؟

۱. معیار عمده و غیر عمده بودن در قانون مشخص شده است.

ج: در فرض سؤال معیار در معاملات توافق طرفین معامله و عدم غرری بودن آن است

حالاً از طریق مزایده باشد یا نه؟ فرق نمی‌کند ولی مال محبوس و غایب باید به نحو مزایده فروش شود.

**س ۱۳:** در مورد اموال ورشکسته و یا مدیونی که در باز داشت است و طبق نظر داد گاه باید اموالش فروخته شود، آیا رعایت تشریفات مزایده لازم است؟

یاد آوری می‌شود؟ بر اساس ماده قانون تصفیه امور ورشکستگی، اموال ورشکسته به استثنای دو مورد، لازم است از طریق مزایده به فروش برسد و آن دو مورد عبارتند از:

۱- اگر هیأتی از بستانکاران که شامل نصف به علاوه یک ایشان است و  $\frac{3}{4}$  مطالبات نیز مربوط به آنان است، به فروش اموال از طریق عادی به توافق برسند؛

۲- اگر مال در بازار یا بورس دارای قیمت معینی است تنها در صورتی می‌توان آن را به طریق غیر مزایده به فروش رساند که بستانکارانی که نسبت به آن حق وثیقه دارند به این امر رضایت دهند. و بر اساس ماده ۱۱۴ قانون اجرای احکام مدین اموال توقیف شده محکوم علیه بدهکار باید بر اساس مزایده به فروش برسد.

ج: در این مورد هم معیار فروش اموال بدهکار فروش آن به قیمت واقعی است چه از

طریق مزایده یا عادی البته اگر از راه مزایده باشد احوط است چون رعایت حال بدهکار در همان  
مزایده است.

## احکام شرکت

**س ۱:** در خانه‌ای که پدر و پسر با هم زندگی می‌کنند، مالک خانه و اموال پدر است یا پسر یا هر دو؟

**ج:** اگر هر دو خانه و اموال را به دست آورده باشند هر دو مالکند و اگر یکی از آن‌ها به دست آورده باشد، همان مالک است.

**س ۲:** فرزندان پدری که در یک خانه زندگی می‌کنند، تعدادی از آنان در خارج از کشور کار می‌کنند و تعدادی دیگر در داخل کشور مشغول کشاورزی هستند و از این نوع زندگی همه آن‌ها راضی هستند. در صورت عدم رضایت یکی از آن‌ها تصرف در اموال مشترک چه حکمی دارد؟

**ج:** بدون رضایت تصرف جایز نیست.

**س ۳:** تعدادی از نمایندگان مردم یک منطقه، گورستانی را برای اموات اهالی محل خریداری کرده‌اند و توافق کرده‌اند که در گورستان مورد نظر غیر از اهالی محل کسی دیگری را شریک نکنند آیا بعد از این توافق می‌توانند

کسی دیگری را شریک کنند؟

**ج:** بعد از توافق بدون رضایت همه شرکاء نمی‌توانند شریک کنند. اگر همه راضی شدند مانعی

ندارد.

**س ۴:** تعدادی از شرکای جوی آب، از آب جوی برای زمین‌های کشاورزی خود استفاده می‌کنند یکی از شرکاء جوی جدیدی احداث می‌کند و مسیر آب را تغییر می‌دهد. آب جوی شرکاء خشک می‌شود و به کشاورزی شرکاء ضرر و زیان زیادی وارد می‌شود. مسئله چه حکمی دارد؟

**ج:** هیچ‌یک از شرکاء حق ندارد که بدون اجازه دیگران جوی جدید احداث کند.

**س ۵:** زمینی در بین سه برادر به طور غیر عادلانه تقسیم شده است آیا چنین تقسیمی صحیح است؟

**ج:** اگر از اول به تقسیم رضایت نداده باشند می‌توانند دوباره به طور عادلانه تقسیم کنند. اما اگر از

اول راضی بوده اند دیگر حق اعتراض ندارند.

**س ۶:** مردی در زمان حیات خود، زمین‌های خود را بین فرزندان به عنوان هبه تقسیم می‌کند، تعدادی از فرزندان که در هنگام هبه و تقسیم در وطن نبوده‌اند اکنون اعتراض می‌کنند و تقسیم خط پدر را قبول ندارند، آیا آن‌ها می‌توانند دوباره از نو تقسیم کنند؟

ج: زمین هائی را که پدر بهد کرده و فرزندان آن را قبول و قبض کرده اند بهد صحیح و لازم است و فرزندانى که در خارج بوده اند و زمین های موهوبه شان را قبول و قبض نکرده اند در زمان بهد پدر بهد در مورد آنان باطل است و سهم آنان به همه ورثه تعلق می گیرد و اگر برخی فرزندانى که در خارج بوده اند اگر در آن زمان صغیر بوده اند بهد برای آن ها دست است زیرا قبض پدر کفایت می کند.

**س ۷:** زمین های دو طرف دره مال دو نفر است. قسمتی از آن به گورستان منطقه تعلق دارد بر اثر سیلاب از کف دره چشمه ای پیدا شده است یکی از شرکاء چشمه را کنده و اکنون ادعای مالکیت چشمه را دارد، چشمه و زمین های اطراف گورستان چه حکمی دارد؟

ج: اگر چشمه را به قصد احیا کار کرده باشد چشمه مال احیا کننده است. تصرف در زمین های اطراف قبرستان موقوفه جایز نیست. اگر قبرستان موقوفه نباشد غیر از حریم قبرستان رامی توانند احیا کنند.

**س ۸:** برادرم بر زمینی که بین من و او مشترک بود خانه ای ساخته است و اکنون از من می خواهد که زمین را تقسیم کنیم حکم مسئله چیست؟

ج: برادرت بدون اجازه شما حق ساختن خانه نداشته است و اکنون حق تقسیم زمین خانه را ندارد. اگر در خانه بدون اجازه شما زندگی کرده است شما حق دارید که اجرت المثل را از او مطالبه کنید اما اگر نخواهید از خانه استفاده کنید باید مصالحه کنید و اجرت المثل کارش را بدهید.

**س ۹:** در زمان حیات پدر در فاصله زمین (میان تیر) نهال غرس شده است بعد از آنکه پدر فوت می‌کند، دو برادر زمین‌های خود را تقسیم می‌کنند. زمین مال یکی و درخت‌ها مال دیگری می‌شود. درخت‌های یاد شده ریشه در زمین برادر دوانده و بر زمین او سایه انداخته است. صاحب زمین به این مسئله راضی نیست. حکم شرعی مسئله چیست؟

ج: اگر در هنگام تقسیم قرار شده که درختان مال یکی و زمین مال دیگری باشد صاحب زمین حق منع ندارد. البته اگر ریشه‌های درختان به جاهای دیگر برسد، صاحب زمین حق دارد آن‌ها را قطع کند یا با گرفتن اجرت المثل از صاحب درخت اعلام رضایت کند.

**س ۱۰:** چند نفر ۳۵ سال قبل مقدار زمین کشاورزی با هم خریداری کردند و در بین خودها تقسیم کردند و تقسیم بعضی شرکاء در وسط زمین واقع شده است و آنهایی که زمینهایشان در وسط واقع شده است قبلاً در رفت و آمد روی زمینهایشان آزاد بودند حالاً که دور تا دور زمینهایشان ساختمان ساخته می‌شود می‌گویند باید شرکاء برای ما راه بدهند شرکایشان



می‌گویند قبلاً زمینها مساوی تقسیم شده است حالا حق راه از ما نداری و اگر راه می‌خواهی یا از زمینهای ما خریداری کن (برای راه) و یا اینکه از زمینهای خود به همان مقداری که از زمینهای ما برای راه می‌خواهید بدهید. حالا آیا این اشخاص که زمینهایشان در وسط واقع شده است بدون معاوضه و خرید حق راه گرفتن از شرکای خود را دارند یا خیر؟

**ج: در فرض سؤال باید طبق روال سابق برای ایشان راه بدهند و حق گرفتن قیمت راه را**

**از ایشان ندارند. و باید همه شرکاء با توافق هم ایشان را راه بدهند.**

**س ۱۱:** تعدادی از اهالی قریه نو قبرستان ولسوالی لعل خواهان تقسیم کردن اراضی مشترک می‌باشند و محکمه ابتدائیه لعل هم حکم به تقسیم نمودن اراضی مذکور نموده است و حال آنکه نصف از شرکاء غایب هستند و حضور ندارند و تعدادی از شرکاء هم صغار هستند آیا شرعاً تقسیم این اراضی فعلاً جایز و درست است یا خیر؟ و با بیان حکم شرعی امید داریم یک رهنمای برای این موضوع نمایم تا اینکه در آینده مردم دچار مشکل نگردند.

**ج: در فرض سؤال اگر از تقسیم نکردن آن اراضی صاحبان که حاضرند مضرر می‌شوند خود**

**شرکاء با حضور و کلاء حاکم شرع جامع الشرایط و اگر وکیل حاکم نباشد در حضور عدول مؤمنین**

## می‌توانند آن اراضی را تقسیم کنند.

**س ۱۲:** در افغانستان در منطقه دایکندی... رود خانه ای است که سر منشأش چشمه آب است که از بین دو کوه عبور می‌کند یک جوی عمومی در این منطقه است که حدوداً ۳۰ خانوار از این آب استفاده می‌کنند و در زیر این جوی زمین کشاورزی دارند که از جمله خود بنده زمین دارم طبق نوبت تعیین شده همه مردم استفاده می‌کنند. جوی فرعی از این جوی اصلی کشیده شده است که مقداری از جوی عمومی بالاتر است در این جوی فرعی ۴ نفر شریک است خواستم جوی را جلو تر بیاورم که زمین زیر آب شود برای کشاورزی استفاده کنم مورد اعتراض یکی از شرکاء واقع شد سهم ایشان را خریداری نمودم تا محدوده‌ی مشخص مابقی شرکا سکوت کردند چنین چیزی نگفتند تصمیم گرفتم که این جوی را جلو تر بیاورم ما بقی شرکاء یا اصلاً اجازه نمی‌دهند اگر اجازه هم دهد چند برابر قیمت واقعی پول طلب می‌کنند با اینکه هیچگونه مزاحمت برای آنها ندارد آیا چنین حقی دارد یا خیر؟

**ج:** اگر مزاحم حق دیگران نباشد آنها حق منع ندارند یعنی اگر از سهم تعیین شده خود استفاده

کنی دیگران حق منع ندارند.

**س ۱۳:** زمینی دارم که چند سال قبل با زمین دیگر که مال خودم بود و آب مستقل دارد عوض نمودم رود خانه یا چشمه که از بین دو قریه عبور

می‌کند حدود ۳۰ خانوار از جمله خودم در آن محله یا قریه مثل ما بقی مردم زمین دارم که از این آب به صورت نوبت استفاده می‌کنیم ولی این زمین که عوض کردم جوی تقریباً ۱۰۰۰ متر بالا تر از جوی عمومی قرار دارد مردم می‌گویند شما از این چشمه یا رود خانه حق استفاده نداری باید از نوبت زمین پائین خود استفاده کنی آیا چنین حقی دارند یا خیر؟ اینجانب از آب رود خانه یا چشمه حق استفاده ندارم که از زیر زمین عبور می‌کند؟

**ج: اگر آن زمین که عوض زمین خود گرفته‌اید در سابق از آن چشمه و رودخانه آب داده**

**نی‌شده حال بدون اجازه شرکاء حق استفاده ندارید.**

**س ۱۴:** چشمه آب بین دو زمین که یکطرف آن چشمه دو سهم است و طرف دیگر یک سهم است که در سابق فقط دیم بوده و استفاده از آب چشمه وجود نداشته الآن این چشمه آب چگونه بین این دو شریک تقسیم می‌شود بر اساس زمین قسمت می‌شود یا نصف می‌شود بین این دو شریک؟

**ج: اگر هر دو تابه طور مساوی چشمه را احیاء کرده باشند آب آن چشمه به طور مساوی تقسیم**

**می‌شود.**

**س ۱۵:** شخصی زمین خود را به فروش رسانده شخص خریدار زمین او را واگذار به بایع کرده است فعلاً هیچ مدرک در دست ندارد از آن منطقه

هجرت کرده بعد از بیست سال برگشته بایع منکر فروش است حکم شرعی این مسأله چیست؟

**ج:** اگر مشتری شاهد برای اثبات مدعی خود ندارد نمی‌آید قسم بخورد در نزد حاکم شرعی به اینکه زمین را فروخته است اگر او قسم نخورد مشتری قسم بخورد.

**س ۱۶:** در افغانستان چند برادر در یک خانواده زندگی می‌کنند تمام اموال و زمین حتی خرج و مخارج روزانه شان مشترک است، یکی از آن برادران در ایران کار کند برای خودش زمین شخصی خریداری کند مالک می‌شود یا اینکه برادرها دیگر نیز به آن زمین شریک است.

**ج:** صاحب پول مالک زمین است و سایر برادران در آن شریک نمی‌باشد.

**س ۱۷:** در روستاها در بینشان مرسوم است که گاو را قصابی می‌کنند و هر سیر گوشت گاو را - مثلاً - یک بره یا بزغاله قیمت گذاری می‌کند، نه گوشت قصابی شده را قیمت می‌کنند و نه بره و بزغاله را، هیچکدام از ثمن و مثن معین نمی‌باشد آیا این معامله درست است یا نه؟

**ج:** در فرض سؤال آن معامله صحیح نیست.

**س ۱۸:** مانند سؤال فوق (۱۷) درختی را در مقابل بره و بزغاله معامله می‌شود - مثلاً - دو عدد درخت را یک بره قیمت می‌کند آیا در این صورت معامله شرعی هست یا خیر؟

ج: اگر در قتها معلوم باشد در برابر یک بره معلوم معامله شود صحیح است و همچنین اگر به عنوان مصاحب باشد صحیح است و اگر بره معلوم نباشد معامله باطل است.

**س ۱۹:** در قریه و ده، چشمه است که بعضی در آب آن چشمه شریک است یعنی زمین های شان از آب آن چشمه آبیاری می شود ولی بعضی ها در آن چشمه شریک نیستند آیا حق دارد به اندازه رفع نیاز مندیهای که معمول است برای یک خانواده در قریه استفاده کند از آن چشمه یانه؟ و آیا شرکاء به خاطر اختلاف های دیگر که بین شان پیش آید می توانند غیر شرکاء را از استفاده آب چشمه ممانعت کند یانه؟

ج: استفاده خوردن برای غیر شرکاء اشکال ندارد و شرکاء هم از خوردن آب از آن چشمه

حق منع ندارند.

**س ۲۰:** شخصی حدود ۱۲ سال که از چشمه استفاده می کند ولی شریک به معنی اینکه زمین داشته باشد که از این چشمه آبیاری شود نیست آیا با توجه به اینکه مدتی استفاده می کرده ممانعت فعلی چه حکمی دارد؟

ج: اگر برای خوردن باشد کافی السابق می تواند از آن چشمه استفاده کند.

**س ۲۱:** تعداد ۲۰ خانوار زندگی می کنند دارای چشمه ای است که تعداد از ساکنین آن بدون رضایت جمع جوی پشته کشیده اند؛ آیا:

- ۱- بقیه از ساکنین روستا می‌توانند مانع جوی شوند یا خیر؟
- ۲- به جوی کشیده شده شریک می‌باشند یا خیر؟
- ۳- آیا بقیه که شریک جوی کشیده شده نیستند می‌توانند جوی علیحده بکشند یا خیر؟

ج: در فرض سوال صاحبان جوی جدید به اندازه سهم سابق خود می‌توانند از آن آب استفاده کنند و بیشتر از سهم قبلی خود حق ندارند و جوی مال خود آنها است و بقیه شرکاء آب در جوی جدید حق ندارند.

س ۳۳: کسی که با اموال پدر خود دکانداری و کسب منفعت می‌کند آیا پدر و برادرانش در درآمد و منفعت شرکت دارند؟

ج: اگر پدر اصل سرمایه را به فرزند دکان دار خود ملکی کرده باشد اصل سرمایه و منفعت آن مال دکان دار است اما اگر ملکی نکرده و گفته باشد که اصل سرمایه مال همند: من و فرزندان است در این صورت اصل سرمایه و منفعت آن مشترک است.

## احکام صلح

**س ۱:** چند نفر دزد اموال خانه‌ای را دزدی و صاحب خانه را مضروب و مجروح می‌کنند. صاحب خانه یکی از دزدها را شناسایی و شکایت می‌کند. حکومت وقت، پدر دزد را احضار می‌کند. پدر دزد همه اموال مسروقه را که توسط دزدها سرقت شده است و همچنین دیه ضرب و جرح را به عهده می‌گیرد. چند نفر به عنوان مصلح انتخاب می‌شوند و مسئله را فیصله می‌کنند. بعد از مدتی پدر دزد یاد شده دیه و اموال یاد شده را از صاحب خانه مطالبه می‌کند و خواهان باز پس گیری آن‌ها می‌شود، آیا چنین حقی دارد؟

**ج:** اگر پدر دزد به عهده گرفته باشد باید به آن عمل کند و حق به هم زدن ندارد.

**س ۲:** اگر طرفین نزاع افرادی را به عنوان مصلح انتخاب کنند آیا این صلح لازم است یا طرفین حق به هم زدن مصالحه را دارند؟

**ج:** اگر طرفین، به مصلحان اختیار داده باشند نافذ و لازم الاتباع است.

**س ۳:** اگر مدعی و مدعی علیه با رضایت شان برای مصلحین اختیار

صلح بدهند بعد از آنکه مصلحین دعوا را اصلاحاً فیصله کردند آیا یکطرف دعوا می‌تواند این صلح را رد کند؟

### ج: بعد از فیصله مصلحین هیچ‌کمی از طرفین حق رد ندارند.

**س ۴:** سه تا برادر زمین‌های خودشان را به اختیارشان تقسیم کرده‌اند که برای یکی از برادران خود زمین بیشتر داده‌اند و زمین‌ها را هر کدام طبق تقسیمی که کرده‌اند تصرف می‌شوند اما بعد از فوت آنها پسران آنها می‌گویند ما این تقسیم را قبول نداریم چون زمین فلان پسر عمومی مان بیشتر است آیا حق تقسیم دوباره را دارند یا نه؟

### ج: همان تقسیم آباء و اجدادشان صحیح و نافذ است و اما آن شخص که می‌گوید قبول ندارم اثر

ندارد و بی اعتبار است.

**س ۵:** دو نفر در بین خود نزاع دارند آنها نزد موسفیدان و ملاها می‌روند و آنها هدایت می‌دهند که همسایه‌های قریه را جمع کنید عده‌ی را به نام شاهد و عده‌ی را بنام مصلح و عناوین دیگر مجلس تشکیل می‌دهند مرکب از پنجاه شصت نفر چند شبانه روز در آنجا سپری مینمایند انواع مصارف را بر صاحبان نزاع تحمیل میکنند بعضی اوقات دعوا را فیصله می‌کنند و در بعضی موارد هم بدون فیصله بر می‌گردند آیا غذا خوردن در چنین مجالس چه حکم دارد.



ج: اگر صاحبان غدارضایت داشته باشند ما نمی نذارووالاجاز نیست.

## احکام اجاره

**س ۱:** کسی که برای خواندن قرآن اجیر شده و در خواندن قرآن غفلت کرده و اکنون بر اثر بیماری نام کسانی را که برای شان باید قرآن می خواند فراموش کرده وظیفه اش چیست؟

**ج:** در این صورت به نیت و نیت از کسی بخواند که واسطه از او یا ورثه اش پول گرفته و به اجیر داده و ثوابش را هدیه به روح آن کس بکند. اگر کسی که پول به اجیر داده است شرط مباشرت در خواندن قرآن کرده باید خود اجیر بخواند و اگر بر اثر بیماری نمی تواند بخواند باید با اجازه صاحب پول کسی دیگری را اجیر کند.

**س ۲:** آیا اجرت گرفتن روضه خوانها در ایام عزاداری جایز است در این صورت در پیشگاه خداوند اجر و پاداشی دارد؟

**ج:** اجرت گرفتن مانعی ندارد اگر چه نگر گرفتن اجرت اجربیشتر دارد.

**س ۳:** کسی، زمینی را به مدت ده سال اجاره کرده است بعد از پایان مدت اجاره صاحب زمین اجاره بها را می‌خواهد آیا به قیمت سال نخست اجاره حساب کند یا سال دهم؟

**ج:** اگر اجاره بهاکندم و مانند آن است همان را بدهد و اگر کندم ندارد قیمت آن را به نرخ روز پرداخت کند ولی بعد از انقضاء مدت اجاره حق گرفتن اجرة المثل را دارد  
**اجرة المسمى.**

**س ۴:** آیا اجاره دادن زمین برای کشت تریاک جایز است؟

**ج:** اجاره دادن مانعی ندارد اما مستأجر بنا بر احتیاط واجب نباید تریاک بکارد.

**س ۵:** شخصی در آغاز انقلاب افغانستان زمین خود را اجاره داده و هنوز اجاره بها را دریافت نکرده است اکنون مستأجر اجاره بها را به پول زمان برهان الدین ربانی حساب می‌کند. اما موجر پول حامد کرزی طلب می‌کند حکم مسأله چیست؟

**ج:** اگر اجاره بها پول بوده است همان مبلغ را به ارزش همان سال بدهد و اگر مدت اجاره تعیین شده است اجاره باطل و موجر، اجرت المثل زمین خود را حق دارد.

**س ۶:** روحانیانی که در منطقه به بیچه‌ها مردم درس قرآن می‌دهند در مراسم فاتحه، عروسی، نماز جماعت، منبر و صلح و اصلاح شرکت می‌کنند

و از کارهای ضروری و ما یحتاج زندگی خود باز می‌مانند می‌توانند برای خود حقوقی معین کنند و از مردم بگیرند؟

ج: روحانیان، واجبات را باید تسرباً انجام بدهند مانند نماز جماعت و کفن و دفن و نماز میت.

کرفتن اجرت برای این کارها جایز نیست در غیر واجبات می‌توانند اجرت بگیرند.

س ۷: اجرت گرفتن برای اقامه نماز جماعت جایز است؟

ج: اجرت گرفتن برای نماز جماعت جایز نیست اما برای هزینه رفت و آمد اجرت

کرفتن اشکال ندارد.

س ۸: برخی‌ها در برابر خواندن عقد نکاح، طلاق و مانند آن اجرت

میگیرند آیا این کار از نظر شرعی اشکالی ندارد؟

ج: اشکال ندارد.

س ۹: شخصی زمین خود را رهن می‌دهد و دو باره همان زمین را در

برابر گندم یا پول اجاره می‌کند آیا چنین معامله ای جایز است؟

ج: اگر منظور از رهن، رهن شرعی باشد که منافع صین مرهونه مال مالک صین مرهونه

است اجاره کردن آن معنا ندارد و اگر منظور بیع الشرط است اجاره اشکالی ندارد.

س ۱۰: زمین خود را به مدت چند سال اجاره دادم به شرطی که تا

برگشت ما از مهاجرت مستاجر در خانه ما زندگی و از آن مواظبت کند و نیز جوی آبی برای زمین کشاورزی ام بکشد که خشک نشود اما مستاجر به این شرط عمل نکرد، بعد از گذشت یک سال زمین را به مستاجر دیگری اجاره دادم اما مستاجر پیشین اجاره بهای یک سال را نمی‌دهد وظیفه من چیست؟

**ج: چون اجاره داری به شرط خود عمل نکرده است شامق فسخ دارید و اجاره بهای یک ساله**

**را به شمار پرداخت کند.**

**س ۱۱:** مردی که پسر دوازده ساله خود را به کارگاه خیاطی برای کار می‌برد و ماهانه مبلغ پنجاه هزار تومان برای او دستمزد تعیین می‌کند، این دستمزد مال پسر کارگر است یا مال پدر، اگر پدر آن را مصرف کند، پسر بعد از بلوغ می‌تواند مطالبه کند آیا پدر بدهکار پسر می‌شود؟

**ج: دستمزد مال پسر است. اگر پدر مصرف کرد بدهکار می‌شود مگر اینک پسر بعد از بلوغ**

**بخشد.**

**س ۱۲:** اگر کسی زمینی را اجاره کند پس از مدت هشت الی نه سال صاحب زمین بیاید و مال الاجاره را طلب کند اجاره مذکور به نرخ همان سال اول حساب میشود یا به نرخ امروزی؟

ج: همان اجاره را که قرار داده کرده اگر اجاره زمین به کندم بوده همان مقدار کندم راحتی دارد  
مثلاً سال پنجاه سیر کندم قرار داده کرده هر سال همان پنجاه سیر کندم راحتی دارد و اگر صاحب زمین  
بخواهد در عوض آن پول بگیرد قیمت فعلی را در نظر بگیرد.

**س ۱۳:** اینجانب در سال های اوائل انقلاب در افغانستان زمین را به  
اجاره داده ام و تاکنون قیمت اجاره زمین را اخذ نکرده ام و فعلاً که پول  
ارزش پیدا کرده است من بکدام پول قیمت اجاره را میتوانم حساب کنم؟

ج: در فرض سوال اگر مدت اجاره را تعیین کرده باشید که مثلاً بیست سال یا سی سال این  
زمین به فلان مبلغ پول یا سالی فلان مقدار کندم همان کندم یا همان پولی را که قرار کرده اید به قیمت  
پول همان زمان حق دارید اما اگر مدت اجاره تعیین نکرده اید مثلاً گفته باشید که هر مدتی که اجاره  
می کنید در هر سال به این مقدار کندم این زمین را به شما اجاره میدهم در این صورت اجاره بجز  
سال اول باطل است بعد از سال اول هر مدتی که زمین در نزد آن شخص بماند فقط شما اجرت  
المثل زمین راحتی دارید که یا کندم بگیرید یا پول لکن به ارزش همان سالها.

**س ۱۴:** زمین را در اوائل انقلاب رهن داده بودم اکنون صاحب پول

کدام پول را حق دارد پول قدیم را یا پول جدید را.

**ج:** همان پول قدیم را به ارزش همان زمان حق دارد مثلاً با آن مبلغ پول در آن زمان چند خروارکندم خریداری می‌شد اکنون صاحب پول قیمت همان مقدار جنس را به قیمت فعلی حق دارد.

**س ۱۵:** کسی ختم قرآن را برای میتی اجیر شده ولی اجیر در خواندن آن تغافل کرده حالا گرفتار مرض فراموشی شده نام های میت و صاحبان وجه را فراموش کرده است آیا خودش میتواند بخواند به نیت چه کسی و چگونه؟

**ج:** اگر اسمش فراموش شده به نیت همان کسی که پول داده بخواند نیت کند که همان کسی را که صاحب پول تعیین کرده به نیت همان کس میخوانم و ثوابش مال همان کس باشد صحیح است.

**س ۱۶:** بنده کارگاه قالینی را بمبلغ دو هزار تومان از صاحبش اجاره کرده بودم الآن مکان و مغازه صاحب دستگاه تغییر کرده و من نمیدانم کجا رفته است اکنون مدت یکسال است که با آن دستگاه کارکردم فعلاً تکلیف من چیست؟

ج: بایدرضیات صاحب دستگاه را جلب کنید و صاحب دستگاه حق دارد که اجرت المثل آن مدتی را که بدون اجازه اش استفاده کرده اید از شما بگیرد.

س ۱۷: افرادی از کشور جمهوری اسلامی ایران پول کارگران را جمع آوری کرده حواله می کنند به کشور افغانستان برای بسته گان صاحب پول این معامله ماهیتاً از کدام نوع معامله شرعی محسوب است؟

ج: معامله مورد سوال داخل در باب اجاره است که حواله دارد مقابل ارسال پول مبلغ معینی را به عنوان حق الزحمه اخذ می کند در صورتیکه مدت پرداخت پول معین باشد و اگر زمان پرداخت پول معین نباشد داخل در حواله است.

س ۱۸: شخصی به حواله گر بگوید مبلغی را در افغانستان برای پدرم بدهید و حواله کنید من مدت چند روز دیگر این جا برایت می دهم و حواله دار طبق این قول عمل کند بعداً صاحب پول برای حواله دار این مبلغ را پرداخت نکند آیا حواله دار می تواند پول پرداخت شده خود را در افغانستان پس بگیرد؟

ج: بلی حق دارد پول پرداخت شده را پس بگیرد.

س ۱۹: شخصی از کارگران پول هایش را جمع آوری نموده آنگاه برای کسی که طرف افغانستان حواله داری اجرا می کند می گوید که این مبلغ را



در افغانستان برای بسته گان فلان افراد بده و حواله کن من پولهای گار گران را مدت چند روز دیگر برایت می آورم.

حواله دار طبق این تعهد پولی را از مال خودش برای بسته گان کار گران حواله می کند بعداً این شخص که پول کار گران را جمع کرده بود پول را نمی دهد آیا حواله دار می تواند پول حواله شده خود را در افغانستان پس بگیرد یا خیر؟

**ج: بلی حق پس گرفتن پولهای خود را دارد که در افغانستان فرستاده و هم می تواند پول خود را از این شخص واسطه که سفارش کرده که فلان مبلغ پول حواله کن من آن مبلغ را از کار گران گرفته برایت می دهم.**

**س ۲۰:** طبق سوال (۱۹) حواله دار بعد از اینکه بابی تعهدی شخص مواجه می شود به کار گران خبر می دهد که واسطه شما پول را به من نرسانده اگر پول را به او نداده اید ندهید و الا من پول حواله شده ام را پس می گیرم کار گران با علم به اینکه چنین جریان در کار است پول خود را به آن شخص واسطه داده است. آیا حواله دار می تواند از این جمله کار گران پولی خود را دریافت کند یا خیر؟

**ج: در فرض سوال پول خود را نمی تواند از کار گران بگیرد ولی می تواند پولهای که برای بسته**

## کمان کارگران فرستاده پس بگیرد و یا از واسطه دریافت کند.

**س ۳۱:** زمین خود را اجاره دادم به مدت پنج سال، و مستأجر هم این پنج سال را قبول و اعتراف دارد، و هر ساله سه میلیون افغانی به سر رسید سال پول ایشان را می‌دهم. و خودم هم به طرف ایران مهاجر شدم تا به حال ایشان پول مرا نداده است. و معامله در آن زمان با پول سابق افغانستان بود و آن پول با پول رایج فعلی تفاوت زیادی دارد حکم آن چیست؟

**ج:** سه میلیون افغانی هر سال با بخش مانند آرد و کندم و غیره محاسبه می‌شود که چه مقدار آرد یا

کندم می‌شود حالا آن مقدار پول بدهد که آن مقدار آرد و کندم شود.

**س ۳۲:** در سؤال فوق اجاره دار اول زمین را بدون اجازه صاحب زمین به کسی دیگر - به مبلغ کمتری - اجاره داده، آیا بنده اجاره حاصلات زمین خود را از اجاره دار اول بگیرم یا از دومی؟ به کدام پول سابق یا پول رایج امروزی؟

**ج:** اگر صاحب زمین به طور مطلق اجاره داده باشد مستأجر حق اجاره دادن به مقدار مال

الاجارة اول یا کمتر دارد.

اگر صاحب زمین مقید به نفر اول کرده او حق اجاره دادن بدون اجازه صاحب زمین

ندارد، مال الاجاره به عهده نفر اول است به ارزش همان زمان حساب می شود.

**س ۲۳:** هرگاه خانه‌ی را به مبلغ ماهیانه یکصد هزار تومان اجاره دهند و شخصی ضامن اجاره بها شود ولی بر اثر بطلان عقد به جای اجاره بها اجرت المثل لازم گردد و اجرت المثل یکصد و پنجاه هزار تومان باشد، آیا ضامن مسؤول پرداخت اجرت المثل است یا ضمانت او مختص به اجرت المسمی است. آیا نسبت به مابه التفاوت آنها ضمانتی دارد؟

**ج:** در فرض سوال ضمانت قبل از آنکه اجاره بهای عهده متاخر مستقر شود باطل است بلی

بعد از استقرار اجاره به ضمانت صحیح است و در این فرض اجرت المسمی راضی است و

فرض فساد اجاره اجرت المثل راضی نیست.

**س ۲۴:** شخصی ضامن مرد اجیر شده است، در صورت فساد عقد اجاره بفرمایید؛

اولاً: آیا در چنین مواردی ضمانت صحیح است یا خیر؟

ثانیاً: بنا بر فرض صحت ضمانت، این شخص مزبور، ضامن اجرت المسمی است یا اجرت المثل، یا تنها تا مقدار اجرت المسمی ضامن است و بیشتر از آن ضامن نیست؟

**ج:** جواب این سوال مثل جواب سوال قبلی است.

**س ۲۵:** آیا ضمانت نسبت به باز گرداندن عین مستأجره به موجر بعد از تمام شدن مدت اجاره صحیح است یا نه؟ و در صورت صحت آیا ضمان اصطلاحی است یا نه؟

**ج:** در فرض سوال ضمانت از عین مستأجره دست نیست فقط کفالت دست است که

بگوید اگر مستأجر فرار کند یا عین مستأجره را تلف کند من مستأجر رami آورم و به شما تسلیم می کنم.

**س ۲۶:** در موارد تعدی و تفریط چنانچه عین مستأجره به واسطه حادثه ای قهری مثل سیل و زلزله در دست مستأجر تلف شود ولی تلف مربوط به افراط و تفریط او نباشد آیا مستأجر ضامن است؟

**ج:** در صورتی که تلف عین مستأجره مربوط به افراط و تفریط مستأجر نباشد مستأجر ضامن

نیست.

**س ۲۷:** هرگاه مستأجر افراط و تفریط نمود و سپس از کار خود پشیمان شده و افراط و تفریط را ترک نمود و پس از آن عین مستأجره تلف شد آیا مستأجر ضامن است؟ - مثلاً - ماشینی که اجار نموده بود را بدون قفل کردن ترک نمود و سپس پشیمان شد و بعد از ساعتی باز گشته و آن را قفل نمود و رفت و بعد از بازگشت دید ماشین سرقت شده آیا مستأجر به خاطر افراط و تفریط سابق ضامن است و ید او از امانی بودن خارج شده است یا نه؟

ج: ملاک افراط و تفریط در زمان تلف است که تلف عین مستند به افراط و یا تفریط مستأجر

باشد در مورد سؤال تلف مستند به افراط و تفریط مستأجر نیست لذا ضامن نمی باشد.

س ۲۸: هرگاه عین مستأجره به واسطه قهری مثل سیل خراب شود، آیا تعمیر آن بر موجر لازم است و مستأجر می تواند موجر را اجباراً وادار به تعمیر کند؟

ج: در فرض سؤال تعمیر عین مستأجره بر موجر واجب نیست.

س ۲۹: در رابطه با اجاره به نحو کلی بفرمایید؛

الف) در موارد تلف شدن فردی از افراد کلی که موجر به مستأجر تحویل داده، فقهاء رضوان الله تعالی علیهم فرموده اند: مستأجر خیار فسخ ندارد و تنها می تواند فرد دیگری از افراد و قسمتی از آن تلف شده انتفاع ببرد و اجرت المثل آن کمتر از اجرت المسمی باشد، مثلاً ماشین پیکانی به نحو کلی اجاره نموده و فردی که تحویل گرفته است صندلی های عقب آن خراب است و مستأجر بر اثر جهل به خرابی، از آن استفاده نموده است و اجرت المثل چنین ماشینی در هفته ده هزار تومان و اجرت المسمای آن، بیست هزار تومان باشد، آیا مستأجر می تواند عقد را فسخ کند و اجرت المثل را بپردازد یا با استفاده از خیار «تبعض صفقه» تقلیل نسبی اجاره بها را مطالبه کند؟

ج: در این فرض باید مطالبه بدل بکند و اگر بدل نداشته باشد می تواند معامله را فسخ کند و اجرت المثل مقدار استفاده شده را به موجب بردهد.

ب) چنانچه فردی که موجر تحویل داده معیوب باشد و مستأجر از فرد معیوب انتفاع برده باشد و اجاره بها برای فرد معیوب کمتر باشد، آیا مستأجر حق فسخ یا تقلیل نسبی اجاره بها را دارد؟

ج: حکم سوال قبلی را دارد.

ج) در اجاره اشخاص هر گاه اجیر بر عمل به نحو کلی اجیر شده باشد و عمل را معیوب انجام دهد و فرصت و امکان تصحیح و تبدیل آن نباشد، چنانچه مستأجر از این فرد معیوب منتفع شود و اجرت المثل آن از اجرت المسمی کمتر باشد، آیا مستأجر حق فسخ عقد و پرداخت اجرت المثل را دارد، یا حکم دیگری دارد؟

ج: مستأجر اجرت المثل را برای اجیر برودارد.

س.س: با توجه به اینکه اجاره‌ی مال مشاع جایز است، لیکن تسلیم آن به مستأجر متوقف بر اذن شریک است، بفرمایید؛ چنانچه یکی از دو شریک سهم خود را به نفر سومی اجاره دهد، چنانچه شریک او نسبت به تسلیم آن به مستأجر اذن ندهد، وظیفه چیست؟

ج: وظیفه اجاره شریک است به تسلیم و اگر اجاره امکان نداشته باشد مستأجر خیار فسخ دارد.

س ۳۱: در موارد عدم قدرت بر تسلیم عین مستأجره آیا اجاره آن باضمیمه قابل تصحیح است، نظیر بیع عبد آبق یا حیوان فراری باضمیمه؟

ج: در باب اجاره ضمیمه موجب جواز نمی شود بلکه ضمیمه موجب جواز بیع غیر متدور می شود

مورد نص که بیع آبق باشد.

س ۳۲: با توجه به اینکه به مجرد عقد اجاره هر یک از دو طرف مالک منافع و مالک اجاره بها می شوند، و با توجه به این که به مجرد موت تمام دیون حال می شوند، بفرمایید؛ مستأجری که خانه‌ای را به مدت یک سال اجاره نموده و پس از دو ماه وفات می کند، آیا اجاره بهای ماه‌هایی که هنوز انتفاع نبرده است حال می گردد یا نه؟

ج: بعد از فوت مستأجر منافع انتقال پیدا می کند به ورثه لذا اجاره بهای ماه‌هایی که انتفاع نبرده

حال نمی گردد.

س ۳۳: صاحب خانه‌ی خانه‌اش را به زید اجاره داده و پس از بستن قرار داد دوباره آن را به دیگری اجاره داده است، مستدعی حکم موارد ذیل را بیان فرمایید:

الف) در اجاره اول، مباشرت مستأجر در استیفای منافع قید شده باشد،

آیا در این فرض اجاره دوم باطل است یا فضولی محسوب می‌شود و با اجازه مستأجر اول برای او واقع می‌گردد؟

ب) در اجاره اول، مباشرت مستأجر شرط شده باشد آیا اجاره دوم باطل است یا فضولی، در صورت فضولی بودن آیا با اجازه مستأجر، اجاره دوم از طرف مالک خانه واقع می‌شود یا از طرف مستأجر اول؟

**ج: در فرض سؤال اگر قید مباشرت کرده باشد اجاره دوم باطل است و اگر قید**

**مباشرت نکرده باشد معامله دوم فضولی است و بین قید و شرط در این مورد فرقی نیست.**

**س ۳۴:** در اجاره اشخاص، هرگاه مستأجر، زید را بر انجام عملی اجیر نماید، مثلاً او را بر انجام تعمیرات ساختمان یا ماشین اجیر کند پس از آن دیگری را بر انجام همان عمل اجیر کند حکم اجاره دوم در موارد زیر چگونه است:

الف) در اجاره اول انجام عمل با مباشرت اجیر قید شده باشد، آیا اجاره دوم باطل است یا صحیح است یا فضولی؟

ب) در اجاره اول مباشرت اجیر شرط شده باشد یا اصلاً ذکر نشده باشد، آیا اجاره دوم باطل است یا فضولی؟

**ج: اجاره دوم باطل است.**



## احکام شفعه

**س ۱:** آیا کسی که حق شفعه دارد می‌تواند از این حق استفاده و معامله شریک خود را به هم بزند و به مشتری دیگر بفروشد؟

**ج:** حق شفعه در موردی است که زمین بین دو نفر مشترک باشد. اگر شریک از حق شفعه خود استفاده کند مشتری فقط می‌تواند پول خود را از شفیع بگیرد.

**س ۲:** زمینی در میان چند برادر به طور نا مساوی تقسیم شده اگر چه برادران به این تقسیم راضی بوده‌اند آیا فرزندان آن‌ها می‌توانند زمین را از نو به طور مساوی تقسیم کنند؟

**ج:** اگر همه‌شان راضی به تقسیم مجدد باشند مانعی ندارد.

## احکام هبه

**س ۱:** پدری زمین خود را به یکی از پسرانش هبه می‌کند، مشروط به این که تا دو سال بعد از فوتش به نیابت از او حج کند اما پسرش بعد از پنج سال حج انجام می‌دهد. آیا بعد از پایان سال دوم حق تصرف در زمین موهوبه را داشته است؟

**ج:** به تأخیر انداختن حج بعد از پایان سال دوم بدون عذر شرعی جایز نبوده است اگر دیگر وراثت و اهب، هبه را فسخ نکرده باشند تصرف در زمین اشکال ندارد.

**س ۲:** اگر کسی، مالی را به ذی رحم خود هبه کند و پیش از تلف شدن عین موهوبه و اهب یا موهوب له فوت کند آیا ورثه و اهب حق فسخ دارند؟

**ج:** با فوت و اهب یا موهوب له، هبه لازم می‌شود. ورثه و اهب حق فسخ ندارند.

**س ۳:** مردی یک قطعه زمین را به یکی از پسرانش که در خارج است هبه می‌کند اما پیش از آن که موهوب له با خبر شود، پدر از دنیا می‌رود آیا این هبه صحیح است؟

ج: در صحت هبه قبول و قبض شرط است و بدون آن هبه باطل است.

س ۱۴: اگر موهوب له دسترسی به عین موهوبه نداشته باشد آیا می تواند برای قبض و کیل بگیرد؟

ج: بله!

س ۱۵: آیا موهوب له می تواند بعد از فوت واهب قبول و قبض کند؟

ج: قبول و قبض بعد از فوت واهب کفایت نمی کند عین موهوبه به عنوان میراث به ورثه

انتقال پیدا می کند.

س ۱۶: کسی که پنج فرزند دارد یک قطعه زمین خریده است و در حضور چهار نفر به طور شفاهی گفته است که زمین خریده شده مال دو فرزند کوچکش است. این قضیه مسکوت می ماند تا بیست سال بعد که خریدار از دنیا می رود حکم این مسئله چیست؟

ج: اگر در زمانی که گفته زمین مال دو پسر کوچکم، پسران یاد شده صخر بوده اند زمین مال آن دو است و اگر کبیر بوده اند در صورتی مال آن هبه حساب می آید که پدر زمین را به آن هبه و آن هبه قبول و قبض کرده باشند.

س ۱۷: خانمی که سرمایه اش را در اختیار شوهرش قرار می دهد آیا

می تواند در زمان حیات شوهر از او مطالبه کند یا بعد از فوت شوهر از ما ترک او بردارد؟

**ج:** چنانچه هبه نکرده باشد می تواند در حیات شوهر پس بگیرد و بعد از فوتش از ترک او بردارد.

**س ۸:** بعد از مرگ متوفی کاغذ نوشته ای پیدا شده مبنی بر اینکه زمینش را به برادرانش هبه کرده است اما شاهدهی بر این هبه وجود ندارد و برادران هم از این هبه اطلاعی ندارند آیا این هبه صحیح است؟

**ج:** در فرض سوال هبه باطل و زمین به ورثه متوفی منتقل می شود.

**س ۹:** اگر پدری بخواهد زمینش را برای پسر صغیرش هبه کند می تواند از طرف پسرش وکیل شود و قبض کند؟

**ج:** بله!

**س ۱۰:** خانمی بعد از فوت پدرش، از خواهر بزرگش که سفیه بوده است، هبه نامه می گیرد. بعد از مدتی خواهر بزرگ پشیمان می شود، اما خواهر کوچک هبه نامه را نشانش می دهد آیا این هبه صحیح است؟

**ج:** اگر خواهر بزرگ سفیه باشد و همسایه ها نیز تأیید کنند، هبه نامه ارزشی ندارد. خواهر بزرگ

(سفیه) می تواند زمین خود را پس بگیرد.

**س ۱۱:** زنی، زمین خود را به برادرش هبه کرده با این شرط که برادر با

او زندگی کند. موهوب له پس از فروختن زمین به شرط خود عمل نمی‌کند و از خواهرش جدا شده و به ایران می‌رود آیا خواهر می‌تواند هبه را فسخ کند؟ آیا فروش زمین موهوبه توسط موهوب له صحیح بوده است؟

**ج:** اگر خواهر زمین خود را به کرده و برادر به شرط عمل نکرده باشد، خواهر حق فسخ دارد. اگر

فروش زمین پیش از فسخ به باشد، معامله زمین صحیح است. اما برادر باید رضایت خواهر را جلب

کند با پرداخت پول یا زمین دیگر.

**س ۱۲:** زنی در حدود هفتاد سال پیش زمین موروثی خود را به عموی خود هبه می‌کند. اکنون که هبه نامه گم شده و شاهدها یکی پس از دیگری فوت کرده‌اند، فرزندان و اهله مرحومه ادعا می‌کنند که مادرم زمین خود را هبه نکرده است. اگر هبه کرده است موهوب له، هبه نامه و شاهد بیاورد؛ حکم این مسئله چیست؟

**ج:** اگر خود او هم در زمان حیات خود ادعایی نداشته است، پسران او حق مطالبه زمین

ندارند.

**س ۱۳:** در حدود هفتاد سال پیش زمینی برای آسیابان هبه می‌شود تا آسیاب بسازد در جلوی آسیاب در حدود صد متر مربع بار انداز بوده که علف‌های آن را آسیابان جمع آوری می‌کرده است، همان زمین را اکنون

نهال غرس کرده است اما واهب مانع شده است. آیا صاحب آسیاب به عنوان حریم می‌تواند اقامه دعوا کند، اگر می‌تواند حد حریم چه قدر است؟

**ج:** صاحب آسیاب در حریم آن حق تصرف دارد و واهب نمی‌تواند مانع شود. حد حریم آسیاب به اندازه‌ای است که اگر آن مقدار زمین به عنوان حریم نباشد صاحب آسیاب در مصیقه قرار می‌گیرد.

**س ۱۴:** در زمان حیات پدرم، زمین‌های کشاورزی ما تقسیم شد. چند سال کشاورزی کردم و بعد از آن به ایران آمدم. بعد از آمدن ما به ایران پدرم فوت کرده است. اکنون پسران برادرم ادعا می‌کنند که پدرت بعد از رفتن شما به ایران زمین‌هایت را به ما هبه کرده است و شما دیگر حقی ندارید، آیا می‌توانم زمین‌هایم را پس بگیرم؟

**ج:** بر فرض اینکه پدرت زمین‌های شما را به پسران برادرت هبه کرده باشد، هبه نافذ نیست. می‌توانید زمین‌های خود را مطالبه کنید.

**س ۱۵:** دو خواهر یک برادر، زمین‌های مادرشان را به عنوان میراث گرفتند. هر دو خواهر سهمیه شان را به برادرشان بخشیدند. این هبه و بخشش اگر چه سند و مدرک کتبی ندارد اما شهودی دارد. اکنون که برادر و هر دو خواهر از دنیا رفته‌اند، ورثه خواهر از ورثه برادر خواهان سهمیه

مادرشان شده اند. اکنون سؤال این است:

- ۱- ۱۵: با توجه به اینکه خواهران به ذی رحم (برادر) خود هبه کرده‌اند آیا هبه لازم است؟ و ورثه خواهر حق مطالبه سهمیه مادرشان را ندارند؟
- ۲- ۱۵: چون مدرک کتبی بر هبه وجود ندارد و وارث در زمان حیات موهوب له ادعایی نداشته است آیا این ادعا بر میت به شمار نمی‌آید آیا مورد قبول واقع می‌شود؟

**ج:** اگر خواهران در زمان حیات خود نسبت به زمین موروثی تحت تصرف برادرشان ادعا و اعتراض نداشته اند حتی اگر شرعاً به ثابت نشود باز ورثه خواهران نمی‌توانند مطالبه کنند چه رسد به زمانی که ورثه برادرشاید و گواهی بر بهر داشته باشند زیرا بهر به ذی رحم قابل فسخ نیست و حتی اگر قابل فسخ باشد باید خود خواهران فسخ می‌کردند و وقتی خواهران نسبت به تصرف برادرشان حرفی نزنده اند و اعراض کرده اند ورثه خواهران به طریق اولی نمی‌توانند ادعایی داشته باشند.

**س ۱۷:** پدری که چند فرزند دارد اموال منقول و غیر منقول خود را به فرزندان هبه می‌کند با این شرط که تا زنده است در محصولات زمین شریک باشد فرزندان قبول و قبض می‌کنند غیر از یکی که اعتراض می‌کند. قطعه زمینی را به فرزند معترض به طور موقت می‌دهند آیا این گونه هبه کردن صحیح است و آیا زمینی را که علاوه بر حق فرزند معترض به او

داده‌اند، می‌توانند از او پس بگیرند و بین خودشان تقسیم کنند؟

**ج:** اگر در هنگام هبه فرزندان و اهب بگیر بوده اند و به شرط پدر هم عمل کرده اند هبه صحیح است، زمینی را که موقتاً برادر معترض‌شان داده اند می‌توانند پس بگیرند اگر فرزندان صغیر بوده باشند، باز هبه صحیح است و قبض پدر کافی است.

**س ۱۷:** من آسیاب آبی داشتم، شخصی دو قطعه چمن را برایم هبه نمود و در عوض تمام مایحتاج خوراکی اش را بدون مزد آرد نمایم اما بعد از گذشت ۲۵ الی ۳۰ سال در اثر خشک آبی و به وجود آمدن آسیاب های ماشینی دیگر آسیاب های آبی از کار افتاده تقریباً از بین رفته در این صورت معامله ما چگونه می‌شود؟

**ج:** اگر مدت را معین کرده باشید اصل معامله صحیح است ولی بعد از خشک شدن آب موهوب له غلات و اهب را در جای دیگر آرد کنند و الا و اهب خیار فسخ دارد و اگر مدت آرد کردن را معین نکرده باشد آن معامله از اصل باطل است.

**س ۱۸:** پدرم می‌گوید بابایم یک برادر ضعیف داشت یک مقدار زمین را به برادرش داد به طور امانت که چاره‌اشما شود بعداً که پسران برادر بزرگ شد و از نظر مالی روزگارش خوب شدند پدر بزرگ ما ادعای زمین خود کرد که حالا زمین مرا بر گردان ولی آنها زمین را ندادند حکم مسئله



چیست؟

**ج: در فرض سؤال اگر پدر بزرگ شاد در زمان حیات خود زمین را مطالبه کرده و ایشان نداده باشد اکنون پدر شامی تواند زمین پدرش را مطالبه کند.**

**س ۱۹:** هدایایی که در زمان نامزدی به دختر و پسر داده می شود، آیا از نوع هبه مشروطه است (به صورت شرط ضمنی) به طوری که اگر نامزدی بهم بخورد و ازدواج انجام نشود، به علت محقق نشدن شرط ضمنی، واهب بتواند عین موهوبه یا مثل و یا قیمت آن را پس بگیرد؟

**ج: در فرض سؤال اول اگر قصد هبه داشته است بنا بر احتیاط نمی تواند آن هدایا را از زوجه**

**پس بگیرد.**

**س ۲۰:** در هبه به ذی رحیم، اگر واهب چیزی را شرط کند و متهب آن شرط را عمل نکند، آیا واهب می تواند رجوع کرده و عین موهوبه، یا مثل و یا قیمت آن را استرداد نماید؟

**ج: بلی اگر به شرط عمل نکند واهب می تواند هبه را به هم بزند.**

**س ۲۱:** در هبه مشروطه، هرگاه قبل از تحقق شرط، یکی از طرفین از دنیا برود آیا هبه لازم گردیده و استرداد عین موهوبه، یا مثل و یا قیمت آن جایز نیست؟

ج: اگر واهب قبل از آنکه موهوب له به شرط عمل کند فوت نماید وارث واهب حق فسخ دارد اگر واهب حق خیار خود را ساقط نکرده باشد.

## احکام قرض

**س ۱:** در سال ۱۳۶۸ مادرم مبلغ پنجاه هزار افغانی به کسی سری فایده داده بود گیرنده نه اصل پول را داده و نه فایده آن را، حالا برادرم برای آن مرد گفته است که فایده‌ای آن حرام است نمی‌گیرم و اصل پول که مادرم به شما داده است بدهید ایشان گفته است که مبلغ پنجاه افغانی برای شما می‌دهم [با تفاوت های زیاد که بین پانصد و پنجاه هزار است] از مقام حضرتعالی خواهشمندیم حکم شرعی آن را بیان فرمائید.

**ج:** در فرض سؤال پنجاه هزار افغانی در سال ۱۳۶۸ هر مقدار کندم و آرد و روغن و غیره

می‌شده حالا از پول جدید آن مقدار پول بدهد که آن مقدار کندم و آرد و روغن شود.

**س ۲:** در سال ۱۳۷۶ یا ۱۳۷۷ معامله‌ی صورت گرفته فروشنده چندین بار پول خود را مطالبه نموده مشتری چه در زمان پول سابق افغانستان و چه بعداً، از دادن آن امتناع ورزیده و در سند که در حین معامله تنظیم شده - پول رایج - قید شده، خواهشمندم که با توجه به تحولات ارزی افغانستان و قید که در سند مذکور درج شده و معطل ماندن پول در پیش مشتری (که

اگر به دست بایع می‌رسید از او استفاده‌ها می‌برد) حکم شرعی آن چیست؟

ج: در فرض سؤال منظور خریدار پول رایج همان سال ۱۳۷۷ یا ۱۳۷۶ بوده است لذا ارزش همان زمان پول در نظر گرفته می‌شود به این نحو که در آن سال با آن مبلغ پول چند خروار کندم یا چند سیر روغن خریده می‌شد اکنون قیمت همان مقدار جنس را به قیمت فعلی فروشنده حق دارد از خریدار بگیرد.

## احکام رهن

**س ۱:** آیا رهن منزل بدون کرایه ماهانه اشکال دارد؟

**ج:** اگر صاحب منزل تمام تصرفات را برای مرتهن مباح کند اشکال ندارد.

**س ۲:** کسی که زمین خود را گرو می دهد پیش از انقضای مدت گرو می تواند زمین را بفروشد.

**ج:** اگر پول مرتهن را پرداخت کند می تواند بفروشد اما پیش از پرداخت پول مرتهن و فسخ

رهن، بدون اجازه حق فروش ندارد.

**س ۳:** اگر شخصی منزلی را به چهار میلیون تومان رهن کند از صاحب خانه و به شخص دیگر منزل را کرایه بدهد ماهانه - مثلاً - هشتاد هزار تومان آیا شرعاً جایز است؟

**ج:** با اجازه صاحب خانه اجاره دادن صحیح است.

**س ۴:** شخصی به صورت مشترک منزل را به ۵ میلیون رهن می کند دو میلیون از این مبلغ مالی شریکش است که یک اتاق سهم ایشان است

درقبال این یک اتاق ماه ۳۰۰۰ تومان به شریکش کرایه پرداخت می‌کند آیا این کرایه برای شریک این شخص حلال است از نظر شرعی، اشکال ندارد؟

**ج: با اجازه صاحب خانه اجاره صحیح است.**

**س ۳:** بعد از غیر نافذ تلقی شدن معامله رهن قبل از فک آن پنج میلیون ریال بین طرفین از بابت پرداخت قسمتی از ثمن معامله، مورد اختلاف قرار گرفت و با وجود اصرار در تحویل مبلغ به صاحب حق، نامبرده از قبول مبلغ مذکور امتناع نمود و بعد از جریان تنازع موضوعی و منازعه شرعی، قرار بر این شد که مصالحه شرعی فی مابین انجام گیرد، تقاضا داریم در این مسأله شرعی با در نظر گرفتن نصوص شرعی اعلام فرمایید آیا می‌توان با الحاق و جهی زاید از مبلغ پنج میلیون ریال نسبت به حل مسأله اقدام کرد یا پرداخت اضافی بر مبلغ مذکور حرمت شرعی دارد خواهشمند است نظر شرعی خود را اعلام فرمایید.

**ج:** اگر صاحب پول بیش از مبلغ مذکور حق مطالبه از بدهکار نداشته باشد در این صورت نمی‌تواند از مبلغ مذکور بیشتر از بدهکار بگیرد اگر چه به عنوان مصاحبه باشد و اگر طلبکاری صاحب پول معلوم نباشد که به مقدار پنج میلیون ریال طلب دارد و یا بیشتر در این صورت مصاحبه به مبلغ مذکور و یا بیشتر اشکال ندارد.

**س ۴:** اگر زمین مدت ده سال گرو (رهن) باشد در صورت دست رس

نبودن صاحب زمین ۱۰ سال دیگر اضافه بر مدت تعیین شده باقی بماند که در مجموع ۲۰ سال شود، آیا بعد از بیست سال همان گرو را صاحب زمین بر گرداند حاصلات ۱۰ سال اضافه از مدت را می‌تواند مورد حساب قرار دهد در حالیکه پول وی را نرسانده باشد یا نه؟

**ج:** اگر در مدت ۲۰ سال پول صاحب پول را نرسانده باشد حاصلات تمام ۲۰ سال مال

**صاحب پول است.**

**س ۷:** زمین که گرو داده و صاحب زمین گیرو گیرنده را دستور بدهند که در زمین نهال بنشانند گیرو گرنده قبول نماید پس از فسخ نمودن گیرو نهال شانده درخت شده این درختها مال صاحب زمین است یا مال گیرو گیرنده؟

**ج:** اگر نهال را از درخت صاحب زمین گرفته باشد و یا نهال را گیرو گیرنده برای صاحب

زمین شانده باشد در این دو فرض نهال مال صاحب زمین است و الا مال خود غرس کننده

است ولی صاحب زمین حق دارد اجرت المثل زمین خود را از گیرو دار بگیرد.

**س ۸:** اگر کُورد نهال از صاحب زمین باشد پس از گرو دادن این نهالها را گیرو گیرنده به زمین مالک زمین بنشانند پس از مدت گیرو نهال یا درخت که به ثمر رسیده مال کدام یکی است مال صاحب زمین یا گیرو گیرنده؟

### ج: جواب این سؤال مثل جواب سؤال (۷) است.

**س ۹:** اگر نهال هم از گرو گیرنده باشد و شانددنش را هم بر سری زمینکه گیرو کرده نماید اگر به دستور صاحب زمین باشد نهال مال کیست؟

ج: اگر نهال از درخت گروکننده زمین باشد نهال با هم مال گروکننده زمین است چه با

دستور صاحب زمین باشد یا بدون دستور ولی صاحب زمین حق اجرت المثل دارد.

**س ۱۰:** وارثینی که از یک پدر باشند و از پدر یکمقدار زمین مرده را بنام ارث پدر کلان احیا نمایند و یکتعداد شان هیچ نوع کمک به آنها که زمین را احیا نموده اند نکرده باشند پس از احیاء زمین ادعا نمایند آیا حق می‌برند به زمین احیا شده یا نه؟

ج: اگر زمین موات بوده و حریم قریه یا حریم ملک کسی نباشد زمین احیاء شده مال کسی یا

کسانی است که زمین را احیاء کرده است و کسیکه احیاء نکرده است هیچ حقی در آن زمین ندارد.



## احکام ضمان

**س ۱:** کسی مبلغی پول به یکی از دوستان خود به طوری امانت می‌دهد و شرط می‌کند که پول را در جای معین (مثلاً بین کاه) که از امنیت بیشتر برخوردار است نگه دارد اما دوستش پول را در جای دیگر می‌گذارد و در نتیجه آن را دزد می‌برد آیا دوستش ضامن پول دزدیده شده است؟

**ج:** بله! چون به شرط عمل نکرده است.

**س ۲:** کسی که مبلغ پول افغانی بدهکار بوده و از طلبکار می‌خواهد که طلب خود را در موعد مقرر دریافت کند اما طلبکار دریافت نمی‌کند اکنون ارزش پول افغانی پائین آمده است آیا بدهکار ضامن کاهش قیمت پول هم است؟

**ج:** در فرض سؤال ضامن نیست.

**س ۳:** بعد از سقوط حکومت نجیب پیش از آن که مردم اداره (ماموریت) را آتش بزنند من اموالی را با خود بردم و بقیه را آتش زدم آیا ضامن اموال یاد شده هستم؟

ج: اگر اموالی دولت کمونیست بوده باشد غرامتی بر شما نیست. اگر مال ملت بوده باشد و صاحب آن رانمی‌شناسی همان اموال را یا قیمت آن را از سوی صاحبان آن، رد مظالم بده.

س ۴: در بعضی مناطق، مردم حیوانات شان را برای چریدن به مدت چندین شبانه روز در کوه‌ها و صحراها رها می‌کنند. اگر این حیوانات شب هنگام زراعت کسی را بچرند یا خراب بکنند آیا صاحب حیوان ضامن است؟

ج: صاحب حیوان ضامن است. باید زیان وارده را جبران کند.

س ۵: درخت همسایه از صد سال پیش بر زمین ما سایه کرده و بکلی از حاصل انداخته است، تکلیف زمین ما چه می‌شود؟

ج: اگر فضای زمین شما را اشغال کرده است، می‌توانید صاحب درخت را مجبور به قطع آن بکنید و اما اگر فضای زمین شما را اشغال نکرده باشد حق ندارید او را مجبور به قطع درخت کنید.

س ۶: مردی با دختری ازدواج می‌کند و به مدت چهار ماه باهم زندگی می‌کنند بعد از آن شوهر به عسکری (سربازی) می‌رود. بعد از رفتن به سربازی پدر زنش دختر خود را به خانه خود می‌برد و در خانه پدرش از دنیا می‌رود اکنون پدر ادعا می‌کند که هزینه کفن، دفن، چهلم، خیرات و... را که خرج کرده است باید داماد بدهد. آیا مصارفی را که بدون اجازه

دامادش، خرج کرده است میتواند از داماد بگیرد؟

### ج: مصارف واجبی کفن راحق دارد اما مصارف مستحبی و دفن را نمیتواند از داماد بگیرد.

**س ۷:** مردی، دختری را برای خود نامزد می کند بدون اینکه عقد خوانده شود، بعد از مدتی داماد به طرف ایران با خانواده اش می آید اما دختر حاضر نمی شود به ایران بیاید. بعد از چندین سال پدر داماد از ایران می رود و عروس خود را با خانواده عروس به ایران می آورد و از هر نفر خانواده عروس مبلغ هزار تومان بابت هزینه سفر آنها می خواهد. و بعد از گذشت دوازده سال همان پدر داماد هزینه رفت و برگشت خودش را نیز از خانواده عروس می خواهد آیا او چنین حقی دارد؟

### ج: اگر پدر عروس مصارف را به عهده نگرفته باشد چنین حقی ندارد.

**س ۸:** إِنَّ شَخْصَيْنِ بَاسْمِ زَيْدٍ وَعَمْرُو عَاشَا عَشْرِينَ عَامًا مَبَاشَرًا فِى الدَّارِ الْوَاحِدَةِ ثُمَّ يَرِيدَانِ الْإِنْفِصَالَ، يَخْتَلِفَانِ فِى مَوْرَدَيْنِ بَعْدَ اتِّفَاقِهِمَا فِى سَائِرِ الْأُمُورِ الْمَعِيشَةِ:

الاول: اتخذ زيد باسم انه الاكبر فى الاسرة زوجا لابنه «رضا» خلال حياتهما المشتركة قبل اربع سنوات فى افغانستان و الآن عند الانفصال، اخوه عمرو يريد منه نصف مصارف الزواج التى صرفت فى احتفال العروس «للرضا» فى افغانستان.

هنا سؤال ۹: على فرض نصف المصارف على عمرو و ارجاعه اليه هل يتعلق ذلك المصارف؟ او مصارف الفعلية فى ایران؟

ج: اذا كان مال زيد و عمرو مشتركاً بينهما لا يجوز تصرف احدهما في المال المشترك الا برضا الآخر فاذا تصرف زيد من المال المشترك في زواج ابته مع عدم رضا العمرو فهو ضامن نصف المصارف التي صرفت في افغانستان.

س ۱۰: الثاني: اشترا زيد مزرعة في كابل لبناء مسكن هذا ايضاً كان خلال حياتهما المشتركة على ما قال عمرو واختلفا في تقسيمها. قال زيد انا عشت اربع سنوات منفصلاً عن عمرو في كابل و اشترت لنفسى الآن تبرعاً قيمتها الفعلية و قال عمرو لا، بل كانت حياتنا المشتركة حتى الآن و اريد تقسيم نفسها لاقيمتها. جدير بالذكر ان زيداً وعمرواً كانا اخوة. و كل مصار فهما المشتركة تحققت دون اى تبرع.

ج: و اما شراء زيد مزرعة في كابل اذا كان شرائه لنفسه و اعطى ثمنها من غير المال المشترك فليس لعمر و مطالبة نصف القيمة او المزرعة و اذا بقى النزاع بينهما لابد من الرجوع الى القاضى العدل لفصل الخصومة و الله العالم.

س ۱۱: شخصی چند لتر نفت برای کسی دیگر قرض داده و وقتی که قرضى را دریافت نمود این نفت عوض قرضى باعث آتش سوزى در خانه شخصى قرض دهنده شده و بعداً معلوم شده که آن نفت نبوده بنزین بوده نه تیل خاک (نفت سفید) خانم و دختری قرض دهنده در این سانحه دچار سوختگی زیاد شده‌اند و مبلغ دو صدو شصت هزار افغانی خساره مند شده آیا می‌تواند این مبلغ را از کسی که عوض نفت بنزین آورده مطالبه نماید؟

ج: در فرض سوال اگر قرض دهنده یعنی صاحب بنزین این شخص را خبر نکرده است

باید خسارت این شخص را بپردازد.

س ۱۲: شخصی مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان پول ایرانی را به شخصی می‌دهد به مبلغ دو میلیون و یکصد افغانی که مدت دو سال با آن مبلغ کار کند آن شخص به تعهد خود عمل نمی‌کند بعد از گذشت هفت

سال همان مبلغ را پرداخت میکند آیا صاحب پول حق گرفتن خساره پول خود را دارد یا نه چون آن مبلغ با تومان این زمان صرف ۷۰ است اما آن زمان صرف ۱۰ بوده است صرف آن زمان با این زمان فرق فاحشی دارد.

**ج: همان پول افغانی در موعده مقرر که می‌خواست پرداخت کند یعنی قبل از هفت سال هر مقدار تومان یا دلار می‌شده همان ارزش مصاحبه نماید و آن پول افغانی فعلی کافی نیست. و بیا جنس مانند گندم و آرد محاسبه کند که آن مقدار پول افغانی قبل از هفت سال چه مقدار گندم و آرد می‌شد حالا آن مقدار پول بدهد که آن مقدار جنس شود.**

**س ۱۳:** اگر کسی به تاجری بگوید این مقدار جنس برای فلان کس بده قیمت آن جنس را من ضمانت میکنم آیا صاحب جنس در آینده میتواند قیمت اجناس خود را از این ضامن طلب کند یا نه؟

**ج: این ضمانت صحیح نیست چون هنوز دینی بر ذمه خریدار تحقیق پیدا نکرده تا این شخص (ضامن) آن دین را به عهده بگیرد ولی قیمت آن جنس را از مشتری گرفته به تاجر بدهد.**

**س ۱۴:** پدری در افغانستان مبلغی را از کسی قرض می‌گیرد و بالای فرزندش که در ایران است این پول را حواله می‌دهد اما پسر این حواله را قبول نمی‌کند آیا صاحب پول می‌تواند پول خود را اجباراً از پسر این شخص بگیرد یا نه؟

### ج: طلبکار حق اقرار پسران دارد.

**س ۱۵:** شخصی مبلغی تومان را به مدت یکسال به مبلغ معینی افغانی فروخته و اکنون مدت یکسال و نیم است که پول را نداده فروشنده‌ی تومان به افغانی حق مطالبه‌ی تومان را دارد یا پول افغانی را؟

ج: در صورتیکه بدهکار در پرداخت افغانی در موعد مقرر تاخیر نموده است همان مقدار پول افغانی در موعد مقرر هر مقدار تومان می‌شده همان مقدار تومان سپردار و اما اگر تاخیر در گرفتن از طرف فروشنده‌ی تومان بوده با هم مصاحبه نمایند.

**س ۱۶:** شخصی بالای کسی مبلغی پولی داشته و مدیون این شخص را حواله می‌دهد که در افغانستان از فلان کس این پولت را بگیر، طلبکار وقتی به افغانستان می‌رود از آن شخص پول را طلب می‌کند اما آن شخص حواله را پرداخت نمی‌کند لذا دوباره به ایران می‌آید پولش را از بدهکار اصلی مطالبه می‌کند. ولی بدهکار می‌گوید من برایت حواله دادم دیگر کاری ندارم. بنابراین این پول را از چه کسی باید گرفت؟

ج: چنانچه حواله دهنده بالای آن شخص در افغانستان پول داشته و او فقیر هم نبوده طلب این شخص بزمه‌ی او انتقال یافته و حق مطالبه از حواله دهنده ندارد. باید برود از او بگیرد و اگر حواله

دهنده بالای آن شخص پولی نداشته یا داشته ولی او فقیر بوده می تواند از حواله دهنده بگیرد حق ندارد بگوید من حواله دادم دیگر کاری ندارم.

**س ۱۷:** مأمورین دولت عشر و زکات تریاک را بر اساس جریب و تخم ریز مبالغی زیادی را از مردم به جبر و اکراه می گرفتند. اهالی منطقه به رضاور غبت مبلغ و مقدار کمتر از خواست مأمورین بطور کتترات برایم داده تا به هر نحو ممکن اذیت و خشونت مأمورین را از سرشان رفع نمایم بالاخره بعد از مهمانی و راضی ساختن مأمورین کم و بیش پول و تریاک که باقی و اضافه مانده آیا مصرف آن برایم حلال است یا نه؟

**ج:** در صورتی که کتترات نموده اید برای شما حلال است.

**س ۱۸:** شخصی خانه ی کسی را سرقت می کند صاحب مال به حکومت وقت عارض می شود حکومت سارق و برادر و پدرش را زندان و شکنجه می کند و پدر سارق در اثر شکنجه از دنیا می رود. ضامن قتل کیست؟

**ج:** ضامن کسی است که ایشان را شکنجه کرده است.

**س ۱۹:** من در یک کارخانه ی نجاری به عنوان استادکار کار می کردم در هنگام کار کردن انگشت دستم را ازّه بریده کارم در آنجا کتترات بوده است پول دوا و درمان را پرداخته است مدت یکماه بیکار بودم و به من گفته بود که پول بیکاری شما را می دهم ولی بعداً از حرف خود برگشته و پول ایّام

بیکاری مرا با اینکه وعده داده بود برایم نداده است آیا از نظر شرعی حق دارم یا نه؟

**ج:** از نظر شرعی نمی‌توانید صاحب کارگاه را مجبور به پرداخت پول ایام بیکاری تان بکنید و لوبه شما و عده‌ی پرداخت داده بوده چون اجرت در مقابل کار است و شما کار نکرده‌اید.

**س ۴۰:** شخصی زمین مشترک خود و خواهرش را بدون اجازه‌ی خواهر فروخته است اکنون خواهر این شخص زمین خود را از برادر خود مطالبه کند یا از خریدار؟

**ج:** زمین خود را می‌تواند از خریدار بگیرد چون زمین در دست خریدار است.

**س ۴۱:** در مسأله اجتماع اسباب، میان فقهای امامیه نظراتی به شرح ذیل، مشهود است:

۱ - ضمان سبب مقدم در تأثیر (این قول به مشهور نسبت داده شده است)

۲ - ضمان سبب اقوی؛

۳ - ضمان سبب مقدم در وجود؛

۴ - ضمان سبب مؤخر در وجود؛

۵ - ضمان هر دو سبب.

مستدعی است بفرمایید در صورت استناد حادثه‌ی ای به دو یا چند سبب، آیا تمامی اسباب ضامنند و یا یکی از آنها؟ در صورتی که تمامی اسبابی که



حادثه به آنها مستند است، ضامن باشند آیا بالسویه ضامنند و یا هریک به میزان تأثیر خود؟ به عنوان مثال:

هر گاه مسئول خرید قطعات یک شرکت خودرو سازی، در هنگام خرید مسامحه و سهل انگاری کرده و قطعات غیر استاندارد تهیه نماید و مسئول بازرسی خدمات نیز بی دقتی کرده و به غیر استاندارد بودن قطعات توجهی نکنند و مسئول قرار دادن قطعات نیز علیرغم وظیفه ای که در چک کردن قطعات دارد آنها را جا سازی نموده و سرانجام به دلیل نقص قطعه مزبور اتومبیلی واژگون شده و راننده و سرنشینان فوت نمایند، چه کسی ضامن است؟

**ج: در مورد قتل تمامی اسباب ضامنند بالسویه بخاطر اطلاقات اوله، در غیر قتل احوط ضمان**

**سبب اقوی است، در مورد سوال هر سه تا با مصاحبه دیر را پرداخت کنند.**

**س ۳۳:** با عنایت به این که مشهور فقها معتقدند؛ در صورت اجتماع سبب و مباشر مباشر ضامن است، مگر این که سبب اقوی باشد، مستدعی است موارد اقوی بودن سبب از مباشر را معین فرمایید.

**ج: در جای که سبب اقوی از مباشر می باشد یکی دو مورد به عنوان مثال ذکر می شود:**

**۱. اگر پزشکی داروی را برای بیمار تجویز کند که آن دارو مانند آمپول عوض نفع برای مریض**

ضرر داشته باشد یا موجب مرگ مریض بشود اگر پرستاری آن آمپول را جداً به ضرر آن آمپول، آمپول را تزریق کند و مریض بمیرد در اینجا طیب که سبب است ضامن است نه پرستار.

۲. کسی، مثلاً در جاده عمومی مین گذاری می کند اگر راننده ماشین مسافری را سوار ماشین کرد و با آن مین برخورد کند و سر نشین ماشین تلف شود مین گذار ضامن است نه راننده.

**س ۲۳۳:** آیا قتل عمدی، همان گونه که با مباشرت محقق می شود، با تسبیب نیز تحقق می یابد؟

ج: قتل عمد تسبیبی مانند همان طیب اگر قصد دارد جنینی را، مثلاً با آمپول استخاط کند ولو آمپول زن مباشر است اگر آمپول زن جاہل باشد اینجا قاتل طیب است ولو مباشر آن پرستار، «آمپول زن» باشد.

**س ۲۱۴:** هرگاه دو نفر به اشتراک شخصی را به قتل رسانده باشند، در صورتی که تأثیر عمل یکی از آنها در وقوع هشتاد در صد و تأثیر عمل دیگری بیست در صد باشد، دیه - بر فرض غیر عمدی بودن جنایت - به چه نحو بین قاتلین توزیع می شود؟

### ج: در صورت تشریک در قتل دیه را با تسویه بدنه قابل تجزیه نمیشد.

**س ۲۵:** زید در کوچه یا خیابان برای گرفتن مال بکر به سوی او هجوم آورد، و بکر نیز مهاجم را به قتل برساند حکم مسأله را از جهت قصاص و دیه، در دو مورد ذیل بیان فرمایید؛

الف) بکر می‌توانست تنها با فریاد کشیدن بر روی زید یا زدن یک سیلی به او، مهاجم را فراری دهد، لیکن به دلیل شتابزدگی به جای دور کردن مهاجم با فریاد یا زدن سیلی او را به قتل رساند.

ب) بکر می‌توانست تنها با فریاد کشیدن بر روی زید یا زدن یک سیلی به او، مهاجم را از خود دور کند، لیکن عمداً و با توجه کامل به این مسأله که مهاجم بایک سیلی متواری خواهد شد، مهاجم را به قتل برساند.

ج: در فرض سؤال اول اگر شتاب زدگی به حدی باشد که بدون قصد کشتن مهاجم و بدون

اقتدار سلیک کرده در این فرض قتل خطائی است و دیه بر عاقله است و اگر به قصد کشتن و با اقتدار سلیک کرده باشد قتل عمد است.

هم چنین در فرض سؤال دوم باز قتل عمد است چون آخرین راه چاره تخلص کشتن

مهاجم است و چون به غیر قتل راهی دیگری وجود داشته لذا حق کشتن مهاجم رانداشته است.

**س ۲۶:** شخصی در ملک خود چاهی حفر می‌کند، لیکن متوجه است که

احتمال دارد کودکانی که برای بازی به ملک او می‌روند، در چاه سقوط کنند و علی‌رغم این احتمال عقلایی علامت هشدار دهنده ای در اطراف چاه حفر شده قرار نمی‌دهد، آیا ضامن صدماتی که به سبب سقوط در چاه بر کودکان وارد می‌شود، می‌باشد؟

### ج: در فرض سؤال خفرکننده چاه که مالک چاه و زمین است ضامن است.

**س ۲۷:** شخصی در ملک دیگری حفره ای را بدون اذن مالک ایجاد کرده است و مالک پس از گذشت هفته ها، علی‌رغم اینکه زمین او محل رفت آمد کودکان است و از سویی قدرت پر کردن حفره را نیز دارد، کوتاهی می‌کند و کودکی در چاه سقوط کرده و آسیب می‌بیند، در فرض سؤال آیا کسی ضامن دیه کودک هست یا خیر؟ اگر ضامن ثابت باشد، شخص ضامن مالک است یا حفر کننده چاه یا هر دو؟

### ج: شخص حافر باید دیه را پرداخت کند.

**س ۲۸:** با التفات به دیدگاه فقهاء عاقله ضامن پرداخت دیه از سوی صغار می‌باشد در صورتی که صغیر به پدر خود جرحی وارد نماید و پدر شکایت کند در مواردی که شاکی خود ضامن پرداخت دیه می‌باشد تکلیف چیست؟ شایان ذکر است عاقله در فرض سؤال منحصر به شخص مجروح (پدر) است و نیز در صورت عدم انحصار عاقله به پدر حکم مسأله چیست؟

ج: در فرض سؤال اگر عاقله منحصر به خود پدر باشدیه متضمنی است و اگر غیر از پدر عاقله دیگری هم باشدیه بر سایر عاقله ها است.

**س ۱- ۲۹:** کسیکه وظیفه اش نجات جان اشخاص یا دفع خطر از جان و مال دیگران است (مانند مأمورین آتش نشانی) اگر در حین انجام وظیفه موجب خسارت جانی یا مالی به شخصی که در معرض خطر واقع شده، گردد و این صدمه از آسیبی که شخص در معرض آن بوده شدید تر باشد آیا این عمل موجب ضمان است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، ضمان بر عهده چه کسی است، شخص مأمور یا بیت المال؟

**س ۲- ۲۹:** در فرض مزبور اگر عمل شخص (مأمور آتش نشانی) موجب آسیب به شخص دیگری گردد، آیا موجب ضمان است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه کسی ضامن است، شخص مأمور یا بیت المال؟

ج: در فرض سؤال در هر دو مورد اگر مأمور به امر حکومت اسلامی (حاکم شرع) انجام وظیفه کرده بوده و از ناحیه مأمور افراط و تفریطی صورت نگرفته باشد این مأمور ضامن خسارت وارده نمی باشد؛ چون منظور ایشان احسان و نجات جان مصدوم بوده است خسارت از میت المال داده بشود البتہ باید دو شرط فوق شرعاً اثبات شود و اگر اثبات عدم افراط و تفریط نتواند

## خودش ضامن است.

**س ۲۹:** قطع عضو یا ایجاد جراحی که لازمه طبابت باشد (مثل شکافتن قفسه سینه برای جراحی قلب یا پاره نمودن بخش از شکم جهت عمل آپاندیس) آیا موجب ضمان است یا خیر؟ و در این مورد آیا اخذ برائت از بیمار یا ولی او لازم است یا نه؟ و در این زمینه آیا اخذ برائت تأثیری در ضمان دارد؟

**ج:** در فرض سوال اگر پزشک از مهارت خود اطمینان دارد و افراط و تفریط نباشد و

از مریض اخذ برائت کند در رفع ضمان از پزشک کافی است.

**س ۳۰:** در صورتی که قطع عضو یا ایجاد جراحی بر اثر اشتباهی باشد که پزشک معالج مرتکب شده، و وضعیت ضمان در صورت قصور و تقصیر پزشک چگونه خواهد بود؟ و در دو صورت قصور و تقصیر آیا اخذ برائت رافع ضمان خواهد بود؟

**ج:** اگر تقصیری در کار باشد ولو اخذ برائت از مریض کرده باشد پزشک ضامن است.

**س ۳۱:** پزشکی که تخصص کافی در زمینه عمل جراحی خاصی ندارد و در عین حال اقدام به این امر می‌ورزد و بیمار یا ولی او نیز با علم به این موضوع به وی مراجعه نموده و برگه برائت را نیز امضای می‌کند آیا این امر تأثیری در رفع ضمان از پزشک دارد؟

ج: اگر مریض با علم به اینکه پزشک تخصص و مهارت کافی در جراحی ندارد ولی در صین

حال رضایت به انجام عمل می‌دهد پزشک ضامن نیست.

**س ۳۱:** زمین‌ها و گاو هایمان را به کسی اجاره دادم و خودم به ایران آمدم بعد از آمدن من به ایران برادرم زمین و گاو هایم را از مستأجر گرفته و فروخته است. حالا اگر حاصلات زمین و گاوها را از برادرم بگیرم به قیمت امروز بگیرم یا به قیمت بیست سال پیش؟

ج: اگر گاوهایی شهابی است می‌توانید آنها را همراه کوساله ایشان پس بکشید و اگر باقی نباشد

قیمت همان زمان را حقی دارید و همچنین خود حاصلات زمین را.

**س ۳۲:** جوانی هستم ۱۹ ساله پدرم مدت پنج سال است فوت شده و یک عمو داشتم که ۲۰ سال قبل به ایران رفته و از عمویم دو دختر و یکزن باقی مانده است اکنون زن عمویم ادعا دارد که ۲۰ سال اجاره زمین‌ها را که سال ۹۰ سیر گندم می‌شود برای من بدهید در حالیکه من در وقت رفتن عمویم بطرف ایران اصلاً به دنیا نیامده بودم از آن به بعد که زمین‌ها بدست پدرم بود من نمیدانم به چه عنوان دست ایشان بوده به نحو رایگان بوده یا اجاره و پدرم هم نوشته‌ای یا وصیت نامه‌ای در این موضوع از خود به جای نگذاشته است و اجاره خطی هم زن عمویم در دست ندارد حالا زن عمویم حق چنین ادعایی را دارد یا نه؟

ج: بعد از فوت پدر شما که زمین عمومت در اختیار شما بوده اگر از فوت پدرت پنج سال می‌گذرد باید شما اجرت المثل پنج ساله می زمین عمومت را به دختران عمومت بدهید نه به زن عمومت چون زمین مال دختران عمواست نه از زن عموا اجرت زمین در زمان حیات پدر شما به دوش شما نمی‌باشد چون احتمال پرداخت یا ابا به موجود است.



## احکام نکاح

**س ۱:** زنی که سینه‌اش با عمل جراحی برداشته شده و خانواده‌اش در هنگام عقد این مسأله را برای داماد بیان نکرده است آیا شوهر حق فسخ دارد؟

**ج:** شوهر حق فسخ ندارد.

**س ۲:** آیا ازدواج فرزندان از نظر شرعی بر پدر واجب است؟

**ج:** زن گرفتن برای پسر توسط پدر مستحب است.

**س ۳:** ولی دختران کبیره و رشیده ای که پدر و جد پدری ندارند چه کسانی هستند؟

**ج:** اختیار ازدواج با خودشان است کسی دیگر بر آن ولایت ندارد.

**س ۴:** با توجه به اهمیت اجازه پدر یا جد پدری در ازدواج دختر با کره، اگر دختری به زور ربوده شود بعد از رفتن به خانه رباینده رضایت خود را اعلام کند، در این صورت پدر و جد پدری یا به خاطر شایسته

نبودن داماد و یا به خاطر گرفتن پول بیشتر از داماد رضایت ندهند در این صورت وظیفه روحانی عاقد که برای خواندن عقد دعوت شده است چیست؟

ج: اگر پدر یا جد پدری، داماد را شایسته نمی‌دانند، کسی نمی‌تواند عقد نکاح را بخواند و اگر خوانده باشد عقد باطل است و اگر پدر و جد پدری داماد را شایسته و صلاح می‌دانند و خود دختر هم بالذمه ورشیده است، پدر و جد پدری به خاطر پول بیشتر اجازه نمی‌دهند و دختر هم بزرگسال است و از حد ازدواج می‌گذرد روحانی می‌تواند عقد نکاح را بخواند.

س ۵: ازدواج دختر و پسر بدون اطلاع و آگاهی پدر و مادر چه حکمی دارد؟

ج: اگر پدر دختر بگوید عقد را قبول ندارد، عقد باطل و اگر سکوت کند و چیزی نگوید عقد صحیح است.

س ۶: اجازه ولی در ازدواج دختر با کره شرط است. اگر بکارت از راه زنا زایل شود باز اجازه ولی در ازدواج این دختر شرط است؟

ج: در این صورت اجازه خواستن از ولی احوط است.

س ۷: ازدواج موقت با زنان فاحشه و روسپی که ادعا می‌کنند شوهر

ندارند جایز است.

**ج: بله اما کراهت دارد.**

**س ۸:** ازدواج موقت با زنانی که اهل کتاب نیستند چه حکمی دارد؟

**ج: جایز نیست.**

**س ۹:** آیا پسر شیعه جعفری با دختر سنی مذهب با رضایت والدین دختر می تواند ازدواج کند.

**ج: بله!**

**س ۱۰:** کسی که به خاطر ضعف اقتصادی به ایران می رود و همسرش او را همراهی نمی کند چند بار پیغام می دهد که با یکی از محارمش به ایران بیاید و هزینه سفر او و همراهش را به عهده می گیرد، باز حاضر نمی شود که به ایران بیاید. آیا نفقه چنین زنی بر شوهرش واجب است؟

**ج: اگر زن در هنگام عقد شرط کرده است که در وطنش زندگی کند نفقه بر شوهرش واجب**

**است اما اگر شرط نکرده باشد اختیار محل سکونت و زندگی با شوهر است اگر زن از شوهر**

**اطاعت نکند نفقه بر شوهر واجب نیست.**

**س ۱۱:** آیا مرد وزن نامحرم می تواند عقد اخوت بخواند آیا فرزندان

آنان با همدیگر محرم می شوند؟

ج: مشروعت عقد اخوت محرز نیست بنابراین نمی‌توانند عقد اخوت بخوانند. بنابراین

فرزندان آن‌ها محرم نیستند و می‌توانند با هم دیگر ازدواج کنند.

**س ۱۳:** در منطقه آزاد کشمیر، صدها نفر سادات زندگی می‌کنند که بیشتر آنان سنی مذهب هستند. البته در سال‌های اخیر جهشی برای استبصار آغاز شده است مشکلی که به وجود آمده است که برخی افراد احترام سادات را حفظ نمی‌کنند و ازدواج دختر سید با غیر سید را جایز نمی‌دانند. اکنون این سؤال‌ها مطرح است:

۱ - ۱۲ - آیا احترام سادات به خاطر این که سلاله پیامبر (ص) هستند لازم است؟

۲ - ۱۲: سادات به چه کسانی گفته می‌شوند؟

**۱۲.۳: اهانت به سید غیر صلح چه حکمی دارد؟**

۴ - ۱۲: آیا اعمال نیک و بد سادات دو برابر پاداش و کیفر دارد یا با دیگران مساوی است؟

۵ - ۱۲: در مناطقی که عقد دختر سید با غیر سید اهانت تلقی می‌شود این عقد چه حکمی دارد؟

۶ - ۱۲: در میان سادات این مسئله به قدری اهمیت پیدا کرده است که اگر دختر سید با غیر سید ازدواج کند اقوام و خویشاوندان دختر، عروس و داماد را می‌کشند. با توجه به این مسئله عقد سیده به غیر سید صحیح

است؟

۷- ۱۲: برخی قبایل معروف که اجدادشان به دست سادات مسلمان شده‌اند، وصیتنامه‌ای از اجداد خود دارند که ازدواج با دختران سادات را منع کرده و در مقابل اگر سادات از دختران آن‌ها خواستگاری کنند باید دختر به سادات بدهند. آیا عمل به این وصیتنامه لازم است؟

ج: ۱۲۱. احترام سادات مانند دیگر مؤمنان لازم است.

ج: ۱۲۲. هر کسی که از طرف پدر به جناب هاشم بن عبدمناف برسد سید است.

ج: ۱۲۳. امانت به مسلمان جایز نیست چه سید باشد چه غیر سید.

ج: ۱۲۴. در بعضی از روایات آمده است که اعمال خوب و بد سادات دو برابر ثواب و

عقاب دارد.

ج: ۱۲۵. عقیده باغیر سید شیعه و مسلمان از نظر شرعی جایز است و امانت به شمار نمی‌آید.

ج: ۱۲۶. عقیده باغیر سید مکفو جایز است. سیره علما و فقها این مسئله را تأیید می‌کند. وظیفه

علما و روحانیان است که این حکم شرعی را ترویج کنند و انکار حکم شرعی عامداً و عالملاً حرام است

و در برخی موارد موجب ارتداد می شود.

ج: ۱۲۷. چون محتوای وصیتنامه خلاف شرع است، عمل به وصیتنامه لازم نیست.

س ۱۳: کسانی که تا شرح لمعه درس خوانده اند و مسایل صرف و نحو و اخبار و انشاء را تا حدودی می فهمند، آیا می توانند عقد نکاح و صیغه طلاق را بخوانند؟

ج: اگر معنای اخبار و انشاء و معانی الفاظ و مسایل مربوط به عقد و طلاق را بدانند اشکالی

ندارد.

س ۱۴: در عقد ازدواج موقت عدم آمیزش شرط بوده است. اما شوهر به این شرط عمل نکرده و آمیزش از روی اکراه تحقق یافته است. آیا این کار جایز است و زوجه مستحق چه مهریه ای است؟

ج: مخالفت با شرط عدم مقاربت بنا بر احتیاط جایز نیست. اگر با شرط مخالفت شد حکم

زنار ندارد. زن مستحق مهر المثل (مهریه دختران) است.

س ۱۵: آیا مطابقت بین لفظ ایجاب و قبول در عقد نکاح شرط است مثلاً موجب زوجت بگوید، قابل باید قبلت التزویج بگوید؟

ج: مطابقت شرط نیست. اگر قابل تنها قبلت بگوید کفایت می کند.

س ۱۶: در عقود، آیا ایجاب افراد لال و گنگ کفایت می‌کند یا باید وکیل بگیرد؟

ج: می‌تواند اشاره‌کنند و می‌تواند وکیل بگیرد، هر کدام کفایت می‌کند.

س ۱۷: وقتی که عاقد می‌گوید آیا وکیل...؟ موکل موافقت خود را اعلام می‌کند. آیا لازم است که وکیل بگوید: «وکالت را قبول کردم»؟

ج: تلفظ و قبول وکالت لازم نیست. اگر با اشاره قبول وکالت را بفهماند کفایت می‌کند.

س ۱۸: در عقد دختر باکره اضافه کردن «بی‌اذن اییها» (با اجازه پدرش) لازم است؟

ج: لازم نیست. اجازه پدر کفایت می‌کند.

س ۱۹: کسی که یک نام شناسنامه‌ای دارد و یک نام مشهور که مردم با آن نام او را می‌شناسد در هنگام عقد کدام نام را به وکیل بگوید؟

ج: بهتر است که نام مشهور ذکر شود اگر چه نام شناسنامه‌ای زن در صورتی که از آن زن

مورد نظر اراده شود نیز کفایت می‌کند.

س ۲۰: آیا وکالت گرفتن از دختر و پسر برای خواندن عقد نکاح صحیح است؟

ج: بله! در عقد باکره رضایت پدر هم شرط است.

**س ۲۱:** محضرداری که از طرف من و همسرم وکیل شده بود، عقد ازدواج ما را آهسته خواند به طوری که من نشنیدم. آیا این عقد صحیح است؟

**ج:** صحیح است. می‌توانید از باب احتیاط دوباره بخوانید.

**س ۲۲:** اجرت برای خواندن عقد دایمی و موقت چه حکمی دارد؟

**ج:** اجرت گرفتن اشکالی ندارد.

**س ۲۳:** کسی که اصلاً ادبیات عرب را بلد نباشد. فرق بین اخبار و انشاء نگذارد می‌تواند در خواندن عقد نکاح از طرف شوهر وکیل شود؟

**ج:** نمی‌تواند وکیل شود.

**س ۲۴:** در هنگام خواندن عقد نکاح وکیل دختر، نام دختر را - اشتباهاً - عوض ذکر می‌کند. آیا این عقد صحیح است؟

**ج:** اگر دختر و پسر راضی باشند اشکالی ندارد.

**س ۲۵:** در برخی از روستاهای... آمیزش (دخول) بدون عقد نکاح اتفاق می‌افتد. بعد از آنکه آخوند و روحانی به روستا رفت عقد نکاح می‌خوانند آیا این ازدواج صحیح است، آیا آمیزش زنا محسوب می‌شود، بچه‌های آنان چه حکمی دارند؟



ج: آمیزش پیش از خواندن عقد نکاح زنا محسوب می شود.

س ۲۶: صیغه عقد دائم چگونه خوانده می شود؟

ج: در رساله های علمیه (توضیح المسائل) بیان شده.

س ۲۷: شرایط عقد نکاح در متن عقد یاد می شود یا خارج از عقد؟

ج: در عقود دیگر در ضمن عقد اما در عقد نکاح قبل از عقد ذکر شود و عقد نکاح بمنابر آن شرط

جاری گردد.

س ۲۸: اگر خواننده عقد به شرایط عقد نکاح آگاهی نداشته باشد، عقد

صحیح است؟

ج: اگر عاقده اخبار و انشاء و معنای صیغه آگاهی نداشته باشد عقد باطل است.

س ۲۹: خواننده عقد که وکیل زن و شوهر می شود چه خصوصیات و

ویژگی ها و شرایطی نسبت به طرفین عقد داشته باشد؟

ج: عاقد وکیل در اجراء عقد از طرف زن و شوهر باشد. و رضایت ولی دختر را جلب کند

عقد مبتنی بر شرایط منظوره خوانده شود. مهریه در عقد ذکر شود. در ازدواج موقت، عقد بدون یاد

آوری مهریه باطل است.

**س ۳۰:** اگر کسی به معنای انشاء و معنای تحت اللفظی صیغه عقد آشنا باشد اما در خواندن عبارات اشتباه ادبی داشته باشد این عقد چه حکمی دارد؟

**ج:** اگر اشتباه به گونه‌ای باشد که معانی الفاظ را تغییر دهد عقد باطل است اما اگر زن و شوهر از بطلان عقد آگاهی نداشته باشند برای آن اشکال ندارد.

**س ۳۱:** اگر عاقد بعد از چندین سال بفهمد که عقد زن و شوهری اشتباه خوانده است. وظیفه‌اش چیست؟

**ج:** اگر زنده باشند عقد از دواج آن دوباره خوانده شود.

**س ۳۲:** کسی که به مسایل اجرای عقد نکاح آگاهی دارد. اما به قواعد زبان و ادبیات عرب، مفاهیم و عبارات صیغه عقد جاهل است. آیا می‌تواند صیغه عقد را بخواند؟

**ج:** نباید صیغه عقد بخواند.

**س ۳۳:** کسی که در خواندن صیغه عقد غلط نحوی کرده به گونه‌ای که خللی به معنا نمی‌رساند و این مسئله بعد از آمیزش (دخول) آشکار شده است، آیا نکاح او صحیح است؟

**ج:** اگر مختل معنا نباشد اشکالی ندارد.

س ۳۴: حرف زدن در میان جملات صیغه عقد چه حکمی دارد؟

ج: بین ایجاب و قبول باید اتصال باشد. اگر فاصله زیاد نبوده است اشکال ندارد.

س ۳۵: آیا در عقد رضایت طرفین کفایت می‌کند، میتوانند خودشان عقد بخوانند، شاهد و گواه لازم نیست؟

ج: اگر بتوانند عقد را به عربی صحیح بخوانند اشکالی ندارد. گواه در عقد نکاح لازم نیست.

س ۳۶: آیا می‌توان به وسیله تلفن صیغه عقد نکاح را خواند به گونه‌ای که محرمیت بین زن و شوهر پیدا شود؟

ج: اگر هر یک را بشناسند و مهریه را معین کنند و با خواندن عقد آشنا باشند اشکالی ندارد.

س ۳۷: آیا خواندن عقد ازدواج توسط غیر عرب بدون آنکه معانی عبارات را بفهمد اما با علم به این که هدفش اجرای عقد است، کفایت می‌کند؟

ج: اگر معنای صیغه را نداند نمی‌تواند عقد بخواند اما اگر با معنای عقد آشنا باشد و قصد انشاء را

داشته باشد می‌تواند بخواند.

س ۳۸: آیا خواندن عقد به زبان فارسی صحیح است؟

ج: بنا بر احتیاط واجب، به عربی خوانده شود. مگر اینکه دسترس به عاقد عربی امکان نداشته

باشد.

**س ۳۹:** اگر عقد به زبان فارسی خوانده شود، عبارتی که به کار برده می‌شود حتماً مطابق با عبارت عربی باشد؟

**ج:** بله! همان معنار برساند.

**س ۴۰:** آیا یک نفر اصالتاً و وکالتاً می‌تواند عقد را به فارسی یا عربی بخواند؟

**ج:** بله! می‌تواند اما بهتر است که توسط دو نفر اجرا شود.

**س ۴۱:** آیا وکالت گرفتن از دختر و پسر برای اجرای عقد صحیح است؟

**ج:** بله وگرنه عقد فصولی می‌شود اگر اجازه ندهند باطل است.

**س ۴۲:** آیا تعدد وکیل (یکی از سوی پسر و دیگری از سوی دختر) در خواندن عقد لازم است؟

**ج:** یک نفر هم می‌تواند به وکالت از هر دو عقد نکاح را بخواند.

**س ۴۳:** دختری بر اثر حرکات ورزشی، بکارتش از بین رفته، در ازدواج نیاز به اجازه پدر دارد؟

**ج:** بنا بر احتیاط واجب اجازه پدر لازم است.

**س ۴۴:** دختر و پسر مؤمن و همکفو، علاقه زیادی به هم دارند اما پدر فاسق و شارب الخمر دختر اجازه نمی‌هد. آیا اجازه چنین پدری در ازدواج دختر یاد شده شرط است؟

**ج:** اجازه پدر در ازدواج دختر باکره شرط است مگر این که پدر بدون دلیل موجه شرعی مخالفت کند.

**س ۴۵:** اگر ولی دختر باکره فوت کرده باشند. چه کسی به او اجازه ازدواج بدهد؟

**ج:** اگر پدر و جد پدری دختر فوت کرده باشند رضایت خود دختر کفایت می‌کند.

**س ۴۶:** آیا عاقد در هنگام خواندن عقد باید اجازه پدر یا جد پدری را احراز کند؟

**ج:** باید احراز کند اما اگر بعد از عقد هم اعلام رضایت کند کفایت می‌کند.

**س ۴۷:** آیا دوشیزه‌ای که سنش از سی سال گذشته و هنوز باکره است برای ازدواج نیاز به اجازه دارد؟

**ج:** بله! نیاز دارد.

**س ۴۸:** آیا عقد دختر بالغ برای پسر نابالغ جایز است؟

**ج:** با اجازه ولی نابالغ جایز است.

س ۱۴۹: آیا ازدواج دائم و موقت پسری که تعادل روحی و روانی ندارد با دختر سالم و تندرست ستم به دختر نیست؟

ج: اگر دختر با رضایت خود و با اجازه ولی خود با فردی باشد که به حد جنون نرسیده است ازدواج کند اشکال ندارد.

س ۱۵۰: پدري که اختيار دختر باکره اش را به خود دختر واگذار کرده است در ازدواج نیاز به اجازه پدر دارد؟

ج: اگر گفته باشد که با هر که می خواهی ازدواج کن، اجازه پدر لازم نیست.

س ۱۵۱: دختری می خواهد با پسری ازدواج کند اما خانواده و خویشاوندانش مخالفت می کنند وظیفه دختر چیست؟

ج: اگر پدر ندارد و پدر دارد و مانع ازدواج با مکفود دخترش می شود، دختری تواند بدون اجازه پدر ازدواج کند.

س ۱۵۲: آیا دختری که بدون اجازه ولی ازدواج می کند عقدش باطل است؟

ج: بنا بر احتیاط واجب اجازه ولی لازم است مگر این که از ازدواج با مکفود دخترشان جلوگیری کنند.

**س ۵۳:** آیا عمومی دختر بدون رضایت مادر می‌تواند دختر برادرش را به عقد کسی درآورد؟ اگر پدر دختر رضایت نداشته باشد می‌تواند عقد را به هم بزند؟

**ج:** بد! عمومی تولد دختر برادرش را به عقد کسی درآورد.

**س ۵۴:** آیا دختری که از طریق زنا بکارتش زایل شده نیاز به اجازه ولی دارد؟

**ج:** کسب اجازه پدر احوط است.

**س ۵۵:** دختر باکره‌ای که با اجازه ولی ازدواج کرده اما پیش از دخول و زوال بکارت از شوهرش جدا شده در ازدواج مجدد، باز نیاز به اجازه ولی دارد؟

**ج:** بنا بر احتیاط واجب اجازه پدر لازم است.

**س ۵۶:** اگر مردی بداند که دختر باکره‌ای بدون اجازه پدرش خواهان ازدواج با او است اگر ازدواج کند گناه متوجه مرد است یا دختر یا هر دو؟

**ج:** هر دو محصیت کارند.

**س ۵۷:** آیا اجازه پدر یا همسر مسلمان در ازدواج موقت مرد با دختر مسلمان یا اهل کتاب شرط است؟

### ج: اجازه آن‌ها شرط نیست.

**س ۵۸:** مردی، دختری را فریب می‌دهد. وکالتنامه‌ای از او می‌گیرد و او را سیغه می‌کند والدین دختر پس از چند ماه خبر می‌شوند و می‌گویند چون ما راضی نبوده‌ایم، عقد باطل است حکم شرعی این مسئله چیست؟

### ج: عقد باطل است.

**س ۵۹:** اگر ولی شرعی دختر فوت کرده باشد و دختر رضایت قلبی داشته برای ازدواج با فرد مورد نظرش، دخالت، تهدید و مانع شدن عمو، دایی (ماما) و برادرش چه حکمی دارد؟

### ج: اگر دختر بالغ و رشیده باشد با هر کسی که صلاح بداند می‌تواند ازدواج کند.

**س ۶۰:** اگر کسانی بدون خبر دادن به ولی دختر باکره او را عقد کنند چه حکمی دارد؟

### ج: بنا بر احتیاط واجب عقد باطل است.

**س ۶۱:** دختری سال‌ها نامزد کسی بوده، دیگری او را فراری می‌دهد. اگر پدر و مادر دختر به عقد دومی رضایت ندهند، عقد باطل است؟

### ج: بله!

**س ۶۲:** اگر بین پدر و جد پدری بر سر ازدواج دختر باکره رشیده



اختلاف شد قول کدام یک از آنها مقدم است؟

**ج: قول جد مقدم است.**

**س ۷۳:** آیا پدر می‌تواند از ازدواج دختر کوچکش تا بعد از ازدواج

دختر بزرگش جلوگیری کند؟

**ج: اگر دختر کوچک بالغه و رشیده و نیاز شدید به ازدواج داشته باشد نمی‌تواند جلوگیری کند.**

**س ۷۴:** اگر اجازه از ولی دختر باکره فقط با تلفن امکان داشته باشد آیا

کسب اجازه لازم است؟

**ج: بله! باید اجازه بگیرد.**

**س ۷۵:** دختری بیست و دو ساله می‌خواهد با مرد مؤمنی ازدواج کند.

اما پدر دختر به خاطر اینکه از دستمزد بافندگی دخترش استفاده کند اجازه

ازدواج نمی‌دهد، این مسئله چه حکمی دارد؟

**ج: دختر بدون اجازه پدر می‌تواند با تکفوز ازدواج کند.**

**س ۷۶:** مادری بدون رضایت پسرش، دختری را برای او عقد می‌کند.

این عقد چه حکمی دارد؟

**ج: عقد باطل است مگر اینکه پسر راضی شود.**

**س ۷۷:** عقد اجباری دختر بالغه‌ی رشیده چه حکمی دارد؟

ج: عقد اجباری باطل است.

س ۶۸: اگر دختر باکره بگوید که ولی به او اختیار ازدواج داده است. آیا کفایت می‌کند یا باید اجازه ثابت شود و چگونه ثابت شود؟

ج: با ادعای دختر، اذن ثابت نمی‌شود مگر اینکه دو نفر شاهد عادل شهادت بدهند.

س ۶۹: آیا در ازدواج دختر باکره، اطمینان به رضایت ولی کفایت می‌کند یا استیذان واجب است؟

ج: رضایت قلبی ولی کافی نیست باید رضایت خود را اعلام کند.

س ۷۰: مهریه‌هایی که چهل سال پیش هزار افغانی بوده آیا اکنون نیز هزار افغانی است یا اینکه ارزش هزار افغانی در چهل سال پیش محاسبه می‌شود؟

ج: معادل ارزش آن در چهل سال پیش محاسبه می‌شود.

س ۷۱: اگر به دختر مهریه صد سکه طلا گفته شود اما در عقد نامه کمتر از آن نوشته شود عقد صحیح است؟

ج: بله عقد صحیح است و مهریه صد سکه طلا (بهار آزادی) است نه آن چه در عقد نامه آمده

است.

س ۷۲: اگر زنی مهریه خود را ببخشد و دوباره پشیمان شود آیا

می تواند از شوهر مطالبه کند؟

### ج: حق مطالبه ندارد.

**س ۷۳:** آیا پدر داماد می تواند به جای داماد مهریه عروس را تعیین کند؟

### ج: اگر پدر وکیل پدرش باشد یا داماد بعداً اجازه بدهد اشکالی ندارد.

**س ۷۴:** اگر در عقد شرط شود که شوهر عند الاستطاعه مهریه را پرداخت کند آیا زن علی رغم عدم توانایی شوهر او را مجبور به پرداخت مهریه کند؟

### ج: نمی تواند.

**س ۷۵:** آیا در اسلام مقدار و مبلغ مهریه معین شده است به نظر شما مهریه چه قدر باشد؟

### ج: مقدار و مبلغ مهریه بستگی به توافق عروس و داماد دارد. اسلام توصیه می کند که مهریه زیاد

### نباشد.

**س ۷۶:** فرزندم با زنی به عنوان باکره با مهریه سیصد هزار افغانی ازدواج کرد. زن با اینکه سابقه ازدواج با مردی دارد، اما ادعا می کند که شوهر پیشین او «اجوف» بوده و باکره مانده است، اما من و همسر من می دانیم

که زن بیوه بوده است ولی پسر من متوجه نشده است آیا این زن همه مهریه خود را حق دارد؟

### ج: «فرض سوال مهرالمثل میسر است» دارد.

س ۷۷: آیا زن می تواند هر وقتی که دلش بخواهد در مهریه اش تصرف کند؟

### ج: بله!

س ۷۸: دختری را عقد کرده اند، شوهرش او را از «دبر» و طی کرده است. اکنون می خواهد او را طلاق بدهد. آیا زن مستحق همه مهریه است؟

### ج: زن مستحق همه مهریه است.

س ۷۹: مرد مسلمان با زن بهایی از روی جهل به مسئله ازدواج و طی به شبه کرده است آیا این زن مهریه دارد؟

### ج: اگر و طی به شبه باشد زن مستحق مهرالمثل است.

س ۸۰: آیا و طی در دبر مانند و طی در قبل موجب استقرار همه مهریه می شود و زن بعد از طلاق باید عده بگیرد؟

### ج: بله!

س ۸۱: اگر مردی با عنف، بکارت دختری را از بین ببرد، علاوه بر مهر

المثل ارش البکاره را هم به دختر پرداخت کند؟

**ج:** در فرض سوال زانی باید کشته شود. زن مستحق مهر المثل است.

**س ۸۲:** آیا تجاوز به عنف به دختر باکره بر فرض بلوغ و عدم بلوغ موجب ضمان مهر المثل می شود؟

**ج:** در هر دو صورت موجب مهر المثل می شود و زانی کشته می شود.

**س ۸۳:** چند نفر مرد با عنف به زنی تجاوز می کنند. آیا هر کدام مهر المثل پرداخت کند یا در مجموع یک مهر المثل پرداخت کنند و اگر تجاوز تکرار شده باشد مهر المثل هم تکرار می شود؟

**ج:** حکم متجاوزان، اعدام است. مهر المثل به عمده هر کدام از متجاوزان است. مهر المثل تکرار پذیر نیست.

**س ۸۴:** گذاشتن کلاه گیس در مجالس زنانه برای زیبا شدن و جلب توجه زنان و در نتیجه پیدا شدن خواستگار، جایز است؟

**ج:** اگر مردان نبیند و مضده ای نداشته باشد اشکالی ندارد.

**س ۸۵:** مردی با ادعای این که شغل معینی دارد. با زنی ازدواج می کند. بعداً آشکار می شود که شغل معین نداشته است آیا این مورد از مصادق تدلیس است؟

ج: اگر شغل مورد نظر طوری باشد که زن به خاطر همان شغل با مرد ازدواج کرده است و اگر آن شغل نبی بود ازدواج نمی‌کرد و عقد مبتنی بر آن عنوان (مثلاً مهندس یا دکتر...) خوانده شده است، زن حق فسخ دارد.

س ۸۶: آیا دختران می‌توانند با اندکی آرایش بیرون بیایند و قصدشان، پیدا کردن خواستگار باشد، آیا چنین کاری پنهان کردن عیب به شمار نمی‌آید؟

ج: ظاهر شدن در انظار نامحرمان جایز نیست اما در مجلس زنانه اشکالی ندارد.

س ۸۷: اگر زن در عقد ازدواج شرط کند که مرد، زن دیگری نداشته باشد. اگر مرد همسر دیگری دارد آیا می‌تواند توریه کند و بگوید ندارد؟

ج: دروغ گفتن در چنین مواردی مانند سایر موارد جایز نیست.

س ۸۸: پس از ازدواج متوجه شدم که همسرم از سمعک استفاده می‌کند به همین دلیل تقاضای طلاق کردم. درباره مهریه ما را راهنمایی کنید؟

ج: اگر شوهر بعد از دخول با رضایت خود، همسرش را طلاق بدهد، باید همه مهریه را پرداخت

کند.

**س ۸۹:** اگر شوهر، بکارت داشتن عروس را شرط کند یا اطمینان به بکارت داشته باشد، اگر باکره نبود وظیفه چیست؟

**ج:** در هر دو صورت مرد حق فسخ ندارد اما حق دارد تفاوت مهریه باکره و بیوه را کسر کند.

**س ۹۰:** اگر دختر باکره نباشد در هنگام عقد لازم است که خانواده دختر این مسئله را بیان کند؟

**ج:** اگر خانواده پسر نرسند لازم نیست.

**س ۹۱:** اگر شوهر بعد از ازدواج فهمید که زنش باکره نبوده وظیفه‌اش چیست؟

**ج:** با به التفاوت مهریه باکره و بیوه را از مهریه اش کم کند.

**س ۹۲:** آیا از عرف و قراین می‌توان شرطیت بکارت را استنباط کرد؟

**ج:** بد!

**س ۹۳:** آیا ممکن است دختری بدون تماس با مردی بکارت نداشته باشد؟ آیا نبودن بکارت، زنا را ثابت می‌کند؟

**ج:** زوال بکارت عوامل کوناکونی دارد. نداشتن بکارت دلیلی بر زنا نمی‌شود.

**س ۹۴:** آیا ترمیم بکارت جایز است؟

**ج:** بد! اگر ترمیم کننده شوهرش باشد.

**س ۹۵:** مردی با دختری ازدواج می‌کند معلوم می‌شود که دختر باکره نیست. دختر سوگند یاد می‌کند که با کسی آمیزش و نزدیکی نکرده است، وظیفه شوهر چیست؟

**ج:** شوهر حق فسخ ندارد. اما می‌تواند با به التفاوت مهریه باکره و بیوه را کسر کند.

**س ۹۶:** مردی در ازدواج با دختری تدلیس کرده است. مرد افغانی بدون شناسنامه خود را ایرانی و دارای شناسنامه معرفی کرده است. اگر دختر از افغانی بودن مرد آگاه می‌بود با او ازدواج نمی‌کرد. آیا دختر حق خیار فسخ دارد؟

**ج:** اگر عقد مبتنی بر وصف ایرانی بودن خوانده شده است. زن حق فسخ دارد.

**س ۹۷:** آیا زنای زن یا شوهر قبل از عقد یا قبل از آمیزش (دخول) موجب حق برای طرف مقابل می‌شود؟

**ج:** موجب حق فسخ نکاح نمی‌شود.

**س ۹۸:** زنی که بدون اطلاع، با مردی ازدواج کرده که بیماری اغمای ادواری دارد. آیا این زن حق فسخ نکاح را دارد؟

**ج:** اغماز بیماری مایی نیست که موجب فسخ نکاح شود. مگر اینکه به حد جنون برسد.

**س ۹۹:** اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش معتاد است و اگر پیش از عقد می‌فهمید که معتاد است هرگز با او ازدواج نمی‌کرد. آیا حق فسخ عقد



نکاح را دارد، مهریه‌اش چه خواهد شد؟

**ج: اعتیاد موجب فسخ نکاح نمی‌شود. مهریه نیز ساقط نمی‌شود.**

**س ۱۰۰:** زنی هفت سال است که ازدواج کرده است، طبق نظر پزشکان شوهرش به علت مشکلات جسمی نمی‌تواند همسرش را بیچه دار کند آیا زن می‌تواند از طریق دادگاه تقاضای طلاق کند؟

**ج: بیچه دار شدن موجب جواز طلاق نمی‌شود. اگر شوهر راضی به طلاق کند می‌تواند طلاق**

**بگیرد.**

**س ۱۰۱:** آیا بیماری ایدز که موجب سرایت از شوهر به زن و از زن به شوهر می‌شود موجب فسخ عقد می‌شود؟

**ج: در شریعت اسلام بیماری ایدز از موجبات فسخ به شمار نیامده است.**

**س ۱۰۲:** زن‌هایی که نمی‌توان با آن‌ها ازدواج کرد، تکلیفشان چیست؟

**ج: با وسایل امروزی از راه مشروع می‌توان ازدواج دائم یا موقت کرد؟**

**س ۱۰۳:** زنا با زن شوهر دار از روی اجبار و اکراه موجب حرمت برای زانی مکره می‌شود؟

**ج: بله موجب حرمت ابدی می‌شود.**

**س ۱۰۴:** پسری با پسر دیگری مرتکب عمل لواط شده و دخول تحقق

یافته است اما نمی‌دانند که در زمان انجام آن عمل بالغ بوده‌اند یا نه. به علت اصرار خانواده که از این موضوع خبر نداشته‌اند با خواهر لواط شده ازدواج کرده اما اکنون پشیمان شده آیا راه حلی وجود دارد؟

**ج:** بنا بر احتیاط واجب اگر لواط‌کننده و لواط‌دهنده بالغ نباشند هم، خواهر لواط‌دهنده بر لواط‌کننده حرام است. اگر کدام یکی از مراجع قایل به عدم حرمت باشند با رعایت الا علم فالاعلم می‌توانند رجوع کنند.

**س ۱۰۵:** مردی با خواهر زن بیوه‌اش نزدیکی کرده آیا زنش بر او حرام شده است؟

**ج:** زن اول حرام نمی‌شود.

**س ۱۰۶:** چند سال پیش از روی نادانی با زنی عمل منافی عفت انجام داده‌ام. اکنون می‌توانم با خواهرش ازدواج کنم؟

**ج:** بله! اشکال ندارد.

**س ۱۰۷:** اگر با دختری عمل لواط انجام بگیرد آیا لاطی می‌تواند با خواهر او ازدواج کند؟

**ج:** بله! اشکال ندارد.

**س ۱۰۸:** دو نفر مرتکب عمل زشت لواط شده‌اند اکنون نمی‌دانند که

مادر، خواهر و دختر مفعول بر فاعل حرام شده است آیا کسی که می‌داند لازم است است که از باب «امر به معروف و نهی از منکر» آگاهی کند و یا اینکه چون نمی‌دانند به او چیزی نگویند تا باعث جدایی و افتراق زن و شوهر نشود؟

### ج: اعلام واجب نیست.

س ۱۰۹: اگر کسی با زنی زنا کرد آیا می‌تواند با دخترش ازدواج کند؟

### ج: بنا بر احتیاط مستحب نباید ازدواج کند.

س ۱۱۰: اگر زنی از راه زنا حامله شده باشد، کسی با آگاهی از این عمل حاضر به ازدواج با آن زن شود مانعی ندارد؟

### ج: اگر شوهرش طلاق بدهد و عده اش پایان یابد غیر از زانی می‌تواند ازدواج کند.

س ۱۱۱: اگر مردی با زنی شوهر دار زنا کند یا ملاعبه تفریح کند می‌تواند با او ازدواج کند؟

### ج: اگر زنا کرده باشد زن حرام ابدی می‌شود اما ملاعبه و تفریح مانع از ازدواج نمی‌شود.

س ۱۱۲: با توجه به عدم آگاهی از احکام اسلام با پسری عمل لواط انجام دادم اما دقیقاً می‌دانم که دخول تحقق نیافت اکنون آیا می‌توانم با خواهر او ازدواج کنم؟

ج: بده!

س ۱۱۳: ازدواج با خواهر زن مطلقه چه حکمی دارد؟

ج: ازدواج همزمان با دو خواهر جایز نیست اگر همسرشان در قید حیات نیست می‌توانید با خواهرش ازدواج کنید. و اگر همسرش را طلاق دهد بعد از انقضای عده می‌تواند با خواهرش ازدواج کند.

س ۱۱۴: آیا انسان می‌تواند با خواهر همسرش بدون فاصله بعد از مرگ همسر خود ازدواج کند؟

ج: بده!

س ۱۱۵: مردی با زن شوهر داری زنا می‌کند زن از شوهرش طلاق می‌گیرد و با زانی ازدواج می‌کند. آیا راهی وجود دارد که ازدواج دوم حرام نشود؟

ج: بنا بر احتیاط واجب زن بر زانی (شوهر دوم) حرام ابدی شده است. در این مسئله می‌تواند از مرجع تقلید بپرسد که حرام ابدی نمی‌داند.

س ۱۱۶: گاهی زن نا مسلمان به خاطر ازدواج با مرد مسلمان شهادتین می‌خواند، بدون این که یقین داشته باشیم به این که شهادتین را قلباً خوانده

باشد آیا می‌توان به او مسلمان گفت؟

**ج: بله! محکوم به اسلام است.**

**س ۱۱۷:** آیا از ازدواج مرد شیعه مسلمان با دختر یهودی، مسیحی، ارمنی و دیگر اهل کتاب جایز است؟

**ج: ازدواج موقت جایز است.**

**س ۱۱۸:** آیا جایز است شوهر کافر و زن مسلمان باشد؟

**ج: ازدواج زن مسلمان با کفار جایز نیست.**

**س ۱۱۹:** اگر کسی بداند که در کشوری که زندگی می‌کند هم اهل کتاب وجود دارد و هم کافر غیر کتابی برای ازدواج داریم یا موقت باید از دین آنان سؤال کرد؟

**ج: بله! باید سؤال شود. البته ازدواج موقت با کافر کتابی اشکال ندارد.**

**س ۱۲۰:** عقد کافر از نظر اسلام چگونه است مانند عقد نکاح مسلمانان خوانده می‌شود کفار ذمی می‌تواند ازدواج کند؟

**ج: عقد نکاح مسلمان با کافر کتابی (عقد موقت) مانند دیگر عقود است. مهریه باید معین شود.**

**زن مسلمان نمی‌تواند با کافر ذمی ازدواج کند.**

**س ۱۲۱:** آیا می‌توان دختر بهایی و هندو را کافر حربی دانسته و بدون

عقد با آن‌ها آمیزش کرد؟

ج: در حکم کفار کتابی نیستند. ازدواج با بهدایی و هندو جایز نیست و آمیزش هم جایز نمی‌باشد.

س ۱۳۲: آیا شیعیان می‌توانند دختران خود را به پیروان فرقه‌های دراویش صوفی و علی‌اللهی بدهند اگر عقد کرد، عقد صحیح است؟

ج: اگر از فرقه‌های ضاله و کراهه به حساب آیند ازدواج جایز نیست و باید جدا شوند.

س ۱۳۳: آیا آمیزش جنسی با یک زن کافر کتابی یا غیر کتابی بدون عقد جایز است؟

ج: شرعاً جایز نیست.

س ۱۳۴: اگر زنی مسلمان شود و با مرد مسلمان ازدواج دائمی کند اما بعد از عقد معلوم شود که اصلاً مسلمان نشده بوده است، عقد او باطل است؟

ج: عقد باطل است.

س ۱۳۵: آیا کافر کتابی نیز بر دخترش ولایت دارد. اگر کسی با دختر او ازدواج کند نیاز به اجازه حاکم شرع دارد؟

ج: اگر دختر مسلمان شود پدر کافر کتابی او، بر دخترش ولایت ندارد.

س ۱۳۶: نگاه کردن به سر زنان اهل کتاب چه حکمی دارد؟

ج: اگر از روی شهوت و تلبذ نباشد اشکال ندارد.

س ۱۳۷: اگر ولی دختر سنی با ازدواج دخترش با مرد شیعه به خاطر اختلاف مذهبش مخالفت کند. جایز است که دختر بدون اجازه ولی ازدواج کند؟

ج: در فرض سوال اجازه پدر شرط نیست.

س ۱۳۸: آیا ازدواج با پیرو یکی از فرقه‌های اسلامی جایز است؟

ج: اگر خوف انحراف برای زن و اولاد نباشد جایز است اما اگر اهت دارد.

س ۱۳۹: اگر یکی از زن و شوهر شیعه و دیگری سنی باشند، عقد نکاح طبق دستور فقه شیعه خوانده می‌شود یا فقه اهل سنت؟

ج: اگر شرایط عقد مانند ایجاب و قبول، رضایت طرفین، پدر دختر و قصد انشاء رعایت

شود صحیح است.

س ۱۴۰: دختری پیش از بلوغ توسط پدرش به عقد مردی درمی‌آید، اما بعد از بلوغ حاضر به زندگی با مرد یاد شده نیست زیرا مرد عضو گروهی است که قایل به کفر شیعه است و دختر از جانش بیمناک است؟

ج: اگر عقد برای دختر مفسده دارد می‌تواند بعد از بلوغ عقد را رد کند.

**س ۱۳۱:** دختری را به عقد کسی درمی آورند که بعداً معلوم می شود سنی است، وظیفه دختر چیست؟

**ج:** ازدواج با اهل سنت کراهت دارد اما اگر خطر انحراف زن و فرزندان زن وجود داشته باشد در این صورت جایز نیست.

**س ۱۳۲:** مردی با دختری زنا می کند و بکارش را از بین می برد. آیا می تواند با او ازدواج کند؟

**ج:** بله! بعد از حایض شدن می تواند ازدواج کند.

**س ۱۳۳:** مردی دو زن دارد. با زن دومش شرط می کند که بیش از دو شب در هفته نمی تواند در نزدش بماند. آیا این عقد صحیح است؟

**ج:** اگر زن راضی باشد عقد صحیح است.

**س ۱۳۴:** کسی که طواف نساء را انجام ندهد زنش بر او حرام می شود؟

**ج:** بله! تا وقتی که طواف را انجام ندهد حرام است.

**س ۱۳۵:** همسر در ضمن عقد شرط می کند که از حالا تا پنجاه سال بعد صاحب اختیار و وکیل باشد که هر گاه که بخواهد، خود را طلاق بدهد، اگر فرزندی داشته باشند حق حضانت همیشگی برای زن محفوظ باشد، بدون اجازه شوهر به مجالس روضه خوانی، مشاهد مشرفه و خانه اقوام و



خویشاوندان خود برود، شوهر نیز همه این شرایط را قبول می‌کند. آیا عقد نکاح و شرایط یاد شده صحیح است؟

ج: اگر شوهر با رضایت خود به همسرش وکالت در طلاق بدهد این شرط صحیح است. اما شرط دوم به آن کیفیت صحیح نیست.

س ۱۳۶: مردی در هنگام عقد به زن خود وکالت بدون عزل در طلاق می‌دهد. اگر بعد از عقد او را از وکالت عزل کند، این عزل نافذ است؟

ج: اگر عقد مبتنی بر شرط یاد شده خوانده شده و شرط در ضمن عقد لازم ذکر نشده باشد لازم الوفا نیست. می‌تواند همسرش را عزل کند.

س ۱۳۷: زنی با شوهرش شرط می‌کند که بعد از پنج سال او را طلاق بدهد آیا این شرط صحیح است؟

ج: اگر عقد مبتنی بر شرط خوانده شده یا در ضمن عقد لازم یاد آوری شده است واجب الوفا است.

س ۱۳۸: در ازدواج دائم شرط عدم توارث در ضمن عقد صحیح است؟

ج: عقد صحیح است اما شرط باطل است.

**س ۱۳۹:** مردی با دختری ازدواج می‌کند و می‌گوید به شرطی با شما ازدواج می‌کنم که از مادر پیرم پرستاری کنی. اما دختر بعد از عقد زیر قولش می‌زند و به شرط عمل نمی‌کند. آیا چنین شرطی لازم الوفا است؟

**ج:** عقد صحیح اما شرط باطل است.

**س ۱۴۰:** مردی در هنگام ازدواج شرط کرده که بدون اجازه همسرش ازدواج مجدد نکند اگر ازدواج کرد، آیا عقد زن دوم باطل است؟

**ج:** عقد دوم صحیح است. اما شوهر کار حرام انجام داده است.

**س ۱۴۱:** آیا مرد در عقد دائم می‌تواند شرط کند که نفقه همسرش به طور دائم یا به مدت نامعلومی بر عهده‌اش نباشد؟

**ج:** شرط صحیح نیست اما اگر زن شرط کند که مثلاً به مدت پنج سال از شوهرش نفقه نمی‌خواهد

این شرط صحیح است.

**س ۱۴۲:** در موردی که قبول عقد از سوی زن مبتنی بر عدم آمیزش جنسی (دخول) بوده اما مرد علی‌رغم میل باطنی زن دخول کرده است، آیا این عمل، زنا به شمار می‌آید؟

**ج:** اگر چه دخول حرام بوده است اما زنا به شمار نمی‌آید.

**س ۱۴۳:** آیا زن می‌تواند در هنگام عقد، بیرون رفتن بدون اجازه شوهر

را شرط کند؟

**ج: نمی تواند چنین شرطی کند.**

**س ۱۴۴:** اگر زن در هنگام عقد شرط کند که مجاز به انجام کارهای فرهنگی در بیرون از خانه باشد و مرد قبول کند اما اگر بعد از ازدواج مرد اجازه ندهد، زن می تواند بدون اجازه مرد از خانه خارج و کارهای فرهنگی انجام دهد؟

**ج: با حفظ شؤون اسلامی، شوهر حق ندارد منع کند.**

**س ۱۴۵:** آیا زن در هنگام عقد می تواند شرط کند که شوهرش بر او ولایت نداشته باشد و بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود؟

**ج: چنین شرطی باطل است.**

**س ۱۴۶:** آیا برای عقد دائمی یا موقت باید از حال زن تحقیق کرد که شوهر دار یا در عده نباشد؟

**ج: اگر زن قبلاً در عده بوده تحقیق لازم است وگرنه قول زن، درداشتن شوهر و نبودن**

**در عده قبول می شود.**

**س ۱۴۷:** آیا می توان بر ادعای زنان بی بندوبار در باره این که شوهر ندارند، و حیض و در عده نیستند اعتماد کرد؟

### ج: در چنین مواردی احتیاطاً تحقیق شود.

**س ۱۴۸:** اگر زن ادعا کند که شوهر ندارد اما بینه برخلاف ادعای او باشد کدام یکی مقدم می شود؟

### ج: اگر بینه شرعی اقامه شود، بینه مقدم است.

**س ۱۴۹:** زن سه طلاقه که نیاز به محلل دارد (برای ازدواج مجدد شوهر اول) اگر ادعا کند که در این مدت با مرد دیگری به طوری دائمی ازدواج و طلاق گرفته است. آیا بدون داشتن مدرکی مبنی بر وجود محلل، می تواند دوباره به عقد شوهر اول در آید؟

ج: اگر شوهر قبلی (از سخنان زن اطمینان پیدا کند بر ازدواج دائم و دخول و رضایت محلل برای طلاق، بعد از انقضای عده می تواند ازدواج کند و گرنه تحقیق لازم است.

**س ۱۵۰:** زنی که با او نزدیکی نشده و هنوز باکره است اما سه بار طلاق گرفته است، نیاز به محلل دارد؟

### ج: بله! نیاز به محلل دارد.

**س ۱۵۱:** آیا در صدق محلل، آمیزش (دخول) به اندازه حشفه کفایت میکند یا انزال در فرج زن توسط محلل شرط است؟

ج: دخول به اندازه حشفه کفایت می کند، انزال لازم نیست.

**س ۱۵۲:** اگر زن با استفاده از وسایل جلوگیری یا غیر آن یقین داشته باشد به عدم انعقاد نطفه می‌تواند پیش از پایان ایام عدّه ازدواج کند؟

**ج:** در مواردی که زن باید عدّه بگیرد، عدّه لازم است اگر چه زن بچه دار نشود.

**س ۱۵۳:** زنانی که رحم شان با عمل جراحی بیرون آورده شده، برای ازدواج مجدد نیاز به انقضای عدّه دارد؟

**ج:** اگر صغیره، یائسه و غیره خوله نباشند نیاز به انقضای عدّه دارند.

**س ۱۵۴:** آیا عقد زن حایض صحیح است؟

**ج:** بله!

**س ۱۵۵:** آیا آمیزش و مقاربت با همسر آبستن و بار دار جایز است؟

**ج:** اگر ضرری به زن باردار و بچه اش نداشته باشد جایز است.

**س ۱۵۶:** آیا مرد می‌تواند با زن خود به گونه ای ملاحظه (بازی) کند که تمام مقدمات نزدیکی حاصل شود، منی از مرد خارج شود اما به حد دخول نرسد؟

**ج:** بله! اشکال ندارد.

**س ۱۵۷:** در جامعه امروزی زنان فاحشه و روسپی زیادی وجود دارند که در برابر پول خود فروشی می‌کنند و اعتقادی به صیغه و متعه ندارند:

**الف) ۱۵۹:** آیا متعه چنین افرادی جایز است؟

**ب) ۱۵۹:** در صورت جواز متعه آیا ثوابی هم بر آن مترتب است؟

**ج) ۱۵۹:** آیا برای خواندن صیغه عقد موقت زن از مدت و مهریه باید اطلاع پیدا کند و موافقت خود را با وکالت وکیل اعلام کند با توجه به این که یقین داریم که با وکالت و مدت و مهریه موافق است چون در برابر پول خود فروشی می‌کند؟

**د) ۱۵۹:** با توجه به این که اعتقاد به عدّه ندارند، کسی دیگر پیش از پایان عدّه می‌تواند، صیغه کند؟

**ه) ۱۵۹:** با توجه به این که احتمال دروغ گفتن آنان زیاد است آیا لازم است که از شوهر نداشتن و حیض نبودن آن‌ها سؤال شود؟

**و) ۱۵۹:** اگر باکره باشند و تنها از طریق دُبر و سایر استمتاعات رابطه برقرار می‌کنند، اجازه پدرش لازم است؟

**ز) ۱۵۹:** با توجه به این که یکی از شرایط عقد، قصد انشاء است، قصد انشاء به معنای واقعی کلمه در باره این افراد تحقق نمی‌یابد، وظیفه چیست؟

**ج) ۱۵۹:** جایز است آناکراهت دارد.

**ب) ۱۵۹:** منظور از کراهت در چنین موارد، کمترین ثواب است.

**ج) ۱۵۹:** در مواردی که متعه جایز است عاقد وکیل (هرکه باشد) باید از زن اجازه بگیرد و

مدت و اجرت را معین کند.

د) ۱۵۹: اگر زن مان مورد نظر یا نسد نباشند باید عده نکهد از نذوا کر مرد نذاند که در عده است،

از دواج موقت اشکال ندارد. اما اگر بداند از دواج جایز نیست.

ه) ۱۵۹: به قول آنان می توان اعتماد کرد مگر در خبر دادن از پایان عده وفات شوهرشان.

و) ۱۵۹: در ازدواج دختر با کره بنا بر احتیاط واجب اجازه پدر شرط است.

ز) ۱۵۹: عقد بدون قصد انشاء باطل است.

س ۱۷۰: اگر مردی با زنی از دواج موقت و دخول کند پس از پایان مدت. اما در عده با آن زن ازدواج دائم بکند و پیش از دخول او را طلاق بدهد آیا این زن غیر مدخوله به شمار می آید و کسی می تواند بدون عده نگهداشتن با او ازدواج کند؟

ج: اگر با مردی دیگری ازدواج می کند لازم است که عده عقد موقت تمام شود.

س ۱۷۱: برخی فرموده اند، متعه زانیه مشهوره جایز نیست، منظور از مشهوره چیست؟

ج: زنیکه مردم او را در ازدواج، پای بنده مسائل شرعی نمی شناسند و به این صفات مشهور

است.

**س ۱۴۲:** اگر سیدی زنا کند و بیچه ای متولد شده آیا به سادات ملحق میشود و میتوان به او خمس داد؟

**ج:** به سادات ملحق نمی شود و مستحق خمس نیست.

**س ۱۴۳:** مردی با دختری نامزد بوده، سپس خاله او را عقد و دخول و مدتی با هم زندگی کرده اند، بعد از مدتی دختر نامزد شده را عقد می کند در حالی که خاله دختر به این ازدواج راضی نبوده است. چندین ماه با خاله و خواهر زاده خاله زندگی می کند بعد از آن خاله را طلاق می دهد:

**س ۱۴۳.۱:** زندگی قبلی آنان از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

**س ۲ - ۱۴۳:** اگر خاله راضی به طلاق بوده باشد اما راضی به ازدواج مرد با دختر خواهرش نبوده باشد مسأله چه حکمی پیدا می کند.

**س ۳ - ۱۴۳:** اگر عقد دختر خواهر باطل باشد آیا نیاز به طلاق دارد یا بدون طلاق از شوهرش جدا شود؟

**س ۴ - ۱۴۳:** با توجه به این که دختر خواهر به مسایل شرعی آگاهی نداشته است و حالا که فهمیده، از دواج اشکال شرعی داشته است، مستحق مهریه است یا نه؟

**ج ۱۶۳.۱:** اگر بعد از عقد دختر خواهر خاله از آن عقد راضی نبوده و مخالفت خود را اظهار



کرده باشد، عقد باطل و زندگی شوهر با دختر خواهر زنی حرام بوده است.

ج ۱۶۳.۲: اگر پیش از طلاق دادن خاله، خاله بگوید به ازدواج تو با دختر خواهرم راضی هستم به شرط اینکه مرا طلاق بدی و شوهر هم خاله را طلاق بدهد ازدواج با دختر خواهر، همسر اول صحیح است. اگر قبل از طلاق مخالفت کند و بعد از طلاق رضایت بدهد ازدواج صحیح است. اما باید صبر کند تا زن حیض شود بعداً با او ازدواج کند.

ج ۱۶۳.۳: اگر خاله با ازدواج دختر خواهرش مخالفت کند و رضایت ندهد، عقد دختر خواهر باطل است و نیاز به طلاق ندارد.

ج ۱۶۳.۴: اگر خاله راضی نباشد، دختر خواهر مهرالمثل خودش را مستحق است. اما اگر راضی شود، دختر خواهرش مهرالمستی را مستحق است.

س ۱۷۱۴: تمکین نکردن زن از شوهر چه گونه تحقق می یابد؟

ج: با ترک خانه شوهر بدون عذر شرعی و امتناع از استمتاع شوهر.

س ۱۷۱۵: آیا پرداخت هزینه زایمان زن بر شوهر واجب است؟

**ج: بلدا هزینه زایمان جزء نفقه به شمار می آید.**

**س ۱۴۴:** آیا نفقه زن در زمان بار داری بر شوهر واجب است؟ و اگر او را در حال بارداری طلاق دهد حکم مسأله چگونه است؟

**ج: بلدا چه در طلاق رجعی و چه غیر رجعی فرق نمی کند تا وضع حمل نکند نفقه اش بر شوهر**

**است.**

**س ۱۴۷:** زنی بدون اجازه شوهرش از افغانستان به ایران می آید. دختر خردسالش را همراه خود می آورد. بعد از چند سال، دختر را بدون اجازه پدرش به شوهر می دهد و می گوید عقد در دفتر آیه الله محقق کابلی خوانده شده است. آیا این عقد صحیح است؟

**ج: اگر گرفتن اجازه از پدر دختر ممکن نباشد مثلاً دسترسی به پدر امکان نداشته باشد عقد صحیح**

**است.**

**س ۱۴۸:** با توجه به سؤال پیشین، اگر پدر دختر بعداً به عقد دخترش راضی شود آیا صیغه عقد پیشین کفایت می کند یا دو باره خوانده شود؟

**ج: عقد اول صحیح بوده است نیاز به خواندن دوباره نیست.**

**س ۱۴۹:** وقتی که با همسر ازدواج کردم، همسر از شوهر قبلی خود دختر یک ساله ای داشت که با خود آورد و در خانه من بزرگ شد و به

مدّت پانزده سال من خرج زندگی اش را پرداخت کردم. اکنون بدون اجازه من با پسری دایی اش ازدواج کرده است. آیا من حق دارم هزینه های پانزده ساله را بگیرم و آیا حق دارم او را اکنون از خانه ام بیرون کنم؟

**ج: عقد نکاح دختر صحیح است. چون قربه الی الله بزرگ کرده اید حق ندارید چیزی مطابق کنید البته حالا حق دارید که او را از خانه تان بیرون کنید.**

**س ۱۷۰:** کسی، عقد موقت دختری را بدون اجازه اولیای دختر خوانده است پس از پایان مدّت عقد، اولیای عقد اجازه می دهند آیا این عقد صحیح است؟

**ج: عقد صحیح است.**

**س ۱۷۱:** اگر مردی عقد دختر صغیره ای را با اجازه اولیای دختر، برای پدر بزرگ خود بخواند آیا این عقد صحیح است؟

**ج: اگر به مصلحت دختر بوده باشد عقد صحیح است و محرمیت به وجود می آید.**

**س ۱۷۲:** زنی را برادرانش از خانه شوهرش به خانه خودشان می برد و به او اجازه بازگشت نمی دهد و علی رغم میل زن او را در خانه خود نگاه می دارد. نفقه این زن بر شوهرش است یا بر برادرانش؟

**ج: نفقه بر برادرانش است که مانع بازگشت او به خانه اش می شوند.**

**س ۱۷۳:** دخالت در امور خانوادگی دیگران به قصد فروپاشی چه حکمی دارد؟

**ج:** حرام است.

**س ۱۷۴:** آیا گرفتن گله (شیر بها) جایز است؟ در صورت حرمت گیرنده مالک آن می شود؟

**ج:** اگر بدون رضایت داماد باشد جایز نیست و پدر عروس مالک آن نمی شود.

**س ۱۷۵:** دختری هستم که عمویم مرتکب قتل شده بوده، بعد از جلسات فراوان، برای حلّ دعوی قتل مرا در سن صغارت با اجازه پدرم برای یکی از پسران مقتول عقد می کنند. با توجه به این که، این عقد مفسده دارد، من دیّه و عوض خون مقتول قرار گرفته ام علاوه بر این مهریه ای برای من قرار نداده اند بنا بر این من روزگاری خود را سیاه می بینم، اگر مرا مجبور به ازدواج کنند، خود کشی خواهم کرد وظیفه من در برابر این عقد چیست؟

**ج:** اگر ازدواج تان مفسده دارد بعد از بلوغ می توانید به هم بزنید یا امضا کنید و اگر پدرتان مجبور و مکره به قبول عقد تان شده بوده است، عقد اگر اهی و اجباری باطل است و زوجیت محقق نشده است.

**س ۱۷۶:** کسانی که به خاطر ضعف اقتصادی برای کار گری به خارج می روند احتمال دارد که همسران شان با این مسافرت طولانی مدت موافق نباشند از نظر شرعی این نوع مسافرت چه حکمی دارد؟

**ج:** مسافرت آن با حرام نیست به هر حال نفقه زن بر شوهر است.

**س ۱۷۷:** زنی با شوهرش اختلاف پیدا می کند و با مرد دیگری رابطه برقرار کرده چندین بار از خانه فرار می کند. سر انجام شوهر این زن راضی به طلاق می شود. بعد از طلاق زن یاد شده با مردی که رابطه داشته و فرار کرده بود ازدواج می کند آیا این ازدواج صحیح است؟

**ج:** اگر زن و مرد یاد شده پیش از طلاق مرتکب زنا شده باشند زن بر مرد به طور دایمی

حرام می شود. اگر دخول (آمیزش) محقق نشده باشد زن و مرد تعزیر می شوند و بعد از طلاق و انقضای عده می توانند ازدواج کنند.

**س ۱۷۸:** پسر و دختری با هم ازدواج میکنند بعد معلوم میشود که برادر این دختر با مادر این پسر زنا کرده است آیا عقد این پسر و دختر درست یا باطل؟

**ج:** عقد آن دو تا اشکال ندارد.

**س ۱۷۹:** اگر پسری با زنی ازدواج کند و قبل از دخول پسر آن زن را

طلاق بدهد آیا پدر این پسر با آن زن میتواند ازدواج کند یا نه؟

**ج: ازدواج این زن با پدر این پسر جایز نیست.**

**س ۱۸۰:** اگر زوج عوض شیر بها برای همسرش جهیزیه بگیرد آیا بعد از

مطلقه شدن زوجه این جهیزیه مال زوجه است یا مال شوهر؟

**ج: اگر شوهر آن جهیزیه را برای همسرش به کرده باشد اگر صین آن جهیزیه تلف شده باشد**

**شوهر نمی تواند مطالبه کند و اگر عینش باقی است احوط این است که باز نمی تواند جهیزیه را پس بگیرد**

**اما اگر به نکرده باشد میتواند صین آن را یاد صورت تلف قیمت آن را بگیرد.**

**س ۱۸۱:** در صورت طلاق مصارف عروسی را که داماد متکفل شده است

بدوش کی است از جیب داماد رفته است یا میتواند از پدر زنش پس

بگیرد؟

**ج: آنچه مصرف شده داماد حق مطالبه از پدر زن ندارد مگر اینکه خواهن طلاق زوجه باشد که**

**در این صورت شوهر میتواند در مقابل طلاق خلعی تمام این مصارف را پس بگیرد.**

**س ۱۸۲:** بعد از عروسی هدایا و تحفه های که مردم و آشنایان و

نزدیکان اعم از جنسی و نقدی برای عروس و داماد میدهند این هدایا بزوجه

تعلق دارد یا بزوجه؟

**ج: اگر احراز شود که آن هدایا را برای عروس داده اند مال عروس است و اگر برای شوهر داده مال شوهر است و در موارد مشکوک با هم مصاحبه کنند.**

**س ۱۸۳:** در سال ۱۳۷۷ فرزندی مفقود الاثر شده و مدت پنج سال است که هرچه جستجو کردم تا کنون احوالش معلوم نشده اکنون تکلیف زوجه اش چه میشود؟

**ج: در صورتیکه خانمش یقین به فوت شوهرش داشته باشد بعد از نگه داشتن عده وفات بدت چهار ماه و ده روز میتواند شوهر کند و اگر یقین ندارد و شما از مال شوهرش یا از مال خودت برایش نفقه میدهمید زوجه اش باید صبر کند تا احوال شوهرش معلوم شود و اگر توان انفاق را نداری یکی دو مرتبه دیگر هم اعلان را دیو کنید و مدت یکی دو ماه دیگر فحش کنید اگر پیدا نشد بحاکم شرع مراجعه کنید تا زوجه ایشان را اطلاق دهد که بعد از گرفتن عده وفات میتواند شوهر کند.**

**س ۱۸۴:** در بین ما رسم است که تمام جهیزیه دختر از پول گله تهیه میشود و پدر دختر هیچ خرج را متحمل نمی شود و اگر زن بدون اجازه شوهر بخانه پدر خود برود این جهیزیه مال زن است یا شوهر و آیا مهریه اش را حق دارد یا ندارد؟ در صورتی که زن مهریه را حق داشته باشد اگر چه تنزل قیمت پیدا کرده باشد آیا زن می تواند ما به التفاوت را از شوهر

مطالبه کند یا نه؟

ج: اگر دلا و آن جهیزیه را برای زن به نکرده باشد جهیزیه مال شوهر است و مهریه مال زن است و هر مقدار تنزل قیمت پیدا کرده اگر مهر معجل بوده باید شوهر بطور مصالحه جبران کند و احوط پرداخت بابه التفاوت به جنس است بنابراین اگر زن بدون اجازه شوهر خانه را ترک کند حق نفقه ندارد ولی مهریه اش را حق دارد.

**س ۱۸۵:** اگر فردی قبل از فوت خود همسرش را قیم و وکیل و وصی انتخاب کند و وصیت کند که پس از من قیمومیت و سرپرستی دختران صغیر من بر عهده‌ی شما است پس از گذشت حدود ۱۶ سال از درگذشت آن مرحوم آیا اجازه مادر در ازدواج به عنوان وکیل پدر مرحوم آنان شرط است یا خیر؟

ج: اولاً عنوان وکالت در اینجا معنا ندارد چون وکالت بانفوت موکل باطل می‌شود و اثر ندارد. و ثانیاً برای دختر بزرگه وقتی به سن بلوغ برسد فقط اذن پدر یا جد پدری شرط است اذن مادر هیچ ارزشی ندارد و عقد صحیح است ولو مادر اجازه ندهد.

**س ۱۸۶:** زن گرفتن و زن دادن به اهل کتاب مثل یهودی و مسیحی چه حکم دارد؟



ج: ازدواج زن مسلمان با کفار مطلقاً جواز ندارد. بصورت موقت و نه بصورت دائم، آنگاه مرد مسلمان می‌تواند با زن اهل کتاب بصورت موقت ازدواج کند. آنگاه ازدواج دائمی جواز ندارد.

س ۱۸۷: اگر دختر رشیده بدون اجازه‌ی پدر یا جد پدری در صورتیکه مصلحت خود را تشخیص دهد و با کسی ازدواج کند و بعداً هم پدر یا جد پدری اجازه ندهد حکمش چیست؟

ج: اگر پدر یا جد پدری بعد از عقد دختر بگوید من این عقد را قبول ندارم عقد باطل است.

س ۱۸۸: در بعضی مناطق رسم است که مدت عقد ازدواج را هشتاد یا نود سال می‌گذارند در مسائل میراث و طلاق این حکم عقد دائم را دارد یا حکم عقد منقطع را؟

ج: در مسائل طلاق و میراث باید احتیاط کرد یعنی در صورتی که زن و مرد از هم جدا بشوند هم باید مرد مدت را بنخشد و هم طلاق بدهد. آنگاه میراث ورثه باید با این زن در صورت فوت شوهر یا مرد در صورت فوت زوجه مصالحه کنند.

س ۱۸۹: اگر مردی با زنی که شوهرش مدت زیاد در مسافرت است زنا کرده اگر شوهر این زن را طلاق بدهد با اینکه زنانشان محصنه نبوده است آیا مرد زانی می‌تواند با این زن ازدواج کند یا نه؟

ج: این زن و مرد زانی بر بهر یکر بنا بر احتیاط واجب حرام ابدی شده اند و نمی توانند با هم

ازدواج کنند.

**س ۱۹۰:** دختری با پسری با اجازه‌ی پدر دختر برای ازدواج به توافق می‌رسد و مجلس شیرینی خوری برگزار می‌شود اما وقتی از پدر دختر درخواست اجازه‌ی عقد می‌کنند پدر دختر اجازه‌ی عقد را موکول به پرداخت گله می‌کند و پدر پسر این مبلغ را ندارد با توجه به اینکه دختر و پسر همدیگر را می‌خواهند و پدر دختر هم اجازه مجلس شیرینی خوری را داده اما به خاطر پول اجازه عقد را نمی‌دهد آیا برای خواندن عقد نیاز به اجازه‌ی مجدد عقد از پدر دختر هست یا نه؟

ج: در فرض سوال چون پدر دختر با اصل ازدواج راضی است اما به خاطر پول گرفتار

اجازه‌ی عقد را نمی‌دهد لذا احتیاج به اجازه مجدد از پدر دختر برای اجراء عقد نمی‌باشد.

**س ۱۹۱:** مردی که دارای زن و بچه بوده مدتی مفقود الاثر بوده از نزدیکان شان آمده خدمت حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی ایشان فرموده بوده تا مدت چهار سال در کشورهای همسایه یا هر کشوری که احتمال بودن شوهر را در آن کشورها می‌دهند. بنا به دستور ایشان تنها در کشور ایران ایشان را تفحص می‌کند اثری از او پیدا نمی‌کند همسرش چهار سال صبر نمی‌کند و بدون طلاق و بدون نگه داشتن عده بگفته‌ی آخوند محل

شوهر کرده آیا این عقد و شوهر کردن صحیح است یا نه؟

ج: زنی که همسرش مفقود است اگر یقین به فوت شوهر داشته باشد بعد از نکه داشتن عده به مدت چهار ماه و ده روز می تواند شوهر کند اما در صورت شک اگر مالی از شوهر داشته باشد که از آن مال ارتزاق کند یا کسانی از طرف شوهر برای زن نفقه بدهد باید زن صبر کند تا وضعیت شوهر معلوم شود و آلبه حاکم شرع مراجعه کند. اما اگر بدون عده و طلاق شوهر کرده این عقد باطل و زن بر شوهر دوّم حرام ابدی شده است.

س ۱۹۲: در سوره مبارکه نساء آیه: ۳، چنین آمده است: {فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً...} اشخاص اوّل اطمینان دارند که با تعدد زوجات عدالت را رعایت می کنند و برخی تردید دارند ولی هر دو گروه تعدد زوجات را اختیار می کنند بعد از آن دچار مشکلات عدیده شده و قادر بر حفظ عدالت میان زوجات نیستند که سؤالات ذیل به ذهن خطور می نماید که استدعای جواب دارم.

الف) آیا حکم تکلیفی مستلزم حکم وضعی و بطلان عقود زوجات است یا خیر؟

ج: عبد باطل نمی شود چون امر ارشادی است نه مولوی.

ب) اگر فرض شود که عدالت شرط تعدد زوجات است نه حکم آیا

فساد شرط مستلزم فساد مشروط نیست؟

### ج: عبد باطل نمی شود.

ج) آیا وجوب همخوابی هر چهار شب یکبار و هر چهار ماه یکبار دخول حق الناس است که جلب رضایت لازم و یا حق الله که توبه لازم باشد؟

### ج: حق الناس است و جلب رضایت زوجه کافی است.

د) اگر مردی بدون اجازه همسرش مسافرت کند بیش از چهار ماه آیا سفر او سفر حرام است؟ که روزه واجب و نماز را تمام بخواند یا حتی همخوابی مقید به حضور است و استجازه لازم نیست؟

### ج: حق، همخوابی مقید به حضور است.

ه) اگر داشتن یک همسر بد اخلاق یا چند همسر که داشتن یکزوجه یا زوجات باعث اذیت و آزار پدر و مادر باشد ولو جدا زندگی کنند، که پدر و مادر فرزند را امر به طلاق نماید آیا طلاق دادن واجب است یا خیر؟

### ج: طلاق دادن واجب نیست. مگر اینک ندان طلاق باعث اذیت پدر شود که در این

### صورت طلاق دادن واجب است.

س ۱۹۳: با توجه به قاعده «لامهر لبغی»؛ اگر زنی در حال اضطرار زنا

دهد که شرعاً بغی محسوب نمی‌شود، آیا مستحق مهر المثل می‌باشد یا خیر؟

### ج: اضطرار موجب جواز زنا نمی‌شود در هر دو صورت مستحق مهر المثل نیست.

**س ۱۹۴:** آیا خانواده دختر یا خود دختر لازم است که عیوب که موجب فسخ نکاح نیست - مثلاً - دختر پایش لنگ است یا دو انگشت ندارد یا دستش از مچ قطع شده است این عیوب را به داماد بگویید یا خیر ممکن است ادامه زندگی برای داماد ضربه روحی داشته باشد یا ضرر مالی به داماد وارد شود در صورت طلاق دیگر اینکه یک نوع تشویق بر مخفی کاری برای خانواده های دختر دار نیست؟

### ج: اظهار بیان آن عیوب بر خانواده دختر واجب نیست اگر چه احوط اظهار آن عیب

است و پنهان آن عیوب از داماد و خواستگار جواز ندارد یعنی اگر سوال کنید باید جواب راست را

بگویید.

**س ۱۹۵:** آیا داماد می‌تواند در ضمن عقد نکاح شرط کند مثلاً اگر د دختر دو انگشت نداشت یا یکی از پا هایش لنگ بود یا دستش از مچ قطع بود هر نقص عضوی که موجب فسخ نکاح نیست در صورت طلاق حق مهر نداشته باشد آیا چنین شرط درست است یا خیر؟ در صورت بروز چنین عیبی در دختر عقد باطل می‌شود یا اینکه با طلاق از همدیگر جدا

شود تکلیف مهر چه می‌شود زن حق مطالبه مهرش را دارد یا نه؟

**ج: در فرض سوال این شرط باطل است و اگر شرط کنند که اگر زن "دارای فلان**

**عیب باشد زن بگوید من مہرم رامی، نشم آن شرط صحیح است.**

**س ۱۹۶:** وسایل منزل و جهیزیه دختر که به عهده داماد گذاشته شده است یا به عنوان مهر حاضر است که مال دختر است اگر به عنوان مهر نباشد به دو صورت است:

۱- گفته می‌شود که داماد از دو میلیون تومان - مثلاً - باید وسایل و اثاثیه منزل را تهیه کند طبق قرار داد به عنوان مهر نبوده.

۲- می‌گوید اثاثیه منزل به دوش داماد است بدون تعیین مبلغ آیا در صورت طلاق چه قبل از دخول و چه بعد از آن این وجه نقد یا وسایل و اثاثیه منزل مال چه کسی است؟ به مرد تعلق دارد یا به زن؟

**ج: اگر به عنوان مهر حاضر نباشد مال شوهر است مگر اینک به همسرش بخشیده باشد در این**

**صورت مال زن است.**

**س ۱۹۷:** شرایطی که معمولاً در ضمن عقد از طرف خانواده دختر گذاشته می‌شود:

۱- حق سکنا؛

۲- مطلقه کردن زن خودش را در صورت ندادن خرجی بعد از شش

ماه؛

۳- داشتن حق تحصیل برای دختر.

با توجه به اینکه در ابتداء این شروط را قبول کند دو ماه بعد از خواندن عقد از حرفش بر گردد.

و به دلایلی این شروط را نیز مرد به خانواده دختر اعلام کند که این شرایط را قبول نمی‌کند اگر خانواده دختر رضایت ندارد می‌تواند طلاق بگیرد در صورت پرداخت مهر آیا چنین حق دارد یا خیر؟

**ج: اگر آن شرایط در ضمن عقد لازم دیگر غیر از خود عقد نکاح ذکر شده باشد شوهر حق بهم**

**زدن شرایط را ندارد و الّامی تواند به شرایط عمل نکند مگر اینکه عقد بمنیاً علیه واقع شده باشد.**

**س ۱۹۸:** دختری را چند ماه پیش عقد نمودم وقت اول خواستگاری رفتم دو زن در التّمور مشهد (خراسان) واسطه بود من آن زنهارا نمی‌شناختم کسی دیگری می‌شناخت که به من معرفی کرد که آن شخص نیز شناخت کامل از آن زن نداشته است خودم خوب از آن زن واسطه پرسیدم که دختر چگونه است گفت: بسیار خوب است وقت رفتم دختر را بینم خود دختر با دختری آن زنهای واسطه می‌آمد تا اینکه توجه من به دو طرف جلب شود، توجه من متمرکز به یک طرف نشود به خدا قسم اصلاً متوجه عییش نشدم در فکر این بودم که دختر صد در صد سالم است آیا این تدلیس حساب نمی‌شود؟ ولی دو ماه بعد از عقد متوجه شدم که دختر یک پایش لنگ است. به پزشک مراجعه نمودم می‌گوید هر دو پایش باید

عمل شود انحراف دارد فلج اطفال داشته. آیا این دختر مهردارد در صورت طلاق یا عقد باطل است؟

در صورت حق مطالبه مهر اگر اقدام به طلاق کنم مهرش را پرداخت نمایم آیا در پیشگاه خداوند مسؤلّم و مرتکب گناه شدم با اینکه ممکن است دختر ضربه روحی بخورد به خاطر اینکه عیوبش علنی شده است یا خیر؟

**ج: چون از سلامتی دختر سوال نکرده اید و آنها هم نگفتند که دختر میچگونه عیب و نقص ندارد**

**لذا عقد صحیح است اگر طلاق بدهید نصف مهرش را پرداخت کنید اگر دخول واقع شده باشد.**

**س ۱۹۹:** طبق قرار داد که بین داماد و خانواده دختر در متن قرار داد عقد نکاح ذکر شده است در صورت نقص عضوی که دختر دارد داماد بعد از عقد متوجه می شود داماد اعتراض می کند که من زن سالم می خواستم نه معیوب و بگویند اگر خانواده دختر از من پول نگیرد یا کم کند از مهر حاضر آیا داماد چنین حقی دارد یا خیر؟

**ج: چنین حقی ندارد و اگر دختر با رضایت خود تمام مهر را و یا نصف مهر را به شوهر بخشد**

**اشکال ندارد؟**

**س ۲۰۰:** آیا تدلیس اگر ثابت شود مرد حق فسخ دارد یا خیر راه ثبوت تدلیس چیست؟ تدلیس را معنی بفرمایید.



ج: طرف را طوری تعریف کند که موجب کول خوردن طرف مقابل شود. و در صورتی  
فسخ جایز است که در ضمن عقد لازم عدم آن عیب یادگر شود و یا عقد بمنیاً بر آن خوانده شود.

**س ۲-۱:** پزشکان متخصص، جنون را به معنای اختلالات روانی که موجب می شود شخص، صحیح را از ناصحیح تشخیص ندهد، تعریف کرده اند و آن را به سه قسم اطلاق، ادواری و موقت یا آنی تقسیم می کنند. به عقیده آن ها مجنون اطلاق کسی است که به صورت دائمی و در تمام اوقات جنون دارد. و مجنون ادواری کسی است که به صورت متناوب گرفتار جنون می شود؛ به این معنا که برای یک دوره زمانی - مثلاً - یک هفته یا یک ماه دچار حالت جنون می شود و در دوره زمانی دیگر دارای حالت آفاقه است. و مجنون آنی به کسی اطلاق می شود که برای یک بار و به مدت کوتاه (چند ساعت) به وی حالت جنون دست می دهد.

مستدعی است بیان بفرمایید؛ آیا مفهوم جنون از دیدگاه فقهی نیز منطبق بر دیدگاهی است که پزشکان متخصص ارائه می نمایند و دیدگاه متفاوتی وجود دارد؟

ج: جنون موجب فسخ نکاح عبارت است از اینکه مجنون اوقات نمازهای واجب را

تخصیص ندهد.

**س ۲-۲:** آیا جنون در امور مدنی و کیفری کار کرد یکسانی داشته و از

نظر تأثیر تفاوتی با یکدیگر ندارند و یا تأثیر جنون در امور کیفری و حقوقی (مدنی) با یکدیگر متفاوت است؟

توضیح اینکه؛ بر اساس ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی، جنون در حال ارتکاب جرم - مثل قتل یا زنا - به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است. حال در امور مدنی مثل نکاح یا معاملات نیز تأثیر آن به همین گونه است و به هر درجه ای که باشد موجب فسخ نکاح یا بطلان معامله می‌شود؟

**ج: جنون در امور کیفری و حقوقی فرق نمی‌کند و در امور حقوقی حتی آدم سخیه معاملاتش**

**باطل است تا چه رسد به جنون.**

**س ۲۰۳:** آیا مراتب جنون تأثیری در فسخ نکاح دارد؟ مثلاً اگر شخصی یک ساعت در روز یا چند ساعت در هفته یا ماه مجنون شود، حق فسخ برای طرف مقابل ثابت است؟

**ج: جنون یک ساعت اگر نوع انحاء یا صرع باشد موجب فسخ نمی‌شود باید جنون صدق کند و**

**در جنون فرق بین اطباتی و ادواری نمی‌باشد.**

**س ۲۰۴:** امروزه پزشکان برای تشخیص جنون از اختبارات، آزمایشات و معیار های تعریف شده خاص خود که دارای نورم بین المللی نیز می‌باشد، استفاده می‌کنند. آیا این گونه معیارها از دیدگاه فقه اسلامی و به ویژه فقه

امامیه نیز پذیرفته شده است؟

توضیح این که در فقه امامیه سه علامت برای تشخیص جنون بیان شده است که عبارت است از نشناختن اوقات نماز، عرف، مراجعه به متخصص.

**ج: منظور از جنون همان است که در جواب سوال اول معلوم شد.**

**س ۲۰۵:** در صورت تعارض بین علائم یاد شده، کدام یک مقدم است؟ مثلاً پزشکان بر اساس معیارهای خود شخصی را مجنون می دانند لکن وی قادر به تشخیص اوقات نماز می باشد و یا احیاناً نماز هم می خواند.

**ج: اگر قادر به تشخیص اوقات صلوٰة واجب باشد موجب فسخ نکاح نمی باشد.**

**س ۲۰۶:** به نظر می رسد در تعریف خصاء، دیدگاه واحدی میان پزشکان و فقیهان وجود ندارد زیرا آن چنان که از برخی عبارات فقها بر می آید خصی کسی است که بر اثر کشیده شدن بیضیتین و یا کوبیدگی آن هر چند قدرت بر مقاربت را دارد لیکن انزال نمی شود اما پزشکان معتقدند قدرت انزال نیز وجود دارد ولی قدرت تولید اسپرم و زاد و ولد وجود ندارد.

با توجه به توضیحات فوق؛ اگر کسی به واسطه کشیدن یا کوبیدن بیضه قدرت انزال دارد لیکن قادر بر تولید اسپرم نمی باشد آیا احکام خصاء بر آن مترتب است؟

**ج: خصی همان است که بیضیتین کوبیده شده باشد یا انزاج شده باشد چنانچه فقهاء تعریف**

کرده اند.

**س ۲۰۷:** مفهوم جبّ چیست؟ و میزان در جبّ موجب فسخ نکاح چیست و باید چه اندازه از آلت تناسلی قطع شده باشد تا از موجبات فسخ نکاح محسوب شود؟

**ج:** جبّ به معنای بریده بودن آلت تناسلی می باشد اگر به اندازه مانده باشد که قادر بروطی نباشد حتی به قدر حشفه باقی مانده باشد ملاک قدرت و عدم قدرت بروطی است.

**س ۲۰۸:** اگر آلت به طور مادرزادی به اندازه ای کوچک است که همانند شخص محبوب است آیا چنین موردی نیز به جبّ ملحق می شود؟

**ج:** اگر قادر بروطی نباشد برای فسخ کافی است.

**س ۲۰۹:** اگر شخصی تنها به کمک ابزارهای کمکی پزشکی قدرت بر مقاربت داشته باشد ولی اگر آن دستگاهها را از او جدا کنند فاقد قدرت مقاربت خواهد بود آیا چنین شخصی عین محسوب شده و زوجه اش حق فسخ نکاح را دارد؟ و به تعبیر دیگر آیا توان مقاربت به کمک ابزارهای پزشکی رافع عین می باشد یا نه؟

**ج:** اگر بدون دستگاه قادر به وطی نباشد خیار فسخ برای زوجه ثابت است.

**س ۲۱۰:** هر گاه شخصی نسبت به زوجه خویش تمایل جنسی و نعوظ

ندارد و در نتیجه قادر به مقاربت نمی‌باشد اما نسبت به زنان دیگر هم تمایل جنسی دارد و هم نعوذ، آیا در چنین صورتی حق فسخ نکاح وجود دارد؟

**ج: اگر قادر بروطی نسبت به زنان دیگر باشد زوج حق فسخ ندارد.**

**س ۳۱۱:** همان گونه که استحضار دارید عیوب ویژه زنان که موجب

فسخ نکاح می‌باشد عبارتند از:

- ۱ - قرن؛
  - ۲ - جذام (خوره)؛
  - ۳ - برص (پیسی)؛
  - ۴ - افضا؛
  - ۵ - زمین‌گیری؛
  - ۶ - نابینایی از هر دو چشم. برخی نیز زمین‌گیری و لنگی (عرج) را دو امر متفاوت می‌دانند که در مجموع هفت علت خواهد بود.
- در این زمینه پرسش‌های ذیل مطرح است:
- الف - دلیل اختصاص عیوب شماره ۲، ۳، ۵ و ۶ به زنان چیست و چرا اگر همین عیب‌ها در مردان باشد زن حق فسخ نکاح را نداشته باشد؟

**ج: ادله اختصاص این عیوب به زوج در جلد ۱۴ و سائل چاپ قدیم ابواب عیوب و**

**التدلیس ذکر شده است.**

ب - آیا علت حق فسخ در عیوب برص و جذام، مسری بودن

آنهاست؟ و در صورتی که سرایت در مورد آنها وجود نداشته باشد آیا باز هم حق فسخ وجود دارد؟

**ج: در برص و جذام چه مسری باشد چه نباشد موجب فسخ است و معلوم نیست سرایت علت این حکم باشد. و ماتبع دلیل هستیم.**

ج - بر اساس اظهارات پزشکان، در حال حاضر می توان بیماری جذام را چند سال قبل از آن که علائم آن آشکار شود، از طریق آزمایش خون تشخیص داد.

پرسش این است که اگر در هنگام عقد، وجود بیماری و علائم قطعی آن به وسیله آزمایش مشخص شود، آیا حق فسخ وجود دارد؟

**ج: اگر در هنگام عقد مرض جذام بروز نکرده باشد ولو مکروب آن در بدن موجود باشد و لکن تا زمان عقد بروز نکرده است نمی تواند عقد را فسخ کند.**

د - همان گونه که مستحضرید افضا به نظر مشهور فقها، یکی شدن مجرای بول (ادرار) و حیض است و جمعی از فقها یکی شدن مجرای حیض و غائط (مدفوع) را بر آن افزوده اند و برخی نیز یکی شدن هر سه مجری را افضا محسوب داشته اند. پزشکان نیز معتقدند چون پارگی و از بین رفتن و یکی شدن، مربوط به پرده ها و جدارهای داخلی دستگاه می باشد، یکی شدن هر سه مجری نیز ممکن است. با عنایت به توضیحات

فوق، آیا در تمامی انواع افضاء حق فسخ وجود دارد؟

**ج:** اگر مجرای بول و حیض یکی بشود یا مجرای حیض و غائط یکی بشود موجب فسخ می‌شود.

هـ - طبق اظهارات پزشکان مطلع و متخصص، افضا گاه منشأ مادرزادی دارد و گاه بر اثر حوادث و یا دخول و آمیزش تحقق می‌پذیرد. آیا در تمامی موارد آن حق فسخ ثابت است؟

**ج:** اگر افضا منشأ مادرزادی یا بر اثر حوادث باشد، در صورتیکه نخواهد از هم دیگر جدا بشود احتیاطاً با

**طلاق جدا شوند و فسخ هم بکنند.**

و - با عنایت به این که برخی روایات<sup>۱</sup> عرج و لنگی زن را موجب فسخ نکاح شمرده، بفرمایید: آیا مقصود، آن قسم از لنگی است که موجب زمین گیری کامل شود یا اگر لنگی آشکار باشد هر چند به حد زمین گیری هم نرسد موجب فسخ است و یا اصولاً هر نوعی از آن که در عرف، لنگی محسوب شود، موجب فسخ نکاح است؟

**ج:** مراد لنگی بین و آشکارا و لوله حد زمین گیری نباشد و لکن احتیاط در این است که اگر به حد

**اتحاد زمین گیری نرسد در صورت جدایی طلاق بدهد و هم فسخ کند.**

ز - در صورتی که مقدار برص کم باشد و آن هم در اعضای ظاهری

۱. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۳۴.

بدن که موجب انزجار و تنفر می شود، نباشد آیا باز هم حق فسخ ثابت است؟

**ج: برص موجب جواز فسخ است مطلقاً موجب انزجار و تنفر باشد یا نباشد.**

ح - نابینایی باید در چه حدی باشد که از موجبات فسخ به حساب آید و آیا شامل کم بینایی شدید هم می شود؟ چنانچه با عینک به اندازه ای که بتواند زندگی را اداره کند، می بیند اما بدون عینک نمی تواند، آیا موجب فسخ نکاح است؟

**ج: نابینایی عبارت است از کوری که اصلاً چیزی را نبیند شامل کم بینایی نمی شود هم چنین شامل شب کوری که در شب نبیند و در روز ببیند هم نمی شود.**

ط - آیا قرن موضوعیت دارد یا هر عیبی که مانع از نزدیکی و مقاربت است (مانند عفل، رتق، اشکالات ساختمانی مادر زادی مجرای تناسلی و افتادگی رحم) موجب حق فسخ است؟

**ج: قرن همان عفل است که گوشت یا غده یا استخوانی که مانع از و طبی بشود موجب فسخ است اما اگر مادر زادی باشد احتیاطاً طلاق هم بدید.**

**س ۲۱۳:** اگر عیوب منصوص قابل درمان باشند آیا تأثیری در حق فسخ

دارد؟



### ج: قبل از درمان می‌تواند فسخ کند اما بعد از درمان فسخ نمی‌تواند.

**س ۲۱۳:** در صورتی که یکی از عیوب موجب حق فسخ وجود داشته باشد ولی قبل از عقد و یا بعد از عقد و قبل از مقاربت و دخول به طور کامل درمان شود آیا حق فسخ وجود دارد؟ اگر به شکل ناقص درمان شود چگونه؟

### ج: از جواب قبلی معلوم شد و درمان ناقص حق فسخ را از ایل نمی‌کند.

**س ۲۱۴:** با عنایت به این که ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی هزینه درمان را جزو نفقه محسوب داشته است، بیان بفرمایید: در صورتی که عیوب موجب فسخ نکاح قابل درمان باشد و زن بخواهد عیوب خود را درمان کند، آیا هزینه درمان آن در دو صورت متعارف بودن و غیر متعارف بودن هزینه، برعهده مرد است؟ یا با توجه به حق فسخ داشتن مرد، تکلیفی بر عهده ندارد؟ و آیا موردی که درمان به سهولت و در زمان کوتاه انجام شود با موردی که به دشواری و در دراز مدت انجام شود، حکم واحدی دارند؟

### ج: اگر مرد نخواهد فسخ کند درمان آن برعهده مرد است و فرق بین موارد دشواری و سهولت

### آن نمی‌باشد اگر مرد نخواهد درمان کند حق فسخ دارد.

**س ۲۱۵:** در مورد عیوب جدید یا غیر منصوص در کدام یک از موارد

زیر حق فسخ نکاح وجود دارد:

الف - عیوبی که نه از طریق مقاربت به طرف مقابل سرایت کند و نه از طرق دیگر و خطری را متوجه فرزندان که از آنان متولد می‌شوند نیز نمی‌سازد، اما بیماری و عیب مزبور به گونه‌ای است که به واسطه نیاز به پرستاری زیاد یا تنفر و امثال آن ادامه زندگی را برای طرف مقابل دشوار ساخته و موجب عسر و حرج می‌گردد؟

### ج: اگر تحمل بیماری زن برای مرد عسر و حرج داشته باشد زن را می‌تواند طلاق بدهد.

ب - عیب و بیماری که نسبت به طرفین یا یکی از آنها یا طرفین و فرزندان آنان مسری است که گاه موجب مرگ کسانی که با او در ارتباطند می‌شود و گاه سلامتی آنان را دچار مخاطره می‌سازد مثلاً ایدز که هر چند ممکن است با استفاده از کاندوم و امثال آن در هنگام مقاربت از سرایت آن جلوگیری کرد ولی استفاده از وسایل شخصی یکدیگر یا ریش تراش و تیغی که او استفاده کرده است و... موجب سرایت می‌شود، و یا بیماری سفلیس و سوزاک از بیماری‌های مسری مقاربتی محسوب می‌شوند. آیا در این گونه موارد حق فسخ وجود دارد؟

ج - عیوب و بیماری‌هایی که نسبت به فرزندی که از آنان متولد می‌شود مسری است و موجب ناقص الخلقه شدن یا ابتلای فرزند به امراض لا علاج و یا صعب‌العلاجی می‌شود که موجب عسر و حرج فرزند و والدین او می‌شود و یا موجب مرگ فرزند در رحم یا پس از مدت زمانی اندکی بعد از تولد می‌شود، آیا در چنین مواردی حق فسخ وجود دارد؟

ج: در تمام موارد مذکور در این بند اگر نخواهد از زوجه جدا شود باید طلاق بدید، بختنمین است

جواب بند (ج).

س ۲۱۵: از دواج موقت با زنان اهل کتاب و یا مسلمان به اصطلاح آزاد باشد، آن‌ها با تیپ و روش خود زندگی کنند تکلیف انسان در این مورد چیست؟

ج: وظیفه شما امر به معروف و نهی از منکر است اگر تاثیر نگردیش از آن وظیفه ندارید

ولی صلاح نیست باز نهایی که مسائل شرعی را رعایت نمی‌کنند از دواج کنید.

س ۲۱۶: اگر مردی زوجه متعهی خود را بدون لعان قذف به زنا دهد و یا نفی ولد کند آیا سبب حرمت ابدی او می‌شود یا خیر؟

ج: در فرض سؤال حرمت نمی‌آورد.

س ۲۱۷: اگر زوج معسر بود و به تکلیف دادگاه ملزم به پرداخت مهریه به صورت قسطی شد، با توجه به این که امروزه مهریه‌ها بالا است و پرداخت قسطی آن هم سال‌ها طول می‌کشد تا تمام شود، آیا با این وجود با فرض باکره بودن و عدم واقعه زن حق دارد تا پایان قسط آخر تمکین نکند؟

ج: در فرض سؤال قبل از موافقه زن حق امتناع دارد تا نصف مهریه را از زوج بگیرد و

بعد از تحقق موقفه، زن حق امتناع ندارد و شوهر موظف است به اقساط مهریه را پرداخت نماید.

س ٢١٨: منذ اكثر من عشرين عاماً اعتدى على ولد بالغ جنسياً و عمرى بين ٣ سنوات و ٤ سنوات دون ان يراه احد فطبع على ذاكراتى منظر الاعتداء. وبعد بلوغى فهمت الحادثة فانتابنى الهم و الغم و الحزن و الخوف من الناس و خصوصاً اولاد الحارة اصبحت مرعوباً من هذا الشخص و اهرب منه خوفاً من ان يفضحنى فهو ناقص قليلاً عقلياً و كذلك فاسد الاخلاق و نشأت محملاً و مكبلاً بالعقد النفسية و الاحساس بالنقص و لكن رغم ذلك وفقنى الله و احرزت شهادة عالية و عملاً حسناً و الحمد لله و منذ سنتين (بعد استبصارى بقليل اصبح منظر الاعتداء يكاد لا يفارقنى انام و اصحى عليه فلازمنى الهم و الكدر و عدم الثقة فى النفس و عطلى فى القيام بعملى و عبادتى و تحضير رسالة الدكتوراه و فى بعض الاوقات اياس من حياتى و اتمنى الموت بالرغم من التوسل الدائم بالائمة (ع) و الدعاء لله سبحانه و تعال و كرهت بلدى و اصبحت اخاف من رجوعى اليها فى الاجازات مع اشتياقى الكبير لامى و اهلى سيدى ارجو منكم بحق الحسين (ع) ان تنصحونى و تجيبوا اسئلتى فى اقرب وقت:

١- هل لى ذنب فى الاعتداء على؟

ج: ليس عليكم ذنب لانكم غير مكلف حين التعدى لان الصبى مرفوع القلم.

٢- هل هناك طريقة التخلص من هذه الوسواس القاتلة و نسيان الماضى

الاليم؟

ج: اذا لم تكن عاصياً فلا وجه للوسواس و الاضطراب و تذكر الله تعالى ليطمئن قلبك كما قال الله تعالى: «الاذكر الله تطمئن القلوب».

۳ - هل يمكن البوح لأُمِّي و اهلي هذا السر ليقفوا الى جانبي للخروج من هذه الحالة القاتلة؟

۴ - هل يجوز عرض نفسي على طيب نفساني؟

ج: لا بأس فيه مع حفظ سرّك.

۵ - هل هناك علاقة بين استبصاري و هذه الوسوس؟

ج: نعم العلاقة موجودة بينهما.

۶ - هل الزواج حلّ؟

ج: نعم الزواج مع المرأة المسلمة بالعقد الصحيح لا بأس به.

۷ - اعرف ان القتل حد للملاوط ولكن انا قاصر آنذاك كيف اخذ حقي من هذا الشخص الملعون؟ أقتله؟

ج: لا تقتله بغير اذن الحاكم الشرعي «فان اجراء الحد

يتوقف على اذن الحاكم الشرعي»

**س ۲۱۸:** شخصی است که نفقه زن و اولاد های خود را به مدت چند سال نداده است آیا این زن و اولادها می توانند که عوض نفقه های گذشته را از آن شخص مطالبه نمایند یا خیر؟ آیا آن نفقه های گذشته در ذمه آن مرد دین می باشد یا نه؟

ج: نفقه زن دین است و ذمه شوهر و اگر زن نفقه فرزندانش را داده باشد حق مطالبه نفقه

**نذارو و اگر قرض کرده باشد و مصارف فرزندانش را داده باشد اداء دین بر پدر واجب است.**

**س ۲۱۹:** مردی بعد از گرفتن همسری متعه ای و عمل مقاربت، مسافرت می کند وقتی از مسافرت بر می گردد می بیند که همسری که متعه کرده بود حامله است، شک می کند که این حمل از او است یا نه؟ و سخنهای نظیر اینکه: (خدا می داند چه کار کرده ای معلوم خواهد شد که این حمل از من است یا از کسی دیگر - منظورش مدت اقصی حمل است - معلوم نیست که این حمل از کیست؟) و در عین حال هم با همین خانم مقاربت داشته است. و بعد از هشت و نیم ماه هلالی - از آخرین مقاربت - فرزند کامل به دنیا می آید.

آیا با وجود این حرفهای مرد در زمان رجوع از مسافرت در زمان حمل و متعه ای بودن عقد، قذف ثابت می شود یا نه؟ و حرفهای یاد شده قبل از حمل و بعد از حمل اثر شرعی دارد یا نه؟ اگر نفی ولد یا حمل و قذف بدون لعان ثابت شود آیا زن متعه ای بر شوهر حرام ابدی می شود؟

**ج:** در فرض سوال بیچ اشکال در زوجیت این زوجین به وجود نیامده و فرزند هم ملحق به

همین پدر است چون لعان به واسطه قذف زوجه به زنا است با ادعای شوهر مشاهده تحقق زنا

او باز در لعان دوام نکاح شرط است لذا بیچ اشکالی در زوجیت اینها ایجاد نشده است.

**س ۲۲۰:** در بعضی مناطق بعضی از سادات عقد سیده را به غیر سید اهانته به سادات می‌دانند و این عقد را جائز نمی‌دانند حکم مسئله را بیان فرمائید.

**ج:** عقد سیده به غیر سید جائز است البته اگر آن غیر سید مسلمان باشد و مخصوصاً شیعه هم باشد از نظر شرع امانت هم گفته نمی‌شود.

**س ۲۲۱:** در بعضی مناطق بین سادات این امر به قدری اهمیت دارد که اگر یک سید به غیر سید دختر بدهد یا دختر خود سرانه برود با غیر سید ازدواج کند ممکن است حتی آن دختر و پسر را بکشند یا تنها شوهر را بکشند باز هم عقد سیده به غیر سید جائز است یا نه؟

**ج:** عقد سیده به غیر سید اگر از نظر دین و مذہب هم کفو باشد جائز است و در طول تاریخ علماء و فقہا شیعه و مراجع تقلید چنانچه اکنون هم در ایران و عراق شاهد این مسئله هستیم که دختران شان را با اینکه خودشان از سادات صحیح‌الذنب هستند به غیر سادات تزویج کرده اند لذا وظیفه علماء و روحانیت این است که این حکم شرعی را ترویج و تبلیغ کنند و انکار حکم شرعی عالملاً و عاملاً حرام و در بعضی موارد موجب ارتداد است.

**س ۲۲۲:** اگر سیدی وصیت کند که دخترم را به غیر سادات ندهید چون

به نظر شخص موصی ازدواج سیده به غیر سید جایز نیست آیا عمل به این وصیت واجب است یا نه؟

**ج:** عمل به این وصیت چون برخلاف شرع است زنها واجب نیست بلکه جواز هم ندارد اگر ندادن مبنی بر حرمت ازدواج باشد.

**س ۲۲۳:** اگر مردی بزنش از روی عصبانیت بگوید اگر این کارها را انجام بدهی تو جای مادرم باشی آیا با این کلمات ظهار تحقق پیدا میکند؟

**ج:** ظهار تحقق پیدا میکند.

**س ۲۲۴:** اگر مرد از روی عصبانیت بزَن خودش بگوید مادر تو را فلان کنم یا پدر تو را فلان کنم آیا این حرف یک گناه است یا کفاره و حکم دیگر هم دارد؟

**ج:** البته فحش و دشنام نسبت به هر کس حرام است و لکن کفاره ندارد فقط باید استغفار نماید.

**س ۲۲۵:** کسی بازن شوهر دار زنا کند و شوهر این زن را طلاق بدهد این زن بر شخص زانی حرام ابدی شده است آیا برادر زانی می‌تواند با آن زن ازدواج کند یا نه؟

**ج:** ازدواج برادر زانی با این زن اشکال ندارد و این زن غیر از عده طلاق که از شوهر می‌گیرد عده دیگری ندارد و بعد از اكمال عده طلاق می‌تواند شوهر کند.



**س ۲۲۶:** حدود ۸ ماه قبل دختری را با مهریه ۱۱۰ عدد سکه تمام بهار آزادی به عقد خویش در آوردم و بعد از عقد متوجه شدم که همسر من نسبت به من به هیچ وجه علاقه نداشته و ندارد و به جهت طمع به مهریه بی علاقه‌گی خویش را نسبت به من و علاقه مندی خویش را به دیگران اظهار داشته است (وبه گفته خودش او به تحمیل و زور والدین و اطرافیانش به عقد من در آمده است) در اثر همین بی علاقه‌گی به من و علاقه مندی به فرد دیگر نسبت به من ناشزه بوده و هرگز روی خوش نشان نداده است و برای اینکه مرا کنار بزند با فرد دیگر به صورت تلفنی ارتباط برقرار کرده است و اظهار داشته که مانسبت به همدیگر علاقه مندیم و به این صورت تعهد اخلاقی خود نسبت به شوهر شرعی‌اش را زیر پا نهاده است. افزون بر این متوجه شدم که قبل از این که به عقد من در آید نیز از خانه پدرش فراری بوده است تا جاییکه نسبت به باکره بودنش شک دارم و ضمن اینکه گفته اند که قبلاً به عقد راضی نبوده اند. حال با توجه به سابقه بدشان و اینکه نامش در بین مردم بد در رفته است اگر بنخواهم او را طلاق بدهم در آن صورت آیا به ایشان مهریه تعلق می‌گیرد یا خیر اگر تعلق می‌گیرد مهر المثل تعلق می‌گیرد یا مهر المسمی؟

**ج:** در فرض سؤال اگر دختری چنین سابقه‌ی بدی داشته است که حتی بین مردم مشهور

شده باشد و شامخبر داشته‌اید و بکارت نداشته باشد حق مهر المسمی ندارد و فقط نصف مهر المثل زن شیه

راد فرض طلاق حق دارد یعنی عرفاً این چنین زن با چنین اوصافی چه مقدار مهریه حق دارد  
ایشان هم همان مقدار مهریه حق دارد این در صورت عدم دخول است و اگر دخول تحقق یافته  
باشد تمام مهر المثل یک زن یتیمه را حق دارد.

## احکام اولاد

**س ۱:** اگر شوهری معتاد بمواد مخدر باشد و زوجه خود را طلاق بدهد با توجه به اعتیاد این شخص آیا حق حضانت اولاد ایشان بعد از دو سال در پسر و هفت سال در دختر باز حق مادر است یا به پدر یا جد پدری؟

**ج:** اگر پدر صلاحیت سرپرستی فرزندان را نداشته باشد حضانت آنها با مادر است.

**س ۲:** اگر پدر اطفال فوت کند آیا حق حضانت پسر بعد از دو سال و حضانت دختر بعد از هفت سال مال مادر اطفال است یا باجد پدری؟

**ج:** حضانت مال مادر اطفال است ولو شوهر هم بکند.

**س ۳:** چهار سال قبل برادرم فرزندی را به عنوان فرزندی از من گرفت چون برادرم اولاد نداشت من هم بدون قید و شرطی دادم فقط گفتم مبادا اذیت و آزار کنی او هم قبول کرد اکنون من بچه ام را از او گرفتم ولی ادعا نفقه چهار ساله بچه ام را دارد آیا چنین حقی دارد یا نه؟

**ج:** در صورتیکه با شما قرار داد نفقه را در صورت پس گرفتن بچه با برادرت نداشته امی حق

کرفتن نفقه گذشته بچه را از شما ندارد و در حال وی بچه شما هست می‌توانید بچه خود را از برادرت پس

بگیرید.

## احکام رضاع

**س ۱:** اگر زن عمو به مدت تقریباً سه هفته به انسان شیر بدهد و بعد از دنیا برود آیا به مرتضع فرزند رضاعی صدق می‌کند و آیا دختر مرتضعه می‌تواند با خواهر زاده مرتضع ازدواج کند؟

**ج:** بله! فرزند رضاعی صدق می‌کند (در صورتی که تمام شرایط رضاع موجود باشد) و ازدواج

دختر مرتضعه با خواهر زاده مرتضع مانعی ندارد.

**س ۲:** اگر نامادری انسان کودکی را شیر بدهد آیا آن کودک به انسان محرم می‌شود؟

**ج:** اگر از شیر پدر انسان بخورد و شرایط رضاع تحقق پیدا کند محرم می‌شود اما اگر از شیر پدر

انسان نخورد رضاع موجب نشتر حرمت نمی‌شود.

**س ۳:** آیا شوهر می‌تواند شیر همسر خود را بخورد؟

ج: اقوی جواز نوشیدن است.

س ۴: کسی که فرزندی ندارد، دختر بیست روزه را به فرزندی قبول می‌کند این دختر چه گونه به او محرم می‌شود؟

ج: اگر دختر یاد شده را خواهر یا زن برادر انسان با تحقق شرایط رضاع شیرده محرم می‌شود.

س ۵: خانمی که پسری را شیر کامل داده است آیا می‌تواند خواهر زاده مرتضع را برای پسرش عقد کند؟

ج: بله! می‌تواند.

## احکام طلاق

**س ۱:** آیا در طلاق خلع با ثابت شدن نشوزیت زن، مال الخلع با رضایت شوهر تعیین می‌گردد؟

**ج:** بله! بدون رضایت شوهر صحیح نیست.

**س ۲:** اگر شوهر در برابر مال معینی مکره به طلاق شود چه حکمی دارد؟

**ج:** طلاق مکره باطل است.

**س ۳:** در مناطق که زنان و دوشیزگان (دختران) مالکیت ندارند، مال الخلع را چه کسی به شوهر پرداخت می‌کند؟

**ج:** زن باید مال الخلع را بدهد از هر کسی که قرض می‌کند.

**س ۴:** زن بعد از طلاق خلع پشیمان می‌شود آیا مرد حق رجوع دارد، اگر عده پایان یافت باز حق رجوع دارد؟

ج: مرد پیش از پایان عده حق رجوع دارد اما بعد از آن ندارد و می‌تواند به عقد جدید دوباره

ازدواج کنند.

س ۵: اگر مرد، زنش را طلاق مبارات بدهد و زن به بذل رجوع کند آیا مرد حق رجوع دارد؟

ج: بله!

س ۶: آیا زن حامله را در طهر موافقه می‌توان طلاق داد؟

ج: بله!

س ۷: اگر زن در کشور دیگری باشد و امکان تحقیق از عادت ماهانه زن وجود نداشته باشد تحقیق لازم است؟

ج: اگر امکان دارد باید تحقیق شود.

س ۸: مبلغی را که داماد به عنوان شیر بها به دختر یا پدر دختر می‌دهد، اگر دختر حاضر به ازدواج نشد آیا داماد حق دارد که شیر بهارا پس بگیرد؟

ج: اگر دختر حاضر به ازدواج نباشد و عقد هم خوانده شده باشد می‌تواند پس بگیرد. اما اگر عقد

خوانده شده و زن حاضر به ادامه زناشویی نیست باید داماد را با مهر مبلغی که خواهد راضی کنند تا طلاق



بدره

**س ۹:** اگر وکیل شوهر، در حضور خود شوهر، زنش را طلاق بدهد اما زن و شوهر، هردو یا یکی از دو شاهد را عادل نداند، بعد از طلاق وظیفه شوهر چیست؟

**ج:** طلاق باطل و زوچیت باقی است. طلاق باید در حضور دو شاهد عادل اجرا شود.

**س ۱۰:** اگر زن تمکین نکند و شوهر به او نفقه ندهد و او در عسر و حرج بیفتد، به دستور حاکم شرع طلاق بگیرد، این طلاق، از کدام نوع طلاق است؟

**ج:** اگر حاکم جامع شرایط طلاق داده باشد این طلاق رجعی است.

**س ۱۱:** زن و مردی که سالها باهم زندگی کرده‌اند و مشکلی نداشته‌اند، بر اثر دخالت خانواده زن، مرد مجبور به طلاق همسرش می‌شود، آیا مرد می‌تواند هزینه عروسی را از خانواده زن پس بگیرد و آیا مهریه ساقط می‌شود؟

**ج:** اگر مرد راضی به طلاق نباشد، می‌تواند طلاق را مشروط به بازپس‌گیری هزینه عروسی و

شیربها و نشیدن مهریه بکند.

**س ۱۲:** زنی که بچه دار نمی‌شده، همسرش او را به مدت پنجسال ترک

می‌کند. زن از طریق دادگاه طلاق می‌گیرد آیا این طلاق صحیح است؟

**ج:** اگر مجبری طلاق عدالم و منضوب از سوی مجتهد جمیع الشرائط باشد، طلاق صحیح

است.

**س ۱۳:** زنی که طلاق داده شده به خاطر جهالت و بی سوادی حضانت دختر زیر هفت سالش را به شوهرش (پدر دختر) واگذار کرده است، آیا اکنون این زن می‌تواند حق حضانت دخترش را پس بگیرد و اگر بگیرد می‌تواند نفقه دخترش را از پدر دختر بگیرد؟

**ج:** بله! حق دارد که دختر را و نفقه اش را تا هفت سالگی بگیرد.

**س ۱۴:** آیا کسی می‌تواند بعد از طلاق گله (شیر بها) را پس بگیرد؟

**ج:** اگر گله را بدون رضایت دانا گرفته باشد می‌تواند پس بگیرد و آنگاه اگر همه کرده باشد یا به

عنوان جاله داده باشد نمی‌تواند پس بگیرد. اگر برای پدر دختر همه کرده باشد او از ذوی الارحام

نباشد و صین پول موجود باشد می‌تواند پس بگیرد و گرنه نمی‌تواند پس بگیرد.

**س ۱۵:** بر اثر دخالت‌های مادر و ناپدری همسر، اختلافات خانوادگی ما اوج گرفت و علیه من در دادگاه شکایت کردند. به خاطر نداشتن اقامت به افغانستان رفتم بعد از یکسال به ایران بازگشتم، متوجه شدم که خانم در غیاب من از کسی که خود را حاکم شرع می‌خواند طلاق گرفته است و در

طلاقنامه چهار نفر از اقوام خانمم به عنوان شاهد امضا کرده‌اند. اگر طلاق خلاف شرع بوده باشد می‌توانم از شهود شکایت کنم؟

**ج:** اگر زن ناشنیده بوده، طلاق دادن او بدون اجازه شوهر جایز نیست. اما اگر شوهر بدون

**عذر شرعی از پرداخت نفقه خودداری کند، طلاق توسط حاکم شرع اشکال ندارد.**

**س ۱۴:** در شب زفاف بعد از نزدیکی (آمیزش) شوهرم به من تهمت زد و چنان آبرو ریزی راه انداخت که آبرویم در محله رفت. پدرم از غصه آبرو ریزی به بیماری سرطان مبتلا و دق مرگ شد، فردای آن شب به پزشکی قانونی رفتیم تا مسأله را روشن کند. نتیجه آزمایش نشان داد که شوهرم به من تهمت زده و بی جهت آبرویم را در محل برده است اکنون چند سؤال دارم:

۱-۱۶: از نظر شرعی تهمتی که شوهرم به من زده چه حکمی دارد؟

۲-۱۶: با اتفاقی که پیش آمده است من در عسر و حرج قرار گرفته‌ام یا

نه؟

۳-۱۶: دیگر با شوهری که به من تهمت زده و آبرویم را برده است

حاضر نیستم زندگی کنم آیا می‌توانم طلاق بگیرم؟

۴-۱۶: من درخواست طلاق داده‌ام آیا می‌توانم مهریه‌ام را بگیرم؟

۵-۱۶: شوهرم حاضر به طلاق نیست آیا می‌توانم طلاق بگیرم؟

**ج:** تهمت زدن حرام است. اگر تهمت زنا باشد باید به تهمت زننده سلاق زده شود.

چون اختیار طلاق به دست شوهرتان است، اگر به شما نفقه بدهد هیچ کس نمی تواند شوهرت را مجبور به طلاق شما بکند. اگر می خواهید طلاق بگیری باید شوهرت را رضی شود. از طریق بخشیدن مهریه و پرداخت پول و اگر شوهر شما رضایت خود، شمارا طلاق رجعی بدهد می توانید مهریه خود را هم بگیری.

**س ۱۷:** اگر زن و شوهری به توافق برسند که زن مهریه و حقوق خود را به شوهر ببخشد بشرطی که شوهر زن را طلاق خلعی بدهد و شوهر هم قبول کند اما بعد از طلاق معلوم شود که شوهر زن را طلاق رجعی داده است نه طلاق خلعی آیا این طلاق صحیح است یا نه؟

**ج:** اگر شوهر بعد از این توافق به مجری طلاق گفته باشد که طلاق را رجعی بخواند و او هم طلاق را رجعی خوانده است طلاق صحیح است ولی زوجه می تواند مهریه و سایر حقوق خود را که در مقابل طلاق خلعی به شوهر بخشیده بوده از شوهر پس بگیرد و آنها اگر شوهر به مجری طلاق گفته طلاق را خلعی بخواند و او طلاق را رجعی خوانده است طلاق باطل است.

**س ۱۸:** مردی پس از چند سال زندگی مشترک با همسرش سفاهت بر او عارض شده است به گونه که خوب و بدش را تشخیص داده نمی تواند و همسرش خواستار طلاق و جدای از شوهرش می باشد آیا وکیل مجتهد در امر وجوهات و امور حسبه می شود او را طلاق دهد یا نه؟

### ج: طلاق داده نمی‌تواند.

**س ۱۹:** اگر چند نفر در عسر و حرج بودن زنی، شهادت بدهند. آیا می‌تواند طلبه ای آن زن را طلاق بدهد؟ یا اینکه این صلاحیت را فقط مجتهد دارد؟

### ج: این صلاحیت را مجتهد دارد و یا کسی که مجتهد در آن امور او را اذن داده باشد.

**س ۲۰:** زنی با موافقه شوهرش غرض مهمانی در خانه پدرش رفته است ولی پس از گذشت مدتی، همان زن از برگشتن به خانه‌اش سر باز زده است و بالاخره پدر آن زن و برادرش با جنجال آفرینی متقاضی طلاق شده و کارهای شانرا به محکمه دولتی ارجاع داده که پس از دعوا و جنجال، محکمه حل قضیه را رسماً به دفتر حضرتعالی در کابل ارجاع داده است که آنجا حل شود شوهر این زن به هیچ وجه حاضر به طلاق دادن زن خود نیست ولی در جریان دعوا بعضی از جوانان از عوام الناس با پا در میانی خود قضیه را به صورت اصلاحی چنین فیصله نموده است: یا زوجه در کنار زوجش جداگانه زندگی کند و از زندگی فامیلی با پدر و برادر شوهرش فاصله بگیرد، یا زوج، زوجه خود را طلاق بدهد ولی اختیار یکی از این دو را به دست زوجه باشد، اکنون زوجه طلاق می‌خواهد زوج به هیچ عنوان طبق این فیصله اصلاحی طلاق نمی‌دهد. آیا طبق این فیصله، زوج ملزم به طلاق دادن زوجه است یا نه؟

ج: در فرض سؤال زوج ملزم به طلاق همسرش نیست اگر شوهر حاضر باشد که نفقه همسرش را بدهد و اگر قدرت دارد خانه جدا بگیرد در این صورت به چکس حق ندارد شوهر را ملزم به طلاق کند.

س ۳۱: آیا شرعاً اختیار طلاق به دست زوج است یا به دست زوجه؟

ج: اختیار طلاق به دست زوج است.

آیا شرعاً چنین فیصله ای مدار اعتبار است یا نه؟

ج: فیصله کسانی که آشنایه مسائل شرعی نیستند، اعتبار ندارد و از اینکه اختیار طلاق را به دست زن داده است این فیصله برخلاف شرع است.

س ۳۲: مردی با زنی ازدواج موقت نموده و بعد از انقضای مدت و در زمان عده او را به عقد دائم خود در می آورد و قبل از دخول وی را مطلقه می نماید. آیا در این طلاق، زن، حکم مطلقه غیرمدخوله را از حیث عده، رجوع و مانند آن دارد یا حکم طلاق زن مدخول بها را دارد؟ آیا حکم عده، حق رجوع، نفقه و سایر آثار طلاق را بیان فرماید.

ج: در فرض سؤال طلاق غیرمدخوله است و حکم آن این است که این زن نه عده طلاق دارد و نه شوهر حق رجوع چون طلاق بائن است. اما اگر کسی دیگر بخوابد با او ازدواج کند

## آن عده عقد موقت باید تمام بشود تا او را عقد کند.

**س ۲۳۳:** زنی داشتم در سال گذشته می خواستم طلاق بدهم ولی زنم راضی به طلاق نشد، هرچه اصرار کردم که بیا برویم قم تا شمارا طلاق بدهم قبول نکرد در آخر من مجبور شدم به تنهایی آمدم قم و از حضرت تعالی پرسیدم که زنم حاضر به گرفتن طلاق نمی باشد لذا با من نیامد، و شما فرمودید وقتی زن شما حاضر نمی شود طلاق رجعی است نیاز به آمدن زوجه نیست و دستور [به طلاق] دادید و طلاق هم در بین نماز مغرب و عشا جاری شد. آیا چنین طلاقی صحیح است یا باطل؟

## ج: طلاق صحیح است و اشکالی در آن نمی باشد.

**س ۲۱۴:** شخصی در ایران ازدواج نموده بعد از چند سال همراه زن و دختری که داشته به افغانستان در یکی از ایالات که ملک پدری او بوده مراجعت می کند، و می ماند بعد از مدتی زنش را همراهی دخترش در خانه پدر زن خود که در کابل بوده آورده، می گذارد خودش دو باره در منطقه که ملک پدریش بوده بر می گردد بعد از آن سه سال است که از او خبری نیست زنش هنگامی که شوهرش او را در خانه پدرش گذاشته حامله بوده و دختری دیگری هم دارد فعلاً مدتی سه سال یا بیشتر است که پدر سالخورده با آن وضعیت که شهر کابل دارد تمام مخارج دخترش و نواده اش را می دهد؛ سؤال این است که تکلیف و سرنوشت این زن چیست؟ آیا همچنان بدون سر نوشت، بار دوش پدرش بماند و یا اینکه راه شرعی

دارد؟

ج: در فرض سوال اگر زن یقین به فوت شوهر ندارد از زمانیکه شوهر رفته تا چهار سال صبر کند و در جاهایی که احتمال وجود شوهر می رود فحص و تحقیق کند اگر پیدا نشد به حاکم شرع مراجعه کند تا او را طلاق دهد و اگر می داند که شوهرتان زنده است به شوهر ابلاغ کنید توسط دو نفر عادل که یا نفقه زن را بدهد و یا طلاق دهد اگر شوهر از نفقه و طلاق خودداری کند آن دو نفر عادل در نزد حاکم شرع شهادت بدهند تا حاکم شرع زن را طلاق دهد و زن حق دارد مصارف آینده دخترش را از شوهرش بگیرد.

**س ۲۵:** اگر زوجه یا ثسه باشد و مقداری از مهریه خود را برای شوهر ببخشد و شوهر هم او را طلاق خلعی بدهد و در بین عده زن رجوع نکند به آنچه بذل کرده آیا مرد حق رجوع دارد؟

ج: در صورتیکه زن یا ثسه باشد رجوع شوهر صحیح نیست و شوهرش حق دارد عوض خلع را

ندهد.

**س ۲۶:** اگر مردی با پرداخت تمام مهریه زن خود را طلاق دهد و نامه ای امضاء کند که به زنش رجوع نکند آیا حق رجوع شوهر با این امضاء



ساقط می‌شود یا نه؟

ج: جواز رجوع مرد بزوجه‌اش حکم شرعی است و قابل استقاط نیست امضاء و قرارداد او

این حکم را از بین نمی‌برد.

س ۲۷: طلاقى که حاکم از ناحیه عسر و حرج زن می‌دهد آیا از

مصادیق طلاق بائن است یا رجعی؟

ج: طلاق ولأی مثل باقی طلاقتهاست در بعضی موارد رجعی است و در بعضی موارد بیان

است.

س ۲۸: زوج به زوجه وکالت مطلقه داده است که خود را مطلقه نماید

و یا ضمن عقد خارج لازم حق عزل وکیل از موکل ساقط شده است آیا

زوج می‌تواند بدون مورد وکالت را شخصا انجام و زوجه را مطلقه نماید؟

یا اینکه چون این اقدام به منزله عزل وکیل است زوج چنین اختیاری ندارد؟

ج: در فرض سؤال اشکال ندارد چون متعلق وکالت هم همان طلاق بوده که خود شوهر قبل

از اقدام وکیل آن را انجام داده است بنابراین طلاق صحیح است.

## احکام عده

**س ۱:** کسی زنش را طلاق خلع یا مبارات می دهد، پیش از انقضای عده شوهر فوت می کند، آیا زن عده طلاق بگیرد یا عده وفات؟

**ج:** چون طلاق باین است، عده طلاق بگیرد.

**س ۲:** اگر کسی، زنش را طلاق رجعی بدهد و در ایام عده فوت کند، وظیفه زن چیست؟

**ج:** زن از هنگام فوت شوهر عده وفات بگیرد.

**س ۳:** مردی، دختر صغیره اش را به عقد مردی درآورده، پیش از آن که دختر به بلوغ برسد، شوهرش می میرد. آیا لازم است عده وفات بگیرد؟

**ج:** بله!

**س ۴:** پسر نابالغی به واسطه پدر یا جد پدری با دختر بالغه ای ازدواج می کند، اما پیش از رسیدن به بلوغ فوت می کند آیا عده وفات بر زن لازم است؟

## ج: بله!

**س ۵:** آیا عقد زن در زمان عده (عده وفات یا انواع و اقسام طلاق) جایز است. اگر نیست موجب حرمت ابدی می شود؟

ج: عقد زن در حال عده مطلقاً جایز نیست. اگر جابل به حکم یا موضوع بوده اند عقد باطل است اما موجب حرمت ابدی نمی شود. اگر دخول تحقق یافته است، موجب حرمت ابدی می شود، همچنین اگر زن و مرد یا یکی از آن ها بدانند که عقد در حال عده حرام است، موجب حرمت ابدی می شود. فرق نمی کند که عده وفات باشد یا طلاق.

**س ۶:** اگر مردی، با زنی که در عده وفات یا طلاق است، زنا کند بعداً می تواند با او ازدواج کند؟

ج: اگر زن در عده طلاق رجعی باشد. بنا بر احتیاط واجب، حرام ابدی می شود. اگر در عده وفات یا طلاق باین باشد حرام ابدی نمی شود اگر چه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند.

**س ۷:** زن در عده وفات حق نفقه از ما ترک شوهر دارد یا نه؟

ج: ندارد.

## احکام مهریه

**س ۱:** مردی، زنش را طلاق داده پیش از طلاق همه وسایل و زینت آلات او را به زور می‌گیرد، در این صورت آیا زن حق مطالبه دارد؟

**ج:** اگر آن‌ها از مهریه خود یا پدرش خریده است می‌تواند مطالبه کند اما اگر شوهرش خریده

باشد حق مطالبه ندارد.

**س ۲:** زن و شوهری بیست سال پیش ازدواج کرده و مهریه زنش مبلغ پنج هزار افغانی، معادل قیمت یک رأس گاو بوده است. اکنون چه مبلغی همسرش به عنوان مهریه بدهد؟

**ج:** بیست سال قبل پنج هزار افغانی هر مقدار آرد، کندم و غیره می‌شد حالا آن مقدار

پول بدهد که آن مقدار آرد یا کندم شود یا به قیمت گاو مصاحه کنند.

**س ۳:** در چه مواردی مهریه از گردن شوهر ساقط می‌شود؟

ج: زن مهریه اش را بختد یا یکی از عیوب، همگانه (دیوانگی، خوره، برص، کوری، زینگری، افضا، گوشت یا استخوان مانع مقاربت در فرج زن) در زن وجود داشته باشد، مرد حق دارد، عقد را فسخ کند و اگر دخول صورت نگیرد باشد زن حق مهر ندارد اما اگر دخول صورت گرفته باشد زن تمام مهر را حق دارد.

س ۴: جنابعالی که گرفتن شیربها را جایز نمی دانید اگر پدر دختر فقیر باشد و توانایی تهیه جهیزیه را نداشته باشد، دختر هم بدون جهیزیه حاضر به ازدواج نشود راه جواز پول گرفتن از داماد چیست؟

ج: راه های حلیت و جواز پول گرفتن از داماد:

الف: داماد شیربهارا به عروس یا پدر عروس بدهد.

ب: شیربهارا جزء مهریه عروس قرار بدهد و عروس آن را به پدرش بدهد.

ج: از طریق بحاله، پدر عروس به داماد بگوید که عروس را رضی به ازدواج نمی شود اما اگر فلان

مبلغ پول به من بدهی او را رضی به ازدواج باشم می کنم.

س ۵: آیا زن می تواند در صورت پرداخت نشدن مهریه اش از سوی

داماد از او تمکین نکند؟

**ج:** بلی در ابتدای تواند تمکین نکند ولی بعد از دخول تمکین نکردن جایز نیست زن باید به شوهر مهلت بدهد هرگاه تمکین مالی پیدا کرد، مهریه را پرداخت کند.

**س ۴:** هرگاه شخصی در اثر اضطرار شدید مانند احتیاج شدید به پول برای نجات جان خود و فرزندانش، علیرغم میل باطنی و عدم طیب نفس تن به زنا دهد، آیا مستحق مهر المثل و ارش البکاره در صورت بکارت این دو مفهوم خواهد بود و یا مشمول «لامهر للبعی» خواهد بود؟ در هر حال وضعیت پولی را که دریافت داشته چگونه خواهد بود؟

**ج:** در فرض سؤال زن مستحق مهر المثل و ارش البکاره نمی باشد پولی را که از مرد دریافت کرده است اگر بخشیده باشد باید به او پس دهد.

**س ۷:** اگر زوج معسر باشد و به تکلیف دادگاه ملزم به پرداخت مهریه به صورت قسطی شد، با توجه به این که امروزه مهریه‌ها بالا است و پرداخت قسطی آن هم سالها طول می کشد تا تمام شود، آیا با این وجود با فرض باکره بودن و عدم مواجهه، زن حق دارد تا پایان قسط آخر تمکین نکند؟

**ج:** در فرض سؤال قبل از مواجهه زن حق امتناع دارد تا تمام مهریه را از زوج بگیرد، و بعد

از تحقق مواته، زن حق امتناع ندارد و شوهر موظف است به اقباط مهریه را پرداخت کند.



## احکام مفقود الأثر

**س ۱:** مردی به مدت چهار- پنج سال است که مفقود الاثر گردیده است. زندگی و مرگ او معلوم نیست. آیا همسرش می‌تواند ازدواج کند؟

**ج:** اگر زن یقین دارد که شوهرش زنده نیست بعد از عده وفات می‌تواند ازدواج کند. اگر یقین به فوت شوهر ندارد و نفقه‌اش از مال شوهر یا خانواده شوهرش پرداخت می‌شود باید تا ده سال صبر کند. اگر نفقه‌اش پرداخت نمی‌شود، به حاکم شرع رجوع کند. حاکم شرع به مدت چهار سال به او مهلت و فرصت تفحص و جست‌وجو می‌دهد. اگر پیش از رجوع به حاکم شرع و بدون دستور او تفحص و جست‌وجو کرده باشد. اکنون به دستور حاکم شرع چند ماه جست‌وجو می‌کند. اگر پیدا نشد حاکم شرع به ولی مفقود الاثر دستور می‌دهد که زن را طلاق بدهد. اگر نداد، ولی را مجبور به طلاق می‌کند. اگر طلاق نداد، خود حاکم زن را طلاق می‌دهد. زن بعد از طلاق وعده

## وفات می‌تواند ازدواج کند.

**س ۲:** خانمی که شوهرش مفقود شده، هنوز فاتحه شوهرش برگزار نشده ازدواج کرده آیا این ازدواج صحیح است؟

**ج:** اگر پیش از طلاق توسط حاکم شرع یا پیش از پایان عده، عقد کرده باشد و دخول هم تحقق یافته باشد زن برای شوهر دوم حرام ابدی شده است.

**س ۳:** گاهی میان زن و شوهر بگو و مگو و دعوا می‌شود. زن به خانه پدر یا برادرش می‌رود. اگر شوهر به دنبالش برود او را به خانه راه نمی‌دهند. شوهر مجبور می‌شود که برای کار به شهر و دیار دیگر برود. در غیاب شوهر، خانواده زن به دادگاه شکایت می‌کند و می‌گویند شوهر چندین سال مفقود الاثر است و زن نفقه دریافت نمی‌کند. دادگاه به سخنان آنان ترتیب اثر می‌دهد و زن را طلاق می‌دهد آیا این گونه طلاق دادن صحیح است و زن می‌تواند با کس دیگری ازدواج کند؟

**ج:** در فرض سوال طلاق محکوم به بطلان و زوجیت باقی است.

**س ۴:** مردی در حدود سی سال پیش از خانه‌اش گم شده و هنوز کسی اطلاعی ندارد که زنده است یا مرده، همسرش چند سال پیش ازدواج کرد. اکنون برادران و خواهران مرد گمشده برسر میراث او دعوا و مشاجره دارند - در حالی که شایعه زنده بودنش است - می‌توانند زمین و مایملک او را

تقسیم کنند؟

**ج:** اگر اطمینان و علم به مردن او نداشتند تا ده سال صبر کنند و بعد از ده سال حاکم شرع اموال مرد گذشته را در میان ورثه اش تقسیم می‌کند.

**س ۵:** زنی که شوهرش در زمان طالبان در جنگ مفقود الاثر می‌شود. هنوز هیچگونه خبری از او نیست، خرج زندگی او و دو فرزندش را پدر این خانم داده است. آیا می‌تواند نفقه خود را از پدر شوهرش بگیرد و آیا او می‌تواند ازدواج کند؟

**ج:** اگر یقین به فوت شوهرش دارد بعد از عده وفات می‌تواند ازدواج کند. اگر یقین ندارد در صورتی که خانواده شوهر نفقه اش را می‌دهد صبر کند تا یقین به فوت شوهر پیدا کند. اگر نفقه نمی‌دهند شش ماه دیگر نیز صبر کند بعد از آن با مراجعه به حاکم شرع طلاق خود را بگیرد و بر پدر شوهر واجب است که نفقه نوه پسر خود را بدهد اما نفقه عروس بر او واجب نیست.

**س ۶:** مدت سه سال است که شوهرم مفقود الاثر شده است بعد از آنکه شوهرم مفقود شد - (در ایران) و تا کنون اطلاعی از او نداریم - برادر شوهرم مرا به خانه خودش برد و مبلغ نهصد هزار تومان پول دستمزدم را از من گرفت اکنون نه پولم را می‌دهد و نه متکفل هزینه زندگی‌ام می‌شود علاوه بر این مبلغ هفتصد هزار تومان بدهی شوهرم را پرداخت کرده‌ام که

البته بخشی از این هفتصد هزار از فروش وسایل خانه شوهرم تأمین شده است. البته شایعه‌ای وجود دارد که شوهرم فوت کرده و برادرش او را شناسایی کرده اما به خاطر هزینه زیادی که داشته خود را معرفی نکرده است. اکنون وظیفه من چیست؟

**ج:** برادر شوهر شما باید پول شما را بدهد. پولی را که بابت بدی شوهرت داده‌ای می‌توانی از مال شوهرت برداری. چنانچه فوت کرده باشد می‌توانی از اصل مال شوهرت برداری.

**س ۷:** زنی که چندین سال از مفقود الاثر شدن شوهرش در جنگ می‌گذرد با چه شرایطی می‌تواند ازدواج کند؟

**ج:** اگر یقین به فوت شوهرش دارد، چهار ماه و ده روز عده نگه‌دارد، بعد از آن شوهر می‌تواند و اگر یقین ندارد به دستور حاکم شرع به مدت چهار سال جست و جو کند و اگر شوهرش پیدا نشد به دستور حاکم شرع طلاق داده می‌شود و بعد از پایان عده می‌تواند ازدواج کند.

**س ۸:** مردی، مدت ده سال است که مفقود شده همسرش بدون اجازه حاکم شرع ازدواج کرده است این ازدواج چه حکمی دارد؟

**ج:** اگر بعد از ده سال (چهار ماه و ده روز) عده وفات گرفته و بعد ازدواج کرده باشد اشکالی

ندارد.

**س ۹:** زنی که شوهرش در جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران مفقود الاثر شده و تمام قراین و شواهد بر شهادت شوهرش دلالت می‌کند، اگر این زن با مرد دیگری ازدواج کند و بعد از مدتی همسرش از اسارت حکومت بعثی عراق آزاد شود، وظیفه این زن چیست؟

**ج:** اگر زن یادشده به دستور حاکم شرع طلاق داده نشده باشد، از شوهر دوم جدا شود و زن

همسر اولش می‌شود.

## احکام غضب

**س ۱:** آیا استفاده از اموال دوستان با علم به رضایت صاحب اموال جایز است؟

**ج:** با علم به رضایت جایز است و اشکال ندارد.

**س ۲:** اگر کسی علم به رضایت دوستش نداشته باشد می‌تواند در اموال او تصرف کند با امید این که بعداً از او اجازه می‌گیرد؟

**ج:** اگر علم به رضایت مالک ندارد تصرف جایز نیست.

**س ۳:** آیا تصرف در مال امانت پیش از کسب اجازه از صاحب آن جایز است؟

**ج:** پیش از تصرف باید اجازه بدو گرفته شود و تصرف جایز نیست.

**س ۴:** کسی که خاک و گِل خانه خود را از زمین دیگران آورده و خانه ساخته است در حالی که صاحب خاک و گِل راضی نیست، نماز خواندن و روزه گرفتن در آن خانه چه حکمی دارد؟

## ج: نماز در آن خانه باطل است چون غضبی است امروزه اش اشکال ندارد.

**س ۵:** با توجه به سؤال پیشین، صاحب خانه ای که با خاک و گِل غضبی ساخته شده است از سوی ورثه اموات برا خواندن نماز و گرفتن روزه قضایی اجیر می شود آیا درست است؟

ج: نماز در خانه غضبی باطل است. کارهای مستحبی در خانه یاد شده ثواب خود را دارد. اما

**تصرف در مکان غضبی گناه هم دارد.**

**س ۶:** شهرک در ده سبز کابل چهار سال قبل احداث گردیده، و تعداد سه هزار نمره زمین برای ساختن خانه رئیس مربوطه به مردم فروخته است تا کنون نزدیک ۱۰۰ خانه درست و صاحبان آن ساکن شده اند، بقیه همه در حال خراب شدن و تعطیل است و رئیس شرکت چندین مرتبه اعلانیه برای مشتریان داده است اگر زمین های تان را خانه درست نکنید و کوچ نیابید، به احتمال قوی - نظر به موقعیت که این شهرک دارد - از دست می رود هیچ اثر نکرده است. لذا رئیس شرکت مقرر ذیل را به دست اجراء گرفته که هرکس و هر خریدار که فوراً درست کند و کوچ بیاید از همان نمرات فروخته شده برایش می دهد و هر وقت صاحب اولی بیاید از جای دیگر برایش می دهد به این دلیل که موقعیت از دست نرود؛ آیا این عمل او شرعاً جایز است؟ آیا می تواند کسانی که نمره خود را بدل می کند از جای خوبتر بگیرد؟

ج: در فرض سؤال مبادله زمین بدون اجازه مالک آن جایز نیست. مگر اینکه بعد از ارضی بشود در غیر این صورت تصرف در آن زمین حرام و غضب است.

س ۷: دو نفر در بین خود نزاع دارند آنها نزد مو سفیدان و ملاها میروند آنها هدایت می دهند که همسایه های قریه را جمع کنید یکی را بنام شاهد یکی را بنام مصلح مجلس تشکیل می دهند مرکب از پنجاه شصت نفر چند شبانه روز در آنجا بسر می برند، انواع مصارف را بر آنها تحمیل میکنند بعضی اوقات دعوا را فیصله می کنند و در بعضی موارد بدون فیصله بر میگردند آیا غذا خوردن در چنین مجالسی چه صورت دارد؟

ج: اگر صاحبان خدایات داشته باشند مانعی ندارد و الا جایز نیست.

س ۸: بدون اجازه صاحب زمین، بر زمین او حسینیه ساخته اند. آیا این کار صحیح است و نماز خواندن در حسینیه برای کسانی که از غضبی بودن آن اطلاع دارند، چه حکمی دارد؟

ج: ساختن حسینیه و مانند آن بر زمین غضبی حرام و نماز در آن باطل است. اگر رضایت صاحب زمین با پول و... به دست می آید باید رضایت او را جلب کنند و گرنه باید حسینیه را خراب کنند.

س ۹: کسی که در کارخانه نخریسی نگهدارنده و اجازه داشته است که



ضایعات نخ‌ها را برای خودش بفروشد اما او نخ‌های سالم را دزدیده و با ضایعات مخلوط کرده و فروخته است. کس دیگری نخ‌ها را خریده و گلیم بافته و سال‌ها بر آن نماز خوانده است حالا متوجه شده است که گلیم با نخ مخلوط بافته شده است وظیفه خریدار نخ و بافنده گلیم و نمازگزار چیست؟

ج: نمازهایی که پیش از علم پیدا کردن به غضبی بودن نخ خوانده شده است اشکالی ندارد. اما بعد از آن که فهمید که نخ‌های غضبی در گلیم بافته شده بدون رضایت مالک نخ حق تصرف ندارد و اگر جلب رضایت مالک نخ امکان ندارد، قیمت نخ‌های غضبی را با اجازه حاکم شرع از سوی صاحب نخ صدقه بدهد.

س ۱۰: چشمه آبی داریم مشترک بین چهار نفر که این آب از قدیم مورد استفاده ما بوده اما شخص پنجم که از این آب جز خوردن هیچ حق دیگری نداشته چند سال قبل با زور و قدرت در اطراف این چشمه غرس نهال کرده است که این عمل از طرف صاحبان چشمه منع شده ولی صاحب نهال اعتنا نکرده است و به چشمه ضرر کلی وارد کرده است حکم مسئله چیست؟

ج: صاحب نهال که غضباً نهال را غرس کرده است باید نهال‌ها را از ریشه بکند تا بیش از

## این باعث ضرر برای صاحبان چشمه نشود.

**س ۱۱:** در زمان جنگهای داخلی بین علماء و خانها جنگ شد و اموال خانها را تصرف کردند و مابین خودشان تقسیم کردند و مردم هم از آن اموال غنیمت می خریدند آیا خریدن مال های غنیمت شده جواز داشته یا نه؟ یا کسانی که تا هنوز مال های غنیمت بدست آورده در خانه های شان باقی است چه حکم دارد؟ گرچه خانها بالای مردم ظلم می کرده و زیاد پایبند به دین نبوده.

## ج: آن غنیمت مشروعیت ندارد و واجب است به صاحبانش برگردانند.

**س ۱۲:** اگر پدر دختر پولی را از داماد به عنوان گله گرفته باشد بعد داماد حق تقاص دارد یا نه؟

## ج: اگر داماد آن مال را مهر دختر قرار نداده باشد یا بخشیده باشد به اکراه و اجبار از داماد گرفته باشد

## داماد میتواند تقاص کند.

**س ۱۳:** اینجانب یک میل اسلحه داشتم و در یک زمانی مجبور به مخفی کردن آن شدم اسلحه را پنهان کردم ولی سه نفر مرا تعقیب کرده و اسلحه را از زیر خاک پیدا کردند و فروختند زمانی من متوجه شدم که یکی از آن سه نفر کشته شده بود و دو نفر دیگر باقی مانده بود از آن دو نفر اسلحه را استفسار کردم. در جواب گفتند که آن شخص که کشته شده است اسلحه را

گرفت و ربطی به ما ندارد ولی برادر اینها می‌گوید اسلحه را هر سه نفر با هم فروختند.

حالا سؤال این است که هر سه نفر در پیدا کردن و ربودن اسلحه شریک بودند و بر فرضی که فروش اسلحه توسط یک نفر یا هر سه نفر باشد حکم مسئله چیست؟

اگر بر فرضی که فروش اسلحه توسط مقتول باشد آیا میشود از اقرباً ایشان قیمت اسلحه را گرفت؟

**ج:** اگر هر سه نفر غضب اسلحه شریک بوده اند آن دو نفری که زنده هستند باید اسلحه شمارا بدهد و لو در واقع اسلحه را شخص مقتول فروخته باشد آن دو نفر می‌توانند ورثه مقتول را مجبور کنند تا از اصل مال ایشان قیمت اسلحه را به شما بدهند اما بر اقرباً ایشان واجب نیست. تا از مال خودشان نتوان اسلحه را بدهند.

**س ۱۴:** چشمه آبی بوده و طبق شهادت بسیار از مردم زمین و آب مذکور متعلق به اجداد و آبای یک قوم خاص بوده زرع و کشت آنرا سالها جمع آوری و تصرف میکرده است ولی چند سال قبل شخصی دیگری آن را با زور و قدرت و پرداخت رشوه تصاحب کرده درخت غرس کرده و کشت و زراعت میکند اکنون تکلیف شرعی ما همسایگان از نظر معاشرت و استفاده از آب و نان و حاصلات اشجار زمین موصوف چگونه است؟

ج: اگر شخص مذکور نزد مدرك مالکیت ارائه نکند زمین مال مالکان سابق خود است و این شخص غاصب است اما استفاده همسایگان از حاصلات آن زمین با اجازه شخص دوم که زارع و غارس درخت است اشکال ندارد چون خود غاصب مالک زرع و اشجار است اگر چه بر غاصب اجرت المثل زمین واجب است که بصاحبان اصلی زمین بپردازد اما از آب غصبی نباید برای وضو و غسل استفاده کنند مگر با اجازه صاحبان اصلی آن چشمه.

## احکام ذبح

**س ۱:** گوشت مرغی که از کشورهای غیر اسلامی در بازار مسلمین میاید و مردم نمیدانند که ذبح شرعی شده یا نه؟ ولی مردم بدون توجه می خورد آیا خوردن این گوشتها چگونه است.

### ج: این گوشتها حرام است و خوردن آن جائز نیست.

**س ۲:** کارگرانی در کشور استرالیا در کشتارگاه مرغداری مشغول کارند. مرغها در این کشتارگاه توسط دستگاه ذبح می شوند. ولی برای اجرای ذبح شرعی صبح که دستگاه روشن می شود یک نفر نام خدا را به زبان می آورد و تاظهر دستگاه به همان ذکر کار می کند. بعد از ظهر دو باره کار به همین منوال تکرار می شود. علماء اهل سنت خوردن این گوشتها را جایز دانسته اند. تکلیف ما در این قضیه چیست؟ با توجه به اینکه امکان ذبح بادت هم برای کارگران آن کشتارگاه امکان دارد آیا خوردن این گوشتها برای آنان جایز است؟ آیا کاردر این کشتار گاه اشکال دارد؟

ج: خوردن آن گوشتها حرام و اکل میثمی باشد کار کردن در آنجا چون موجب نجاست

بدن و لباس می شود اگر در وقت نماز تطهیر تواند اشکال ندارد.

**س ۳:** کار میوه چینی در یک باغ در استرالیا با اینکه می دانیم انگورهایی را که ما جمع می کنیم در کارخانه شراب سازی برده شده و شراب ساخته می شود چه حکمی دارد؟ البته با توجه به اینکه اگر ما این کار را انجام ندهیم کسانی دیگر آنرا انجام خواهند داد. آیا کارکردن در چنین باغی جایز و پول آن حلال است؟

**ج:** کار کردن در باغ و چیدن انگور اشکال ندارد، اگر چه بدانند که آنرا شراب درست

می کنند.

**س ۴:** با چاقوی استیل ذبح جواز دارد؟

**ج:** جواز ندارد و باید قبح با صید باشد.

**س ۵:** ناصبی کیست و ذبیحه آنان چه حکمی دارد؟

**ج:** ناصبی کسی است که به حضرت علی (ع) و سایر ائمه دشمنی و کینه داشته باشد و پیوسته

آنان حرام است.

**س ۶:** کسی که حیوانی را با تسمیه ذبح کند اما می بیند که برآمدگی گلوی حیوان به طرف بدن آمده است. دوباره در حال حیات حیوان ذبح می کند و برآمدگی به طرف سر می رود اما تسمیه را فراموش می کند آیا

گوشت این حیوان حلال است؟

ج: اگر تسمیه فراموش شود، نجس صحیح و گوشت حلال است.

## احکام صید

**س ۱:** اگر صیدی مورد اصابت گلوله تفنگ قرار بگیرد اما صید فرار کند و صیاد آن صید را تعقیب کرد اما صید از نظر صیاد غائب شد و در میان کوه و دره پنهان شد بعد از چند ساعت یا بعد از یکروز صید مرده پیدا شد آیا این صید حلال است یا حرام؟

**ج:** احکام شکار با اسلحه در صفحه ۵۵۶ توضیح المسائل اینجانب مفصلاً بیان شده که با پنج شرط حیوان حلال و پاک است. و اگر صید از نظر صیاد غائب بشود در صورتیکه صیاد سعی و کوشش کرده باشد که خود را به صید برساند ولی نتوانست به صید برسد و در حالی رسیده باشد که صید مرده باشد با آن شرائطی که در توضیح المسائل ذکر شده است حلال است.



## احکام مال مجهول المالك

**س ۱:** کسی مبلغی پول پیدا کرده و به مدت ده - دوازده روز اعلام کرده اما مالک اصلی پیدا نشده، آیا می تواند برای خانواده یا خودش مصرف کند؟

**ج:** اگر مبلغ پیدا شده نشانی داشته باشد باید تا یکسال اعلام کند هر کسی که نشانی را گفت مال او

است. اما اگر مبلغ یاد شده نشانی نداشته باشد مثلاً اسکناس باشد بدون کدام نشانی و ارزش آن

کمتر از یک درهم باشد می تواند ملک کند و یار و مظالم بدهد. اگر ارزش آن بیشتر از یک درهم

باشد از طرف صاحبش صدقه بدهد.

**س ۲:** در زمان کنونی که مسافرت مردم از شهری به شهر دیگر زیاد و آسان شده و مردم نیز در یک محل جمع نمی شوند که اعلام اشیای گمشده را بشنوند. آیا باز هم اعلام لازم است آن هم به مدت یکسال؟

**ج:** اگر یابنده یقین دارد که صاحب اشیای گمشده پیدانمی شود و نشانی هم ندارد می تواند با

اجازه حاکم شرع صدقه بدهد و اگر نشانی دارد و احتمال پیدا شدن آن هست باید تا یکسال اعلام کند اگر پیدا نشد بعد از آن صدقه بدهد.

س ۳: آیا با مال مجهول المالک می توان ظرف برای کارهای خیر، خرید؟

ج: با اجازه حاکم شرع ایرادی ندارد.

س ۴: مردم مال مجهول المالک را به من می دهند آیا من می توانم (دو ثلث) آن را به فقرا بدهم و یک ثلث آن را برای خودم مصرف کنم؟

ج: اگر وکیل هستید می توانید.

س ۵: شخصی مبلغ چهار هزار افغانی بر ذمه ام داشت و به مسافرت رفت و برایم سفارش کرد که پولم را برایم بفرست و وقتی فرستادم هیچ اثری از او نبود و وارث هم ندارد تا رد کنم تکلیف من چیست؟

ج: تا زمانی که از مالک یا یوس نشده اید امانت را نگه دارید و وقتی یا یوس شدید بحاکم شرع تسلیم کنید یا با اجازه او از طرف صاحبش صدقه بدهید.

## احکام حریم

**س ۱:** مردی در پشته زمین کشاورزی خود در حدود چهار کیلومتر بالاتر از چشمه قریه، کاریزی کنده است که هیچ ضرر و زیانی به آب چشمه و عبور و مرور اهالی قریه ندارد. با این حال اهالی قریه می‌گویند یا ما را در آب کاریز شریک می‌کنی یا کاریز را کور می‌کنی، اما صاحب کاریز هیچ کدام را قبول ندارد حکم مسئله چیست؟

**ج:** اگر کاریز در حریم قریه خور شده باشد و ضرر و زیانی به آب چشمه قریه نداشته باشد کسی حق اعتراض و مانع شدن ندارد. اما اگر در حریم قریه باشد و مزاحمت برای اهالی قریه ایجاد کرده باشد بدون اجازه و رضایت همه اهالی قریه جایز نیست.

**س ۲:** مردم به طور معمول در پشته عقارشان تصرفان مالکانه می‌کنند به گونه‌ای که دیگران نمی‌توانند در پشته دیگران تصرف کنند آیا این مسئله مجوز شرعی دارد؟

ج: در پشته تاجایی که حریم زمین به شمار می آید غیر از مالک آن، کسی دیگری حق تصرف ندارد. اگر خارج از حریم زمین آنها حریم قریه باشد بدون اجازه اهل قریه، کسی حق احیای آن را ندارد. اگر خارج از حریم قریه باشد هر کسی می تواند آن را احیا کند.

س ۳: از حدود شصت سال پیش، از چشمه کوچکی که در گوشه‌ی زمین پدرم واقع شده بود و پدرم برای جمع شدن آب آن، استخر کوچکی ساخته بود، استفاده می کردیم، اکنون کسی مدعی شده است که چشمه یاد شده در حریم، چشمه مدعی است. آیا او مانع تصرف ما می شود؟

ج: اگر چشمه در حریم زمین شماست کسی حق ندارد و اگر در حریم چشمه مدعی باشد باز حق ممانعت ندارد زیرا باید اول (شصت سال پیش) مانع کار شما می شد چون آن زمان مانع نشده است، اکنون حق منع ندارد.

س ۴: کسیکه جوی آب از پشته زمین کسی دیگر احداث کند بدون اجازه صاحب زمین و صاحب زمین در آن زمان نتواند جلوگیری کند آیا بعداً میتواند مانع شود یا نه؟

ج: اگر در حریم زمین جوی احداث کرده باشد حق ممانعت دارد و اگر خارج حریم باشد

## حق منع ندارد.

**س ۵:** در صورتیکه صاحب زمین مذکور مانع نشود آن علف های که در اطراف جوی سبز می شود مال صاحب زمین است یا مال صاحب جوی و آیا صاحب زمین از آب جوی حق استفاده دارد یا نه؟

### ج: چنانچه خارج از حریم زمین باشد حق استفاده از علف و از آب جوی ندارد.

**س ۶:** کوه عام است که للمی آن کوه از یک نفر و گیاهان مال کسی دیگر است وقتی گیاه رشد می کند للمی از رشد می ماند و صاحب گیاه حاضر نیست که پیش از رشد للمی گیاه را جمع کند از نظر شرعی چه حکم دارد؟

### ج: صاحب للمی حق دارد که از زمین للمی زار خود و از مقدار حریم زمین للمی زار گیاهان و

علف ها را بردارد چون تقسیم کوه عام موجب مالک شدن علف آن نمی شود ولی اجزاء کوه عام موجب ملکیت و استحقاق حریم آن می شود.

## احیاء موات

**س ۱:** آیا کسی می تواند راه عام را مسدود کند و بجای راه جوی آب بکشد؟

**ج:** اگر راه عام از بالای زمین موات بوده است کسی حق ندارد این راه را مسدود کند و اگر راه را بسته باشد واجب است راه را باز کند.

**س ۲:** اگر پنج برادر باشند و در زمان حیات پدر زمین های شان از همدیگر جدا بشود اما خیلی از مصارف شان با هم باشند اگر یکی از آنها جوی جدیدی احداث کند این جوی مال همه آنها هست یا مال کسیکه جوی را کشیده است؟

**ج:** اگر آن برادر جوی را از بالای زمین موات کشیده باشد جوی مال خودش است و اگر از بالای زمین و حریم ملک مشترک کشیده باشد این جوی هم مشترک است.

**س ۳:** رود خانه‌ی است مشترک بین دو نفر که هر کدام در طرف

رودخانه زمین دارند و آب بطور مساوی بین شان تقسیم است در حالیکه مسیر رودخانه از میان ملک‌ها و زمین های این دو نفر است البته در موقع آبیاری ابریزه‌ها هم بر رودخانه می‌رود خود رودخانه هم یک مقدار آب دارد که با هم مخلوط می‌شود و می‌رود پایین‌تر. یکی از شریکها جوی جدید کشیده بطرف پایین تر از ملکهای خودش شریک دیگر نیز از همان آب رودخانه جوی جدید کشیده است اما آن شریکش که زودتر جوی جدید کشیده است این شریک دیگر را که بعداً جوی جدید کشیده است مانع شده است آیا حق منع دارد یا نه؟

ج: چنانچه رودخانه ملک شخصی این دو نفر باشد هر کدام مالک نصف آن میباشد و هر مقدار زمینی را که احیا کرده است حق دارد از نصف همان آب استفاده کند. ولی اگر رودخانه از مباحات اولیه باشد و این دو نفر از جهت احیا کردن و جوی کشیدن هر کدام مالک شده است در پایین رودخانه هر کدام که اول جوی کشیده حق دارد از مازاد و اضافی آب استفاده کند و آن کسی که بعداً جوی کشیده حقتش در طول حق شخصی اول است.

۱۴: کسی چاه آبی برای آشامیدن حفر کرده مدت مدید با زحمت زیاد مقداری زمین را حفر میکند و آب بیرون میشود روز اول در کار کردن آن چاه همسایه های هم جوار هیچ گونه اعتراض و ممانعتی نکرده‌اند اما

بعد از اتمام چاه و بیرون آمدن آب همسایه‌ها ادعا دارند که این چاه به چشمه ما ضرر رسانده لذا این چاه باید تخریب و پر بشود آیا صاحبان چشمه حق تخریب این چاه را دارد یا نه در حالیکه فاصله این چاه با چشمه آنها حدود صد و هشتاد متر فاصله دارد.

**ج:** اگر این شخص چاه را در زمین موات خنجر کرده و ضرری هم به چشمه کسی دیگری نداشته باشد حق تخریب چاه را ندارد اما اگر ضرر به چشمه کسی دیگری داشته باشد و لو فاصله اش با چشمه زیاد باشد صاحب چشمه حق دارد که چاه را پر و تخریب کند. اما اگر چاه را در ملک خود یا در حریم ملک خود خنجر کرده است و لو ضرر به کسی دیگر هم داشته باشد آن کس حق تخریب آن چاه را ندارد.

**س ۱۱:** یک قطعه زمین را حدود پنجاه سال قبل شخصی احیا کرده است و مدتی حاصلات این زمین را خورده است و سپس زمین را ترک کرده و بعد از پنجاه سال اشخاص دیگر آن زمین را دوباره احیاء کرده است در حالیکه هیچ اثری و نشانه از احیاء قبلی نداشته است حالا یعنی بعد از احیاء کردن دوم ورثه احیاء گران قبل که ترک کرده بوده زمین را ادعا دارند که این زمین از پدران آنها بوده و در نتیجه زمین مال ورثه آنها است.

حالا سؤال این است که این زمین مال احیاء گران دوم است یا از ورثه

احیاء گران اول؟



ج: در صورتیکه نجاه سال احیا کر اول زمین را ترک کرده باشد زمین تبدیل بزمین موات شده باشد در این صورت زمین مال احیا کران دوم است و رثه مالک قبلی در آن زمین حق ندارند.

۶: زمین مواتی را کسی سنگ چینی میکند به قصد احیاء چه مقدار از اطراف آن زمین را حق اولویت پیدا می کند و تا چه مدت اگر سراغش نرود حق اولویت او از بین می رود؟

ج: تا زمانیکه فرصت یا قدرت عرفیه پیدا نکرده حق اولویت برای او باقی است و اطراف آن محل به اندازه حریم یک زمینی که اگر احیامی بود آن اندازه زمین حریمش بود البته سنگ چینی در صورتی حق اولویت می آورد که این شخص قدرت بر احیاء زمین را از نظر جسمی یا مالی داشته باشد اگر قدرت نداشته باشد کسی دیگر میتواند آن زمین را احیاء کند.

۷: چشمه آبی که مالک آن برای زراعت از آب آن استفاده می کند شخصی دیگری چاه آب حفر کرده که این چاه در اوّل بهار سرازیر و آب از آن جاری می گردد و در بقیه فصول به صورت چاه است از این چاه هم برای آشامیدن استفاده می گردد و هم برای نهال فاصله این چاه با سر چشمه یکصد و ده متر تقریباً می باشد. آیا مالک چشمه حق منع چاه را دارد؟

ج: در فرض سؤال اگر آن چاه در زمین موات خورشده و طبق نظر کارشناس و اهل خبره به آن چشمه که قبلاً بوده ضرر دارد صاحب چشمه حق منع دارد و اگر ضرری به آب چشمه ندارد چاه در ملک خود صاحب چاه و در حریم ملک صاحب چاه خورشده باشد صاحب چشمه حق منع ندارد چه فاصله زیاد باشد یا کم باشد.

س ۸: استفاده از چاه به وسیله واتر پمپ در مورد حریم معین چاه تغییر ایجاد کرده می تواند یا خیر؟

ج: حریم چاه تغییر پذیر نمی باشد اما اگر زمین موات باشد خود واتر پمپ هم جاو حریم لازم

دارد.

س ۹: شخصی می خواهد چاه آب احداث نماید شرعاً فاصله بین چاه و چشمه چه مقدار است؟

ج: در فرض سؤال فاصله بین چاه جدید و چشمه مثلاً به اندازه ای باشد که جدید به قدیم ضرر نداشته باشد معیار و ملاک ضرر و عدم ضرر است. آن مقدار هزار یا ناصد ذراع که در بعضی از کتب ذکر شده اندازه تقریبی است این در صورتی است که چاه جدید در زمین موات باشد و اگر در

ملک خودش باشد حق دارد چاه بکند و لو ضرر داشته باشد.

**س ۱۰:** نظر کار شناس در این مسأله فوق (۱۲۵) یعنی فاصله چشمه و چاه چه مقدار ارزش دارد؟

**ج:** نظر کار شناس اگر دو نفر باشند و عادل هم باشند به عنوان میت ارزش دارد و اگر یک نفر یا دو

نفر باشند ولی عادل نباشند اگر از قول آنها اطمینان پیدا شود هم باید برایش اعتبار قائل شود.

**س ۱۱:** چاه‌های آب معمولاً برای رفع نیاز مندی منزل احداث می‌شود آیا تصرفات اندک از قبیل مصرف برای سبزیجات و امثالهم را می‌تواند به ادعای ضرر به چشمه مانع شود؟

**ج:** اگر آن چاه مال شخصی کسی باشد تصرفات کسانی دیگر در آن چاه جایز نیست و لو

تصرفات اندک باشد مگر به رضایت و اجازه صاحب چاه.

**س ۱۲:** شخصی به نام خدا نظر بعد از فوت برادرش با فرزندان برادرش مشترکاً زندگی می‌کند در حالیکه زمین برادرها قبلاً حصّه بندی و جدا بوده، در دوران انقلاب همان محله مشترکات قریه و محله را جوی نو می‌کشد هر کس حصّه خود را می‌گیرد.

اما خدا نظر مذکور برای ورثه برادر متوفی می‌گوید تنها در مشترکات محل در جوی نو حق ندارد این مال من باشد اکنون از نگاه شرعی آیا ورثه

آن مرحوم مانند عموهایش و بقیه محله حق دار هستند یا خیر؟

ج: در فرض سوال اگر ورثه برادر در احیاء جوی نو شرکت داشته باشند مثل سایر اهل قریه در

آن جوی آب حق دارند و اگر در احیاء و خفر جوی آب سهم نداشته باشند بدون اجازه صاحبان

جوی آب حق استفاده از آن جوی آب ندارند.

**س ۳۳:** زمین موروثی را که بین سه نفر وارث مشاع است، نهال غرس نموده و درکوی عام آن زمین مشاع خانه ساخته و کاریز و چشمه نیز کار نموده و زمین آبی کار احیاء نموده و زمین للمی نیز احیاء کرده و در حکومت وقت برای همان زمین آبی کار وللمی نیز مالیات پرداخته در این باره نهال های غرس شده و خانه ها ساخته شده و زمین های احیاء شده حق احیاء کننده زمین های احیاء شده و غرس کننده نهال های غرس شده است یا آنکه دو وارث دیگر نیز حق دارند؟

ج: سأل غرس نهال در کوه عام درخت مال کسی است که مالک نهال بوده اما کوه عام

اگر حریم زمین کسی دیگر یا حریم قریه بوده احیاء آن کوه بدون اجازه صاحب زمین یا اهل قریه

جایز نیست و اگر کوه عام حریم کسی نبوده یا هم حریم بوده و صاحبان حریم هم حاضر در صحنه بوده

ولی جلو کار او را گرفته تا خانه ساخته و کاریز و چشمه و زمین آبی وللمی زار ساخته باز همه این چیزها مال

احیاء کننده است چون به نوشته خود شما کوه عام بوده و کوه عام در صورتی حریم کسی نباشد مال احیاء کننده می باشد.

## احکام نذر

**س ۱:** آیا کسی می تواند پول های عزاخانه امام حسین (ع) را که باید برای فرش، ظرف و... مصرف شود، برای خودش مصرف کند اگر مصرف کند چه حکمی دارد؟

**ج:** کسانی که پول داده اند و برای نذر کرده اند اگر کسی برای خودش مصرف کند ضامن

است.

**س ۲:** آیا می توان با پول نذری امام حسین (ع)، زمینی را گرو و محصولات آن را برای منبر مصرف کند؟

**ج:** نمی توانند مگر اینکه نذر کنندگان تصریح کرده باشند به رهن.

**س ۳:** آیا می توانیم برای پول های نذری امام حسین (ع) چند نفر امین انتخاب کنیم تا آنان پول را برای عزای امام حسین (ع) مصرف کنند؟

**ج:** اگر صاحبان پول شخص معینی را انتخاب کرده باشند نمی توانند وگرنه اشکال دارد.

س ۴: گوسفندی ماده‌ای که نذر امام حسین (ع) بوده اگر بره بزاید، بره‌اش چه حکمی دارد؟

ج: احتیاط واجب آن است که بره را به مصرف نذر برساند مانند خود کوشند.

س ۵: آیا فروختن مال نذری جایز است؟

ج: اگر صیغه نذر خوانده شده باشد جایز نیست.

س ۶: آیا نذر زن از مال خودش بدون اجازه شوهر صحیح است؟

ج: صحیح نیست.

س ۷: پولی که نذر هیأت عزاداری امام حسین (ع) است آیا باقی مانده آن را می‌توان در نذر عید نوروز مصرف کرد؟

ج: اگر صیغه نذر خوانده شده باشد مصرف آن در نوروز جایز نیست. اگر صیغه نذر خوانده

نشده باشد و صاحبان پول بکمی رضایت داشته باشند اشکالی ندارد.

س ۸: پولی که برای عزاداری امام حسین (ع) نذر شده با پول اعضای هیأت مخلوط شده است آیا این پول مخلوط را می‌توان در عید نوروز مصرف کرد؟

ج: مصرف آن در عید نوروز جایز نیست.

س ۹: آیا از پول مخلوط یاد شده در مسأله پیشین می‌توان برای اربعین

حسینی، تهیه کردن وسایل مورد نیاز هیئت، یا برای مداح و ذاکر اهل بیت داد؟

### ج: مصرف آن در مواردی که اشکالی ندارد.

س ۱۰: نذرت آنه فی حالة تحقیقی نذری ان اترك التدخين و عند تحقق النذر لم استطع الايفاء، فهل عدم القدرة على الايفاء به يكشف عن عدم تحققه و بالتالي بطلانه من الاول؟ ام يجب على دفع كفارة و تكون الكفارة اطعام عشرة مساكين؟ هل استطيع ان ادفع ثمن ذلك لمكتب مرجع التقليد او احد وكلائه ليتصرفوا و اكون بذلك مبرى الذمة؟

ج: ان كان ترك التدخين غير مقدور لك حين النذر فيكون النذر من الاول باطلا و ان كان مقدورا حين النذر و صار غير مقدور بعده فلا يجب الوفاء بالنذر و لا تجب الكفارة عليك ولكن ترك التدخين مقدور في جميع الحالات فبعدم تركه تجب الكفارة.

س ۱۱: یک مقدار از نذورات برای خرید وسائل حسینیة و سائر مصارف مربوط به حسینیة جمع آوری شده اگر از این نذورات برای رهایی گروگان‌ها که در نزد قاچاق بران گروگان هستند استفاده شود جایز است یا خیر؟

ج: اگر صاحبان نذر صیغه نذر را خوانده باشند تغییر داده نمی شود و اگر صیغه نذر را نخوانده باشند و

گفته باشند این پول نذر امام حسین (ع) باشد با علم بر رضایت صاحبان پول جایز است جهت مضطربین و رهایی گروگان؛ مصرف شود.

س ۱۲: آیا نذر حیوانات نذر نتاج حیوانات هم هست؟



ج: نذر نتاج نیست مگر اینکه حیوان حامله باشد و هنگام نذر قصد نذر آن حل را هم کرده باشد در

این صورت در نذر داخل است.

**س ۱۳:** اگر کسی گوساله را نذر کرده بعد از نذر کسی بگوید در این گوساله من را شریک کن آیا بعد از نذر میتواند او را شریک کند اگر میتواند بعد مقدار پولی را که گرفته است تا او را در نذر شریک کند دریافت این پول برای صاحب گوساله چگونه است؟

ج: اگر نذر کرده و صیغه نذر خوانده کسی دیگر را شریک نمی‌تواند.

**س ۱۴:** نذر در صورتیکه واقع شود یعنی نیت شود و پس از تحقق نذر خود شخص نذر کننده حق خوردن و مصرف کردن از این نذر را دارد یا خیر؟ و اگر حق تصرف ندارد به اندازه سایر مردم که نذر بین آنها تقسیم می‌شود حق تصرف دارد یا نه؟ یا اینکه حتی به اندازه یک غذا برای خود و فرزندان حق تصرف ندارد؟

ج: بابت نذر نذر شرعی تحقق پیدا نمی‌کند و مالک مال حق دارد در هر مورد که می‌خواهد

مصرف کند. و اگر نذر شرعی تحقق پیدا کرده باشد و عام باشد خودش و فرزندان مانند دیگران حق

استفاده دارند.

**س ۱۵:** نذر های که پوست و دل، جگر و مقداری دیگری از گوشت را

خود نذر کننده خورده حکمش چیست؟ آیا نذر از نو باید انجام بدهد یا اینکه همان مقدار که خودش استفاده نموده است جبران کند - مثلاً - همان مقدار گوشت بخورد و به نیت نذر در راه خدا بدهد؟

ج: اگر صیغه نذر را نخوانده باشد آن تصرفات اشکال ندارد و اگر صیغه نذر را جاری کرده باشد و پوست، جگر و دل را استثناء نکرده باشد اگر در مورد نذر مصرف نکرده باشد همان مقدار را ضامن است و اگر خودش در منذور لحم داخل باشد ضامن نیست.

## احکام قسم

**س ۱:** شخصی سه سال پیش برای ترک سیگار سوگند شرعی یاد کرده و بر اثر ترک سیگار بیمار شده، دوباره با سیگار کشیدن بهبود یافته است وظیفه‌اش در برابر سوگند شرعی چیست؟

**ج:** مخالفت با سوگند شرعی کفاره دارد، کفاره آن یک بنده آزاد کند یا ده نفر را سیر کند یا برای ده نفر فقیر لباس تهیه کند و اگر توان بیچ کدام را ندارد سه روز متوالی روزه بگیرد.

**س ۲:** آیا لازم است که متعلق عهد هم مانند متعلق نذر رجحان داشته باشد؟

**ج:** اگر متعلق عهد مرجوح نباشد، عهد منقذ می‌شود.

**س ۳:** آیا لازم است در عهد صیغه خاصی ذکر شود؟

**ج:** بله!

**س ۴:** صیغه عهد چیست آیا به غیر عربی هم خوانده می‌شود؟

ج: صیغه عهد: «عاهدت» یا «علیّ عهدا...» معنای این دو صیغه

به هر زبانی که خوانده شود، عهد منتهی می‌شود.

## احکام وقف

**س ۱:** مسجدی که زیر زمین دارد و آن را کتابخانه و... درست کرده‌اند، آیا زیر زمین یاد شده حکم مسجد را دارد؟

**ج:** بستگی به نیت واقف دارد که همه را برای مسجد وقف کرده است یا یک طبقه را.

**س ۲:** کسی زمینی را برای مسجد وقف کرده است، اما نیت نکرده که مسجد طبقه دوم هم داشته باشد آیا می‌توان بالای مسجد کتابخانه یا حسینیه ساخت؟

**ج:** اشکالی ندارد. سقف مسجد هم حکم مسجد را دارد اما بالاتر از آن حکم مسجد را ندارد.

**س ۳:** گروهی از مهاجران افغانستانی در ایران، برای مراسم عزاداری حسینیه‌ای ساخته‌اند حالا که می‌خواهند برگردند، آیا می‌توانند وسایل و لوازم حسینیه مانند فرش، ظرف، بلند گو و... را برای حسینیه‌ها و مساجد افغانستان ببرند در حالی که یقین دارند اگر نبرند وسایل یاد شده بدون استفاده می‌ماند؟

ج: بله! می‌توانند با خود ببرند اما چون وقف حسینه بوده است نمی‌توانند برای مساجد ببرند.

س ۴: آیا از خاک قبرستان می‌توان برای خشت دیوار اطراف قبرستان

استفاده کرد؟

ج: اگر وقف باشد جایز نیست و گرنه مانعی ندارد.

س ۵: برداشتن خاک برای ساختن خانه مسکونی از قبرستانی که تازه

کشف شده و اثری از مردگان در آن دیده نمی‌شود، و ارثان مردگان هم

شناسایی نمی‌شوند جایز است؟

ج: اگر موقوفه بودن قبرستان ثابت نشده باشد و اجساد مردگان پوسیده و رمیم شده باشند مانعی

ندارد.

س ۶: کسی که زمین کشاورزی‌اش متصل به قبرستان است اگر احیاناً

قبرها زیر کشت بروند البته قبرها به گونه‌ای کهنه باشد که مالک زمین اصلاً

نداند که در آن جا قبر بوده است یا نه، یا درخت میوه غرس کند به گونه‌ای

که ریشه درخت در زیر قبرستان برود و اصلاً غرس درخت میوه در گوشه

قبرستان چه حکمی دارد؟

ج: اگر قبرستان وقف باشد نه جزء زمین می‌شود و نه درختکاری می‌شود. اگر وقف نباشد و

قبرهایش از یک قرن پیشینه داشته باشد، درختکاری اشکالی ندارد.

**س ۷:** در زمان جنگ‌های داخلی در حریم تکیه خانه و منبر عمومی پایگاه نظامی ساخته بودند. اکنون با وجود فعال بودن مدرسه علمیه می‌توان پایگاه نظامی قبلی را جزء مدرسه علمیه قرار بدهند؟

**ج:** ساختن پایگاه نظامی در حریم تکیه خانه، شرعاً جایز نبوده است. متولی تکیه خانه می‌تواند اجاره آن را بگیرد و برای تکیه خانه مصرف کند یا اینکه پایگاه را خراب کند و مدرسه علمیه بسازد.

**س ۸:** زمینی برای ساختن مسجد شیعیان در محله سنی نشین وقف شده است. شیعیان با آن زمین فاصله زیادی دارند. اگر مسجد هم بسازند فایده‌ای ندارد آیا جایز است که زمین را بفروشند و قیمت آن را زمین دیگری در محله شیعه نشین بخرند و مسجد بسازند یا قیمت زمین را در کارهای عام المنفعه مصرف کنند؟

**ج:** اگر زمین برای مسجد قابل استفاده نیست بفروشند و زمین دیگری برای احداث مسجد

بخرند.

**س ۹:** شخصی، زمینی را برای حسینیه وقف می‌کند و بعد از آن به سربازی می‌رود. در زمان سربازی از دنیا می‌رود. برادران متوفی سال‌ها از محصول زمین موقوفه استفاده می‌کنند و سه سال است که یک گوشه زمین را برای حسینیه داده اما بقیه زمین همچنان در تصرف برادر متوفی است حکم مسئله چیست؟

ج: زمینی که وقف حسینه است، تغییر و تصرف در آن جایز نیست و هر آنکه از آن جاده را بگذرد، محصول زمین استعاده کرده اند بزرگوارانند تا در مورد وقف مصرف شود.

س ۱۰: نظر به نیازمندی و ضرورت های شدید مردم منطقه قرار است جاده ماشین از داخل قریه عبور داده شود اما خط جاده از قسمتی از بالای قبرستان میگذرد که البته همین موقعیت را راه عمومی و مواشی تشکیل میدهد و تعدادی از مردم شدیداً مخالف کار اعمار جاده از این نقطه قبرستانی هستند که البته امکان تخریب مقداری از قبرستان هم وجود دارد آیا اینها حق مخالف دارند یا نه؟

ج: اگر بین قبرها قبور علما و صلحا باشد یا توپین به قبور مومنین دیگر بشود یا قبرستان موقوفه باشد کشیدن جاده جایز نیست باید جاده را از جای دیگر بکشند.

س ۱۱: شخصی زمین خود را برای ساختن حسینه وقف میکند حسینه درست میشود اما بعد از گذشت چند سال در اثر نمناک بودن مکان حسینه خراب میشود و اهالی قریه در جای دیگر حسینه میسازد اکنون فروش جای حسینه سابق جایز است یا نه؟

ج: بلی میتواند فروشد و قیمتش را صرف حسینه جدید کند.

س ۱۲: در اثر بی توجهی خادم حسینه پول حسینه از بین می رود آیا



خادم ضامن است یا نه؟

**ج:** اگر خادم در نگهداری آن پول بی باکی کرده باشد ضامن است.

**س ۱۳:** تعداد اشخاص یک زمین را خریده و تحت عنوان قومی برای قبرستانی وقف نموده‌اند در این قبرستانی اشخاص که از این قوم بعداً در کابل آمده‌اند یا بعد می‌آیند دفن اموات این مردم که بعداً آمده جایز است یا اشکال شرعی دارد اگر اشکال داشته باشد با پرداخت پول می‌تواند جواز پیدا کند یا نه؟

**ج:** از کسانی که زمین را خریده‌اند باید پرسید که مقصودشان همه قوم بوده یا خصوص کسانی که در همان وقت در کابل موجود بوده‌اند هر چه بگویند به آن عمل کنند.

**س ۱۴:** تعداد تقریباً ۳۰ خانه یک مقدار زمین را برای قبرستانی خریداری نموده است و عنوان وقف را برای همین تعداد خانه گذاشته‌اند اکنون یکخانه از آنها تصمیم دارد منطقه را ترک کند و کسی دیگر را بجای خود شریک کند صحیح است یا نه؟

**ج:** حق ندارد کسی را جایگزین کند.

**س ۱۵:** اهالی قریه می‌خواهند یک حسینیه جدید بنا کنند آیا مال و سامان حسینیه سابق را میتوانند از این اسباب در حسینیه جدید استفاده کنند یا نه؟

ج: تا زمانیکه حسنیه قدیم تعطیل نشده و از استقاده خارج شده باشد نمی‌تواند در حسنیه جدید

بکار برند.

س ۱۴: پول نقد موقوفات حسینیه را میشود به اجاره‌ی که بین مردم رواج است معامله کرد یا نه؟ البته متولی شرعی هم ندارد

ج: اول از طرف حاکم شرعی متولی برای وقف نصب بشود بعد از آن به مصالح حسنیه با

آن پول معامله شرعی میتواند انجام دهد.

س ۱۷: اگر کسی از اموال خود وقف کند مثلاً برنج یا روغن یا گندم که در هر سال در عاشورا یا غیر عاشورا صرف کند آیا این شخص بجای اشیاء مذکور چیز دیگر میتواند بدهد یا نه؟

ج: برنج و روغن و بقیه ماکولات قابل وقف نیستند.

س ۱۸: سی سال قبل کسی پانصد متر زمین را جهت اعمار مسجد وقف کرده است و مردم روی آن زمین مسجدی به سبک قدیم ساخته‌اند و نماز خوانده‌اند حالا مردم مسجد قدیم را می‌خواهند خراب کنند و مسجدی با ساختمان جدید بسازند چون زمین قبلی مستطیل بوده ولی مردم می‌خواهند مسجد جدید را مربع بسازند واقف زمین فعلاً در آن شهر نیست و مردم از پیش خودشان ساختمان مسجد قدیم را می‌خواهند خراب کنند حدود صد

متر از جای مسجد روی زمینها واقف بگذارند و یکصد متر از زمینهای واقف را ضمیمه کنند تا مسجد مربع شود که در واقع جای مسجد را با زمین واقف معاوضه می‌کنند بدون اینکه واقف را مطلع سازند و حالا بر فرضی که رضایت واقف را جلب کنند آیا تخریب مسجد فعلی و معاوضه کردن آن با زمین کشاورزی جایز است یا خیر؟

### ج: در فرض سؤال معاوضه زمین مسجد ولو با اجازه واقف جایز نیست.

**س ۱۹:** حسینیه واقع در زمین مشترک که هنوز تقسیم نشده مالی دو برادر است ساخته شده یکی از این برادرها در ایران زندگی می‌کند مخالفت خود را با ساخت این حسینیه اعلام کرده است آیا تخریب این حسینیه جایز است یا خیر؟ نماز خواندن و عزاداری جواز دارد یا نه؟

### ج: بدون اجازه صاحبان زمین نماز خواندن و عزاداری و سایر تصرفات در آن جواز ندارد و

### تخریبش جایز است.

**س ۲۰:** بعضی از اجناس نظیر بلند گو یا سفره و... برای مسجد و حسینیه مردم می‌خرند، آیا اجناس حکم وقف را دارد تا برای مسجد دیگر یا حسینیه دیگر استفاده کند؟ از اینکه حسینیه از راهای خیر است برای حسینیه دیگر یا مسجد دیگر گاه گاهی استفاده شود اشکال ندارد؟

### ج: صاحبان بلندگو و سفره و غیره اگر آنها را وقف در حسینیه خاص کرده باشند استفاده از آن

اجناس در حسنیه دیگر جواز ندارد و اگر مقید نکرده باشند به حسنیه خاص استفاده در سایر حسنیه با اشکال ندارد.

**س ۳۱:** اجناس موقوفه را با اجازه متولی آن می شود تصرف کرد حالا اگر متولی نداشته باشد باید چکار کند و یا با اجازه چه کسی می تواند تصرف نماید؟

**ج:** حاکم شرع شخص اینی را به عنوان متولی منصوب نماید.

**س ۳۲:** نسبت به اموال موقوفه که زمین و ملک را برای شخصی خاص و یا اشخاص وقف نموده است کسی دیگر نمی تواند تصرف نماید، آیا نسبت به دانش آموزان یا دانشجویان اجازه می فرمایید در مدرسه علمیه و حوزه علوم دینی که مدرسه برای طلاب وقف شده دانش آموز و یا دانشجو سکونت داشته یا از وجوه شرعی استفاده نمایند یا خیر؟

**ج:** اگر بیشتر اوقاتش در تحصیل علوم دینی صرف نشود حق استفاده از مدرسه و وجوهات

شرعی ندارند.

**س ۳۳:** اگر دانشجو یا دانش آموز چند ماه در مدرسه علوم دینی سکونت داشته باشد و بعضی از دروس حوزه یا اطلاعات دینی را یاد بگیرد و همچنین اشخاص می توانند از وجوه شرعی استفاده نمایند؟

ج: تابع مقررات آن مدرسه است اگر سهم امام (ع) منظور باشد منوط به اجازه حاکم شرع است و اگر فقیر باشد از زکات می‌تواند استفاده کند

**س ۲۱۴:** خانمی بدون وارث است تعداد درختی که داشت در حضور مسلمین با صیغه وقف، وقف حسینی می‌کند و زمین خود را با شرط برای کسی می‌دهد که مرا به کربلایی معلی ببر اگر مرا کربلا نبردی زمین من نیز وقف حسینی باشد بعد از چند سال آن خانم از دنیا رفت و شرط هم به جا آورده نشد، آیا این زمین چه حکم دارد؟ درختهای موقوفه را اهالی حسینیه یکدفعه بزرگه‌ایش را پی کرده و نخلهای شان حکم وقف را دارد؟

ج: در فرض سؤال چنین وقفی در زمین صحیح نیست اما درختان را اگر در حال حیات خود وقف کرده باشد وقف صحیح است و هر تعداد درختی که در حین وقف موجود بوده وقف است اما آن درختهای که بعداً به وجود آمده وقف نمی‌باشد. و این خانم اگر بیج وارثی از بیج طبقه نداشته باشد وارث چنین شخصی حاکم شرع است.

**س ۲۱۵:** وسایل مسجد از قبیل فرش و ظرف و تریبون و بلند گو و... را می‌توانیم در خارج از مسجد استفاده نمائیم؟

ج: در فرض سؤال اگر آن وسایل وقف مسجد باشد در خارج مسجد از آن نمی‌تواند استفاده

کنند.

**س ۴۶:** چاه آب بمبهای که توسط مؤسسه در داخل حیات مسجد حفر شده و مبلغ هشت هزار افغانی از پول وقف مسجد برای آن چاه وسایل بمبهای خرید شده آیا استفاده از آن در از آب خارج از مسجد که همسایه های مسجد ببرند و ظرف بشویند و لباس بشویند و یا وضوء و غسل نمایند چه صورت دارد؟

**ج:** اگر از پول مسجد هم برای حفر چاه مصرف کرده است احتیاطاً از آب چاه نباید خانه های بمجار استفاده کنند.

**س ۴۷:** شخصی در حال عقل و هوشیاری و اختیار خودش وصیت کرده و گفته - مثلاً - فلان زمین آبی بنده وقف - فلان - حسینیه کردم. بعد از مدت ۱۸ ساعت تقریباً بعد از این وصیت وفات کرده و قبض و اقباض صورت نگرفته و وارثین ایشان اوّل گفتند هرچه وصیت نموده ما قبول داریم و بعداً همین زمین نامبرده را برای سه نفر فروخته اند. حالا سؤال چنین است:

۱ - همین که گفته زمینم وقف، آیا کفایت از صیغه وقف می کند یا خیر؟

**ج:** در فرض سؤال اگر گفته وقف کردم یعنی انشاء وقف از طرف واقف صورت

گرفته باشد وقف صحیح و آن زمین قابل فروش نیست اگر بفروشند بیع باطل است اما اگر گفته بعد

از من وقف باشد وقف باطل است و زمین مال ورثه است و فروش اشکال ندارد

۲- در موقوفات عامه قبض و اقباض شرط است یا خیر؟ (قبض معتبر

است یا قصد؟)

**ج: در موقوفات عامه قبض و اقباض شرط نیست.**

۳- وارث حق ردّ و قبول چنین وقف را دارد یا نه؟

**ج: وارث حق ردّ آن را ندارد و چون زمین تا صاحب زمین زنده باشد ورثه کاره نیست.**

۴- بر فرضی که وقف درست نباشد ثلث شان بکجا باید مصرف شود؟

با توجه به اینکه اموال منقولی خود را بجای روزه و نماز قضایی اش وصیت

نموده است؟

**ج: بر فرض بطلان وقف زمین مال ورثه است ثلث نمی شود.**

۵- هنگام بیع و شراء مشتری‌ها بعضی قیمت یعنی قسط اوّل را

پرداخته و بعداً سرو صدای مردم قریه به وقف بودن زمین مذکور بلند شده

و ممانعت نموده‌اند و اقساط بعدی را مشتریان پرداخت نکرده در صورت

عدم صحت وقف آیا این بیع و شراء لازم است یا خیار فسخ پیدا شده

است؟

ج: بر فرض بطلان وقف آن زمین مال ورثه است، و اگر واقف در زمان حیات خود انشاء وقف کرده باشد فروش آن زمین باطل است و اگر انشاء وقف نکرده بیع صحیح و قابل فسخ نیست.



## احکام وصیت

**س ۱:** بنده وصی کسی بودم که از او یک دختر باقی مانده است. موصی وصیت کرده بود که ثلث  $\frac{1}{3}$  اموالش برای خودش مصرف شود. بعضی افراد زمین‌های آن مرحوم را به قیمت خیلی کم فروخته‌اند وظیفه من چیست؟

ج: شما وظیفه دارید که ثلث اموال موصی را بفروشید و به وصیت عمل کنید سکوت جایز

نیست.

**س ۲:** اگر کسی بدون وصیت از دنیا برود یا ورثه صغیر داشته باشد، چه مقدار از اموال میت را می‌توان برای او مصرف کرد؟

ج: فقط به اندازه کفن و دفن واجب می‌توانند مصرف کنند.

**س ۳:** کسی که وصیت کرده است که اموالش مطابق حکم ... تقسیم شود در این صورت آیا ثلث اموال را می‌توان برای خود میت مصرف کرد؟

ج: در فرض سؤال ثلث  $\frac{1}{3}$  اموال به میت تعلق نمی‌گیرد بلکه به ورثه می‌اشتراک می‌شود و

## دیون میت از اصل ماترک پرداخت می‌شود.

**س ۴:** کسی به طور ناگهانی بدون وصیت فوت می‌کند. چند فرزند صغیر و کبیر هم دارد آیا اموالش تقسیم می‌شود؟ اگر تقسیم می‌شود آیا برای خود میت هم مصرف می‌شود؟

**ج:** تحت برای فرزندان صغیر از سوی حاکم شرع «قیم» معین می‌شود، دیون و هزینه‌های واجب کفن و دفن از اموال برداشته می‌شود، بعد از آن اموال میت در میان ورثه تقسیم می‌شود و از سهم فرزندان صغیر برای میت مصرف نمی‌شود اما فرزندان کبیر با رضایت خود می‌توانند از سهم خود برای میت مصرف کنند.

**س ۵:** کسی چند پسر داشته است یک بخش از زمین خود را به پسر بزرگ خود داده و همچنین او را وصی خود انتخاب کرده است، زمین‌های باقی مانده طبق وصیت موصی باید میان همه فرزندان میت تقسیم شود اما مشخص نیست که فرزند بزرگ که وصی پدرش هم هست از زمین‌های باقی مانده ارث می‌برد یا نه؟

**ج:** پسر بزرگ از زمین‌های یادشده ارث می‌برد، زمینی را که موصی به پسر بزرگش داده است اگر در زمان حیات پدر قبول و قبض کرده باشد ملک او است.

**س ۴:** پدری، زمینش را به پسر بزرگش هبه کرده و ضمناً هزینه‌های کفن و دفن نماز و روزه قضایی را به عهده پسر بزرگش گذاشته است، در هنگام فوت واهب، موهوب له در خارج از کشور بوده است و همه هزینه‌های یاد شده از محصولات زمین موهوبه، مصرف شده است. آیا همین هزینه‌ها کفایت می‌کند یا موهوب له دوباره پردازد؟

### ج: کفایت می‌کند.

**س ۷:** پدری، زمینی را به دو پسرش هبه کرده است، بعد از هبه بخشی از زمین موهوبه را به یکی از پسران دیگرش وصیت کرده است. آیا این وصیت نافذ است؟

### ج: بعد از تحقق به وصیت باطل است.

**س ۸:** کسی فوت می‌کند، برادرش هزینه کفن و دفن و مراسم فاتحه و... را پرداخت می‌کند آیا او می‌تواند هزینه‌های یاد شده را از ورثه برادرش که صغیرند بگیرد؟

**ج:** اگر میت بدون وصیت از دنیا رفته و برادرش هزینه‌های یاد شده را تبرعاً پرداخت نکرده است می‌تواند به اندازه هزینه‌های واجب کفن و دفن و... از اصل میراث بردارد و اگر متوفی وصیت کرده است برادرش می‌تواند هزینه امور مستحبی را از ثلث اموال بردارد.

**س ۹:** کسی که بر اثر تصادف بدون وصیت از دنیا رفته است و ورثه صغیر دارد آیا می‌توان از دیه او در امور مستحبی و قضای نماز و روزه او مصرف کرد؟

**ج:** از سهم ورثه صغیر نمی‌توان مصرف کرد. اما ورثه کبیری می‌توانند از سهم خودشان در امور یادشده مصرف کنند.

**س ۱۰:** وظیفه وصی و ناظر در باب وصیت چیست؟

**ج:** وظیفه وصی، اجرای وصیت متوفی است و ناظر سهم تاجایی که امکان دارد و برای اجرای وصیت تلاش کند اگر تلاش کرد و اجرا نتوانست تکلیف ساقط می‌شود.

**س ۱۱:** کسی وصیت می‌کند که برایش زیارت حج و کربلا انجام داده شود. دو نفر را به عنوان وصی و ناظر تعیین می‌کند. پس از فوت موصی، وصی و ناظر توافق دارند که مثلاً آقای الف به نیابت از موصی به زیارت برود، وصی نیز از دنیا می‌رود، ناظر با نیابت الف موافق است اما ورثه موصی با این نیابت مخالفت می‌کنند. آیا آقای الف با وجود مخالفت ورثه موصی و موافقت ناظر می‌تواند به نیابت از سوی موصی به زیارت حج و کربلا برود؟

**ج:** مانع شرعی برای زیارت آقای الف وجود ندارد زیرا وصی و ناظر موافق بوده‌اند.

**س ۱۳:** کسی که مستطیع بوده است در هنگام مرگ یک قطعه زمین کشاورزی خود را برای هزینه زیارت حج در نظر می‌گیرد، علمای منطقه، زمین یاد شده را در اختیار پسر بزرگ قرار می‌دهند و او را مأمور به انجام حج می‌کنند. پسر بزرگ پیش از رفتن به حج از دنیا می‌رود. ورثه او کسی را نایب می‌گیرند برای انجام حج اما دیگر ورثه منوب عنه از این نیابت راضی نیستند. حکم این مسئله چیست؟

**ج:** اگر میت وصی داشته است، باید وصی وصیت را اجرامی کرد. اگر وصی نداشته باشد باید حاکم شرع برای اجرامی وصیت وصی تعیین می‌کرد. حال آنکه بدون وصی و بدون اجازه حاکم شرع حج انجام شده حج صحیح است، به اندازه مصرف حج از قیمت زمین برداشته و بقیه را در امور واجبی اگر به کردن میت باشد مصرف کنند و گرنه در امور خیریه. همه این‌ها در صورتی است که به ثلث  $(\frac{1}{3})$  وصیت کرده باشد اگر به ثلث وصیت نکرده باشد مازاد بر مصرف حج به ورثه برمی‌گردد.

الف - ۱۲: آیا چنین تصرفاتی در اموال یتیم صغیر جایز است؟

ب - ۱۲: آیا افراد یاد شده می‌توانند زمین و اموال یتیمان صغیر را بفروشند یا برای آن‌ها بخرند؟

ج - ۱۲: احتمال دارد که سرپرست‌ها با اموال یتیمان صغیر تجارت و ضرر کرده باشند و حتی اصل سرمایه از دست رفته باشد آیا صغیران بعد از

کبیر شدن حق مطالبه دارند؟

د - ۱۲: چون دسترسی به حاکم شرع وجود ندارد اگر افراد یاد شده سرپرستی یتیمان و اموال آنان را به عهده نگیرند احتمال دارد اموال آنان تلف شود بنابراین وظیفه چیست؟

ه - ۱۲: اگر صغیر پیش از کبیر شدن از دنیا رفت وظیفه سرپرست چیست و اموالش به چه کسی تعلق می‌گردد؟

ج: الف ۱۲: تصرف در اموال صغیر برای غیر وصی، قیم و ولی شرعی جایز نیست. اگر صغیر بعد از کبیر شدن اجازه داد، تصرف کننده بری الذمه می‌شود.

ج: ب ۱۲: تصرف در اموال صغیر برای غیر وصی، قیم و ولی شرعی جایز نیست. اگر صغیر بعد از کبیر شدن اجازه داد، تصرف کننده بری الذمه می‌شود.

ج: ج ۱۲: بله! حق مطالبه دارند.

ج: د ۱۲: باید زیر نظر افراد مؤمن و عادل، این کار را انجام بدهند.

ج: ه ۱۲: میراث صغیره ورثه اش تعلق دارد.

س ۱۳: مردی حدود سی سال پیش از مرگ خود وصیتنامه‌ای می‌نویسد.

بعد از آن فرزندان دیگری به دنیا می‌آیند. آیا مواد و مفاد وصیتنامه باید عمل

شود یا ورثه‌ای که نام‌شان در وصیتنامه آمده و آن‌هایی که در وصیتنامه نامبرده نشده‌اند به طور مساوی ارث می‌برند؟

**ج:** اگر وصیتنامه شامل همه ورثه شود طبق آن عمل می‌شود. اما اگر برخی فرزندان مشخصاً نام برده باشند در این صورت وصیت موصی تنها در ثلث میراث نافذ است. دو ثلث دیگر در میان همه ورثه مشترک است.

**س ۱۴:** مردی یک وصیتنامه پیش از مرگ و در زمان سلامت و تندرستی خود نوشته و امضا کرده است و دیگری را در بیماری مرگ نوشته اما امضا نکرده است به کدام یکی عمل می‌شود؟

**ج:** اگر وصیتنامه دوم، شرعاً اثبات شود که مال متوفی است یا همه ورثه وصیتنامه دوم را قبول داشته باشند به آن عمل می‌شود. در غیر این صورت به وصیتنامه اول عمل می‌شود.

**س ۱۵:** کسی در زمان حیات پدرش، در مسیر سیلاب و حریم جوی زمین‌های پدر خود درخت کاشته است بعد از فوت پدرش آن درخت‌ها مال ورثه است یا مال غارس؟

**ج:** اگر نهال‌ها از درخت پدر بوده بعد از فوت پدر بین ورثه تقسیم می‌شود، اگر نهال‌ها مال پدر نبوده، مال غارس است اما بقیه ورثه حق دارند که اجرت المثل زمین را از غارس بگیرند.

**س ۱۶:** شخصی وصیت کرده است که محل خانه‌اش را مسجد بسازند تعدادی درخت خود را برای چوب مورد نیاز مسجد وصیت کرده است. طبق وصیت موصی مسجد ساخته می‌شود اما چون در بین خانه‌های مسکونی واقع شده است قابل توسعه و گسترش نیست و برای اهالی محل هم کفایت نمی‌کند. آیا می‌شود آن را به جای دیگر منتقل کرد؟

**ج:** اگر قابل توسعه است باید توسعه داده شود و اگر نیست باید در مسجد بنه شود تا حیوانات حرام گوشت مانند: سگ و... به داخل آن نروند و آن را نجس نکنند، مستدرانی می‌توانند بفروشند.

**س ۱۷:** شخصی بدون وصیت از دنیا رفته است، ورثه او همسر و فرزندان صغیرش است. آیا خمس اموال متعلق خمس متوفی باید پرداخت شود؟

**ج:** بنا بر احتیاط واجب، همسر متوفی، خمس سهمیه خود را پرداخت کند. اما خمس سهمیه ورثه صغیر را نمی‌تواند حساب کند.

**س ۱۸:** شخصی با وصیت از دنیا رفته است که هم وارث صغیر دارد و هم وارث کبیر. آیا خمس اموال غیر مخمس متوفی که به ورثه رسیده است باید پرداخت شود؟



ج: اگر متوفی به خمس وصیت نکرده باشد، بنا بر احتیاط واجب ورثه بگیر باید خمس سهمیه خود را پرداخت کنند، اما سهمیه صغیران خمس ندارد.

س ۱۹: شخصی زمین نوه خود را که از مادر خود ارث برده است برای پسران خود وصیت کرده است آیا این نوه حق دارد که وصیت پدر بزرگ خود را رد کند و زمینی که از مادر به او به ارث رسیده از عموهای خود بگیرد یا نه؟

ج: نوه با بعد از بلوغ حق دارد زمین های که برایشان به ارث رسیده است تصاحب نموده وصیت پدر بزرگ را رد کند.

س ۲۰: شخصی بین چاه افتاده از خود برادر و خواهر ابوینی و برادر و خواهر پدری بجا گذاشته ارث به کدام آنها میرسد؟

ج: میراث آن مرحوم به برادر و خواهر ابوینی میرسد برادر و خواهر پدری ارث نمی برند.

س ۲۱: شخص مذکور وصیت نکرده و مدیون هم هست هم چنین قضا نماز و روزه اش چه می شود؟

ج: دین از اصل ترک و بقیه اموال مال همان خواهر و برادر ابوینی است قضا صوم و صلوات بر برادر و خواهر واجب نیست ولی اگر اجیر بگیرند یا خودشان قضا کنند کار خوب و احسان به برادر

است.

**س ۲۲:** اگر کسی وصیت کند که فلان مال را به نوه هایم بدهید ولی وصیت نامه مفقود شده و شاهدان هم فوت کرده ولی شاهدی که این وصیت را از شاهدان اول شنیده‌اند وجود دارند آیا این وصیت ثابت میشود یا نه؟

**ج:** اگر هم شاهدان اول و هم شاهدان دوم واجد شرایط باشند وصیت ثابت می‌شود.

**س ۲۳:** شخصی در سال ۱۳۳۰ الی ۱۳۳۵ فوت کرده نوشته از او بجای مانده مبنی بر اینکه مبلغ چهار هزار افغانی در زیارت عتبات عالیات مصرف شود اما بخاطر اینکه در آن زمان ممکن بوده با همان پول زیارت عتبات را انجام بدهند ولی حالا کفایت نمی‌کند وظیفه ورثه چه است؟

**ج:** اگر میت از آن وصیت برگزیده و ورثه اطمینان دارند که میت چنین وصیت کرده

است بر ورثه واجب است که زیارت را انجام بدهند ولو قیمت و ارزش پول در این زمان

تنزل کرده است.

**س ۲۴:** شخصی زمین خود را در حال حیات خود به یکی از فرزندان خود هبه معوضه کرده و شخص موهوب له قبل از پدرش فوت میکند و آن زمین موهوبه را وصیت میکند نصفش را برای همسرش و نصف دیگر را

برای قضا نماز و روزه خودش اما بقیه ورثه را محروم میکند حکم مسئله چیست؟

ج: اگر تمام وارثین به این وصیت راضی باشند وصیت صحیح است اما اگر راضی نباشند یک ثلث اموال برای خودش مصرف شود در همان چیزهایی که وصیت کرده و دو ثلث دیگر در بین تمام وارثین طبق قانون میراث تقسیم شود و زوجه اش از زمین ارث نمی برد.

**س ۲۵:** شخصی فوت میکند غیر از پسر عمو وارث دیگر ندارد پسر عموی خود را وصی می گیرد که زمین و اموال را برای قضا صوم و صلواتم بدهید آیا کسی دیگری از طبقه سوم اگر مانع اجراء و صیت بشود از گردن وصی ساقط میشود یا نه؟

ج: اگر غیر از پسر عمو ورثه نزدیکتر نداشته باشد و همین پسر عمو این وصیت را قبول داشته باشد وصیت نافذ و صحیح است و اگر وصیت را قبول نکند وصیت به اندازه ثلث نافذ و دو ثلث دیگر مال وارث است و وصی را کسی دیگر نمی تواند مانع از انجام وصیت بشود یا آن را عزل کند مگر اینکه خیانت در نزد حاکم شرع ثابت بشود که در این صورت حاکم شرع می تواند او را عزل و وصی دیگر نصب کند.

**س ۳۶:** آیا وصیت مادر بزرگ نافذ و واجب است که یکی از نوه های مرا به عقد از دواج نوه دیگرم در بیاورید؟

**ج:** این وصیت واجب تنفیذی نمی باشد نوه به هنگامی که بالغ باشند خودشان تصمیم می گیرند البته دختر به اجازه ولیش که پدر و جد پدری می باشد تصمیم می گیرد.

**س ۳۷:** شخصی «در غیر مرض موت» وصیت کرده است و در وصیت نامه برای تمامی وارثین اعم از ذکور و اناث سهم الارث معین کرده است، اما در سهم الارث (که تماماً اموال غیر منقول از قبیل زمین و اشجار و مقدار اندکی نباتات مقداری کم و زیاد شده است. اما در وصیت نامه تأکید شده که هر کدام به مقدار سهم الارث خود قناعت نماید و هیچ وارثی نسبت به سهم الارث دیگر حق گفتگو ندارد.

آیا این وصیت نامه نافذ است و وراثت حق تخطی ندارد؟ و مقدار نفوذ آن چقدر است؟ و اگر وارثی وصیت را قبول نکند حکم تقسیم میراث چگونه است؟

**ج:** بلی این وصیت نافذ است و ورثه حق تخطی ندارد مگر اینکه برای بعضی ورثه زاید بر ثلث مادرک وصیت کرده باشد در این صورت اگر همه ورثه زاید بر ثلث را اجازه نکنند زاید بر ثلث بین تمام ورثه بر طبق قانون ارث تقسیم می شود.

**س ۲۸:** آیا وصیت مذکور به دلیل اینکه در غیر مرض موت است، نیز به دلیل تعیین سهم الارث برای تمامی وارث، همچنین به خاطر تأکیدات آن و نیز به دلیل اینکه سهم الارث در قبض و ید تصرف اکثر وراث بوده است، در حکم هبه است؟ (ولو کلمه هبه بکار برده نشده است) و نیز در وصیت نامه تمام اثاثیه خانه کلاً و تماماً، برای دو همسر خود (که هر کدام خانه اش جدا است و اثاث و لوازم منزلشان جدا) وصیت کرده است. در این صورت برای ترکه چیزی باقی می ماند یا نه؟ (طبق وصیت چیزی برای ترکه باقی نگذاشته است).

**ج:** حکم به راندارد، و آنچه را برای همسران خود وصیت کرده اگر زاید بر ثلث نباشد آن وصیت صحیح است (البته وصیت به ثلث نسبت به تمام، ورثه باشد محاط می شود که مجموع آنچه را زاید بر حق وراثت وصیت کرده زاید بر ثلث نباشد.

**س ۲۹:** در مجموع اثاث منزل تعداد اندکی اسباب نجاری و آهنگری است آیا اینها جزء اثاث منزل به شمار می آید به همسر متوفی تعلق می گیرد؟

**ج:** اگر راجح به آن وصیت خاص نکرده است بین تمام ورثه تقسیم می شود بر طبق قانون ارث اگر موصی راجح به تمام اموال خود وصیت کرده و راجح به وسائل آهنگری و نجاری وصیت

خاص نکرده از این معلوم می‌شود که آنچه راجع به وسایل خانه وصیت کرده که تمام وسایل فلان خانه مال فلان، همسریش باشد در این صورت این وصیت این وسایل را هم شامل می‌شود و مربوط می‌شود به آن خانم که در آن خانه زندگی می‌کند مشروط به اینکه زاید بر ثلث نباشد.

**س. ۳۰:** اشخاصی هستند که وصیت می‌کنند بعد از مرگم تمام اموال منقول و غیر منقول را فرزندان پسر من بطور مساوی بین شان تقسیم کنند و دخترانش را به خیال خود محروم می‌کند بعضی‌ها قید می‌کنند پسرانم خواهران شان را با اعطاء چیزی به غیر از زمین و مانند آن و یا با قول رضایتشان را جلب کنند و بعضی این قید را هم نمی‌آورند دخترها در حین چنین وصیت حضور ندارند ولی طبق عرف و شیوع که وجود دارد بالجمله می‌دانند که پدرشان چیزی از ارث به آنها وصیت نکرده است و درعین حال این را هم نمی‌دانند که آیا چنین وصیت مطابق شرع است یا مخالف شرع با وجود همه اینها در زمان حیات پدرشان هیچ مخالفت با این وصیت نمی‌کنند یا بخاطر ندانستن حکم شرعی یا بخاطر گذشت. حال آیا:

الف) دختران بعد از مرگ پدر حق مخالفت با وصیت و مطالبه حق ایشان را دارند یا نه؟

ج: اگر بعد از فوت پدر راضی به این وصیت بشوند دیگر نمی‌توانند مخالفت کنند و اگر راضی

شونذیک ثلث مال پسران و دو ثلث دیگر بین همه ورثه تقسیم می شود.

ب) آیا جاهل بودن شان در شرعی نبودن وصیت اثر دارد یا نه اگر دارد حکم چیست؟

ج: اثری ندارد.

س ۳۱: آیا حضور داشتن و نداشتن دخترها و مخالفت نکردن شان در زمان حیات پدر چه با علم به اینکه وصیت مطابق شرع است یا نیست اثر خاص دارد یا نه؟ اگر دارد چیست؟

ج: حضور آنها در وقت وصیت پدر شرط نیست؛ همیکه بعد از فوت پدر راضی به وصیت پدر

شوند وصیت نافذ است نمی توانند مخالفت کنند.

س ۳۲: سؤالها:

۱ - وصی می داند منظور و مقصود موصی انجام موارد وصیت است کار وصی خصوصیتی ندارد؛

۲ - وصی می داند که موصی به واگذاری وصیت به شخصی معینی حتماً راضی است؛

۳ - وصی یقین دارد که از نظر موصی بین من و برادرم در انجام دادن موارد وصیت، فرقی نیست؛

۴ - وصی می داند که موصی منتظر فرزندش بوده که در سفر است تا

اورا وصی بگیرد وصی بودن او تارسیدن فرزند موصی است؛

۵ - وصی یقین دارد که اگر عالم محلّ متکفل دفن و کفن و وصیت موصی شود یگانه آرزوی موصی بوده است؛

۶ - وصی یقین دارد که موصی موارد نظرش عمل بهتر و عالی تر است اگر بهتر از وصی کسی عمل وصیت را انجام دهد وصی او است؛

۷ - وصی می داند که خودش بیسواد و جاهل محض است و مراد وصی واگذاری وصیت به عالم است.

به فرض مسائل فوق اگر وصی در سؤال اول برای وصایای میت وکیل بگیرد چنانچه در ذیل مسأله ۲۸۷۶ توضیح المسائل به آن عنایت شده کسی اگر در بقیه موارد طبق علم و یقین خود واگذار کند برئ الذمه می شود یاخیر؟

اگر در چهار مسأله اخیروصیت را واگذار نکند و طبق علم و یقین خود عمل نکرده تخلف و خیانت شمرده خواهد شد؟

ج: در تمام این هفت صورت واگذاری وصایت به غیر جایز است در صورتیکه شرط

مباشرت نسبت به وصی نشده باشد و آن شخص هم اسین و مورد اعتماد وصی باشد و در چهار

صورت اخیر باید بر طبق علم خود عمل کند و آنها را وکیل بگیرد در عمل و اجراء وصیت در بعض این

چهار صورت مدت وصی بودن این شخص محدود است و بعد از آن زمان باید واگذار به شخص



## مورد نظر موصی کند.

س ۳۳: سؤالها:

- ۱ - وصی پیش از وصیت بمیرد؛
  - ۲ - وصی در موارد وصیت میّت خیانت کند؛
  - ۳ - وصی بیسوادی است که اصلاً موارد وصیت را نمی داند؛
  - ۴ - وصی از وصیت منافع شخصی خود را دنبال می کند؛
  - ۵ - وصی موسیقی و شطرنج را مصداق وصیت میّت می داند که توصیه به خیرات و مبرات کرده است؛
  - ۶ - وصی به صورت دوست، تقلّب و فریب را به کار برده تا وصی گردد بعد به اموال میت خلاف شرع را انجام دهد؛
  - ۷ - وصی تهدید به قتل گردد که اگر وصیت را انجام دهد؛
  - ۸ - وصی باز داشت و زندانی گردد و نتواند انجام وصیت کند؛
  - ۹ - وصی مانعی عارضش گردیده از قبیل دیوانگی و سفاهت و غیره.
- در تمام این موارد برای انجام وصیت حاکم شرع کسی را تعیین می فرماید چنانچه در مسأله ۲۸۷۷ توضیح المسائل به بعضی آن اشاره شده است یاخیر؟ در این مسائل نیاز است که حکم و نظر مبارک حضرت تعالی تصریح گردد.

ج: در تمام آن نه (۹) صورت حاکم شرع می تواند شخصی را که صلاحیت اجراء وصیت را

دارد تعیین کند و ضمیمه کند، همراه وصی که صلاحیت اجرا و وصیت را ندارد و یا قادر به عملی کردن وصیت نمی باشد تا از خیانت وصی جلوگیری کند و وصی عاجز را یاری کند در اجراء وصیت.

## احکام ارث

**س ۱:** شخصی بر اثر تصادف فوت می کند از او زن و چند فرزند باقی مانده است همسرش طبق گواهی پزشک باردار و حمل پسر است. آیا از میراث متوفی سهم پسر برای حمل گذاشته می شود؟

**ج:** اگر ثابت شده است که حمل یک پسر است، سهم یک پسر کفایت می کند اما اگر ثابت نشده است باید سهم دو پسر کنار گذاشته شود، بعد از ولادت اگر دو پسر نبود، باقی مانده میان همه ورثه تقسیم شود.

**س ۲:** اگر ورثه متوفی پدر، مادر، دو پسر، یک دختر و یکی هم در شکم مادر باشد که طبق نظر پزشک سونوگرافی پسر است و ماترک و میراث میت مبلغ پنج میلیون و سیصد هزار تومان یا افغانی باشد، چگونه بین ورثه تقسیم می شود؟

**ج:**  $\frac{1}{8}$  (مبلغ ۶۶۲۵۰۰) سهم همسر متوفی،  $\frac{1}{6}$  (مبلغ ۸۸۳۳۳۳/۳۳) سهم پدر.

۱/۶ (مبلغ ۳۳/۸۸۳۳۳۳) سهم مادر، است. باقی مانده بین سه پسر و یک دختر متوفی تقسیم

می شود و سهم دختر نصف سهم پسر است بنابراین دختر مبلغ  $\frac{1}{7} = ۴۱۰۱۱۹$  و هر یک از پسران

$$\frac{1}{7} = \frac{۸۲۰۲۳۸}{۲۸} \text{ ارث می برند.}$$

**س ۳:** کسی از دنیا رفته ورثه او عبارت است از پدر، مادر، همسر یک پسر و دو دختر، بعد از پرداخت بدهی میت مبلغ دو میلیون باقی مانده است مبلغ یادشده چگونه بین ورثه تقسیم می شود؟

ج: سهم همسر مبلغ «۲۵۰۰۰»، سهم پدر و مادر هر کدام « $\frac{1}{6} = ۳۳۳۳۳۳$ » سهم هر دختر

«مبلغ ۵/۳۲۷۰۸۳» سهم پسر «مبلغ ۶۵۴۱۶۷» می شود.

**س ۴:** شخصی بر اثر تصادف فوت کرده است. ورثه او عبارت اند از: پدر، مادر، همسر و یک دختر، میراث متوفی چگونه بین ورثه تقسیم می شود؟

ج: در فرض سوال پس از پرداخت بدهی متوفی،  $\frac{1}{8}$  به همسر،  $\frac{1}{5}$  به پدر،  $\frac{1}{5}$  به مادر و  $\frac{3}{5}$  باقی

مانده به دخترش داده می شود چنانچه میت دو برادر یا چهار خواهر و یک برادر و دو خواهر پدری نداشته

باشد.

**س ۵:** شخصی وصیت کرده است که  $\frac{1}{3}$  اموالش را برای واجبات و مستحبات خودش مصرف شود، بقیه اموال به عنوان میراث بین ورثه تقسیم شود. ورثه آن مرحوم عبارت‌اند از همسر، یک برادر و یک خواهر والدینی دو برادر و یک خواهر مادری، دو ثلث باقی مانده اموال چگونه تقسیم می‌شود؟

**ج:** ثلث اموال که به واجبات و مستحبات خودصیت اختصاص یافت. اما باقی مانده آن:

$\frac{1}{3}$  به دو برادر و یک خواهر مادری تعلق می‌گیرد که به طور مساوی میان خواهر و دو برادر تقسیم می‌شود.

$\frac{1}{4}$  به همسر تعلق دارد، باقی مانده آن به برادر و خواهر والدینی تعلق می‌گیرد.

**س ۶:** آیا ورثه متوفی<sup>۱</sup> می‌توانند همسر او را مجبور کنند که بایکی از اقوام و خویشاوندان شوهر متوفایش ازدواج کند؟

**ج:** اختیار با خود همسر متوفی است هیچ‌کس نمی‌تواند او را مجبور کند.

**س ۷:** اگر ورثه پیش از فوت مورث حق الارث خود را ببخشند چه حکم دارد؟

**ج:** بخشیدن ارث پیش از فوت مورث صحیح نیست.

**س ۸:** کسی یک خانه‌ی چند تا اتاقی دارد، یکی از اتاق‌ها را مهریه عروسش قرار داده است بعد از فوت صاحب خانه بقیه اتاق‌ها میان ورثه

تقسیم می‌شود؟

ج: بله! اتاق‌های باقی‌مانده بین همه ورثه به عنوان ارث تقسیم می‌شود.

س ۹: زن متوفایی که ورثه اش، شوهر، خواهر و نوه او است، میراثش

چگونه تقسیم می‌شود؟

ج:  $\frac{1}{4}$  اموال به شوهر تعلق می‌گیرد. و  $\frac{3}{4}$  به نوه اش. خواهر از خواهر با بودن نوه ارث

نمی‌برد.

س ۱۰: متوفی دو زن دارد یکی از آنها بیچه دارد و دیگری بیچه ندارد آیا

زنی که بیچه ندارد از اموال شوهر ارث می‌برد؟

ج: همسر دایمی از شوهرش ارث می‌برد چه فرزند داشته باشد یا نداشته باشد.

س ۱۱: با وجود فرزند، نوه ای که پدرش پیش از جدش فوت کرده است

ارث می‌برد؟

ج: با وجود فرزند، نوه ارث نمی‌برد.

س ۱۲: با وجود پدر و مادر آیا برادر و خواهر از متوفی ارث می‌برند؟

ج: برادر و خواهر در ردیف دوم ورثه قرار دارند با وجود ردیف نخست، ردیف دوم ارث

نمی‌برد.

**س ۱۳:** دخترانی که شوهر کرده‌اند و نفقه شان توسط شوهران شان تأمین می‌شود از ماترک پدر و مادر خود ارث می‌برند؟

### ج: بله! ارث می‌برند.

**س ۱۴:** مبلغ چهار صد هزار تومان در امور کفن و دفن و سایر لوازم برادر مرحوم مصرف کردم. ورثه برادرم مبلغ چند میلیون دیه گرفته‌اند، آیا من می‌توانم مبلغ مصرف شده را از ورثه برادرم مطالبه کنم؟

**ج:** اگر مبلغ یادشده را با اجازه وصی یا ورثه بگیر متوفی مصرف کرده باشید حق مطالبه دارید و اگر در امور واجبی کفن و دفن مصرف کرده باشید می‌توانید از اصل اموال متوفی بردارید. اگر بدون اجازه وصی متوفی یا ورثه بگیرش مصرف کرده باشید تنها آن مبلغی را که در امور واجبی مصرف کرده‌اید می‌توانید مطالبه کنید. اما غیر از آن راحی ندارید. البته اگر ورثه بگیر متوفی از باب احسان پرداخت کند خوب است.

**س ۱۵:** مردی در زمان حیات خود، زمین های خود را سه قسمت می‌کند یک قسمت را خودش می‌گیرد یک قسمت را به فرزندان بزرگش می‌دهد و یک قسمت را به پسران کوچکش می‌دهد خودش هم با پسران کوچکش زندگی می‌کند. در بیماری مرد زمین های خود را برای فرزندان کوچک خود وصیت می‌کند اما هزینه های کفن، دفن، قضای روزه و نماز

و... را به عهده همه پسران خود می‌گذارد. آیا فرزندان بزرگ می‌توانند زمین‌ها را از اول به طوری مساوی تقسیم کنند؟

ج: اگر پدر در زمان حیات زمین را تقسیم کرده و فرزندان از تقسیم پدر راضی بوده و قبض کرده اند، بعد از فوت پدر حق ندارند دوباره تقسیم کنند اما اگر وصیت کرده باشد که فلان قطعه زمین مال فلان و فلان قطعه دیگر مال فلان، این وصیت در مازاد از ثلث باشد، وصیت نافذ نیست مقدار ثلث ترک که به آن دو فرزند علاوه بر سهم الارث شان داده می‌شود و مازاد بر ثلث بین همه ورثه تقسیم می‌شود زمین های مازاد بر ثلث مال همه ورثه است. قضای ناز و روزه بر عهده فرزند بزرگ است.

س ۱۷: متوفی یک زن و یک دختر دارد و میراث متوفی چگونه تقسیم می‌شود؟

ج: اموال غیر منقول (زمین باغ و زمین خانه) مال دختر است. اما اموال منقول و قیمت بناء خانه  $\frac{1}{8}$  به همسر متوفی تعلق دارد، بقیه مال دخترش است.

س ۱۷: قطعه زمینی از متوفی به ورثه به عنوان ارث می‌رسد در این زمان فرد دیگری پیدا می‌شود و ادعا می‌کند که بخشی از این زمین سهمیه



مادرش است در حالی که در زمان زندگی متوفی اصلاً چنین ادعایی نکرده بود آیا چنین حقی دارد؟

**ج:** اگر ادعای خود را در نزد حاکم شرع اثبات نتواند ادعای او اعتباری ندارد.

**س ۱۸:** از متوفی مبلغ ۵۴۷۰۰۰ تومان نقد مانده است. ورثه عبارت‌اند از زن، دختر و مادرش، مبلغ یاد شده چه گونه بین این سه نفر تقسیم می‌شود؟

**ج:** سهمیه مادرش مبلغ  $\frac{1}{4}$  ۱۳۶۷۵۰ تومان؛

سهمیه همسرش مبلغ ۸۳۷۵ تومان؛

سهمیه دخترش مبلغ ۳۴۱۸۷۵ تومان است.

**س ۱۹:** زمینی که از راه ارث به ورثه می‌رسد و به طور مشترک و مشاع استفاده می‌شود، اگر یکی از ورثه‌ها بدون اجازه دیگران از زمین استفاده کند یا درخت‌های مشترک را بفروشد و قطع کند چه حکمی دارد؟

**ج:** استفاده از مال مشاع بدون اجازه همه شرکاء جایز نیست. اگر استفاده کرده باشد ضامن

اجرت المثل خواهد بود. در فرض سوال قیمت را باید در بین شرکا تقسیم کند.

**س ۲۰:** یکی از پسران پدرم، از دنیا رفته بود و از او یک فرزند، مانده است. آیا فرزند برادر مرحومم که نوه پدرم است مانند ما از پدر بزرگش ارث می‌برد؟

### ج: نوه از پدر بزرگش، با وجود عمو الارث نمی برد.

**س ۲۱:** پدرم در زمان حیات یک قطعه زمین را برای هزینه های بعد از مرگش در نظر گرفت که هریک از ورثه متقبل هزینه های یاد شده شود، زمین مال او شود. من تمام وظایف و هزینه ها را انجام دادم. آیا مالک زمین مورد نظر شده ام؟

ج: اگر پدر، شخص خاصی را معین نکرده باشد و اگر زمین بیشتر از ثلث نباشد و اگر باشد دیگر ورثه رضایت داشته باشند شما مالک شده اید.

**س ۲۲:** از پدرم پنج پسر و چهار دختر به عنوان ورثه باقی مانده است. برخی از برادرانم بدون توجه به سهمیه و حق الارث خواهران ما ترک پدر را در میان خود تقسیم کرده اند. آیا خواهران حق مطالبه دارند؟

ج: بله! حق دارند سهم الارث شان را مطالبه کنند.

**س ۲۳:** برخی برادران بدون حضور دیگر برادران و خواهران و بدون رضایت آنان اموال را تقسیم کرده آیا شرعاً حق تقسیم داشته اند؟

ج: حق تقسیم نداشته اند مگر این که تقسیم در حضور افراد مؤمن و عادل انجام شده باشد که در این صورت تقسیم صحیح است.

**س ۲۴:** مردی با فرزنداناش در یک جا باهم کار می کرده اند در آمد

و مصرفشان در اختیار پدر بوده است بعد از فوت پدر دارایی به جا مانده از او طبق قانون ارث به ورثه تقسیم می‌شود یا بر پایه ملک و مال خود پسرها تقسیم می‌شود؟

ج: اگر پول را بر پدر خود هب کرده باشند طبق قانون ارث توزیع و تقسیم می‌شود. اگر هب نکرده بلکه اباحه در تصرف کرده اند هر چه باقی مانده است مال پسران است اما سهم خود پدر مال همه ورثه است. اگر معلوم نباشد که چه مبلغی از آن مال پدر و چه مبلغی مال پسران بوده است باید مصاحبه کنند باقیه ورثه را.

س ۳۵: پدری از دنیا می‌رود، ورثه او سه پسر و پنج دختر است که چند تای از آنها صغیرند. دو نفر ورثه کبیر زمین پدر را دو قسمت می‌کنند و سهم میراث بقیه را نیز تصرف می‌کنند، در خانه ای که همه ورثه حق دارند نماز می‌خوانند آیا تقسیم میراث با این شیوه جایز است؟

ج: تحت از طرف حاکم شرع برای صغار قیم شرعی معین می‌شود، اگر قیم تقسیم را پذیرفت، تقسیم صحیح و کره باطل است. حتی نماز خواندن در خانه یاد شده بدون اجازه قیم شرعی صغار اشکال دارد.

س ۳۶: با توجه به مسأله پیشین، محصول زمین همه ورثه را دو برادر

بزرگ مصرف کرده‌اند آیا ورثه صغار حق مطالبه دارند؟

**ج:** بله! تا وقتی که پرداخت نکرده‌اند می‌توانند.

**س ۲۷:** ملک و زمینی که تحت تصرف دو برادر بزرگ است یکی از آن‌ها قسمتی از زمین خود را فروخته است. زمین فروخته شده از سهم فروشنده کم می‌شود یا از خریدار پس گرفته می‌شود؟

**ج:** از سهم فروشنده کم می‌شود اما اگر ورثه بگیر اجازه بدهند و راضی به معامله شوند از سهم آن‌ها

نیز کم می‌شود

**س ۲۸:** مردی بدون وصیت از دنیا رفته از آن شخص سه دختر و یک پسر باقی مانده بعد پسرایشان هم از دنیا رفته و وصیت نداشته است اکنون زمین‌های این پدر و پسر بین سه دختر تقسیم می‌شود؟

**ج:** مجموع میراث پدر و برادر بین سه خواهر بطور مساوی تقسیم می‌شود البته اگر از آن پسر پدر

و مادر و اولادی نمانده باشد و الا میراث ایشان مال اولاد پدر و مادر می‌باشد.

**س ۲۹:** زمینی که بین برادرها بطور مساوی تقسیم نشده ولی برادران به همان تقسیم راضی بوده‌اند آیا ورثه آنها بعد از فوت آنها میتوانند دوباره تقسیم کنند یا همان تقسیم خود برادران نافذ است؟

**ج:** اگر همه شرکاء به تقسیم جدید راضی باشند مانعی ندارد و الا جائز نیست.

**س ۳۰:** دو پسر عمو بودند یک پسر عمو از زمین خود اعراض کرده و زمین نزد پسر عموی دیگر مانده تا حالا آن پسر عمو یا ورثه‌اش به سراغ زمین شان نیامده حالا ورثه پسر عموی حاضر آن زمین را تصرف کرده حکمش چیست؟

### ج: آن زمین در فرض سوال برای ورثه حلال است.

**س ۳۱:** چند نفری در اموالی شریک بوده‌اند یکی از شرکا در اثر تصادف بستری و سپس فوت می‌شود اما بقیه شرکا از مال مشترک برای تداوی او مصرف می‌کنند بعد از فوت ایشان میتوانند از اصل مال متوفی بردارند یا خیر؟

ج: در صورتیکه داده باشند به قصد اینکه بعد از محابه پول را میکیریم در این صورت میتوانند از

ترکه میت بردارند.

**س ۳۲:** شخص متوفی یک مقدار زیور آلات زنانه از قبیل طوق طلا و انگشتر و غیره برای خانم خود قبلاً گرفته بود و خانم هم از آن استفاده کرد هم چنین لباس و جهیزیه و غیره آیا این اموال مال خانم است یا جزء ترکه میت؟

ج: اگر طلا و لباس جزء مهریه زن بوده یا برای زن بده کرده بوده این اموال مال زوجه

است و اگر چنین نباشد جزء ترکه است که خود زوجه نیز از آنها ارث می برد.

**س ۳۳:** یک زن دو شوهر کرده. از شوهر اول هم وارث دارد و از شوهر دوم هم وارث دارد وقتی این زن از دنیا می رود شوهر دومش زنده بود اکنون این شوهر بالای زمین این زن که فوت شده درخت شانده است این درخت و میوه درختان مال کیست؟

**ج:** درخت و میوه درختان مال شوهر دوم است اما ورثه زن حق دارند که اجرت المثل زمین خود را از شوهر دوم این زن بگیرند و وارث این زن شوهر زن و اولادش می باشد چه از شوهر اولش و چه از شوهر دومش باشد.

**س ۳۴:** اگر وارث میت عمو و عمه های ابی و پسر عمو و پسر عمه ابوینی است ارث این میت به کدام یکی می رسد؟

**ج:** ارث میت به پسر عمو و پسر عمه ابوینی می رسد نه به عمو و عمه های ابی.

**س ۱ - ۳۵:** آیا دعاوی حقوقی مثل دعاوی زمین و غیره مرور زمان از نظر حضرت تعالی در فقه شیعه موضوعیت و جایگاهی دارد؟ و اگر هست مدت (ابتدا و انتهای) آن چگونه است؟

**س ۲ - ۳۵:** اگر مرور زمان وجود دارد، در صورت که شخص واقعاً حق دار باشد اما بر اثر ضعیف بودن و نداشتن قدرت یا نبودن در محل یا ترس

از جان و مال خود و یا موانعی دیگر مانند نبودن قانون و محکمه عادلانه...، نتواند مدتی مطالبه حق خود را نماید، آیا ظلم به حق او نخواهد بود؟

**س ۳ - ۳۵:** بعضی از علما و کارمندان ادارات دولتی می‌گویند که از حضرت عالی استفتای هست به این صورت که: اگر برادر و خواهری مدت ۲۰ سال در کنارهم زندگی کنند و خواهر حقی که از پدرش به ارث برده و در دست برادرش هست مطالبه نکند، بعد از این مدت دیگر حق ادعای حقی خود را ندارد و شامل مرور زمان است، (که با استناد به این استفتا «بنده خواستم که این استفتارا ببینم ولی نشانم ندادند» و مواد چندی از کتاب مجلّه الاحکام قانون عثمان که تاحدودی طبق مذهب حنفی می‌باشد، هر چند در آنجا نیز تصریح دارند که مرور زمان مشروعیت ندارد بلکه فقط جهت تسهیل در امور است - یعنی قانونی است نه شرعی - و محاکم دولتی بعد از مدت معینی به چنین مواردی ترتیب اثر نمی‌دهد نه اینکه طرفی که مرور زمان به نفع اوست صاحب حق باشد، ولی علما و قضات محاکم دولتی در بعض ولایات افغانستان می‌گویند شخصی که مرور زمان به نفع اوست، صاحب حق است و بعضاً طبق آن حکم صادر نموده و می‌نمایند چه در مورد مشابه و یا موارد دیگر) آیا چنین چیزی هست و بوده؟ و اگر هست آیا تزییع حق نخواهد شد؟ خصوصاً مواردی که خواهر بعلت از علل مانند حفظ روابط حسنه با برادرش و جلوگیری از مفاسدی که در افغانستان معمولاً چنین دعاوی در پی دارد، از مطالبه حق خود یا طرح دعوا در محاکم خود داری نماید.

ج: در فرض سوال مرور زمان حق کسبی را از بین نمی‌برد. بلی آنچه مطرح است بین مالک اصلی و وارث مالک فرق است یعنی اگر مالک اصلی در زمان حیات خود در صورتیکه هیچ مانعی برای طلب کردن حش وجود داشته است اگر حق خود را مطالبه نکند بعد از خودش ورثه ایشان حق مطالبه ندارند چون عدم مطالبه حق از ناحیه مالک اصلی دلیل بر اعراض از حق یا ابراء ذمه کسی است که ملک (مال) این مالک در تحت تصرفش می‌باشد مثلاً حصه زمین خواهر اگر در دست برادر باشد و این خواهر به اختیار خود زمین‌های خود را از برادر مطالبه نکند و از دنیا برود ورثه این خواهر حق مطالبه ندارند.

**س ۳۳۶:** هرگاه مقتولی دارای سه فرزند و پدر باشد، چنانچه پدر مقتول فوت نماید و این پدر برادر داشته باشد آیا این برادر از قصاص و یا دیه حسب مورد ارث می‌برد؟

ج: با وجود فرزند برادر پدر از میت ارث نمی‌برد و حق قصاص هم ندارد.

**س ۳۳۷:** آیا شوهر از زوجه ارث می‌برد؟ و از زمین و درخت و امثال اینها نیز ارث می‌برد یا فقط از مال منقول ارث می‌برد؟



### ج: شوهر از تمام ماترک زوجه ارث می برد و از عین آنها ارث می برد نه از قیمت.

**س ۳۸:** شخصی با یک فرزند صغیر و همسرش با مادر خانمش زندگی می کرده است به خاطر مخارج خانه قرض دار شده و این شخص بر اثر تصادف از دنیا رفته است بعد از گرفتن دیه، آیا قرض داری او از دیه اش پرداخت می شود یا خانم و مادر خانمش باید از خانه و زمین قرض داری او را پرداخت نمایند؟

ج: دیون میت از ماترک او پرداخت می شود اعم از منقول و غیر منقول دیه هم از جمله ماترک میت است لذا دیون میت از دیه هم پرداخت می شود البته باید دین از اموال منقول به قسم کسر شود که ضرر متوجه خانم نشود.

**س ۳۹:** شخصی در ایران بر اثر تصادف فوت نموده است. ورثه او پدر و همسر و یک فرزند صغیر است که در افغانستان زندگی می کنند. پدرش برای گرفتن دیه به ایران آمده است، مخارج سفر از قبیل هزینه رفت و برگشت و هزینه پاسپورت و مخارجی که برای گرفتن و ثبوت و کارهای دادگاه خرج کرده است بر عهده کیست؟ آیا همه مخارج بر عهده پدر متوفی است یا بر عهده همه ورثه؟

ج: اگر بدون پدر گرفتن دیه امکان نداشته و پدر به قصد اجرت آن کاره را انجام داده است

## از اصل ترکه مخارج کسری شود.

**س ۱۴۰:** برادر و خواهری پدری و مادری و یک برادر مادری اگر برادر پدری و مادری از دنیا برود آیا برادر مادری هم ارث می برد یانه؟

**ج:** بله! ارث می برد مال شش قسمت می شود یک قسمت مال برادر مادری و پنج قسمت

دیگر مال خواهر پدری و مادری است.

**س ۱۴۱:** حدود نود سال یا صد سال قبل چند نفر برادر بودند که از پدرشان زمین زیادی برایشان به ارث می رسد و برادران زمین های پدر خود را بینشان تقسیم می کنند و چون زمین های زیادی داشتند هر برادری از تقسیم خود به کسان دیگر می فروشند و در مدت این نود سال الی صد سال خیلی از زمین ها فروخته شده یا سیل خراب می کند و بعضی از سندهایی که آن زمان به مشتری ها داده بودند به مرور زمان مفقود گردیده یا فرسوده شده است حال بعد از این مدت نوه ها و نتیجه های همان برادران جار و جنجال و مزاحمت برای نوه ها و نتیجه ها مشتری هایی آن زمین به راه انداخته است که این زمین ها در زمان اجداد ما به صورت مساوی بین برادران تقسیم نشده است لذا ما آن معامله ها را قبول نداریم باید مقداری از آن زمین ها را به ما پس بدهید یا از آب این زمین ها به ما بدهید که ما در جای دیگر زمین احیاء کنیم و حال آنکه آب همان منطقه برای خود زمین های آن منطقه کفایت نمی کند. حتی بعضی از آنها به زور سرزمین های

مشتری‌های بی دفاع خانه و منزل ساخته‌اند و کوه‌های علف‌زاری که مربوط به زمین‌های مشتری بوده است تصاحب نموده‌اند. آیا این ادعاها و این افعال مشروعیت دارد و در آن خانه‌ها نماز و عبادت صحیح است؟

ج: در فرض سؤال چون اصل مالکین زمین همان آباء و اجداد اشخاص فعلی بوده‌اند لذا در آن زمان اختیار به دست خود آنها بوده به هر نحوی که در همان زمان تقسیم کرده‌اند و تقسیم‌شان به طوری مساوی نبوده بلکه کم و زیاد بوده باز همان تقسیم صحیح و نافذ است که بعد از فوت آن‌ها که مالکان اصلی بوده‌اند حتی اولاد بلا فصل آنها حق به هم زدن تقسیم پدرانشان را نداشته‌اند تا چه رسد به نواسه یا و بنیره‌ها که به طریق اولی و به هیچ عنوان حق به هم زدن تقسیم را ندارند.

و اگر خانه‌هایی که روی آن زمین‌ها ساخته شده بدون اجازه مالکان شرعی که همان نواسه یا بنیره‌های مشتری‌های ده سال قبل است نماز بخوانند نمازشان هم باطل است. و باید آن زمین‌ها را همراه اجرت المثل آن زمین‌ها که عاید آن زمین‌ها باشد را به مالکان شرعی آن که همان نوه‌های مشتری‌ها است برگردانند و الا در روز قیامت جوابگوی خداوند بایده‌باشند.

و سهم چمن از آب های و چشند های که متعلق به زمینها فروخته شده است کسی دیگر حق

استفاده را ندارد.

**س ۴۲۶:** فردی که خشتی مشکله باشد، ارث پسر را می برد یا ارث دختر را؟

**ج:** اگر علایم مردی یا زنی نداشته باشد نصف سهم پسر و نصف سهم دختر را به ارث

می برد.

**س ۴۳۳:** پدری حین فوت به عنوان وصیت یکی از زمین های زراعتی

خودش را تسلیم همسرش می کند که تازنده هست از آن استفاده کند و بعد از مرگش بین ورثه تقسیم شود آیا مادر می تواند این زمین را به یکی از وراثت واگذار کند؟

**ج:** در فرض سوال اگر ورثه راضی نباشد نمی تواند به کسی دیگر واگذار کند چون فقط برای خود

ش وصیت کرده است.

**س ۴۴۴:** فردی از او دو پسر و یک دختر وارث مانده پسران به اسم کرم

علی و مهدی و دختر به اسم مریم می باشند. دختر کرم علی و خواهرش حقوق شان را گرفته است بعد از دو پشت «وارثان مریم» وارث مریم حق وارثیه خود را می خواهند و آنها تندهی ندارد دختر و نوه کرم علی حق خود را گرفته ولی خواهر ایشان که مریم باشد نوه ایشان حق خود را

نگرفته است حالا آیا حق دارد یانه؟

ج: در فرض سؤال اگر مریم خانم در زمان حیات خود سهم خود را برای برادران شان بهبه کرده باشد و یا از سهم خود اعراض کرده باشد در این صورت نوه بایش حق مطالبه ارث ندارد و همچنین اگر اولاد مریم خانم از میراث مادرشان اعراض کرده باشند و یا سهم شان را برای دانیها بخشیده باشند در این صورت باز نوه با حق مطالبه میراث ندارند و یک صورت حق مطالبه دارند که در نزد حاکم شرع ثابت شود که مریم خانم و اولادش سهم شان را بهبه نکرده اند و از سهم شان اعراض هم نکرده اند یعنی مریم خانم و اولادش در زمان حیات مطالبه حق کرده اند ولی کرم علی و مهدی حق شان را نداده اند.

**س ۴۵:** بچه ای را با رضایت پدر و مادرش از بیمارستان گرفته به فرزندی قبول می کند و مبلغ پولی را هم به پدر و مادر اصلی آن می دهد، بعد از مدت هفت سال بچه مذکور در اثر یک تصادف از دنیا می رود، حال آیا دیه آن به چه کسی تعلق می گیرد آیا پدر و مادر خوانده که بچه را بزرگ نموده اند می توانند چیزی را به عنوان حقّ الزّحمة از دیه بگیرد و یا از پدر و مادر واقعی آن طلب کند؟

ج: در فرض سوال دیه آن مال پدر و مادر واقعی او می باشد پدر خوانده و مادر خوانده از دیه

ایشان ارث نمی برد.

س ۱۴۶: احمد و اسحاق فرزندان علی بخش، زمینی را گرو نموده مدت سی سال شده که آن زمین در نزد ایشان می باشد. در آن زمین احمد حق الارث هم دارد زمین موروثی و گیروی تمام مشاع می باشد احمد در بالای آن زمین مشاع نهال غرس نموده و خانه ساخته برادرش که همسایه می باشد نیز ادعا دارد که در نهال غرس شده و خانه ها، من حق دارم حکم چیست؟

ج: در فرض سوال نهال غرس شده مال کسی است که نهال را غرس کرده اگر نهال مال

خودش بوده ولی اگر نهال مشترک بوده درخت هم مشترک است صاحب زمین به اندازه حصه خود در

محل غرس درخت اجرت المثل زمین خود را حق دارد اما خانه چون روی زمین مشاع و مشترک

درست شده است صاحب زمین خانه اندازه سهم خود را حق دارد.

## احکام قضاء

**س ۱:** مدعی و مدعی علیه، شخصی را به عنوان قاضی تحکیم انتخاب کرده اند. قاضی تحکیم بدون تحقیق و بررسی قضیه را به نفع یکی از طرفین فیصله کرده آیا این حکم نافذ است؟

**ج:** قاضی تحکیم باید مجتهد و عادل باشد و گرنه فیصله اش قبول نیست.

**س ۲:** بعضی حکام منطقه روحانیان را با زور و تهدید به منصب قضاوت نصب می کنند. در چنین شرایطی وظیفه آن روحانیان چیست آیا حکم آنها لازم الاجرا است؟

**ج:** وظیفه روحانیان است که تا جایی که می توانند دعوات را از باب مصاحبه حل و فصل کنند. اگر حکم کنند حکم آنها لازم الاجرا نیست. اما اگر طرفین دعوات روحانیان اجازه مصاحبه بدهند و آن ها صلح کنند بعد از مصاحبه هیچ یک از طرفین حق ندارند به هم بزنند.

**س ۳:** برپایه پیشینه دشمنی منطقه ای، بدون شواهد و قراین شرعی،

کسی را به عنوان قاتل معرفی می‌کنند. متهم به قتل چند نفر شاهد دارد که در روز حادثه قتل اصلاً در منطقه نبوده است. آیا این مورد لوث است تا قسامه جاری شود یا شهادت شهود مانع از قسامه می‌شود؟

**ج:** اگر متهم به قتل در نزد قاضی بتواند قسامه کند نوبت به قسامه نمی‌رسد و متهم از قتل

تبرئه می‌شود.

**س ۴:** قضاوت اصولاً وظیفه مجتهد جامع شرایط است یا علماء و طلاب هم می‌توانند قضاوت کنند؟

**ج:** قاضی یا مجتهد جامع شرایط باشد یا از طرف او منصوب شده باشد در غیر این صورت

کسی حق قضاوت ندارد.

**س ۵:** تعدادی از طلاب و فضلاء طبق تحریر الوسيله و برخی کتب فقهی مانند عروه، شرح لمعه و... قضاوت می‌کنند و معلوم نیست که مطلب کتب یاد شده را درست استخراج می‌توانند یا نه احکام را بر موضوعات درست تطبیق داده می‌توانند یا نه، آیا چنین افرادی صلاحیت قضاوت دارند، آیا احکام آنان نافذ است؟

**ج:** صلاحیت قضاوت ندارند و احکام شان نافذ نیست.

**س ۶:** قضاوت یک روحانی که مطابق فتوای مراجع تقلید است برای



طرفین دعوا لازم الاجرا است یا طرفی که حکم و قضاوت به ضررش تمام شده میتواند مخالفت کند؟

**ج:** اگر طرفین دعوا و برای قضاوت انتخاب کرده باشند نمی توانند مخالفت بکنند.

**س ۷:** قاضی روحانی در صورت اختلاف فتاوی مراجع وظیفه اش

چیست؟

**ج:** به فتوای مرجع تقلید علم عمل کند و اگر علمیت معلوم نباشد به فتوای عمل کند که موافق

احتیاط است.

**س ۸:** اگر طرفین دعوا به مراجع تقلید دسترسی نداشته باشند و زحمت

استفتا را هم تحمل نکنند از روحانی محل بخواهند که قضاوت کند آیا روحانی محل می تواند تقاضای آنها را رد کند؟

**ج:** بر روحانی که قاضی نیست قبول واجب نیست. می تواند رد کند.

**س ۹:** آیا روحانی محل که چندین روز وقتش تلف شده، از بیت المال

هم کمک دریافت نمی کند می تواند در برابر فیصله های خود از طرفین دعوا اجرت دریافت کند؟

**ج:** اگر روحانی قاضی شرعی نباشد می تواند در برابر رفت و آمد خود اجرت المشل دریافت

کند.

**س ۱-۱۰:** هرگاه قاضی به عمد و به جهت غرض ورزی با متهم حکم قصاص نفس یا عضو یا رجم و امثال آن را صادر و حکم صادره اجرا شود قاضی مزبور چه مسؤولیتی دارد؟

**س ۲-۱۰:** قاضی در اثر تقصیر و کوتاهی یا بی توجهی و عدم رعایت مقررات داد رسی، احکام مورد اشاره را صادر کند، قاضی مسؤول است یا بیت المال؟ در صورتی که مصلحت اقتضا کند آیا می توان بیت المال را مسؤول پرداخت دانست؟

**ج ۲۰۱:** در فرض سوال مسؤولیت به عهده قاضی است و هر جرم را که مرتکب شده است

مانند غیر قاضی باید با او رفتار شود از نظر قصاص و دیه و غیره و بیت المال مسؤولیت ندارد مگر اینک

حاکم شرع صلاح بداند در این صورت دیه از بیت المال پرداخت می شود.

**س ۱۱:** در صورتی که قاضی در صدور احکام مزبور مرتکب تقصیر شود، آیا می توان دیه را به نیابت از قاضی از بیت المال پرداخت نموده و آنگاه به تدریج از حقوق قاضی کسر نموده و به بیت المال برگرداند؟

**ج:** اگر قاضی قادر به پرداخت دیه نباشد اشکال ندارد.

**س ۱۲:** در صورت خطای قاضی در صدور حکم (خطای محض) آیا

قاضی مسؤول است یا بیت المال یا عاقله؟

### ج: بیت المال مؤل است.

**س ۱۳:** در خسارات مازاد بر دیه در صورتی که جانی قادر بر پرداخت آن نباشد آیا بیت المال مسئولیتی دارد یا نه؟

ج: در فرض سؤال به جانی مهلت داده شود تا در صورت قدرت دیه را پرداخت کند در این

مورد از بیت المال دیه پرداخت نمی شود.

**س ۱۴:** در جنایات تسبیبی در صورت خطای محض بر اساس نظر جمعی از فقهای امامیه عاقله مسئولیتی ندارد پرسش این است که در صورت فقر جانی آیا بیت المال نیز مسئولیتی ندارد؟

ج: در این صورت هم بیت المال مسئولیت ندارد به جانی مهلت داده شود تا خود در

صورت تگن دیه را پرداخت کند.

**س ۱۵:** در زنای مستوجب رجم که با علم قاضی ثابت شده چه کسی زدن سنگ را آغاز نماید؟

ج: اطلاق روایت دلالت دارد که چه زناء به علم قاضی ثابت بشود یا به یتد و یا به اقرار خود

زانی، خود قاضی ابتدائی به رجم بکند.

**س ۱۶:** دلیل مشروعیت قاضی تحکیم چیست؟

ج: دلیل روایات است از جمله صحیحه حلبی در کتاب وسائل الشیعه ج ۲۷، باب ۸، من

### ابواب صفات قاضی، ح ۸.

س ۱۷: آیا قاضی تحکیم در زمان غیبت امام زمان (عج) فرض وجود دارد و آیا می‌توان در زمان حاضر جایگاهی برای آن پیدا کرد؟

ج: بلی قاضی تحکیم هم در زمان حضور امام بوده و هم ممکن است حالا باشد.

س ۱۸: آیا قاضی تحکیم نیاز به شرط اجتهاد دارد و آیا طرفین دعوا می‌توانند کسی که مجتهد نیست ولی مأذون از طرف ولی فقیه باشد به عنوان قاضی تحکیم قرار دهند؟

ج: مشهور قائل است به اینکه در قاضی تحکیم اجتهاد شرط است و ادعای اجماع شده آما

اجماع محصل وجود ندارد و اجماع منقول هم که حجت نیست. ولی از اطلاق ادله در این نوع

قاضی شرطیت اجتهاد بدست نمی‌آید چنانچه صحیحه حلبی دلیل بر مطلب است.

آما باید علم به قضاء و قوانین قضاء در واقع مورد نزاع داشته باشد و لو عن تعلیه باشد.

س ۱۹: آیا قاضی تحکیم علاوه بر قضاوت، حق اجرای احکام بویژه در

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۷، باب ۸، ح ۵، من ابواب صفات قاضی.

دعاوی کیفری را دارد یا خیر؟

ج: قاضی محکیم حق اجبار بر عمل بر حکمش ندارد و فرقی با قاضی منصوب در این مورد همین است که قاضی منصوب هم حق احضار احد الخصمین را در صورت طرح دعوا از طرف خصم دیگر دارد و هم اجبار بر عمل. اما قاضی محکیم چنین حقی را ندارد.

س ۲۰: بر فرض اعتبار قاضی تحکیم و توافق طرفین دعوا به آن آیا توافق بر اصل تحکیم است و قاضی را دستگاه قضایی تعیین می‌کند و یا شخص قاضی نیز باید با تراضی طرفین باشد؟

ج: در قاضی محکیم تراضی خصمین معتبر است و ربطی به دستگاه قضایی ندارد بهر کیسه طرفین دعوا رضی شدند حکمش نافذ است.

س ۲۱: شخصی با شخصی دیگری دعوی زمین دارد و شخص اول شاهد می‌آورد. افراد را که خود شان باشخص دوم طرف دعوایی زمین دیگر است در عین حال که افراد شاهد، کارهای خلاف هم از آنها صادر شده است و قاضی در مجلس شهادت افراد دیگر، در عین حال که بی طرف بوده است اصلاً حرفشان را گوش نمی‌دهد. آیا چنین قضاوت و شهادت صحیح است یا نه؟

ج: اگر شاهد عدالت نداشته باشند و یا قاضی رعایت موازین شرعیه را نکرده باشد و یا قاضی

## صلاحیت قضاوت نداشته باشد در این سه صورت آن قضاوت صحیح نیست.

**۲۲:** کسی در سنّ صغیری چیزی را دیده و بر داشت نموده و در سنّ کبیری خودش شهادت می‌دهد آیا چنین شهادتی صحیح است یا نه؟

## ج: میزان بالغ بودن شاهد است در زمان شهادت نه در زمان دیدن واقعه.

**۲۳:** در افغانستان در مسائل متنازع فیه با توجه به اینکه در آن مکانهای که قاضی جامع شرایط یا منصوب از طرف او وجود ندارد و هر دو طرف دعوا برای حل آن مسأله علماء آن محل را جمع می‌کنند و بعد آنها برای دفع آن تنازع یکی از منابع فقهی مراجع عظام تقلید را تحقیق می‌کنند (که غالباً منبع آنها تحریر الوسيلة حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ن است) و مسأله آنها را برطبق همان منبع مذکور حل می‌کنند سؤال این است: اولاً: آیا حکم آنها طبق همان کتاب به عنوان قاضی تحکیم نافذ است؟ ثانیاً: اگر بر فرض که حکم آنان صحیح باشد در صورت که در همان مسأله مورد دعوا اختلاف فتوایی بین مراجع تقلید وجود داشته باشند آیا حکم کدام آنها بر دیگری مقدم است؟

ثالثاً: اگر برعکس فرض دوم باشد در صورت که هیچ قاضی جامع شرایط یا منصوب از جانب او در آن جا موجود نیست با این نوع مسائل که غالباً در آن مکان واقع می‌شوند چه کار باید کرد؟

ج: در فرض سؤال اگر طرفین دعوا کسی را به عنوان ناقل فتوایی مجتهد قبول کنند نقل فتوا از

جانب آن شخص نافذ است چنین افرادی اصلاً قاضی گفته نمی شود فقط به عنوان مسأله کون نقل  
فتوای کند و اگر مدعی و مدعی علیه از دو نفر مجتهد تقلید دارند که در مورد دعوا اختلاف در فتوا دارند باید  
از مجتهد جامع الشرایط استفتاء کنند یا احوط القولین را اختیار کنند و یا با هم مصاحبه کنند.

## احکام قصاص

**س ۱:** مردی زن شرعی و قانونی خود را با اجبار و اکراه و تهدید به قتل و ادار به عمل زنا با مردان بیگانه می کند. عمل زنا با اکراه و اجبار تحقق یافته است و در فاصله چهار- پنج ساعت بعد، زن، با استفاده از آلات قتاله همسرش را به قتل می رساند حکم زن چیست؟

**ج:** اگر چهار نفر شاهد عادل، اکراه به زنا را ثابت کنند و یا ورثه مقتول ادعای زن را تصدیق

کنند زن قاتله مجازات نمی شود. در غیر این صورت زن قاتله قصاص می شود.

**س ۲:** شخصی، زن و مردی را با ادعای این که آن ها مشغول زنا بودند به قتل می رساند در حالی که هیچ شاهد و قرینه ای بر صدق ادعای قاتل و جود ندارد. حکم شرعی این مسأله چیست؟

**ج:** وارثان متولان حق دارند قاتل را قصاص کنند و یا دیه بگیرند.

**س ۳:** در شب تاریکی تعدادی مهاجم بر خانه ای هجوم می آورند در هنگام دفاع صاحب خانه دو نفر از مهاجمان کشته و بقیه فرار می کنند آیا



صاحب خانه در برابر قتل دو مهاجم قصاص می شود یا باید دیه پرداخت کند یا هیچ کدام؟

**ج:** خون مهاجمان بدر است نه قصاص دارند و نه دیه مگر این که ثابت شود که آن ها در حال

فرار کشته شده اند.

**س ۴:** شخصی، مرد وزنی را در خانه ای به قتل می رساند با این ادعا که آن ها را در حال زنا مشاهده کرده است، بعداً ثابت می شود که ادعای قاتل دروغ بوده است بعد از مدتی یک نفر از خانواده مقتول با اشاره و رضایت اولیای دم قاتل را می کشد آیا قاتل مجازات می شود؟

**ج:** اگر قاتل را به دستور اولیای دم کشته باشد مجازات نمی شود.

**س ۵:** کسی بر پایه دشمنی های نابجا بدون مجوز شرعی شخصی را می کشد. حاکم شرعی و جود ندارد که مسأله را طبق شریعت فیصله کند آیا اولیای دم می توانند قاتل را قصاص کنند؟

**ج:** اگر موجب منفه، هرج و مرج و اختلال نظم جامعه نشود می توانند قصاص کنند.

**س ۶:** چند نفر از جوانان لات و زور گوی ایرانی، برادرم را اذیت و مسخره و پولش را گرفته بودند. برادرم با التماس از آن ها می خواهند که پولش را برگردانند اما آن ها مسخره اش می کنند. برادرم عصبانی می شود با مشت به یکی از آن ها می زند سر او به جدول می خورد، بیهوش می شود

وبعداً می‌میرد. سوال این است که برادرم قصد کشتن او را نداشته است حالا اگر خانواده مقتول رضایت ندهند برادرم اعدام می‌شود؟

### ج: قتل شبه عمد است ورثه مقتول حق قصاص ندارند.

**س ۷:** کسی کشته می‌شود غیر از مادر، چند نفر صغیر و برادر کسی دیگری ندارد آیا مادر می‌تواند ولی دم مقتول باشد یا باید صبر کند تا فرزندان مقتول به بلوغ برسند؟ اگر مادر می‌تواند ولی دم مقتول باشد آیا می‌تواند کس دیگری را در دنبال کردن قصاص یا دیه وکیل بگیرد؟

ج: اگر قتل عمدی باشد مادر به تنهایی نمی‌تواند قاتل را قصاص کند مگر این که سهم ورثه صغیر را به عده خود بگیرد مثلاً اگر بعد از چند سال فرزندان مقتول بزرگ شدند و گفتند مادیه می‌خواهیم باید مادر بزرگ سهم دیه آن‌ها را بدد، مادر از طرف خود می‌تواند وکیل بگیرد و اگر وکیل مادر قصاص قاتل را انتخاب کرد، مادر باید سهم ورثه را به عده بگیرد غیر این صورت باید صبر کنند تا ورثه صغیر مقتول به بلوغ برسند و درباره قصاص و دیه تصمیم بگیرند.

**س ۸:** شخصی مرتکب قتل عمدی خواهرش در ماه حرام شده اولیاء دم بجز شوهر رضایت می‌دهند. آیا شوهر حق مطالبه قصاص دارد؟ در صورتی که شوهر حق مطالبه قصاص را نداشته باشد و جانی هم با پرداخت دیه موافقت نکند آیا دیه منتفی می‌گردد؟

### ج: در فرض سؤال باید قاتل را مجبور کند به پرداخت دیه.

**س ۹:** در صورت ثبوت حق دیه برای شوهر، آیا تغلیظ دیه هم ثابت می‌گردد؟

### ج: برای شوهر هم دیه تغلیظ می‌شود.

**س ۱۰:** با توجه به نص وارده در روایت باید حسب مورد تعداد پنجاه نفر در عمد و بیست و پنج نفر در غیر عمد از اقارب متوفی نزد حاکم اتیان قسم نمایند یا با تکرار آن توسط یکی از اولیاء دم می‌توان حکم به ثبوت قتل نمود؟

### ج: بله می‌توان حکم به ثبوت قتل نمود با تکرار قسم.

**س ۱۱:** در مورد سؤال فوق (۱۰) فرق بین قتل عمد مستوجب قصاص و غیر عمد مستوجب دیه وجود دارد؟ و آیا در هر دو مورد تکرار قسم امکان پذیر است؟

### ج: فرق بین قتل عمد و قتل غیر عمد قسامه نمی‌باشد.

**س ۱۲:**

الف) اگر جنایت بالمناصفه منتسب به دو نفر باشد و اولیاء دم علیه یکی از آنان اقامه دعوی نمایند با توجه به اینکه در صورت ثبوت، نصف دیه بر ذمه مشتکی عنه مستقر می‌گردد آیا اولیاء دم باید نصاب قسامه را تماماً اجرا کنند یا با اجرای نصف قسامه دعوی ثابت می‌گردد؟

ب) اگر مقتول ولی دم نداشته باشد قسامه توسط چه کسی اجرا می‌گردد آیا حاکم مکلف است به عنوان ولی من لا ولی له خود قسم بخورد؟

**ج:** در فرض اول باید اولیاء دم نصاب قسامه را تکمیل کنند. و در فرض دوم حاکم می‌تواند قسم را رد کند به متهمین به قتل.

**س ۱۳:** در صورتی که دندان لق شده قابل درمان باشد و قصاص به همان اندازه ممکن باشد آیا قصاص جاری می‌شود؟

**س ۱۴:** اگر قصاص به مثل با تساوی محل و موضع امکان داشته باشد قصاص جایز است.

**س ۱۵:** در صورت که دندان لق شده در حکم فاسد باشد و باید توسط پزشک کنده شود آیا قصاص جاری است؟ و در فرض جریان قصاص آیا برای قصاص آن، دندان جانی به همان صورت لق می‌گردد یا کنده می‌شود؟

**ج:** در فرض سوال که دندان لق شده دندان فاسد بوده قصاص به مثل در صورت تساوی

محل و موضع اشکال ندارد و اگر قصاص به مثل امکان نداشته باشد و دندان فاسد هم ارزش داشته باشد در این صورت با هم مصاحمه کنند.

**س ۱۶:** ولی دم ادعا نموده است که زید به تنهایی قاتل است ولیکن لوث

بر اشتراک زید با دو نفر دیگر در انجام قتل وجود دارد و قسم خوردندگان نیز بر مشارکت هر سه نفر در انجام قتل قسامه را جاری نموده اند؛ بنا بر این:

س ۱- در صورتی که ولی دم تنها در خواست قصاص زید را داشته باشد، آیا ولی دم باید فاضل سهم دیه زید از جنایت را بپردازد یا پرداخت آن بر عهده دو شریک دیگر است؟

**ج: در فرض سؤال اگر شرعاً در نزد قاضی ثابت بشود که قاتل سه نفر بوده ولی دم یکی از آنها را قصاص کند فاضل دیه یکی از قاتلین که قصاص شده بر عهده دو شریک دیگر است.**

س ۲- آیا ولی دم علاوه بر در خواست قصاص زید حق در خواست قصاص دو نفر دیگر یا اخذ دیه از آنها را دارد یا نه؟

**ج: بلی در خواست قصاص دو نفر دیگر را هم دارد اما به شرطی که برای هر یکی از اولیاء قاتلین دو ثلث دیه را پرداخت کند و اگر ولی دم بگوید من علم دارم که قاتل فقط زید بوده اقرار العتلاء اینجاری می‌کند و نمی‌تواند دو نفر دیگر را به قتل برساند.**

**س ۱۷:** هرگاه شخصی مدافع نسبت به مهاجم رعایت الاسهل فالاسهل را ننماید و مآلاً مهاجم را به قتل برساند آیا مدافع بلحاظ عدم رعایت الاسهل فالاسهل قصاص می‌شود یا می‌بایست به اولیاء مهاجم دیه بپردازد

یا خون وی هدر است؟

ج: در فرض سوال قاتل قصاص می شود مگر اینک باور شده توافق کند به دیدن و اگر در مراعات  
الأسهل فالأسهل خوف قتل خودش باشد قصاص نمی شود و اگر دفاع بدون قتل مهاجم امکان  
نداشته باشد خون مهاجم هدر است.

س ۱۸: ضربی واقع شده که موجب جراحت و تغییر رنگ نگردیده  
است و به عبارت دیگر هیچگونه آثاری از خود بجا نگذاشته است چه  
مجازات‌های برای ضارب می توان در نظر گرفت؟

ج: هر مقدار حاکم شرع صلاح بداند و پرهیزت می شود و یا جانی را تغزیر می کند.

س ۱۹: در اجراء حد سرقت نسبت به قطع انگشتان آیا سارق می تواند  
قبل از اجراء، انگشتان خود را بی حس کند تا درد آلت آن را احساس نکند  
و نیز آیا می تواند آن را بعد از قطع پیوند بزند و نیز در قصاص عضو  
می تواند پیوند بزند؟

ج: بنا بر احتیاط از بی حس کردن انگشتان خودداری شود و در صورت سرقت و قصاص

جانی حق ندارد عضو مقطوع را پیوند بزند.

س ۲۰: آیا زمان خاصی برای اجراء حد از قبیل اعدام برای زنای به  
عنف یا رجم برای زنای محصنه مثلاً قبل از طلوع آفتاب قائلید؟

## ج: زمان خاص لازم نیست.

**س ۲۱:** اگر دزدی مرتکب سرقت حدی شده باشد، و در داد گاه محکوم به قطع دست شود و کسی بدون اذن قاضی دست او را از همان محل حد سرقت یا کمتر قطع کند، آیا محکوم به قصاص می شود یا به جهت مهدور بودن این قسمت از دستش، جانی قصاص نمی شود و به دیه و تعزیر یا فقط به تعزیر محکوم می شود؟

در همین فرض اگر جانی دست دزد را بیشتر از حد سرقت قطع کرده باشد حکم چیست؟ آیا جانی فقط نسبت به مقدار زاید قصاص می شود یا نسبت به مجموع قصاص جاری است و آیا در صورت عدم امکان اجرای قصاص در مقدار زاید، قصاص به دیه تبدیل می شود؟ و در صورت جریان قصاص در مجموع آیا باید دزد دست را به مقداری که باید در حد سرقت از او قطع می شد به جانی پرداخت کند یا خیر؟

ج: در فرض سوال سارق می تواند جانی را از همان قسمت که جانی دستش را قطع کرده

است قصاص کند یا دیه بگیرد، و مهدور بودن موضع حد سارق فقط برای حاکم عادل و مجری حد است نه برای هر کسی دیگر و دیگر اینکه قصاص در مجموع جاری می شود و بر سارق لازم نیست که دیه مقدار زاید محل حد سرقت را برای جانی پرداخت کند اما اگر قصاص ممکن نباشد قصاص

## تبدیل به دیه می شود.

**س ۲۲:** هرگاه شخصی که چشم های او صحیح است، چشم سالم اعور (یک چشم) را در آورد، اعور علاوه بر قصاص یک چشم جانی می تواند نصف دیه را نیز دریافت کند، و می تواند دیه کامل را بگیرد، حال بفرمایید: الف) اگر چشم سالم اعور را کور کند ولی آن را قلع نکند آیا باز هم همین حکم جاری است؟

**ج:** کور کردن چشم اعور حکم در آوردن چشم او را ندارد اگر قصاص امکان داشته باشد حق قصاص دارد و اگر قصاص امکان نداشته باشد نصف دیه کامله را دارد.

ب) اگر جانی نیمی از بینایی چشم سالم اعور را از بین ببرد و قصاص آن ممکن باشد آیا علاوه بر قصاص باید نصف دیه آن را پردازد؟

**ج:** غیر از قصاص حق گرفتن دیه را ندارد.

س) اگر جانی نیمی از بینایی چشم سالم اعور را از بین ببرد و قابل قصاص نباشد مقدار دیه آن چقدر است؟

**ج:** یک  $\frac{1}{4}$  دیه کامله.

س) به طور کلی آیا قصاص در قسمتی از منفعت بینایی در فرض امکان قصاص جایز است؟



### ج: در صورت امکان قصاص جایز است و قصاص به مثل باشد.

**س ۲۳:** اگر شخصی «الف» قصد قتل شخصی «ب» را داشته باشد و به سوی او نشانه گیری کند، در صورتی که شخص ثالثی در کنار شخصی «ب» قرار داشته باشد و تیر انداز نیز احتمال بدهد امکان اصابت تیر به شخص ثالث وجود دارد و مع ذلک به این احتمال قابل اعتنا توجه ننماید و به سوی شخصی «ب» شلیک کند، بفرمایید اگر تیر او به شخص ثالث اصابت نموده او را هلاک سازد، آیا با توجه به عدم قصد قتل شخص ثالث و نوعاً کشنده نبودن عمل نسبت به او، قتل غیر عمد است و یا آنکه، چون شخص ثالث در معرض اصابت تیر شخصی «الف» قرار داشته و شخصی «الف» اصابت تیر به او را پیش بینی کرده، قتل عمدی و «الف» مستحق قصاص است؟

### ج: در فرض سوال این قتل شبه عمد است.

**س ۲۴:** قتلی اتفاق افتاده است و قاتل ادعا می کند که در زمان ارتکاب قتل بالغ نبوده است و قصاص منتفی است ولی شواهد و قرائن نشانگر آن است که در حال قتل بالغ بوده است، لطفاً بفرمایید؛

الف) آیا خصوصیات قاتل نظیر بالغ و عاقل بودن او در زمان قتل در مواردی که لوث و قرائن بر وجود آنها دلالت دارد با قسامه قابل اثبات است؟

ب) آیا خصوصیات مقتول مثل مجنون یا عاقل بودن او یا مرتد بودن او

در زمان قتل با وجود لوث بر این خصوصیات با قسامه قابل اثبات است؟  
 ج: آیا ادعای اکراه بر قتل و جنایت از طرف جانی ادعای عدم اکراه از طرف ولی دم با وجود لوث بر تحقق اکراه یا نفی آن از طریق قسامه قابل اثبات است؟

ج: در فرض سؤال هیچ‌کلی از موارد فوق با قسامه ثابت نمی‌شود بلکه در ادعای عدم بلوغ، قول جانی که مدعی عدم بلوغ است تا زمان جنایت، مقدم است البتة باید جانی بر ادعای خود قسم هم یاد کند. اما در ادعای جنون جانی، اگر جانی حالت سابقه جنون داشته است باز قول جانی مقدم است با قسم مگر اینکه ولی دم اثبات کند عدم جنون را. اما اگر حالت سابقه جانی عدم جنون بوده و ادعای جنون را در حال جنایت بکند باید اثبات جنون بکند و الا قول ولی مقتول مقدم است بایجاد کردن قسم. و در فرض سؤال اخیر اکراه بر قتل رافع تکلیف و مجوز قتل مسلمان نمی‌شود.

**س ۲۵:** شخصی اقرار به قتل عمدی کسی را بنماید لیکن جسد مقتول مفقود است و مقرر اظهار می‌دارد که بدن مقتول را قطعه قطعه نموده ام و در درون بیابان ریخته ام و از زمان قتل تا به حال چندین سال نیز می‌گذرد و آثاری از جسد مقتول به چشم نمی‌خورد. آیا می‌توان به اقرار مقرر اخذ کرد

و وی را قصاص نمود؟ و قاضی نیز علم به خلاف اقرار ندارد.

**ج:** اگر شرایط قصاص در مقرر موجود باشد و اقرار با اراده و اختیار در نزد حاکم شرع واقع شده باشد، در فرض سؤال قصاص اشکال ندارد مگر اینکه ورثه قاتل را عفو کنند.

**س ۲۶۶:** اگر قاتل پس از ارتکاب قتل متواری گردد و طبق قرائن و شواهد، امکان دسترسی به او نباشد، و قاضی طبق روایت ابوبصیر و ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی، قصاص را تبدیل به دیه نماید بفرماید آیا ولی دم می تواند از گرفتن دیه امتناع نماید و همچنان منتظر بماند تا روزی قاتل دستگیر شود، یا آنکه قصاص به طور قهری به دیه تبدیل می شود؟

**ج:** ولی دم مختار است که دیه بگیرد یا صبر کند تا قاتل دستگیر شود و او را قصاص کند.

**س ۲۶۷:** اگر ولی دم نا امید از دستگیری قاتل است، دیه را بگیرد ولی بعداً قاتل (که به ظاهر دسترسی به او ممکن نبوده) دستگیر گردد، آیا می تواند دیه را بر گرداند و مطالبه قصاص نماید؟

**ج:** بعد از گرفتن دیه و راضی شدن به دیه حق قصاص ندارد.

**س ۲۶۸:** در فرض سؤال فوق (۲۶۷) اگر ولی دم قادر به بر گرداندن دیه نباشد ولی اصرار بر قصاص قاتل داشته باشد، آیا می تواند ابتدا قصاص را اجرا نموده و بعداً دیه را در مهلت دوسه ساله بر گرداند؟

### ج: بعد از راضی شدن به دیه حق قصاص ندارد.

**س ۲۹:** در صورتی که دیه را اقربای قاتل پرداخته باشند، آیا بعد از دستگیری یا تسلیم شدن قاتل می‌توانند دیه را مطالبه کنند؟ اگر پاسخ مثبت است از چه کسی حق مطالبه دارند، از اولیای دم یا از قاتل؟

ج: بعد از توافق با اقرباء قاتل به دیه و اخذ دیه، اقرباء قاتل حق گرفتن دیه از ولی مقتول ندارند و اگر قاتل مال نداشته باشد اقرباء می‌توانند دیه را از قاتل بگیرند و اگر در آینده قاتل بتواند دیه را پرداخت کند دیون او از زکات از سهم خارمون پرداخت شود.

**س ۳۰:** در صورتی که یکی از شرایط قصاص، مهدور الدم نبودن مقتول باشد و قتل مهدور الدم (نظیر زانی محصن یا لائط) قصاص نداشته باشد بفرمایید؛ چنانچه کسی به قصد قتل مهدور الدمی را زده باشد ولی اتفاقاً جنایت منجر به قتل نشود و مهدور الدم درخواست قصاص عضو داشته باشد آیا قصاص عضو جاری است؟

ج: اگر به دستور حاکم شرع و آنطور که در شرع بیان شده زده باشد ضارب قصاص

نمی‌شود.

**س ۳۱:** در صورتی که قتل مهدور الدم قصاص نداشته باشد، آیا قطع عمدی عضو مهدور الدم به قصد جنایت بر عضو او قصاص دارد یا نه؟

ج: اگر به عنوان اجراء حد شرعی به دستور حاکم شرع نباشد قصاص او محل اشکال است  
اگر چه عاصی می باشد.

س ۳۳۳: آیا جنایت بر عضو سبب النبی قصاص دارد؟ (در مواردی که جانی قصد قتل سبب النبی را ندارد و فقط قصد جنایت بر عضو او را دارد.)

ج: قصاص ندارد و در صورتیکه یقین داشته باشد که آن شخص سبب النبی (ص) است.

س ۳۳۴: با توجه به مقتضیات زمان و مکان، تغییر طبایع حتی در بلاد اسلامی و پیدا شدن ابزار های کیفری مناسب و مورد قبول جامعه در سطح داخلی و خارجی که اهداف حدود و قصاص را تأمین می کند، آیا مجازات های منصوص در حدود و قصاص قابل تغییر است؟ به عبارت دیگر آیا این مجازات های منصوص موضوعیت دارند یا طریقت؟

ج: در فرض سؤال اول در اجرای قصاص کیفیت خاصی ملاحظه نمی شود فقط قصاص به همان

اندازه جنایت باید باشد چنانچه آیه مبارکه قرآن این را می فرماید.

اما در حدود مانند سنگسار و امثالش که منصوص است باید به همان نحو اجراء بشود مگر اینکه حاکم

مصلحت را در نحوه دیگر بداند.

**س ۱ - ۳۴:** اگر در مهد کودک موهای پسری را عمداً و بدون ضرورت و بدون اذن پدرش کوتاه کرده باشند و این کوتاهی در حدی نباشد که موجب نقص گردد، آیا قصاص دارد یا نه؟

**س ۲ - ۳۴:** اگر بر روی دست کسی عمداً و بدون اجازه با خود کار نقاشی کرده اند. آیا قصاص دارد یا نه؟

**ج ۲۱:** آن تعدی و تجاوزی قصاص دارد که موجب نقص و ضرر باشد در مورد سوال اگر

**صدق نقص و ضرر نکند قصاص ندارد اگر چه آن کار بدون اجازه ولی صحیح نیست.**

**س ۳۵:** اگر کسی اقدام به قتل عمدی دیگری کند و مجنی علیه حین ایراد جنایت، محقون الدم باشد و قتل با فاصله زمانی محقق شد و مجنی علیه قبل از مرگ، مهدور الدم شود مثلاً قبل از مرگش فرزند جانی را عمداً به قتل برساند، آیا در این صورت جانی قصاص نفس می‌شود؟ به عبارت دیگر آیا شرط محقون الدم بودن مجنی علیه نسبت به جانی برای قصاص، حین ایراد جنایت معتبر است یا حین تحقق قتل و یا حین ایراد جنایت و حین تحقق قتل با هم؟

**ج:** در حین ایراد جنایت که منتهی به قتل شده مجنی علیه باید محقون الدم باشد.

**س ۳۶:** اگر مسلمانی اقدام به قتل عمدی دیگر کند و مجنی علیه حین جنایت مسلمان باشد لیکن قبل از مرگ مرتد شود، آیا جانی مسلمان برای مرگ چنین مرتدی قصاص نفس می‌شود؟

### ج: بلی در این فرض مسلمان قصاص می شود چون در موقع حیات مقتول مسلمان بوده.

**س ۳۷:** اگر کسی اقدام به قتل عمدی دیگری کند و مجنی علیه را به گونه ای رها کند و برود که نجات او ممکن نیست و اگر چه فعلاً «کالمیت» نیست لیکن قطعاً تا فردا خواهد مرد، و ولی مجنی علیه به دنبال جانی رفته و وی را قبل از مرگ مجنی علیه به قتل می رساند و پس از آن مجنی علیه می میرد، آیا در این صورت ولی مذکور مستحق قصاص نفس است؟ یا محکوم به پرداخت دیه می شود، یا هیچکدام و فقط تعزیر می شود؟ چنانچه ولی دم مذکور مستحق قصاص یا محکوم به پرداخت دیه باشد، خون مقتول اول چه می شود؟ آیا هدر است یا دیه اش از اموال جانی و در صورت فقر او از عاقله یا بیت المال پرداخت می شود؟

### ج: در فرض سؤال ولی مجنی علیه مستحق قصاص نیست چون اعدای به مثل کرده است.

**س ۳۸:** هرگاه شخصی به قصاص نفس محکوم شده باشد، آیا می تواند اعضای بدن خود را (مانند کلیه و...) بفروشد، البته به گونه ای که به حیات صدمه نزند؟

### ج: در صورتیکه موجب ضرر مهم برای خودش نشود و سبب نجات جان مسلمان شود فروش

آن اشکال ندارد.

**س ۳۹:** چنانچه مقتول نیز فاقد کلیه و... بوده چطور؟

### ج: حکم سؤال قبل را (۳۸) دارد.

**س ۴۰:** چنانچه شخصی محکوم به رجم یا قتل حدی گردد، آیا می تواند اعضای بدن خود را اهداء نموده یا بفروشد؟

### ج: حکم سؤال (۳۸) را دارد.

**س ۴۱:** اگر ولی دم قبل از اینکه روح از بدن مقتول خارج شود به سمت قاتل که در حال فرار بوده شلیک کند و در نتیجه، اول قاتل کشته شود و ساعتی بعد روح از بدن مقتول خارج شود آیا ولی دم مرتکب قتل عمدی شده که موجب قصاص است؟

**ج:** ولی دم مرتکب قتل عمدی نشده است. **لِقَوْلِهِ تَعَالَى: «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ».**

**س ۴۲:** اگر مقتول پس از اصابت ضربه کشنده عمدی و قبل از خروج روح از بدنش به سمت قاتل که در حال فرار بوده شلیک کند و در نتیجه قاتل کشته شود، آیا مجنی علیه اول مرتکب قتل عمد موجب قصاص شده و لذا حتی با علم و قطع به این که مجنی علیه اول تا یک هفته دیگر قطعاً در اثر جنایت اول کشته می شود محکوم به قصاص نفس می شود و قبل از مرگش قصاص اجرا می شود؟

**ج:** مجنی علیه اول محکوم به قصاص نیست از جهت همان آیه مبارکه حتی اگر زنده بماند.



**س:** آیا اقرار کننده به قتل عمد در دو فرض زیر تعزیر می شود؟

الف) در فرضی که بر اساس اقرار و قرائن و شواهد برای قاضی علم به تحقق قتل عمد توسط مقرر حاصل شود ولیکن ولی دم نسبت به اقرار کننده ادعایی نداشته باشد.

ب) در فرضی که بر اساس اقرار برای قاضی علم به تحقق قتل توسط مقرر حاصل نشود و صرف احتمال باشد.

آیا قاضی در موردی که ولی دم نسبت به مقرر هیچ ادعایی نداشته باشد حق تعزیر مقرر به قتل عمد را دارد؟

آیا در این دو مورد قاضی بر اساس روایت حسین بن خالد «اذا كان للناس فهو للناس» حق تعزیر ندارد یا به جهت جنبه عمومی جرم یا فعل حرام او چنانچه در روایت آمده است تعزیر می شود؟

«عَنْ يُونُسَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْوَجِبُ عَلَى الْإِمَامِ إِذَا نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ يَزْنِي أَوْ يَشْرَبُ الْخَمْرَ أَنْ يَقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدَّ وَلَا يَخْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ مَعَ نَظَرِهِ لِأَنَّهُ أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَإِذَا نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ يَسْرِقُ أَنْ يَزْبُرَهُ وَيَنْهَاهُ وَيَمْضِي وَيَدْعُهُ قُلْتُ وَكَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّ الْحَقَّ إِذَا كَانَ لِلَّهِ فَالْوَجِبُ عَلَى الْإِمَامِ إِقَامَتَهُ وَإِذَا كَانَ لِلنَّاسِ فَهُوَ لِلنَّاسِ»<sup>۱</sup>

**ج:** در حقوق الناس چه موجب حد باشد و یا تعزیر اجراء حکم و تعزیر نیاز به مطالبه من له الحق

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۵۷، باب ۳۲- باب أن الإمام إذا ثبت عنده حد.

دارد ولی در صورت دوم زینه ای برای تعزیر وجود ندارد و روایت حسین بن خالد مربوط به اجرای حد است تعزیر و ایرمدار نظر قاضی شرع است در حقوق الله تعالی که برای آن در شرع حدی تعیین شده باشد ولی در قتل حد تعیین شده.

**س ۱ - ۴۳:** اگر مرد همسر صغیره خود را در حال زنا با مردی ببیند، آیا حق کشتن همسر خود را دارد؟

**س ۲ - ۴۳:** اگر مرد، همسر خود را در حال زنا با صغیر ببیند، آیا حق کشتن زانی را دارد؟

**س ۳ - ۴۳:** اگر مرد، همسر دیوانه خود را در حال زنا با مردی ببیند، آیا حق کشتن همسر خود را دارد؟

**س ۴ - ۴۳:** اگر مرد همسر خود را در حال زنا با مرد دیوانه ببیند، آیا حق کشتن زانی را دارد؟

**ج:** در جمیع این صور حق کشتن شرعاً برای شوهر احراز نشده، لذا احوط ترک قتل است.

**س ۴۴:** مردی در اثر جرّ و بحث لفظی با همسر و فرزندش هر دو را بگلوله می بندد و به قتل می رساند آیا این فرد در صورت اثبات قتل حکمش اعدام است یا دیه؟

**ج:** پدر بواسطه قتل فرزندش قصاص نمی شود ولی دیه باید برای ورثه فرزندش پرداخت کند ولی

ورثه همسر بعد از ثبوت شرعی قتل میتوانند قاتل را قصاص کنند و نصف دیه قاتل را به ورثه قاتل بدهند و اگر توافق به دیه کنند هم اشکال ندارد.

**س ۱-۴۵:** در قسامه اعضاء، در صورتی که مدعی زن باشد، آیا می تواند جزء قسم خورندگان باشد؟

**س ۲-۴۵:** در صورت مثبت بودن پاسخ سؤال فوق، بفرمایید: چنانچه به تعداد لازم سوگند خورنده نباشد، آیا مدعی زن می تواند خودش قسم ها را تکرار کند؟

### ج: در فرض سؤال در صورت نبودن مرد خود زن می تواند قسم را تکرار کند.

**س ۱-۴۶:** شخص «الف» به قصد این که با پریدن بر روی شخص «ب» وی را به قتل برساند به پشت بام می رود، لیکن قبل از این که اقدام به پریدن نماید، بدون اختیار او، طوفان یا زلزله غیر مترقبه ای وی را به پایین و بر روی شخص «ب» پرت کرده و موجب قتل شخص «ب» می شود؛ مستدعی است بفرمایید آیا جنایت عمد است یا شبه عمد یا خطاء یا خطاء محض.

**س ۲-۴۶:** هرگاه شخص «الف» با علم به این که اگر در مکان خاصی قرار گیرد، طوفانی که در حال وزش است او را به پایین پرت کرده و موجب قتل شخص «ب» می گردد، به مکان مزبور رفته و در اثر وزش طوفان و سقوط به پایین، شخص «ب» را هلاک می نماید، جنایت از چه

نوعی است؟

ج: فرض اول قتل شبه عمد است. و فرض دوم قتل، قتل عمد است.

س ۴۷: لطفاً فرق بین قتل های سه گانه عمد و شبیه عمد و خطاً محض

را بیان فرمایید.

ج: در قتل عمد اراده قتل کسی را عمداً و عدواناً داشته باشد چه با آلت قتاله و چه با آلت غیر

قتاله.

قتل خطا آن قتل است که قاتل اراده کند قتل حیوانی را و اتفاقاً به انسان اصابت کند.

قتل شبه عمد آن است که اراده کرده زدن انسانی را و به آلت غیر قتاله بدون قصد قتل

او، اراده و احتمال قتل هم عادتاً با آن آلت نباشد اما اتفاقاً کشته شود.

س ۴۸: در صورتی که مدعی زن باشد و نوبت به قسامه برسد آیا

می تواند جزء قسم خوردندگان قرار گرفته و سوگند یاد نماید یا سوگند

خوردندگان حتماً باید مرد باشند؟

ج: قسامه باید مرد باشد، قسم خوردن زن کفایت نمی کند.

س ۴۹: مراد از ظن معتبر در لوث چگونه ظنی است؟ ظن مطلق، ظن

قوی موجب اطمینان و یا ظن متاخم به علم؟ و آیا ظن شخصی مراد است

یا نوعی؟

### ج: امارات نطفیه وطن مطلق مراد است.

**۱۱۰-۵:** هرگاه لوث علیه چند نفر معین محقق شده باشد، به عنوان مثال یک نفر عادل شهادت می دهد که من دیدم یک شخص نا معین از این چهار نفر معین، زید را به قتل رساند، در صورتی که برای قاضی ظن به قاتل بودن یک نفر نامعین از آن چهار نفر بوجود آید، در دو صورت ذیل حکم مسأله را بیان فرمایید:

الف) اولیای دم، مدعی اند قاتل شخص معینی از آن چهار نفر است.

ج: در صورت اول حکم لوث نسبت به آن شخص معین جاری می شود اگر میت شرعیه بر عدم ارتکاب قتل اقامه کرد تبرئه می شود و الا مدعی در قتل عهد پنجاه قسامه اقامه کند تا حکم قصاص و دیه ثابت شود.

ب) اولیای دم، تنها مدعی اند یکی (نامعین) از آن چهار نفر قاتل است.

ج: در صورت دوم حکم لوث نسبت به آن چهار نفر جاری می شود اگر آنها اقامه میتد بر عدم ارتکاب قتل اقامه نکردند نوبت به قسامه از ناحیه مدعی می رسد.

## احکام حدود

**س ۱-۱:** اسناد مالکیت، مدارک شناسایی، اوراق بهادار، چک سفته و امثال آن.

**س ۱-۲:** عکس های شخصی، یادگاری های خانوادگی، دست نوشته های شخصی که فقط برای مالک آن ارزشمند می باشند و امثال آنها، بفرمائید؛

الف) آیا مال محسوب می شوند؟

ب) آیا موضوع سرقت قرار می گیرند؟

ج) بر فرض مثبت بودن بند «ب»، آیا سرقت تعزیری است و یا با وجود شرایط می تواند سرقت حدی باشد؟

**ج:** در فرض سوال هم مال محسوب می شوند و هم موضوع سرقت قرار می گیرند و مورد

اول سرقتی است که موجب حد است. اما در مورد دوم که فقط برای صاحبش ارزش دارد نیز

موضوع سرقت است اما سرقت تعزیری است.

**س ۲:** با توجه به اینکه مجازات مدعی نبوت قتل است بفرمایید؛  
مجازات مدعی امامت چیست؟

(الف) آیا مجازات وی نیز قتل است؟

(ب) آیا مجازات مرتد را دارد؟

(ج) آیا مجازات وی تعزیر است؟ در این فرض آیا مجازات او شلاق  
به کمتر از میزان حد است؟ یا حاکم شرع می تواند مجازات های دیگری  
چون حبس را انتخاب کند؟

**ج:** در فرض سؤال مجازات این شخص تعزیر است مگر اینکه ادعای ایشان منجر به تکذیب  
پایمبر شود که در این صورت مجازاتش قتل است.

**س ۳ - ۱:** اگر شخصی وارد خانه دیگری شود و به عنف به همسر، دختر  
و پسر او تجاوز (زنا و لواط) کند و در حین تجاوز، یکی از آنان را نیز  
قذف کند و سپس قبل از اقامه بیّنه توبه کند، حکم چنین متجاوزی چیست؟

**ج:** در فرض سؤال اول حد قذف از او ساقط می شود اما حد زنا و لواط بر فرض ثبوت  
شرعی ثابت است و کفایت زنا به عنف انجام می دهد اگر قبل از ثبوت عنف احکام توبه کند  
توبه اش قبول است ولی باید مهرالمثل دختر را بدد و حاکم هم اگر صلاح بداند جانی را می تواند تعزیر  
کند.

**س ۳ - ۲:** آیا زنای به عنف و لواط به عنف حق الله است یا از آن جهت که بزهکار عرض دیگری را به زور هتک کرده و هتک آن اشد از هتک به قذف است، علاوه بر داشتن جنبه حق الهی دارای جنبه حق الناسی نیز می باشد و علیهذا آیا می توان گفت حدود بر سه قسم است؛

الف) حدودی که فقط حق الله است مانند لواط و زنا به رضایت طرفین که بدون توبه علی ای حال حد در آن جاری است و با توبه قبل از اقامه بیّنه حد آن ساقط است.

ب) حدودی که فقط حق الناس است یا جنبه حق الناسی آن در شریعت غلبه داده شده است مانند حد قذف یا حد ممسک و زانی که اجرا و عدم اجرای آن دایر مدار در خواست و گذشت بزه دیده است و توبه و عدم توبه در ثبوت و سقوط آن نقشی ندارد.

**ج) حدودی که فقط حق الناس است و این دو حق در عرض هم برای این حدود ثابت است مانند حد زنا به عنف و حد لواط به عنف و لذا عدم اجرای آن ممنوع به توبه قبل از اقامه بیّنه با اضافه گذشت بزه دیده است و در غیر این صورت (= عدم توبه یا عدم گذشت بزه دیده)**

**این حدود جاری است؟**

**س ۴ - ۲:** اگر تجاوز به عنف (زنای به عنف و لواط به عنف و مانند آن) و علی ای حال با توبه جانی قبل از اقامه بیّنه، حد آن ساقط می شود،



لطفاً بفرمایید؛ آیا حکومت اسلامی می‌تواند به جهت هتک حرمت و هتک عرض مؤمن و ایزای او توسط جانی یا به جهت جلوگیری از اختلال در نظم جامعه برای این موارد در فرض توبه جانی تعزیر قرار دهد؟

### ج: بلی حکومت اسلامی در مفروض سوال حق تعزیر دارد.

س ۵: آیا حیض از موانع احسان است؟

### ج: بله! حیض مانع احسان است چون زوجه‌ی شرعاً قادر به مواجهه نمی‌باشد.

س ۶: چنانچه شخصی به کسی اظهار می‌دارد که تو فرزند فلانی (زید) نیستی، آیا در این صورت حد قذف ثابت می‌شود، در صورت ثبوت، نسبت به چه کسی قذف است (مادر یا...)?

### ج: بلی صدق قذف می‌کند نسبت به مادر آن فرزند در صورت اثبات شرعی در نزد حاکم

### شرع حد قذف درباره او جاری می‌شود.

س ۷: اگر مرد مرتد فطری قبل از اثبات ارتداد یا دستگیری توبه کند و به آغوش دین بر گردد و التزام عملی نسبت به احکام دین مبین اسلام پیدا کند ولی مثلاً سالها بعد با اقرار یا سایر ادله شرعی ارتداد او ثابت شود آیا توبه چنین فردی پذیرفته می‌شود و آثار ارتداد منتفی می‌شود یا خیر؟ احکام ارتداد مانند جدایی زوجه، انتقال اموال او به ورثه و حد قتل همچنان پا بر جاست و باید اجرا شد؟

ج: در فرض سوال توبه او پذیرفته نمی شود و احکام ارتداد مانند وجوب قتل و انتقال اموال او به ورثه و جدایی همسر به او مترتب می شود. و اگر کشته نشود اگر چه از ناحیه نبود حاکم شرعی باشد غیر از آن احکام که ذکر شد سایر احکام جاری نمی شود و اظہر قبول توبه اوست.

**س ۸:** زنی بامردی مرتکب زنا شده، قضیه به محکمه و دادگاه کشانده شده قاضی حکم به رجم زن نموده است، شوهر زن با چند میلیون اعدام (رجم) زنش را خریده است و با او فعلاً زندگی می کند، این زن بر مردش حلال است یا نه؟ خانه و غذای این خانه [که چنین خانمی در آن زندگی می کند] پاک است یا نجس؟

ج: در فرض سوال آن زن بر شوهرش حرمت پیدا نمی کند، خانه و غذایش هم پاک

است.

**س ۹:** در سوال فوق (۸) آیا مباشرت و رفت و آمد در خانه آن مرد جایز است یا خیر؟

ج: معاشرت با او جایز است ولی امر به معروف و نهی از منکر کند.

**س ۱۰:** هرگاه زنی چهار بار اقرار کند که با مردی زنا کرده ولی هیچ اطلاعی در خصوص این مرد نمی دهد و معلوم نباشد آیا چنین فردی وجود خارجی دارد یا نه؟ آیا این اقرار نافذ است؟

ج: بلی این اقرار نسبت به خودش در صورتیکه تمام شرایط اقرار در او موجود باشد نافذ است

و حد زنا جاری می شود.

س ۱۱: چهار مرد عادل شهادت دهند که فلان زن با مردی زنا کرده اند ولی آن مرد متواری شده و دادگاه قادر به شناسایی آن مرد نباشد، آیا این شهادت نافذ است و جرم را ثابت می کند؟

ج: در صورتیکه تمام شرایط شهادت در این چهار نفر موجود باشد و احتمال خلاف نرود "زنا"

ثابت می شود، و حضور زانی در زمان شهادت شهود در نزد قاضی معتبر نیست.

س ۱۲: زنی به زنا گیر آمده تحویل داد گاه شده قاضی حکم اعدامش را [سنگسارش] صادر کرده شوهر آن زن با پرداخت چند میلیون اعدامش را خریده حالا با شوهرش زندگی می کند، آیا این زن بر شوهرش حرام است یا نه؟

ج: زندگی با آن زن حرام نیست اگر چه زن بر زانی حرمت ابدی پیدا می کند.

س ۱۳: هرگاه دو نفر بدون ضرورت به طور عریان و همچین بدون قصد شهوت رانی زیر لحاف واحد جمع شوند آیا تعزیر می شوند؟

ج: اگر هر دو نامحرم باشند و مانع هم بین آنها وجود داشته باشد تعزیر می شوند.

## احکام دیّه

**س ۱:** کسی، چهار - پنج نفر مسلح و غیر مسلح را با خود همراه می‌کند و به خانه ای که دختری داشته است، حمله می‌کنند در این حمله یک نفر را میکشند و دختر را می‌ربایند اکنون روشن نیست که چه کسی دقیقاً مرتکب قتل شده است. حکم این مسأله چیست؟

**ج:** اگر بر دیه توافق کنند افراد مسلح باید دیه را پرداخت کنند اگر افراد غیر مسلح در تهاجم

دخیل بوده اند باید تغزیر شوند

**س ۲:** کسی زن و مردی را به اتهام کار خلاف (زنا) بدون شاهد و قرینه ای کشته است و بعداً خودش نیز به طور مشکوکی به قتل می‌رسد. حکم دیه یا قصاص زن و مرد مقتول چیست؟

**ج:** اگر قاتل به دست ورش مقتولان کشته نشده باشد دیه آن‌ها را تا ترک قاتل برای ورش

مقتولان گرفته می‌شود.

**س ۳:** مردی بازنش دعوا کرده بر اثر ضرب و شتم، صورت زن کبود و از بینی اش خون آمده است. قاضی در دادگاه مبلغ دو صد و ده هزار تومان دیه تعیین کرده بعداً با هم صلح کرده و زن دیه را بخشیده است. اکنون از صلح خود برگشته و نفقه خود را می خواهد آیا حق دارد یانه؟

**ج:** اگر دیه را بخشیده باشد نمی تواند دوباره بگیرد، درباره نفقه، تحت باید به خانه شوهر برگردد بعداً

نفقه را بگیرد.

**س ۴:** کارگری در کارخانه ای بر اثر برق گرفتگی فوت می کند. مقصّر صاحب کارخانه شناخته می شود. متوفی همسر، دوتا پسر و یک دختر خردسال دارد. دیه متوفی چه گونه در میان ورثه توزیع می شود؟

**ج:** کل دیه به بیست و چهار قسمت تقسیم می شود، سه بیست و چهارم به همسر متوفی و دو

دوازدهم به پدر و مادر متوفی (هر کدام یک ششم) و باقی مانده برای هر پسر و برابر سهمیه دختر تعلق

می گیرد.

**س ۵:** کسی بر پایه نفهمی باعث مرگ انسانی شده است چند سال بعد

پیشمان می شود و می خواهد مدیون از دنیا نرود وظیفه اش چیست؟

**ج:** اگر قتل عمدی باشد، باورثه مقتول با دادن دیه مصاحبه کند و اگر قتل خطای باشد چون خود

قاتل به قتل اعتراف کرده بایردیه مقتول را پرداخت کند و رضایت ورثه را بدست بیاورد. علاوه بر دیه مقتول کفاره نیز به کردن قاتل است. اگر قتل عمدی بوده کفاره جمع باید پرداخت کند یعنی غذا دادن به شصت نفر فقیر و دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن متوالی و پشت سر هم باشد. اگر قتل خطایی بوده یا دو ماه روزه بگیرد یا شصت نفر فقیر را غذا بدهد.

**س ۷:** کسی که به زیارت عتبات عالیات از راه قاچاق می‌رود، اگر در مرز بر اثر تیر اندازی مرزبان کشته شود دیه‌اش بر قاتل است، بر قاچاقبر است یا اصلاً دیه ندارد؟

**ج:** دیه بر عمده قاتل است.

**س ۷:** کسی که بر اثر تصادف فوت می‌کند، ورثه او عبارت است از زن، پدر، مادر، دو پسر و یک دختر اموال و دیه او چه گونه بین ورثه تقسیم می‌شود، سرپرستی و نفقه ورثه صغیر به عهده چه کسی است؟

**ج:** یک ششم به زن، یک ششم به مادر، یک ششم به پدر، تعلق می‌گیرد بقیه مال فرزندان

است هر یک از پسران دو برابر دختر سهمیه دارند.

**س ۸:** مردی پسرش بر اثر تصادف فوت می‌کند، پیش از این که دیه پسرش را بگیرد، در جریان دعوایی می‌میرد، آیا دیه پسر جز ماترک پدر به

حساب می آید یا بدون واسطه به دیگر ورثه تعلق می گیرد؟

### ج: دیه جزء ماترک پدر به حساب می آید.

**س ۹:** اگر تصادف در ماه های حرام اتفاق بیفتد و مصدوم بعد از ماه حرام از دنیا برود، اولیای دم دیه کامل تنها را حق دارند یا دیه کامل به علاوه ثلث دیه را؟

### ج: فقط دیه کامل را حق دارند.

**س ۱۰:** در زمان حکومت طالبان چند نفر مهاجم بر خانه ای تهاجم و حمله می کنند بر اثر دفاع صاحب خانه یکی از مهاجمان زخمی و سرانجام می میرد، صاحب خانه از ترس طالبان محل را ترک و فرار می کند. اولیای دم مقتول مهاجم با استفاده از قدرت طالبان دارایی صاحب خانه را به عنوان دیه قتل آن هم زیر قیمت با خود می برند. در حالی که ضرب و جرحی که بر مدافع و صاحب خانه وارد شده اصلاً در نظر گرفته نمی شود آیا مهاجم کشته شده دیه دارد، اگر نداشته باشد صاحبخانه بعد از چند سال می تواند اموالش را استرداد کند؟

ج: اگر دفاع از جان، مال و ناموس بجزء کشتن مهاجم راه دیگری نداشته باشد کشتن افراد

مهاجم دیه ندارد. اما اگر از طریق فرار و کمک خواستن از دیگران بتواند جان و مال و ناموس خود را

نجات بدهد کشتن افراد مهاجم خلاف احتیاط است و در صورت کشتن مهاجم قاتل قصاص نمی‌شود. به حسب ظاهر مهاجم مهدور الدم است.

**س ۱۱:** آیا در جنایت اطراف و اعضاء نیز تغلیظ دیه وجود دارد یا نه؟

**ج:** نه خیر تغلیظ دیه مخصوص قتل است.

**س ۱۲:** اولیاء دم مقتول مقدار پولی به عنوان دیه و به عنوان تداوی مقتول از قاتلین گرفته‌اند و هم چنین مبلغی برای کفن و دفن گرفته‌اند ولی مشخص نشده است که چه مبلغ آن مال دیه است و چه مبلغ برای خرج و مصرف برای تداوی و فیصله هم بین اولیاء مقتول و قاتلین اصلاحی صورت گرفته است آیا اولیاء مقتول میتوانند مبلغی را که به تداوی مقتول گرفته بود در مراسم فاتحه گیری بردارند یا نه؟

**ج:** اگر در بین ورثه افراد صغیر نباشد میتواند بردارند و اگر صغیر باشند مصرف فاتحه را گرفته

نمی‌توانند.

**س ۱۳:** شخصی در اثر دعوا ضربه به چشم کسی دیگر وارد کرده که در اثر ضربه بینایی چشم شخص مضروب از بین رفته است آیا علاوه بر دیه پول تداوی را هم میتواند از ضارب بگیرد یا نه؟

**ج:** دیه یک چشم اگر مینای خود را از دست داده باشد نصف دیه کامل یک مرد است اما



## مصارف تدایمی را نمیتوان علاوه بر دیه بگیرد.

**س ۱۴:** در پی نزاع دو نفر که یکی میخواست اسلحه دیگری را بگیرد میان شان کش مکش صورت میگردد و نفر سوم که در آنجا بوده توسط تیری که رها شده به قتل می رسد حکم مسئله چیست؟

**ج:** قتل خطائی بوده دیه را باید عاقله قاتل برآورد و اگر عاقله قبول نکند خود قاتل برآورد.

**س ۱۵:** دیه خانمی که اولاد ندارد فقط پدر و شوهر دارد چگونه تقسیم می شود؟

**ج:** نصف دیه مال شوهر و نصف دیگر مال پدر خانم است.

**س ۱۶:** شوهر مدعی است که بخاطر تصادف عیالم مدت هشت ماه بیکار شدم مقدار مزد هشت ماه بیکاری از اصل دیه عیالم را باید به من بدهد آیا چنین حقی دارد؟

**ج:** چنین حقی ندارد.

**س ۱۷:** باز شوهر مدعی است که همسرم خرج های مستحبی از قبیل هفتم و سوم و ختم قرآن و... کرده ام از اصل دیه باید این مصادف را بردارم آیا چنین حقی دارد یا نه؟

**ج:** بدون اجازه پدر خانم خود نمی تواند بردارد.

**س ۱۸:** دو نفر نظامی در یک سنگر بطرف شخصی بطور همزمان شلیک میکنند اما معلوم نیست که شخص مقتول در اثر تیر کدام یکی به قتل رسیده است بین این دو نفر نزاع میشود یکی از آنها میگوید تیر من نخورده تیر شما خورده و دیگری میگوید تیر من نخورده تیر شما خورده است اینجا دیه بر کدام یک از این دو نفر است؟ یا اگر ورثه مقتول بخواهد قصاص کند بر فرض قتل عمد کدام یکی را قصاص کند.

**ج:** اگر شرعاً قاتل مشخص نشود در صورتی که قتل خطا بوده یا قتل عمدی بوده ولی ورثه راضی به دیه شوند هر دو دیه را پرداخت کنند مگر اینکه یکی از آنها باینه اثبات کند که قاتل نبوده است که در این صورت آن کسیکه دیه ندارد قاتل است و این یکی قاتل گفته نمی شود. و اگر هیچکدام دیه ندارند هر کدام نصف دیه را بپردازد.

**س ۱۹:** شخصی پسرش متهم به قتل شده تمام زمین ها و دارایی های خود را بجای دیه داده است بقیه اولاد این شخص ادعا دارند که تنها برادرم مرتکب قتل شده ما بقیه چه گناهی داریم چرا پدر مان همه دارایی خود را در عوض دیه داده است لذا باید بمقدار اموالی که داده است برای ما تهیه کند آیا چنین حقی را دارند یا نه؟

**ج:** اگر آن زمین ها و اموال مال خود این شخص بوده است فرزندان او هیچ گونه حق

اعترض نذاردند نسبت به پدرشان و نه نسبت به برادری که متمم به قتل است.

**س ۲۰:** شکستگی مهره های گردن که منجر به کج شدن گردن نشده و در بلع غذا نیز مشکلی به وجود نیاورد، دیه دارد یا ارش؟

**ج:** اگر قدرت بر التقات نداشته باشد نصف دیه کامله دارد و الا حکم به حکومت و ارش

می شود.

**س ۲۱:** شکستگی استخوان بعصوص در صورتی که موجب از بین رفتن قدرت ضبط ادرار، مدفوع و باد نگردد، دیه دارد یا ارش؟

**ج:** دیه ندارد بلکه ارش دارد.

**س ۲۲:** در فرض (سوال فوق)، در صورتی که شکستگی بعصوص موجب عدم ضبط باد گردد آیا به استناد روایت سلیمان بن خالد که در آن عبارت «قلم یملك إسته»<sup>۱</sup> آمده است می توان قائل به دیه شد؟

**ج:** بلی می شود به آن روایت استناد کرد و دیه کامله دارد.

**س ۲۳:** شکستگی مهره های ستون فقرات، در صورتی که موجب خمیدگی پشت، و از بین رفتن قدرت مشی و جلوس نشده و عارضه جدی دیگری در پی نداشته باشد، موجب دیه است یا ارش؟

۱. الکافی، ج ۷، ص ۳۱۳ (باب ماتجب فیه الدیه کامله من الجراحات، حدیث (۱)).

### ج: در فرض سؤال دیدن صدینار است.

**س ۲۴:** اگر راننده قبل از حرکت به طرف مقصد از مسافر اخذ برائت کند، ولی در اثناء سفر تصادف کرده و مسافر صدمه دیده (دست و پای او شکسته است) و یا کشته می‌شود، در صورتی که تصادف در اثر تقصیر و بی احتیاطی راننده به وجود آمده باشد لطفاً حکم مسأله را در دو صورت زیر بیان فرمایید:

**س ۱ - ۲۵:** راننده از روی احسان و به قصد ثواب شخص را سوار کرده باشد؛

**س ۲ - ۲۵:** راننده قصد احسان و ثواب نداشته، بلکه در مقابل اجرت او را سوار کرده باشد.

در دو سؤال فوق چنانچه تصادف در اثر تقصیر و بی احتیاطی راننده به وجود نیامده باشد حکم مسأله را در دو صورت زیر بیان فرمایید:

**س ۳ - ۲۵:** راننده از روی احسان و به قصد ثواب شخص را سوار کرده باشد؛

**س ۴ - ۲۵:** راننده قصد احسان و ثواب نداشته، بلکه در مقابل اجرت او را سوار کرده باشد.

ج: در فرض سؤال که راننده از مسافر بالغ عاقل اخذ برائت کرده باشد و در رانندگی بی

احتیاطی نکرده باشد راننده ضامن نمی‌باشد چه در مقابل اجرت سوار کرده باشد یا از باب احسان.

اما اگر در اثر بی احتیاطی راننده صدمه بر مسافر وارد شده باشد ولو قبل از حرکت ماشین از مسافر برآست اخذ کرده باشد راننده ضامن است چه به قصد احسان سوار کرده باشد یا بخاطر اجرت.

**س ۳۶:** آیا در قتل هایی تسبیبی کفاره واجب است یا نه؟ و آیا تفاوتی میان قتل تسبیبی عمدی و غیر عمدی وجود دارد؟ لازم به تذکر است: جمعی از فقها قائل به عدم وجوب کفاره در مطلق قتل های تسبیبی اند<sup>۱</sup> و برخی قائل به تفصیل شده اند.<sup>۲</sup>

**ج:** در قتل مومن چه مباشر باشد و یا تسبیبی کفاره واجب است در قتل عمد کفاره جمیع واجب است و در قتل خطا یک کفاره واجب است به شرط که عنوان قاتل صدق کند.

**س ۳۷:** هرگاه شخصی در حال خواب بر روی کودکی بغلطد و او را بکشد، آیا کفاره واجب است یا نه؟ و آیا تفاوتی میان مادر و غیر مادر وجود دارد یا نه؟

**ج:** بلی کفاره واجب است و فرق بین مادر و غیر مادر نیست.

**س ۳۸:** هرگاه در اثر اجرای حکم تعزیری یا حدی (شلاق حدی) مجرم

۱. جواهر الکلام، ج ۲، ص ۴۰۷ و ۴۰۸؛ تحریر الاحکام، ج ۲، الروضه البهیة، ج ۱۰، ص ۳۱۸، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۲۷۰؛ ریاض المسائل، ج ۲، ص ۵۶۵ (چاپ قدیم)؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۰۶.  
 ۲. مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، ص ۵۳۴، مسأله ۴۰۰؛ جواهر الفقه، ص ۲۱۶؛ مفتاح الکرامه، ج ۱۰، ص ۲۷۸.

بمیرد آیا در دو صورت تفریط و عدم تفریط کفاره واجب است یا نه؟ و اگر واجب است به عهده چه کسی است؟

### ج: در صورت تفریط کفاره بر مباشر واجب است.

**س ۲۹:** اگر قتل در ماه های حرام یا در منطقه حرم صورت پذیرد آیا روزه ای که به عنوان کفاره گرفته می شود نیز باید در ماه های حرام باشد؟

### ج: لازم نیست در ماه های حرام باشد.

**س ۳۰:** شخصی مرتکب یک قتل عمدی و یک قتل شبه عمد شده باشد، کیفیت اجرای حکم قصاص و وضعیت دیه چگونه خواهد بود، آیا تا زمان پرداخت دیه قتل شبه عمد - تا دو سال - باید صبر کرد تا قاتل دیه را بپردازد و پس از آن او را قصاص کرد، یا اینکه در مورد مزبور دیه حال شده و قاتل فوراً باید دیه را بپردازد؟ در صورت اخیر اگر قاتل بالفعل مالی نداشته باشد ولی تا موعد پرداخت دیه (پایان سال دوم) متمکن از پرداخت دیه خواهد شد، بفرمایید حق اولیای دم اول که خواهان قصاصند مقدم است یا حق اولیای دم دوم که دیه را مطالبه می کنند؟

ج: در فرض سوال اگر ورثه مقتول خواهند قصاص شوند و اجازه تاخیر در قصاص ندارند دیه

حال شده و در صورت تمکن قاتل فوراً پرداخت کند و اگر قاتل بالفعل مالی نداشته باشد ورثه

مقتول قصاص را به تاخیر نیندازد بنا بر احتیاط دیه مقتول را از سهمیه غمء پرداخت کنند و یکی از موارد مصرف زکات غمء است.

**س ۳۱:** کسی قصد قتل نداشته باشد و ضربه ای هم که وارد نموده است نوعاً کشنده نباشد ولی اتفاقاً منجر به قتل شود، آیا جانی علاوه بر دیه قتل نفس به قصاص جنایت بر عضو نیز محکوم می‌گردد، یا از موارد تداخل است؟

**ج:** در فرض سوال فقط یک دیه کاله قتل نفس بر قاتل واجب است اگر قتل و جرح هر دو به یک ضربت باشد.

**س ۳۲:** هر گاه دو نفر ضربات متعدد با فاصله بر مجنی علیه وارد کنند، مثلاً یکی امروز دست او را قطع کند و دیگری فردا پای او را قطع کند و روز سوم مجنی علیه بر اثر سرایت هر دو ضربه فوت کند آیا هر دو قاتل هستند و از موارد شرکت در قتل است، یا فقط نفر دوم قاتل است؟

**ج:** امام مورد این سوال اگر وقوع قتل مسبب از هر دو سبب باشد یعنی سبب این قتل ضربات نفر اول و دوم هر دو تا باشد بنا بر این هر دو نفر قاتل است. و اگر شخص مقتول بضررت نفر اول که اگر ضربات شخص دوم نمی‌بود زنده میماند در این صورت قاتل فقط شخص

## دوم است و شخص اول جرح است که باید دیه جرح را سپردارد.

**س ۳۳:** هر گاه راننده در حین رانندگی بیهوش شده و یا دچار سگته شود و وسیله نقلیه او به سمت دیگر جاده که وسایل نقلیه از جهت مخالف در آن تردد دارند، منحرف شده و به وسیله نقلیه ای که با سرعت غیر مجاز در حال حرکت است، برخورد نماید، ضمان دیه متوجه چه شخصی است؟ (فرض آن است که راننده وسیله نقلیه ای که سرعت غیر مجاز داشته در شرایطی که بصورت ناگهانی و در اثر انحراف وسیله نقلیه اول به وجود آمده است، قادر به کنترل وسیله نقلیه خود و اجتناب از تصادف نبوده).

**ج:** در فرض سوال اگر قتل به هر دو راننده مستند شود چون راننده اول دچار سگته قلبی شده

مقتصر نیست سهم دیه او به عهده عاقله است و راننده دوم مقصر است سهم دیه او به عهده خودش می باشد و اگر تقصیر راننده با شخص نشود پرداخت دیه مصاحه کنند.

**س ۳۴:** هر گاه شخصی در ملک خود که کودکان همسایه گاه برای بازی - بدون اذن مالک - به آنجا می روند، به قصد سقوط کودکان در چاه و صدمه زدن به آنها چاهی حفر نماید مستدعی است بفرمائید آیا مالک ضامن است یا ضمان او به دلیل روایاتی که حفر کننده در ملک را ضامن نمی دانند منتفی است؟



### ج: ظاهر اصاحب چاه ضامن دیه می باشد.

**س ۳۵:** آیا همان گونه که در قتل مباشری در صورت عدم شناسایی قاتل، دیه مقتول از بیت المال پرداخت شود، در قتل تسبیبی نیز این گونه است، به عنوان مثال اگر شخص ناشناسی پوست موزی در خیابان انداخته و شخصی در اثر گذاشتن پا روی پوست موز و لغزیدن و به زمین خوردن، بمیرد آیا بیت المال ضامن دیه اوست؟

### ج: اطلاعات روایات هر دو تاراشمال می شود هر دو صورت دیه از بیت المال

#### پرداخت شود.

**س ۳۶:** تصادف با وسیله نقلیه در دو صورت ذیل از مصادیق تسبیب است یا مباشرت؟

الف) دو وسیله نقلیه با هم برخورد کنند و سرنشینان یکی از آنها کشته شود.

ب) وسیله نقلیه به شخصی برخورد کرده و او را هلاک نماید.

### ج: صورت اول از مصادیق تسبیب است. صورت دوم از مصادیق مباشرت که در

#### قتل، کسی دیگر و حالت ندارد.

**س ۳۷:** دو نفر مشاجره لفظی می کنند، یکی از آنها عصبانی شده و در

حالت خشم و عصبانیت با کلنگی که در دست دارد، به سر دیگری زده و او را به قتل می‌رساند، نوع قتل را مرقوم فرمایید.

### ج: قتل عمد است.

**س ۳۸:** کودکان برای بازی سنگی را در کوچه به عنوان دروازه فوتبال قرار داده و پس از بازی، آن را در همان حالت رها کرده و می‌روند، زید که ملکش در کنار کوچه بوده و دیوار و حصارى ندارد چاهی را در کنار سنگ و در ملک خودش حفر می‌کند به قصد اینکه نابینا یا عابر خاصی که معمولاً از آنجا می‌گذرد، به سنگ بر خورد کرده و در چاهی که در ملک اوست سقوط کند، یا مالک با توجه به اینکه اگر در ملک خود چاه بکند احتمال برخورد نابینا یا عابر با سنگ و سقوط او در چاه زیاد است، اقدام به حفر چاه می‌نماید، حال مستدعی است بفرمائید با توجه به اینکه عمل کودکان مصداق اضرار به طریق و عمل مالک مصداق الناس مسلطون علی اموالهم می‌باشد، ضامن دية نابینا یا عابر چه کسی است؟

ج: اگر چاه در محل رفت و آمد مردم بوده و صاحب چاه مانع و حفاظ در اطراف چاه قرار

نداده باشد ضامن ديه صاحب چاه است نه کودکان.

**س ۳۹:** با عنایت به روایت اصبع بن نباته،<sup>۱</sup> غیاث<sup>۱</sup> و سکونی<sup>۲</sup> که در

۱. الفقیه، ج ۳، باب الحجر و الافلاس و تهذیب الاحکام، ج ۶، باب کیفیه الحکم و القضاء از ابواب کتاب القضا یا و الاحکام.

مورد حبس مدعی اعسار وارد شده است، بفرماید:  
 هرگاه شخصی در دادگاه محکوم به پرداخت دیه گردد، لیکن مدعی  
 اعسار گردد، در دو صورت ذیل وضعیت به چه نحوی خواهد بود:  
 الف) وضعیت قبلی محکوم علیه از حیث مالی و از جهت اعسار یا  
 ایسار او روشن باشد.

ب) وضعیت مالی سابق محکوم علیه مجهول باشد.

ج: اگر وضعیت قبلی محکوم علیه اعسار باشد قول او مسموع است، از زندان آزادی شود  
 و به او مهلت داده می شود که تحصیل مال کند و دیه را پرداخت کند و اگر وضعیت قبلی او ایسار باشد  
 ادعای اعسار بدون دلیل پذیرفته نمی شود و وظیفه قاضی تحقیق کردن از وضعیت مدیون است و  
 اگر حالت سابقه او معلوم نباشد در این صورت هم نیاز به تحقیق قاضی است و ادعای اعسار  
 کافی نیست.

۱۴- آیا در قتل عمدی موجب دیه مانند قتل فرزند توسط پدر، در  
 صورت وجود لوث پنجا نفر قسم لازم است یا بیست و پنج قسم؟

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، باب الدیون و احکامها از ابواب کتاب الدیون و الکفالات.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۶، باب من الزیادات فی القضا و الاحکام از ابواب القضا و الاحکام.

ج: در قتل عمد پناه قسم است در قسامه فرق بین قتل عمد موجب دیه و موجب قصاص

وجود ندارد.

س ۴۱: با عنایت به اینکه در ماه حرام دیه تغلیظ می شود بفرمایید مبدء ماه حرام غروب آفتاب است. یا آذان مغرب یا رؤیت هلال یا نیمه شب یا طلوع فجر؟

ج: با رؤیت هلال ماه حرام کفاره تغلیظ می شود.

س ۴۲: اگر در اثر جنایتی دندان شیری کنده شده و به دندان دایمی زیر آن که در لثه قرار دارد نیز صدمه برسد، به نحوی که دندان دایمی پس از رویش کج و معیوب باشد، آیا علاوه بر دیه یا ارش دندان شیری، ارشی نیز بابت رویش معیوب دندان دایمی می توان مطالبه کرد؟

ج: در فرض سؤال که به دندان دایمی هم صدمه رسیده است ارش تعلق می گیرد.

س ۴۳: اگر در اثر جنایتی دندان شیری کنده شود، و هم در اثر جنایت مزبور یا اینکه دندان دایمی زیر دندان شیری (در لثه) وجود داشته دیگر نروید، آیا علاوه بر دیه یا ارش دندان شیری، دیه دندان دایمی نیز که عدم رویش آن مستند به جنایت است باید پرداخت شود یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا موضوع سؤال دو جنایت است (جنایت اول که مباشرتاً دندان شیری را ساقط کرده و جنایت دیگر که سبب عدم رویش دندان دایمی شده) که دو

دیه دارد یا یک جنایت؟

### ج: در این صورت هم نوبت به ارش می‌رسد.

**س ۴۴:** اگر در اثر جنایتی، مقداری از گویایی شخص از بین برود، مانند اینکه قادر به ادای ۱۰ حرف نباشد، مستدعی است بفرمایید:

الف) آیا دیه زوال حروف با توجه به حروف معجم عربی تعیین می‌شود یا همانگونه که برخی فقها فرموده‌اند بر اساس حروف لغت مجنی علیه؟ [ حروف زبان که مجنی علیه به آن تکلم می‌کند، گاه ۳۲ حرف است (فارسی زبانان) و گاه ۲۶ حرف (انگلیسی زبانان) و گاه غیر آن].

ب) در صورتی که معیار حروف معجم عربی باشد، تعداد حروف مزبور ۲۸ حرف است یا ۲۹ حرف؟

ج) در صورتی که معیار، حروف لغت مجنی علیه باشد، در مواردی که مجنی علیه به چند زبان (فارسی، ترکی و عربی) تکلم می‌کند، معیار، حروف کدامیک از این لغات است؟

ج: در فرض سوال دیه به حروف معجم عربی که به نظر اینجانب ۲۹ حرف است محاسبه

می‌شود بنا بر این مقلع و مخارج هر تعداد حروفی که از بین رفته باشد به همان نسبت باید دیه پرداخت

نماید.

**س ۴۵:** زید به بکر حمله می‌کند و بکر از خود دفاع می‌کند، عمرو که

بی اطلاع از واقع امر است، از روی خیر خواهی و به قصد وساطت و جدا کردن آنها از یکدیگر در میان آنها می‌رود و در این حین ضربه مشتکی به صورت عمرو خورده و کبود می‌شود، حکم دیه ضربه وارده را در دو صورت ذیل بیان فرمایید:

الف) اگر زننده ضربه بکر باشد که در حال دفاع بوده؟

ج: اگر ضارب بکر باشد سه اشغال طلا می‌سکه دار که هر اشغال ۱۸ نخود است باید ردیه

پرداخت کند.

ب) اگر زننده ضربه نا مشخص است (علم اجمالی وجود دارد که ضارب زید یا بکر است) حکم چیست؟

ج: در فرض سوال ضارب باقره مشخص می‌شود و اگر هر دو تادیه را به طوری مساوی

پرداخت کنند هم اشغال ندارد.

س ۴۷: در قتل غیر عمدی ناشی از تصادفات محکوم علیه پس از انقضای مهلت پرداخت (دو سال) معسر است حتی توان پرداخت دیه را بنحو اقساط ندارد تکلیف چیست؟ آیا بیت المال ضامن است از هدر رفتن خون مسلمان؟

ج: در صورت معسر بودن دیه بر میت المال است.

**س ۴۷:** آیا قاعده «کل ماکان فی الانسان اثنان ففیها الدیة و فی احدهما نصف الدیة و ماکان فیه واحد ففیه الدیة» که متخذ از روایات از جمله روایت هشام بن سالم و عبدالله بن سنان<sup>۱</sup> می باشد، را به صورت مطلق می پذیرید؟ و یا تنها در مواردی مانند دست، چشم، گوش و... که منصوص است، آن را جاری می دانید؟ در صورتی که مطلقاً قاعده را جاری می دانید، بفرمایید؛

الف) آیا قاعده مزبور مختص به اعضاء است یا در منافع نیز (چشائی - لامسه - احساس عطش و...) مطلقاً آن را جاری می دانید؟

**ج:** آن قاعده نسبت به اعضاء مانند چشم، گوش، دست، پا، لبها، الیتان اطلاق دارد ولی شامل منافع نمی شود غیر از اعضاء که زوج است عضو واحد گفته می شود.

ب) آیا قاعده مزبور مختص اعضاء ظاهری است یا شامل اعضاء داخلی بدن مانند کلیه و کبد هم می شود؟

**ج:** شامل کلیه و کبد هم می شود.

ج) مقصود از عضو واحد چیست و معیار تفکیک عضو واحد از غیر آن چه می باشد، به عنوان مثال آیا رگها، موهای سر، موی ریش، رشته ها اعصاب و عضو واحدی به حساب می آید؟

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۹، باب اول از ابواب دیا الاعضاء، ص ۲۸۳.

ج: ظهور عرفی صحیحه شام بن سالم و غیره شامل رکها، موهای سر، موی ریش، رشته‌های اعصاب نمی‌شود بلکه ظهور دارد در آن امور که ذکر شد.

د) آیا بزرگی و کوچکی عضو تأثیری در شمول قاعده مزبور دارد، به عنوان مثال آیا قاعده مزبور نسبت به غده آپاندیس و مانند آن نیز جاری است؟

ج: بزرگی و کوچکی عضو در شمول قاعده تأثیر ندارد ولی آن قاعده شامل غده آپاندیس نمی‌شود.

س ۱ - ۴۸: حکم سقط جنین قبل از ولوج روح در موارد ذیل چگونه است؟

الف) بقای جنین موجب مرگ مادر و جنین خواهد شد؛

ب) بقای جنین موجب مرگ مادر خواهد شد؛

ج) بقای جنین در صورت فوق را پس از ولوج روح بیان فرمایید.

ج: در فرض سؤال در صورت‌های «الف» و «ب» سقط جایز است البته با دادن دیه‌آ مادر

صورت مجرد احتمال مرگ مادر سقط جواز ندارد مگر اینکه احتمال عقلانی یا اطمینان پیدا کند که در این

صورت هم اشکالی ندارد.



آنها بعد از ولوج روح اگر میدانید که بقاء جنین هم موجب مرگ خود جنین است و هم موجب مرگ مادر در این صورت سقط جنین اشکال ندارد اما صورت دوم که نوشته اید بقاء جنین موجب مرگ مادر باشد اگر چنین اتفاقی بیافتد که خود جنین زنده بماند و مادرش بمیرد در این صورت به نظر اینجانب سقط آن جنین جایز نیست چون فرض این است که هر دو مسلمان و انسان هستند نمی شود یکی را فدای دیگری کرد.

۱۴۸ - ۲: حکم سقط جنین در صور فوق را پس از ولوج روح بیان فرماید.

۱۴۸ - ۳: آیا در موارد فوق رضایت زوج برای سقط جنین شرط است یا نه؟ در صورتی که شرط نباشد، آیا جواز سقط جنین، موجب سقوط دیه جنین نیز می باشد؟ در صورتی که رضایت شوهر لازم باشد، آیا علاوه بر دیه زوجه و پزشک مسؤولیت دیگر نیز دارد؟

ج: در مواردیکه جواب آنها داده شد اجازه شوهر لازم است آنها باید مباشر سقط جنین دیه جنین را هم به مقداری که در کتب فقهیه مذکور است بدهد. و به غیر از دیه زوجه پزشک مسؤولیتی ندارد.

**س ۴ - ۴۸:** در مواردی پزشکان به صورت قطع، نظر می‌دهند که جنین - مثلاً به علت نداشتن جمجمه یا... - زنده متولد نخواهد شده، حال در فرض مزبور بفرمایید، سقط جنین در دو فرض ذیل جایز است یا خیر و در صورت جواز، رضایت زوج نیز لازم است یا خیر؟

الف) ادامه حمل موجب عسر و حرج مادر است؛

ب) ادامه حمل هرچند مشکلاتی را برای مادر در پی دارد اما وضعیت به مرحله عسر و حرج نرسیده است.

**ج:** اگر آن جنین مصوب در شکم مادر حیات پیدا کرده باشد سقط آن جنین جایز نیست و لو اینکه بقاء آن جنین در شکم مادر موجب زحمت یا حتی موجب عسر و حرج برای مادر باشد.

اما اگر جنین هنوز حیات پیدا نکرده باشد و بقاء آن در شکم مادر برای مادر موجب ضرر غیر قابل تحمل باشد سقط آن جایز است.

اما اگر به مرحله عسر و حرج نرسد سقط آن جایز نیست چه حیات پیدا کرده باشد یا نه؟ ولی در موارد مذکوره دید واجب است و هم چنین اجازه شوهر لازم است چون او صاحب نطفه است.

**س ۴۹:** شخصی به سوی شخصی یا حیوانی تیر اندازی کند، در حالی

که توجه دارد که شخص محقون الدم دیگری در معرض اصابت تیر به شخص دیگر و به قتل رسیدن او، قتل از چه نوعی است؟

**ج:** در فرض سوال اگر احتمال شخص ضارب به حد اطمینان یا ظن قوی برسد این قتل، قتل عمد است و اگر به حد شک باشد قتل خطاء است.

**س ۱۰۰:** شخصی به سوی حیوانی یا شخصی تیر اندازی کند، در حالی که شخص ثالثی در معرض اصابت تیر باشد، و شلیک کننده به دلیل سهل انگاری متوجه این امر نباشد و تیر او به شخص ثالث اصابت کند، قتل از چه نوعی است؟

**ج:** قتل خطاء است.

**س ۱۰۱:** راننده ای که مقررات رانندگی را رعایت نمی کند و در حالیکه سرعت غیر مجاز یا سبقت غیر مجاز داشته یا در حال عبور از چراغ قرمز بوده، با توجه به اینکه اینگونه عدم رعایت مقررات دیگران را در معرض جنایت قرار می دهد، بفرمایید؛ در صورت تصادف و وقوع قتل، جنایت عمد است یا غیر عمد؟

**ج:** اگر راننده قصد کشتن کسی را نداشته باشد این قتل باز قتل خطای شبه عمد است و دید بر

قاتل است.

**س ۵۲:** آیا ارتکاب سایر جرائم غیر از قتل، در ماه های حرام نیز باعث تشدید مجازات می شود یا نه؟

**ج:** در فرض سؤال موجب تشدید مجازات نمی شود.

**س ۵۳:** آیا حرم مکه، حکم ماههای حرام را دارد و در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا مشاهد مشرفه نیز همین حکم را خواهند داشت؟

**ج:** بنا بر احتیاط واجب حرم مکه به ماههای حرام ملحق است اما مشاهد مشرفه ملحق نیست.

**س ۵۴:** آیا مقدار دیه مرد یا زن در ماه های حرام دو برابر مقدار آن در ماه های غیر است؟

**ج:** نه خیر یک دیه کامله و ثلث دیه است نه دو برابر.

**س ۵۵:** مردی زنی را در ماه حرام به قتل رسانده است، اگر اولیای دم تقاضای قصاص جانی را داشته باشند، آیا باید نصف دیه یک مرد در ماه حرام را به او بپردازند یا غیر ماه حرام را؟

**ج:** نصف دیه در غیر ماه حرام را در فرض سؤال باید سپردند.

**س ۵۶:** آیا تغلیظ دیه مختص قتل عمد و شبه عمد است یا خطای محض را هم شامل می شود، در صورتی که خطای محض را هم شامل شود با توجه به اینکه تغلیظ دیه نوعی تشدید است و در قتل خطای محض تقصیری در کار نیست چگونه قابل توجیه است؟

ج: تغلیظ دیه به جهت احترام بیشتر به خون مسلمان و احترام به ماههای حرام است و لو  
تقصیری در بین نباشد بنا بر این در هر سه نوع قتل تغلیظ دیه است.

س ۵۷: آیا تغلیظ دیه اختصاص به زمانی دارد که جنایت و قتل هر دو  
در ماه حرام اتفاق افتاده باشد، یا اگر یکی در ماه حرام و دیگری در غیر ماه  
حرام اتفاق بیفتد باز هم حکم به تغلیظ دیه جاری می شود؟

ج: ملاک وقوع خود قتل در ماه حرام است.

س ۵۸: آیا تغلیظ دیه مخصوص قتل نفس است یا شامل قطع اعضاء و  
جراحات و حتی باعث تشدید مجازات در دیگر جرایم هم می شود؟

ج: شامل قطع اعضا نمی شود.

س ۵۹: هرگاه مسلمان ایرانی، در خارج از مرزهای ایران (مثلاً عراق،  
عربستان و یا آمریکا) به قتل رسیده و قاتل هم ناشناس باشد؛ آیا بر دولت  
ایران لازم است، دیه مقتول را از بیت المال بپردازد؟

ج: اعطایه از بیت المال تابع تسلط و بساطت ید حاکم است تا هر اندازه که حاکم در آن  
مناطق تسلط دارد می باشد و حاکم چون در عراق و عربستان و آمریکا تسلط و بساطت ید دارد و لذا اگر  
در آنجا مسلمان کشته بشود و قاتلش معلوم نباشد اگر ممکن است دیه از همان دولت گرفته شود و اگر

**مکن نیست بر حاکم که بیت المال در اختیار دارد و ادن دیه آن واجب است.**

**س ۷۰:** هرگاه یک مسلمان تبعه کشورهای دیگر، در ایران به قتل رسیده باشد و قاتل نیز ناشناس باشد، آیا دولت ایران موظف به پرداخت دیه مقتول است؟

**ج:** بلی اگر مسلمانی در ایران کشته شود و قاتلش معلوم نباشد بر حاکم است که از بیت المال

بدد و لو مقتول تابع کشور دیگر باشد.

**س ۷۱:** اگر کافر مستامن یا معاهدی که به عنوان تاجر یا جهانگرد به ایران آمده است به قتل برسد، می‌توان دیه او را از بیت المال پرداخت نمود؟ در صورتی که کشورهای متبوع آنها نسبت به اتباع ایرانی چنین امتیاز قائل شده باشند، چطور؟

**ج:** اگر کافر کتابی باشد از باب مصالح باید دیه در صورت معلوم نبودن قاتل از بیت المال

پرداخت شود.

**س ۷۲-۱:** با عنایت به اینکه پرداخت کننده دیه در برخی روایات، امام المسلمین<sup>۱</sup> و در برخی موارد بیت المال<sup>۲</sup> ذکر شده است، بفرمایید، آیا بین

۱. کافی، ج ۷، ص ۳۰۲، باب من خطاه عمد ومن عمده خطا، حدیث ۳، و ص ۳۶۵، باب العاقله، حدیث سوم.

۲. کافی، ج ۷، ص ۲۹۴، باب الرجل صحیح العقل یقتل المجنون، حدیث ۱، و ص ۳۶۵، باب المقتول

مال امام و بیت المال در نصوص وارده در باب دیات تفاوتی وجود دارد؟  
**س ۲- ۷۱:** مقصود از بیت المال چیست؟ آیا بیت المال منافع و عایدات  
 انفال است یا اموری نظیر مالیات‌ها و... را نیز شامل می‌شود؟ خمس و  
 زکات چطور؟

**س ۳- ۷۱:** آیا بیت المال موارد مصرف مضبوطی دارد، یا در هر موردی  
 که حاکم مسلمین مصلحت بداند (مصلح مسلمانان) می‌تواند آن را هزینه  
 نماید؟

ج ۳.۲.۱: «فرض سؤال تمام اموال که تحت اختیار و تسلط حاکم است بیت المال  
 است، یعنی آن اموال عمومی که در صورت حضور امام مال منصب امامت است مثل  
 غنایم حرب که در خزانه دولت باقی بماند و جزیه از اهل ذمه بگیرد و مال خراج و مقاسمه و امثال آن  
 و این اموال در عصر حاضر که زمان غیبت امام است اختیار آن به مجتهد جامع شرایط است  
 خمس و زکات را اگر دستور جمیع آوری آنها را بدهد و در خزانه دولت قرار دهد جزء بیت المال  
 می‌شود و اگر به صاحبان آن اجازه دهد که به مستحقین بدهند بیت المال نیست و لذا امام اگر مال

لایداری من قتله، حدیث اول، سوم، پنجم و...  
 ۱. کافی، روایت ابی ولاد، ص ۳۵۹، مورد عنایت قرار گیرد.

شخصی داشته باشد بعد از فوت ایشان مال تمام ورثه است اختصاص به امام بعد از رد و اما آنچه مال منصب امامت است اختیارش به امام بعد یا حاکم شرعی می‌باشد و مصرف میت المال هم در هر موردیکه حاکم مصلحت بداند می‌تواند مصرف کند.

**س ۷۲:** برای اثبات جنایت موجب دیه کامل، چند سوگند لازم است؛ ۵۰، ۲۵، یا ۶ سوگند؟

**ج:** در فرض سؤال ۶ سوگند کافی است.

**س ۷۳:** بنا بر آنکه ۶ سوگند در قسامه اعضاء برای اثبات جنایت موجب دیه کامل کافی باشد - چنانکه مشهور این است - بفرمایید: در صورتی که با یک ضربه، منافع متعددی از بین رفته باشد، یک قسامه شش تایی کافی است یا به تعداد منافع، قسامه باید اقامه گردد؟

**ج:** اگر منافی که از بین رفته است به اندازه دیه نفس باشد یک قسم شش تایی کافی

است.

**س ۷۴:** آیا در قسامه اعضاء نیز تحقق لوث را - چنانکه مشهور است - شرط می‌دانید؟

**ج:** به نظر اینجانب در قسامه، جنای بر اعضا تحقق لوث شرط می‌باشد.



**س ۷۵:** اگر کافر غیر کتابی مانند جهانگردی با مجوزی وارد کشور ایران شود و در ایران توسط مسلمان کشته شود آیا به کافر غیر کتابی دیه تعلق می‌گیرد؟

**ج:** انظر عدم ثبوت دیه است در کفار غیر ذمی.

**س ۷۶:** در فرض سؤال قبلی چنانچه بدون مجوز وارد ایران شود دیه تعلق می‌گیرد؟

**ج:** مجوز و عدم آن در عدم ثبوت دیه در فرض سؤال تأثیر ندارد مگر اینکه ولی امر مسلمین مصلحت را در پرداخت دیه بداند در این صورت از بیت المال پرداخت شود در صورتیکه با مجوز وارد کشور اسلامی شده باشد

**س ۷۷:** اگر صدمه عمدی بر شخصی وارد گردد ولیکن نوعاً کشنده یا موجب قطع عضو نبوده مانند قطع انگشت و جانی نیز قصد کشتن را نداشته ولی به جهت ضعف مجنی علیه یا هر جهت دیگری سرایت کرده و موجب فوت یا قطع دست گردیده است حکم مسأله را بیان فرمایید آیا جانی می‌بایست نسبت به قطع انگشت قصاص شود و آنگاه بلحاظ فوت مجنی علیه دید پردازد یا جانی فقط باید دیه نفس پردازد یا فقط قصاص می‌شود؟

ج: اگر قتل مستدبه قطع انگشت باشد یک دیه (دیه قتل نفس) کافی است.  
 و اگر قطع انگشت موجب قطع دیه شود نه موجب قتل در این صورت اگر قصاص دست  
 امکان داشت باشد قصاص جایز است و الا دیه پرداخت کند.

س ۷۸: در صورتی که شخصی عمداً به دیگری مشت یا سیلی بزند یا انگشت او را قطع کند، در صورتی که اینگونه اعمال نوعاً کشنده نبوده و ضارب قصد قتل هم نداشته باشد و لکن مجنی علیه فوت کند، آیا تنها دیه نفس ثابت است یا تنها قصاص نفس یا نسبت به عضو، قصاص عضو و نسبت به نفس قصاص نفس؟

ج: حکم قتل شیهه عمر را دارد، بر جانی دیه نفس واجب است.

س ۷۹: اگر شخصی به خنثی مشکله جنایتی که موجب دیه است وارد نماید حکم دیه آن به چه کیفیت است آیا دیه مرد، یا زن یا تنصیف به این معنا که نصف دیه مرد و نصف دیه زن، به وی تعلق می‌گیرد؟

ج: در فرض سوال دیه تنصیف می‌شود یعنی نصف دیه مرد و نصف دیه زن به او تعلق

می‌گیرد.

س ۷۰: در فرض مسأله فوق (۶۹) چنانچه مجنی علیه ممسوح باشد دیه آن چقدر است؟

## ج: حکم به قرعه می‌شود.

**س ۷۱:** اگر شخص موی سرِ دختر خرد سال - مثلاً - (ده روزه) را از بین ببرد و دیگر نروید کیفیت تعیین مهر المثل را بیان فرمایید.

## ج: دیه کامله دارد.

**س ۷۲:** شخصی در حدود ۲۰ سال قبل به تحریک اشخاصی به طور ناحق شخصی دیگری را بدون هیچ گناهی به قتل می‌رساند و خود قاتل فراری و متواری می‌شود.

پدر مقتول پس از چند ماهی قاتل را دستگیر نموده و به مراجع قضایی حاکم آن زمان سپرده و دستور قصاص وی همراه با اعتراف وی به صورت مکتوب می‌گیرد. چون قاتل و مقتول از یک منطقه و نزدیک هم می‌باشند پدر مقتول در جلسه ای ابراز می‌کند که اگر کسی ضمانت قاتل را بکند قاتل را آزاد کرده و از قصاص صرف نظر می‌کند ولی هیچکس حاضر به ضمانت قاتل نمی‌شود و پدر مقتول قاتل را جهت نظر خواهی از مادر قاتل و احتمالاً تحویل دادن به مادرش به طرف وی می‌برده که در راه قاتل متواری شده و پدر مقتول پس از اخطار لازم به طرف قاتل شلیک می‌کند و چون تفنگ روی قید تکرار داشته است تعداد گلوله بیشتری به طور ناخود آگاه به قاتل زده می‌شود که بر اساس گفته ای پدر مقتول قصد زدن قاتل به این صورت را نداشته و قصد تحویل دادن قاتل به مادرش را داشته است اما چون متواری شده بود ناچاراً به این گونه به طرف وی شلیک می‌کند.

حال پس از گذشت بیست سال پدر قاتل ادعا می‌کند که پدر مقتول به فرزند وی (قاتل) تعداد گلوله بیشتر زده است و ادعای خسارت می‌کند حال با توجه به اینکه پدر مقتول در قید حیات نمی‌باشد و در زمان حیات وی پدر قاتل هیچگونه ادعایی مبنی بر دیه و خسارت به پدر مقتول نداشت. حال فرزندان پدر مقتول (برادر مقتول) ادعا و دعوای خسارت می‌کند.

آیا این ادعا و دعوای به میّت نمی‌باشد و پدر قاتل می‌تواند نسبت به فرزندان و برادر مقتول چنین ادعایی را داشته باشد یا نه؟ و این دیه و خسارت را باید فرزندان پدر مقتول (برادر مقتول) بردازد یا نه؟

**ج: در قتل عمد پدر مقتول حق دارد قاتل را قصاص کند و زدن گلوله بیشتر در فرض سوال**

**موجب دیه و خسارت نمی‌شود و ورثه قاتل حق مطالبه خسارت و دیه را از ورثه مقتول ندارند.**

**س ۷۳:** در صورتیکه در جنین روح دمیده نشده باشد، آیا سقط آن در موارد زیر جایز است؟

الف) بقای جنین موجب مرگ مادر و جنین باشد.

**ج: سقط جایز است.**

ب) بقای جنین موجب مرگ مادر باشد.

**ج: سقط جایز است.**

س) بقای جنین خطر جانی برای مادر داشته باشد یا خوف ضرر قابلی توجهی برای مادر وجود داشته باشد.

### ج: در صورت علم به خطر جانی سقط اشکال ندارد.

د) جنین به تشخیص قطعی پزشکان مورد وثوق ناقص الخلقه باشد به گونه‌ای که نگهداری او برای پدر و مادر موجب عسر و حرج باشد.

### ج: جواز ندارد.

ه) به تشخیص کارشناسان مورد وثوق جنین مرده به دنیا خواهد آمد و یا بلافاصله بعد از تولد خواهد مرد.

### ج: جواز ندارد.

س ۷۴: چنانچه روح در جنین دمیده باشد، آیا در فروض پیش سقط جنین جایز است؟

### ج: جایز نیست.

س ۷۵: در صورت جواز سقط جنین در تمام یا برخی از فروض فوق؛ آیا دیه ثابت است و بر فرض ثبوت دیه بر پزشک مباشر است یا مادر و پدر؟

### ج: در موارد جواز سقط دیه بر مباشر واجب است.

**س ۷۶:** اگر در برخی از صور پیشین، سقط جایز باشد آیا اجازه پدر نیز شرط است؟ چنانچه پدر حضور نداشته باشد یا وفات نموده باشد حکم مسأله چیست؟

**ج:** در موارد جواز اجازه پدر شرط نیست.

**س ۷۷:** در صورتی که مادر مبتلا به بیماری خاصی باشد، چنانچه اقدام به درمان وی ملازمه با آسیب دیدن جنین یا سقط وی داشته باشد، آیا اسقاط جایز است؟

**ج:** اگر حفظ جان مادر متوقف بر درمانی که موجب سقط جنین قبل از دمیدن روح باشد

درمان اشکال ندارد.

**س ۷۸:** ولوج روح در چه زمانی صورت می‌گیرد و علامت آن چیست؟ (این مسأله از حیث پزشکی نیز جواب قطعی و تعیینی ندارد)

**ج:** بعد از چهار ماه ولوج روح می‌شود.

**س ۷۹:** چنانچه نگه داری جنین موجب عسر و حرج مادر یا اطرفیان باشد و حضرتعال سقط را قبل از ولوج روح در چنین فرضی جایز می‌دانید، بفرمایید؛ معیار عسر و حرج، نوعی است یا شخصی؟

**ج:** عسر و حرج شخصی که قابل تحمل نباشد. قبل از دمیدن روح سقط جنین اشکال ندارد.

**س ۸۰:** آیا در موارد جواز و عدم جواز سقط، تفاوتی بین جنین به وجود آمده از رابطه مشروع و جنین ناشی از زنا (اعم زنا با محارم و اجنبی) وجود دارد یا خیر؟

**ج:** در حرمت و جواز فرق نمی‌کند ولی در مقدار دیه فرق دارند که در وظیفه القضاة بیان شده.

**س ۸۱:** اگر پزشک خبره اعلام نماید که علاوه بر دیه مقدر بابت کاهش عملکرد اندام فوقانی دست راست (قطع انگشتان) که در اثر قطع دو انگشت شست و سبابه ایجاد شده ارشی معادل ۱۱٪ دیه کامل به مجنی علیه تعلق می‌گیرد، آیا ارش منظور منطبق با نظر شارع مقدس می‌باشد؟

**ج:** نظر پزشک خبره در تعیین ارش اعتبار ندارد، ارش باید بر طبق نظر حاکم شرع تعیین

شود.

**س ۸۲:** شخصی سه سال قبل شخصی دیگری را به قتل می‌رساند، بعد از سه سال وارثین مقتول اگر اقدام به اخذ دیه بکند آیا دیه و خون بهای مقتول از تاریخ که مقتول به قتل رسیده حساب می‌شود یا از تاریخ که داد گاه یا هر مرجع ذی صلاح که حکم کند صادر می‌کند یعنی زمان صدور حکم حساب می‌شود. به عبارت دیگر میزان محاسبه خون بهای سه سال قبل است یا همین سال جاری که هر کدام را معیار قرار دهیم تفاوت زیادی دارد.

ج: در فرض سوال اگر قتل، قتل عمد بوده حکم اولی آن قصاص است و اگر بخواد اعدام نشود باید ورثه را با دادن دیه راضی کند که در این صورت اختیار مقدار دیه هم به دست اولیاء دم می باشد به هر مبلغی که راضی شوند باید راضی کند.

اما اگر قتل خطا یا شیبیه به عمد بوده حکم آن دیه است و دیه هم دیه زمان قتل را باید بدهد.

س ۸۳: اگر کسی، شخص دیگری را تهدید به قتل کند و از نظر روحی اذیت کند یا به وسیله دارویی او را دیوانه کند چه حکمی دارد؟

ج: اگر تهدید به قتل کند از سوی حاکم شرع تعزیر می شود و اگر عقل او را زایل کند باید دیه کامل یک انسان را به او پرداخت کند.

س ۸۴: در مواردی که کالبد شکافی جایز است آیا دیه ساقط است یا نه؟

ج: اگر بدن انسان زنده را کالبد شکافی کند با رضایت خودش دیه ندارد ولی کالبد شکافی بدن میت مسلمان در صورتیکه حیات مسلمان دیگری به آن توقف داشته باشد و پیوند اعضا غیر مسلمان امکان نداشته باشد در این صورت کالبد شکافی اعضا مسلمان جایز است ولی دیه واجب است،



باید دید آن عضو برای خود میت در امور خیریه مصرف شود.

س ۸۵: آیا وصیت به کالبد شکافی و یا اذن اولیاء میت موجب جواز و مسقط دینه می باشد؟

ج: دینه ساقط نمی شود و اجازه ولی نیز موجب جواز کالبد شکافی و سقوط دینه نمی شود.

س ۸۶: دینهی جراحات وارده بر سر و صورت را بیان فرمائید:

ج: در فرض سؤال جراحات وارده بر سر و صورت نه قسم است و هر یک دینه مخصوص به خود دارد.

۱. خارصه است و آن این است که سر و صورت خدشه و خراش بردارد ولی خون خارج نشود و دینه اش یک شتر است.

۲. دامیه است که گوشت کمی شکافته و خون خارج بشود و دینه اش دو شتر است.

۳. ملاحمه است که آلت ضرب مقداری زیادی در گوشت فرو برد ولی به پرده که روی

استخوان است نرسد و دینه آن سه شتر است.

۴. سحاقه است و آن جراحتی است که به پرده که روی استخوان است برسد و دیده آن چهار شتر است.

۵. موضعه است و آن جرحی است که پرده روی استخوان را پاره کرده و سفیدی استخوان نمایان شده باشد یعنی اگر گوشت های محل زخم را کنار بزند استخوان دیده می شود و دیده آن پنج شتر است.

۶. ششم هاشمه است که استخوان بسکند و دیده آن ده شتر است اگر چه پوست و گوشت شکافه و مجروح نشود.

۷. مقله است که استخوان جابه جاشده و دیده آن پانزده شتر است.

۸. نامومه است که به امم الدماغ یعنی به پرده مغز که در میان آن است رسیده ولی پرده شکافه نشده است و دیده آن سی و سه شتر کفایت می کند و لو دید اش سه صد و سی سه دینار و ثلث دینار  $\frac{1}{3}$  است.

۹. دامنه است و آن این است که پرده که مغز در میان او است شکافته شود که اگر موجب

مرگ نشود و آن علاوه بر دینیه تا مومنه ارش برای شکافته شدن پرده مغز سر نیز ثابت است.

س ۸۷: آیا در جنابت بر اطراف و اعضاء نیز تغلیظ دیه وجود دارد یا نه؟

ج: نه خیر تغلیظ دیه مخصوص قتل است.

س ۸۸: اگر زوجه یائسه باشد و مقداری از مهریه خود را برای شوهر

ببخشد و شوهر هم او را طلاق خلعی بدهد و در بین عدّه زن رجوع کند

به آنچه بذل کرده آیا مرد حق رجوع دارد یا نه؟

ج: در صورتیکه زن یائسه باشد رجوع به بذل صحیح نیست اگر یائسه نباشد زن حق رجوع به

بذل و شوهر حق رجوع به زوجه دارد.

س ۸۹: اگر مردی با پرداخت تمام مهریه زن خود را طلاق دهد و نامه

امضاء کند که بزنش رجوع نکند آیا حق رجوع شوهر با این امضاء ساقط

می شود یا نه؟

ج: جواز رجوع مرد بزوجه اش حکم شرعی است و قابل استطاق نیست این امضاء این

حکم را از بین نمی برد.

س ۹۰: زنی سوار وسیله نقلیه ای است تا او را به مقصد برساند لیکن

راننده به قصد تجاوز به عنف، زن را به خارج شهر یا جای خلوتی می‌برد، زن هنگامی که از نیت راننده مطلع می‌شود، برای حفظ آبرو و پاکدامنی، ناچار خود را از خود روی او در حال حرکت پرتاب می‌کند و در اثر آن فوت نموده یا صدمه می‌بیند، مستدعی است بفرمائید آیا علاوه بر تعزیر راننده متخلف، ضمان دیه زن نیز بر عهده اوست؟

**ج: در فرض سؤال شخص راننده ضامن است چون این خانم به قصد دفاع از خود خود را از ماشین انداخته است.**

**س ۹۱:** شخصی در روستایی درگیری پیدا می‌کند با شخصی دیگر در این میان دختری از ناحیه دست در اثر تیر اندازی یکی از طرفین دعوا زخمی می‌گردد در این مجال شخصی که مشغول آبیاری زراعت پدر دختر مجروح بود در نزد پدر دختر می‌رود و قضیه را اینجور باز گو می‌کند که من در صحنه بودم و بچشم دیدم که دختر شما مقتوله و خانم شما مجروحه گردید در این اثنا پدر آن دختر با سلاح و وسایل جنگی بخانه شخص ضارب دختر حمله می‌برد و در این حین تنها دختر ضارب اول که در خانه حضور داشته از ترس فرار می‌کند و پدر دختر مجروحه در حین فرار دختر شخص ضارب را به ضرب گلوله به قتل می‌رساند. لطفاً مرقوم بفرمائید آیا این قتل عمد محسوب می‌شود یا غیر عمد؟ آیا قاتل قصاص می‌شود یا دیه باید بپردازد؟ و آیا در این میان شخص که شایعه کرده و باعث شده است که پدر دختر مجروحه، دختر مرد ضارب را بقتل برساند از نظر شرعی چه

حکمی دارد؟

### ج: در فرض سؤال قتل، قتل عمد است و شخص شایعه‌گر باید تعزیر شود.

**س ۹۲:** با توجه به عبارات فقها که می‌فرمایند مجازات زنا با محارم و زنا با محضن و اکراه قتل است و فرقی بین محضن و غیر محضن نیست و با عنایت به اینکه مجازات رجم سخت تر از مجازات قتل است بفرمائید:

۱- چرا زانی محضن که مرتکب زنا با محضن یا زنا با محارم شده رجماً کشته نمی‌شود؟ در حالی که اگر زنا با محضن یا با محارم نبود رجم می‌گردید؟ (به خصوص در آنجا که جرم با بیینه اثبات شده است).

۲- با توجه به اینکه به اجماع فقهاء در صورتی که شیخ یا شیخه محضن مرتکب زنا شوند علاوه بر رجم صد ضربه شلاق نیز جاری می‌گردد، در فرض زنا با محارم یا به محضن پیر مرد باشد آیا قبل از قتل صد ضربه شلاق بر وی جاری می‌شود؟ اگر جواب منفی است چه توجیهی دارد؟

### ج ۱: اولاً احکام تابع مصالح و مفاسد است که آن مصالح و مفاسد را غالباً غیر معصوم درک

نمی‌توانند.

دوم اینکه اگر زنا با محارم به اقرار زانی ثابت شود بعد انکار کند رجم ساقط می‌شود ولی حد

ساقط نمی‌شود.

سوم اینکه اگر زنای مرحوم و مرحومه با اقرار ثابت شده باشد و یک سنگ اصابت کرده باشد بعد از آن اگر فرار کنند بر گردانده نمی‌شوند برخلاف کسانی که محکوم به قتل هستند قتل در مورد آنها جاری می‌شود، لذا از این ناحیه حکم رجم آسانتر از حکم قتل است.

ج ۲: در زناهای با محارم مطلقاً حکم کردن زدن زانی و زانیه است و سلاق ندارد مستفاد از روایات همین است اگر چه از نظر گناه زناهای با محارم گناهِش بیشتر است.

س ۹۳: در زناهای موجب رجم و یا قتل چنانچه زانی اقرار نماید پس انکار نماید حدّ رجم یا قتل ساقط است لیکن در صورتی که قاضی علم به کذب منکر پیدا نماید آیا در این صورت حدّ ساقط می‌شود یا حدّ اجراء می‌شود؟

ج: در فرض سؤال اگر قاضی علم به زنا داشته باشد حدّ ساقط نمی‌شود.

س ۹۴: در تحویل دادن جسد زوجه آیا زوج مقدم است یا پدر و مادر وی؟

ج: زوج مقدم است بر پدر و مادر.

س ۹۵: آیا در فروض ذیل قصاص به دیه تبدیل می‌شود؟:

الف) هرگاه قاتل پس از تسلیم خود به اولیای دم، به مرگ طبیعی از دنیا برود.

ب) هرگاه قاتل توسط شخص دیگری غیر از اولیای دم به قتل برسد.

ج) هرگاه قاتل با خود کشی و مانند آن، به سوء فعل خود، زمینه قصاص را از بین برده و خود را معدوم نماید.

د) آیا در فروض فوق فرقی بین قتل و جنایت کمتر از قتل وجود دارد؟

ج: در تمام فروض فوق قصاص تبدیل به دیه می شود چون لایسّلم دم امرء مسلم تمام مواردیکه  
اقتصاص تعذر داشته باشد در قتل عمد و هم چنین موارد قتل خطای و قتل شیهه عمد را شامل است.  
البته فروض فوق جنایت کمتر از قتل را شامل نیست.

**س ۹۷:** گاهی خلبان هوا پیما، راننده اتوبوس، لکوموتیوران و... به دلیل نقص وسیله نقلیه و مانند آن خود را در وضعیتی می بیند که ناچار است برای حفظ جان مسافران، عملی انجام دهد که خود این عمل موجب تلف یا صدمه بدنی به افراد داخل یا خارج از وسیله نقلیه می گردد. به عنوان مثال هرگاه در اثر نقص فنی ایجاد شده در وسیله نقلیه، ترمز اتوبوسی از کار بیفتد و راننده مجبور باشد برای جلوگیری از سقوط به دره و برای نجات جان ۳۵ مسافر، اتوبوس را به کوه یا کامیون رو بروی بکوبد، با فرض اینکه تنها راه دفع خطر از مسافران انجام عمل مزبور باشد، و صدمات ناشی از

انجام عمل مزبور به مراتب کمتر از عدم انجام آن باشد، مستدعی است بفرمایید؛

۱- خلبان یا راننده ضامن دیه افراد آسیب دیده - اعم از افراد داخل یا خارج وسیله نقلیه - می باشد؟

۲- در صورتی که خلبان و راننده، مسئولیتی نداشته باشند، آیا از بیت المال می توان دیه مصدومین را پرداخت کرد؟

۳- آیا در فرض فوق، بین صورتی که قرار گرفتن در وضعیت اضطراری ناشی از قصور و تقصیر خلبان یا راننده باشد، با صورتی که وضعیت اضطراری بصورت کاملاً اتفاقی بوجود آمده باشد (مثل اینکه علیرغم کنترل کامل وسیله نقلیه قبل از حرکت، ناگهان در حین حرکت وسیله دچار نقص فنی شود) و جود دارد یا خیر؟

ج: در فرض اول راننده یا خلبان ضامن دیه است. چون قتل خطائی است که البته دیه را

باید عاقله بدو در صورت عدم قدرت عاقله از مال قاتل داده می شود و اگر قاتل هم قدرت

نداشته باشد از بیت المال داده می شود.

و بین قصور و تقصیر معلوم است که فرق است که قتل عن تقصیر قتل شیهه عمد و قتل

قصوری قتل خطا است.



## احکام تعزیر

**س ۱:** آیا شرعاً حبس ابد از مجازات های تعزیری محسوب می شود و حاکم شرع می تواند در برخی از جرایم تعزیری مرتکب را به حبس ابد محکوم کند؟

**ج:** در حبس ابد بعضی موارد منصوص است مانند اساک مقتول توسط کسی که در آن فرض قاتل کشته می شود و ممسک حبس ابد می شود اما در غیر موارد منصوص هم اگر قاضی جامع شرایط صلاح بداند می تواند از موارد منصوص تعدی کند.

**س ۲:** آیا ارتجاعی و ابتدایی بودن در توهین شرط نیست یا خیر؟ بدین معنی که اگر دو نفر به یکدیگر توهین کنند فرد اول که ابتدائاً دیگر را مورد توهین قرار داده مجرم است و تعزیر می شود. آیا نفر دوم که در پاسخ به فرد اول او را مورد توهین قرار داده نیز مجرم و قابل تعزیر است؟

**ج:** ابتدایی بودن در توهین شرط نیست هر دو تا در صورت ثبوت و مطالبه طرفین قابل

## تعزیر است توسط حاکم شرع، و حاکم شرع بتدی را تعزیر بیشتر می‌کند.

**س ۳:** بر اساس نظر مشهور فقهاء هرگاه سارق قبل از شکایت مسروق منه، مال مسروقه را تحت ید مالک قرار دهد و به وی بر گرداند حدّ سرقت ساقط می‌شود، لطفاً بفرمایید: آیا در سرقت های تعزیری، اختلاس، کلاهبرداری و امثال آن نیز این حکم جاری است و تعزیر منتفی می‌شود یا این حکم مختصّ سرقت حدّی است؟

**ج:** در فرض سوال احکام تعزیری در اختیار حاکم شرعی است اگر حاکم صلاح بداند

می‌تواند تعزیر کند.

**س ۴:** در تفخیز که حدّش صد ضربه شلاق است نفس قرار دادن آلت بین الیّین کفایت می‌کند یا مالیدن آلت علاوه بر آن شرط است.

**ج:** اطلاق ادله هر دو را شامل می‌شود.

## احکام قذف

**س ۱:** هرگاه کسی دو بار مرتکب قذف شود و بعد از هر بار حد قذف بر او جاری شود، در مرتبه سوم یا چهارم (با توجه به اختلاف در مبانی) حدوی قتل است، یا نه؟

الف) آیا حد قتل حق الناس است و با گذشت مقذوف ساقط می شود؟

**ج:** بلی حق الناس است و با گذشت مقذوف حد قذف ساقط می شود مگر اینک در نزد

قاضی مرافعه شود بعد از ثبوت توسط اقرار وینه در این صورت حد قذف با گذشت مقذوف ساقط

نمی شود.

ب) با فرض آنکه حد قذف یا سرقت در مرتبه سوم یا چهارم حق الله بوده و قابل گذشت نباشد، آیا رسیدگی و صدور حکم، به شکایت شاکی خصوصی (مقذوف یا مسروق منه) نیاز دارد؟

**ج:** سرقت دو جنبه دارد (مشترک است) هم حق الله است و هم حق الناس است اگر

قبل از شکایت دزد قاضی سارق را عفو کند حد سرقت در مورد سارق جاری نمی شود و اگر دزد قاضی سرقت ثابت شد حد سرقت با عفو مسروق منه ساقط نمی شود. و اگر سرقت به اقرار و یا یتیه ثابت شود اجراء حد نیاز به مطالبه اجراء حد توسط مسروق منه ندارد.

**س ۲:** آیا در شهادت به جرائم موجب حد مانند لواط، قذف و سرقت، دیدن (در مثل سرقت و لواط) و یا دیدن و شنیدن (در مثل قذف) شرط است، یا مجرد علم حاصل از تواتر یا سماع و امثال آن کافی است، و چنین شهادتی معتبر است؟

**ج:** در شهادت به موارد فوق در مقام مرافعه دیدن و یا شنیدن شرط است.

**س ۳:** آیا همانگونه که شاهد در زنا باید صریحاً چگونگی زنا را شهادت دهد که - مثلاً - «کالمیل فی المکحله» بوده است، بفرماید؛

الف) آیا در تفخیز نیز باید جزئیات را بیان کند؟

ب) آیا در مساحقه نیز باید جزئیات را بیان کند؟

**ج ۲۱:** در مقام مرافعه و منازعه شهادت به لواط و تفخیز و مساحقه عن حسن و یا اقرب به حسن

باشد.

## احکام عزاداری

**س ۱:** مراسم عزاداری امام حسین (ع) را در افغانستان چه گونه ارزیابی می کنید؟

**ج:** مراسم عزاداری باید به طور شایسته برگزار شود به گونه ای که موجب وهن مذہب نگردد.

**س ۲:** کسی که زمین خود را در افغانستان گرو داده و خودش در ایران زندگی می کند. اهالی قریه در افغانستان حسینیه ای ساخته اند و هزینه آن را بر زمین قرار داده اند، هزینه حسینیه بر عهده مستأجر است یا صاحب زمین؟

**ج:** هزینه حسینیه بر عهده صاحب زمین است نه مستأجر اما کسی نمی تواند صاحب زمین را

مجبور کند که بدون رضایت خود هزینه حسینیه را پرداخت کند.

**س ۳:** آیا زنجیر زدن، سینه زدن و سیلی زدن به بهانه عزاداری امام حسین به گونه ای که موجب زخم شود جایز است؟

ج: اگر موجب ضرر جانی یا دهن مذہب شیعه نشود اشکالی ندارد.

س ۴: آیا استفاده از سنج، دهل و شیپور در مراسم عزاداری جایز است؟

ج: چون از قدیم بوده و سیره بر این جاری است، اشکالی ندارد.

س ۵: عزاداری که در برابر مزار امامان معصوم ث خود را به خاک میاندازند و خود را به خاک می مالند به گونه ای که موجب خراشیده شدن و خون ریزی می شود با همان حال وارد حرم می شوند، چه حکمی دارند؟

ج: رفتاری که موجب دهن مذہب می شود جایز نیست. بامدن خون آلوده حرم رفتن و

نجس کردن حرم حرام است.

س ۶: آیا به کار بردن عناوینی مانند سگ حسین (ع) غلام سیاه و... در عزاداری ها جایز است؟

ج: این تعابیر چون کمال احترام را می رساند اشکالی ندارد.

س ۷: آیا قمه زنی و زنجیر زنی تیغی به گونه ای که خون جاری شود جایز است؟

ج: اگر ضرر قابل اعتبار قمه زن و زنجیر زن وارد نشود و حضور دشمنان اهل البیت ط

و موجب وهن مذهب حقّه حضرتى انجام نشود، اشکالی ندارد.

س ۸: کربلا رفتن از راه قاچاق چه حکمى دارد؟

ج: اگر احتمال خطر و ضررى که معمولاً قابل تحمل نیست وجود داشته باشد و چنین شرایطى

جایز نیست.

س ۹: چوب درازى که بر یک سر آن پنجه اى مانند دست نصب مى شود و آن را با پارچه هاى رنگارنگ مى پوشانند و عَلم حضرت ابالفَضل (ع) مى نامند مى بوسند، زیارت مى کنند و در پای آن گریه مى کنند و حاجت خود را میخواهند. آیا این کار صحیح است و حکم شرعى آن چیست؟

ج: چون همه این کارها را به یاد علم حضرت ابالفَضل (ع) انجام مى دهند اشکالی ندارد.

س ۱۰: نوحه خوانى و مرثیه سرایی زنان، که مستلزم رسیدن صدای آنها به نامحرم باشد، چه حکمى دارد؟

ج: در این صورت از بلند خواندن خودداری شود تا مردان نامحرم صدای آنها را نشنوند.

س ۱۱: آیا آنچه در عزای ائمه طاهرين ث خاصّه ابا عبدالله الحسین (ع) مصرف مى شود مى باید مخمس شده باشد؟

ج: در فرض سؤال اگر انسان آن پول که مصرف عزای ائمه ث مى شود سال بر او

گذشته باشد خمس آن پول واجب است.

س ۱۳: آیا ضرورت دارد با اینکه پوشیدن سیاه مکروه است و در عزای

ائمه ط پوشند؟

ج: پوشیدن لباس سیاه در عزای ائمه ط چون سیره بر این جاری شده است کراهتی ندارد

انشاء الله.



## احکام رقص و موسیقی

**س ۱:** در برخی مناطق گاهی چوپان‌ها در کوه یا برخی افراد در خانه هایشان در عروسی‌ها تار و تنبور می‌نوازند، دف می‌زنند و همراه با آن ابیاتی را می‌خوانند که هیجان‌آور نیست اما یک نوع احساس شادی یا غمگینی به شنونده دست می‌دهد این مسأله چه حکمی دارد؟

**ج:** جایز نیست.

**س ۲:** ملاک در حرمت ساز، آواز و موسیقی چیست؟

**ج:** انسان را به وجد آورد، مناسب مجالس لهو و لعب باشد و باعث سبکی انسان است.

**س ۳:** آن گونه که غنا در کتب فقهی تعریف شده است خیلی از تلاوت‌ها و قرائت‌های قرآن و روضه‌خانی‌ها، غنا به شمار می‌آید؟

**ج:** از خواندن قرآن و روضه به صورت غنا خودداری شود.

**س ۴:** آیا هر موسیقی حرام است یا حد و مرزی دارد؟

ج: به طور کلی هر آوازی که مطرب باشد و در انسان ایجاد طرب میکند، شنیدن، یاد دادن و یاد گرفتن آن حرام است.

س ۵: دیدن فیلم های هندی و... که زنان بازیگر را عریان و تنها با یک شورت نشان می دهد چه حکمی دارد؟

ج: اگر مهیج باشد و یا از سر شوت و التذاذ نگاه شود حرام است.

س ۶: آیا رقصیدن و شنیدن موسیقی در شب و روز عروسی استثنا شده است؟

ج: رقصیدن و شنیدن موسیقی در شب و روز عروسی هم حرام است مگر رقص زن برای شوهر و شوهر برای زن.

س ۷: آواز خواندن کسی که آواز خوان نیست در شب عروسی به طور عادی آواز بخواند جایز است؟

ج: اگر مطرب، کذب و غنا نباشد اشکال ندارد.

س ۸: در مراسم عروسی که رقص و موسیقی اجرا می شود از روحانی برای خواندن عقد و دعا دعوت می کنند، اگر روحانی نرود، عقد خوانده نمی شود و متولیان مراسم عروسی از او ناراحت می شود و اگر برود مجلس، مجلس رقص و موسیقی و ساز است وظیفه روحانی چیست؟

ج: شرکت خود را مشروط به حفظ شئون و شعایر اسلامی بکنند، اگر پذیرفتند برود و اگر نپذیرفت نرود. رضای خالق را بر خشم مخلوق ترجیح بدهند.

س ۹: اگر در زمان حضور روحانی در مراسم، رقص و موسیقی را قطع کنند شرکت در مراسم برای خواندن عقد و دعا جایز است؟

ج: در این صورت اشکال ندارد ولی باید آنها را از آن منکرات منع و نهی کند.

س ۱۰: مراسم اعیاد، یادواره‌ها و عروسی‌هایی که همراه با سرود و گیتار برگزار می‌شود، برگزار کنندگان، نوازندگان و شرکت کنندگان در مراسم چه حکمی دارند؟

ج: اگر موسیقی مثل برغنا باشد بر شوخه، نوازنده و برگزارکننده حرام است.

س ۱۱: کدام نوع موسیقی حرام است؟ آیا موسیقی با آهنگ و شعرهای انقلابی فرق دارد یا نه؟

ج: موسیقی‌های مثل برغنا حرام است و آن آواز خوانی که مناسب با مجالس لهو و لعب

و آدم‌های بی‌بند و بار و لالایی‌ها است.

س ۱۲: خواننده‌ای است و انگیزه غناء دارد، لیکن در شنونده هیچگونه تأثیر نداشته و یا بالعکس از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج: اگر عرفاً صدق غناء کند خواندن و شنیدن آن شرعاً حرام است ولو در شنونده تأثیری

نداشته باشد.

س ۱۳: زنی یا مردی که به خاطر خواندن نوع غناء و موسیقی مجاز در عروسیها مزدی در یافت می کند، چه حکمی دارد؟

ج: اجرت گرفتن در مقابل صداهای که شرعاً مجاز است اشکال ندارد. اما باید شرع

غنائی مجاز نداریم و اجرت گرفتن و اجرت دادن در برابر غناء حرام است.

س ۱۴: با توجه به حجم روز افزون پخش موسیقی مبتذل غربی و... از شبکه های رادیویی و ماهواره ای در کشورهای اسلامی خصوصاً در افغانستان بنا بر این، صاحبان هتل ها، رستوران ها، مسافر خانه ها و... برای جذب و کشاندن مشتری از موسیقی مبتذل استفاده می نمایند و از این راه پولی که به دست می آورند، چه حکمی دارد؟

ج: عوانده دست آوردن از این طریق غیر مشروع و حرام است.

س ۱۵: حکم زدن دایره، طشت و دایره زنگی در عروسی چیست؟

ج: آنچه استنشاء شده غناء زنهاست در عروسی بابت شرطی که چیز حرامی با آنها همراه نکرده و

دایره و طشت هم اشکال ندارد.

س ۱۶: آنگونه که در روایات آمده، غناء در عروسی ها، از نظر شرع اشکال ندارد مشخصاً این غناء چیست؟

ج: در سوال قبلی (۱۵) جواب داده شد که غناء فقط برای زنها تجویز شده آنهم به شرطی که با حرام های دیگر همراه نشود و صدای زن را مرد اجنبی نشود.

س ۱۷: گوش کردن به صدای زن، از طریق نوار ضبط صوت و یا فیلم و... چه حکم دارد؟

ج: اگر به قصد لذت بردن نباشد مجرّد شنیدن صدا اگر غناء نباشد اشکال ندارد.

س ۱۸: اجرای کنسرت خوانندگان زن در جمع زنان، یا در جمع مردان و زنان، چه حکم دارد؟

ج: جایز نیست.

س ۱۹: آیا در اصطلاح فقهی، موسیقی مترادف با غناء است، یا بایکدیگر تفاوت دارند؟

ج: بعضی از موسیقی با مصداق غناء نمی باشد هر که درام مناسب مجالس لعب و لهو باشد

حرام است و آنچه چنین نباشد حرام نیست مانند سرودهای مذهبی که موسیقی، سنت ولی غناء نیست.

**س ۲۰:** حکم موسیقی (صدا های ساز) بدون کلام چیست؟

**ج:** اگر مصداق غناء باشد گوش دادن به آنها حرام است.

**س ۲۱:** استفاده از موسیقی، برای تعلیم شرعیات برای جوانان و نو جوانان و یا غیر آنان که به چگونگی اجراء احکام و دستورات الهی آشنا شود، چه حکم دارد؟

**ج:** اگر مصداق غناء باشد حرام است و معنای غناء در جواب سؤالی قبلی معلوم شد که مناسب مجالس لهو و اهل فن و فحور است و موسیقی های که از رادیو های که لهو را پخش می کنند استماع آنها حرام است.

**س ۲۲:** کسانی که ماهواره دارد شواهد و قرائن فراوان دلالت دارند که مسائل شرعی را رعایت نمی کنند موسیقی و فیلم ها مبتذل را می شنوند و می بینند، بنا بر این، از نظر رفت و آمد و معاشرت به چنین اشخاصی چه حکمی دارد؟

**ج:** اگر برای صلح رحم و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر باشد معاشرت اشکال ندارد.

**س ۲۳:** ملاک فقهی حرام بودن موسیقی چیست؟

**ج:** چون مصداق لهو و لعب است.

**س ۲۴:** حکم ساخت، تعلیم، نقل و انتقال، واردات و صادرات و

تشکیل نمایشگاه و کلوپ های فروش آلات موسیقی چیست؟

ج: همه مذکور است حرام است چون ترویج باطل است اگر لهوی باشد. اما اگر آلات

غناء بر آنها صدق نکند اشکال ندارد.

س ۲۵: با توجه به اینکه موسیقی عنوان وسیع تر نسبت به غناء دارد

موضوع حرمت موسیقی است، یا غناء؟

ج: موضوع حرمت مصداق غناء است.

س ۲۶: آیا صحیح است غناء را حلال بدانیم و شعبه ای از آن را، که

مشخصات خاصی دارد، حرام بدانیم؟

ج: غناء رایج کسی از فقهاء شیعه حلال ندانسته اند.

س ۲۷: برخی از کار شناسان، مقوله هنر و غناء در قالب و محتوا

(صوت و کلام) مشترکاً غناء می دانند، نظر حضرتعالی در این خصوص

چیست؟

ج: بر هر صوتی که عرفاً غناء صدق کند حرام است.

س ۲۸: آیا شنیدن موسیقی و یا غناء، به قصد تفریح، تفنّن گزارانیدن

اوقات فراغت اشکال دارد؟

ج: گوش دادن به غناء مطلقاً حرام است به هر قصدی باشد فرق نمی کند.

**س ۲۹:** آیا حرمت غناء، در صدر اسلام تأسیسی بوده است یا چون در عصر جاهلیت و پیش و پس از آن، از غناء در جهت طرب انگیزی و خوش گذرانی و تهییج شهوات استفاده می‌کرده‌اند، دین مقدس اسلام آن را تحریم فرمودند؟

### ج: حرمت غناء در قرآن آمده است علتش هر چه هست، هست.

**س ۳۰:** در روستاها بیشتر آهنگهای محلی مانند (دوتار، سه تار، غچک، نی، دمبگ، دف، و...) هر قوم و قبایل در اعیاد و مراسم به عنوان فرهنگ خودشان (بدون کلام) اجرا می‌نمایند، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

**ج:** از چنین کارها خودداری کنید به طور کلی هر آوازی که مطرب باشد از اجرا و گوش دادن

### به آن خودداری کنید.

**س ۳۱:** نظر به اینکه مراد از مجلس عروسی در روایات، بیشتر به مجالسی اطلاق می‌شود که مومنان در آن گردهم آمده‌اند. اگر در آن مجلس یک عده بی بند بار شروع به رقصیدن نمایند که در عرف دور از شأن مومنان باشد، چه حکمی دارد؟

### ج: از مطلق رقص خودداری شود.

**س ۳۲:** بیشتر وقتها در عروسیها به پخش نوارهای موسیقی (مبتذل) می‌پردازند انسان آگاه و یا نا آگاه آنها می‌شنوند چه حکمی دارند؟



ج: گوش دادن به موسیقی های مبتذل شرعاً حرام است، در صورت شک اشکال ندارد.

س ۳۴: استفاده از موسیقی غربی که اصلاً طرب انگیز هم نیست، مفسدهای در بر نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج: اگر عرفاً صدق غناء کند گوش دادن به آن جواز ندارد. اما اگر صدق غناء نکنند مانند

سرودهای ملی، مثلاً، حرام نیست.

س ۳۵: با توجه به حجم روز افزون پخش موسیقی مبتذل غربی و... از شبکه ها رادیویی و ماهواره ای و... در کشورهای اسلامی گوش دادن و نگاه کردن آنها چه حکمی دارد؟

ج: جواز ندارد.

س ۳۶: تکثیر و توزیع آهنگهای مبتذل و عوایدی که از این رهگذر به دست می آید، حلال است یا حرام؟

ج: تکثیر و توزیع و عواید آن حرام است و جواز ندارد.

## احکام جهانگرد (سیاحت)

**س ۱:** مسافرت زنی که شوهر ندارد به کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در صورتی که راه‌ها امنیت نداشته باشد و محرمی هم او را همراهی نکند جایز است؟

**ج:** مسافرت زن بی‌نفسه اشکال ندارد. اما اگر سبب فساد اخلاقی او بشود جایز نیست.

**س ۲:** مسافرت زن به کشورهای اسلامی و غیر اسلامی بدون اجازه شوهر به گونه‌ای که موجب ضایع شدن حقوق شوهر نشود (مثلاً شوهر در زندان به سر می‌برد) چه حکمی دارد؟

**ج:** جایز نیست.

**س ۳:** ذبیحه غیر مسلمانان برای مسلمانان چه حکمی دارد؟

**ج:** هم حرام است و هم نجس.

**س ۴:** آیا جهانگرد مسلمان می‌تواند با زن غیر مسلمان ازدواج کند؟

ج: ازدواج موقت مسلمان با زنان اهل کتاب اشکالی ندارد.

س ۵: بدن افراد غیر مسلمان نجس است یا پاک؟

ج: نجس است.

س ۶: ورود جهانگردان غیر مسلمان به اماکن مقدس مسلمانان مانند

مساجد و برای بازدید چه حکمی دارد؟

ج: جایز نیست.

س ۷: فروش یا هدیه قرآن به جهانگردان نا مسلمان چه حکمی دارد؟

ج: جایز نیست.

س ۸: اجیر شدن مسلمان برای جهانگردان نا مسلمان چه حکمی دارد؟

ج: جایز است.

س ۹: آیا جهانگردان غیر مسلمان در کشور اسلامی اجازه دارند که

مشروبات الکلی، گوشت خوک و.... بدون تظاهر، در مجالس خصوصی خود مصرف کنند، اگر مجازند آیا افراد مسلمان می توانند این قبیل اجناس را به آنها بفروشند؟

ج: خرید و فروش اقلام یادشده برای هیچ کسی جایز نیست.

س ۱۰: اصولاً آزادی ورود جهانگردان غیر مسلمان به کشورهای

اسلامی از نظر فقهی چگونه است؟

**ج: تا وقتی که بر ضد اسلام و مسلمانان توطئه نکنند آزادند.**

**س ۱۱:** آیا می‌توان بر جهانگردان غیر مسلمان احکام اهل ذمه را تطبیق کرد، در صورت عدم امکان تطبیق، کدام عنوان فقهی بر آنان تطبیق می‌شود و آن‌ها چه اختیارات و محدودیت‌هایی در کشور اسلامی دارند؟

**ج: در مساجد و اماکن مبرکه وارد نشوند و بر ضد اسلام تبلیغ نکنند.**

**س ۱۲:** نگاه کردن به زنان غیر مسلمان بدون پوشش اسلامی چه حکمی دارد و در صورت جواز محدوده آن را بیان کنید.

**ج: غیر از عورتین، اگر با قصد لذت و ربه نباشد اشکالی ندارد.**

**س ۱۳:** آیا زنان جهانگرد نامسلمان، بدون پوشش اسلامی، در جامعه اسلامی، می‌توانند رفت و آمد کنند؟

**ج: در صورتی که موجب فساد نشود، جلوگیری از آن با واجب نیست.**

**س ۱۴:** دست دادن مردان و زنان مسلمان با زنان و مردان نامسلمان جایز است؟

**ج: جایز نیست.**

**س ۱۵:** شرکت کردن مسلمان در مجالس غیر مسلمانان که مشروبات

الکلی در آن صرف می‌شود چه حکمی دارد؟

**ج:** غذا خوردن بر سفره‌ای که مشروبات الکلی صرف شود حرام است اگر چه خودش

نوشد.

**س ۱۶:** آیا مسلمان می‌تواند آن دسته از اموال غیر مسمانان را که در نزد مسلمانان مالیت ندارد مانند شراب و گوشت خوک تلف کند؟

**ج:** اگر شراب و گوشت خوک باشد می‌تواند تلف کند.

**س ۱۷:** نظر به حکم مراجع عالی مباشرت با ادیان غیر از اسلام جایز نمی‌باشد. تعداد از محصلین افغانستانی در کشور هندوستان به تحصیل اشتغال دارند با وجود مشکلات فراوان و دسترسی نداشتن با مسلمین مجبور به صرف غذای آنها می‌باشند از نظر شرعی حکم چگونه می‌باشد؟

**ج:** زینچه‌های غیر مسلمان محکوم به حرمت و نجاست است و غذاهای که با رطوبت بآب بدن کفارتاس پیدا می‌کند نجس است مگر اینکه قابل تطهیر باشد که با تطهیر پاک می‌شود و اگر غیر گوشت سایر غذاها توسط دستگاه تهیه شود و بآب بدن کفارتاس پیدا نکند پاک است.

**س ۱۸:** نظر به حکم یکی از علمای سنی مذهب که فارغ التحصیل کشور عربستان سعودی می‌باشد و ملاً امام همان محیط و در جمع محصلین می‌باشد، برای محصلین صرف غذا اشکال ندارد؛ زیرا پیامبر اکرم (ص)

خود در وقت عیادت از همسایه گانش با وجودی کافر بودنش غذای آن را صرف می کرد. حکم حضرتعالی چیست؟

ج: حکم آن آقا از نظر امامیه تمام نیست و آنچه را به پیامبر اسلام نسبت داده است ثابت نیست.

س ۱۹: فی مطاعم الواجبات فی بلادنا و البلاد الغربية توجد واجبات بها سمک (سمک فیلیه) هل يجوز تناوله من دون احراز انه من انواع الأسماك التي بها قشر او فلس؟

ج: لایجوز اکل السمک الذی لیس به فلس.

س ۱۸: فی بلاد الکفار اذا لقیتم مبلغاً من المال او شیئاً آخر سواء کان ثمیناً ام لا، هل يجوز لی اخذه؟

ج: یجوز أخذه.

س ۱۹: فی المرافق الغربية تخلو المحمامات من الماء اللازم لطهارة الملابس و بالتالی صحة الصلّاة؟

ج: اذا کان الملابس نجساً یجب تطهيره بأی نحوکان و الأ تطبل الصلاة فیه.

س ۲۰: هل هناك طريقة غیر استعمال الماء اضمن فیه طهارة ملابسی؟

ج: لا طریق للتطهير بغير الماء.

س ۲۱: فی حالة فرضیة تنجس ملابسی و بسبب عدم استطاعتی تبديل الملابس لاننی مرتبط بالدرس هل يجوز لی الصلاة اداء بالثیاب النجسة ام افضیها بعد ذلك بثیاب طاهرة؟

ج: یجب الصلاة عارياً مع ستر العورتین بشئ طاهر.

س ۲۲: طبق ىحتوى على طعام اضافة الى لحم غير مذكى. ما حكم تناول ذلك الطعام دون اللحم مع العلم انهم فى طبق واحد و قد يكون حصل تلامس بينهم؟

ج: لايجوز اكل الطعام من مطاعم غير الاسلامية للنجاسة بلحم الخنزير و الميتة.

س ۲۳: سافرت لبلد و سألت عن القبلة لكن لا احد يعرف بالضبط. ففى اى اتجاه اصلى حينئذ؟

ج: صل الى اربع جهات.

س ۲۴: قال لى احدهم انه اذا كنت تعيش فى بلد غير اسلامى فانه يجوز الأكل فى مطاعم اهل الكتاب فاليهود ذبيحتهم مذكاة... ماصحة ذلك؟

ج: هذا لكلام باطل لأن من شرائط حل الذبيحة ان يكون الذابح مسلماً.

س ۲۵: فى بعض الدول غير الاسلامية يهين بعض الدول الاسلامية مأدبة عشاء فى احد الفنادق غير الاسلامية باسم الدولة المسلمة:

الف) هل يجوز الأكل دون السؤال اذا كان اللحم حلالاً ام لا؟

ان لم تعلم أنه طبخ فى مطاعم الكفار يجوز اكله.

ب) يوجد طاولة عليها مشروبات اضافة للمسكر فهل يجوز اخذ المشرب الحلال منها وشربه؟

ج: اذا لم يكن المشروب الحلال متنجساً يجوز شربه.

س ۲۶: هل يجوز الزواج من الكافرة غير الكتابية زواجاً مؤقتاً اذا تشهدت الشهادتين و ان لم تؤمن بها قلباً؟

ج: اذا تشهدت بالشهادتين تجرى عليها احكام الاسلام.

س ۲۷: هل يجوز الأخذ بأوقات الصلاة التى يعتمدها اخواننا السنة فى

البلد غير الاسلامي؟ و مالفرق بيننا و بينهم فى التوقيت؟

ج: الفرق أنهم يأذنون لصلاة المغرب قبل دخول الوقت عندنا.

س ٢٨: فى البلاد غير الاسلامية اذا كان مكتوب على المطعم انه مطعم اسلامى هل يعطى جوازاً بالأكل فيه دون السؤال؟

ج: اذا كان مالك المطعم مسلماً يجوز الأكل.

س ٢٩: دعانى صديق غير مسلم فى بلد غير اسلامى على عزومة طعام، فهل يجوز قبولها؟ و ماهى اصناف الطعام التى لايجوز أكلها؟

ج: لايجوز الأكل من الطعام الذى اعدده غير مسلم مطلقاً.

س ٣٠: اثناء الوضوء هل المسح على الرأس الرطب او المبلل يبطل الوضوء.

ج: لايجوز المسح على المبلل.

س ٣١: فى اثناء الوضوء لمست مقبض الحنفية المبلل قبل مسح الرجلين. ما حكم الوضوء؟

ج: اذا كان فى اليد بلل غير ماء الوضوء لايجوز المسح.

س ٣٢: كنت قد نذرت انه عند حصولى على منحة دراسية و ممولة ان اصدق بنصف المبلغ الذى ادخرته سابقاً و حصل ذلك الا ان المخصص المالى الذى يعطونى اياه لايسد غلاء المعيشة فاضطر الى الأخذ من مالى الخاص المدخر. هل يسقط النذر فى هذه الحالة ام لا؟

ج: لايسقط النذر اذا سمى اسم الله عليه عنده و ان لم يسم اسم الله لايجب الوفاء.

س ٣٣: ما حكم التبول وقوفاً، و ماهى عواقب و نتائج ذلك استناداً الى احاديث الرسول و اهل بيته الكرام، و هل يورث ذلك امراضاً؟

ج: جاء فى الحديث كراهة ذلك و لم يذكر علته.



س ۳۴: هل يجوز السجود على الأشياء التالية؟:

الف) ورق الكلینس

ب) ورق الكارتون المقوى المتواجد بكثرة

ج: الحصیر المخاط بخيوط ملوثة تستخدم فی اللباس

ج: يجوز السجود على انواع القرطاس و الكارتون و الحصیر.

**س ۳۵:** کسانی که در کشور های اروپایی درس می خوانند و بورس

تحصیلی دارند، وظیفه شان نسبت به خوراک و نماز و روزه چیست؟

ج: درس خواندن مانعی ندارد ولی از غذا و زینجه آن پارسینر شود. نماز و روزه واجب است

باید انجام داده شود و سایر شئونات اسلامی را رعایت کنند.

## كُفَّار

س ۱: آیا كُفَّار اهل كتاب (يهودى، مسيحى، مجوس) پاكند يا نجس؟

ج: بنا بر احتياط واجب نجس هستند.

س ۲: آیا كُفَّار غير اهل كتاب پاكند يا نجس؟

ج: نجس هستند.

س ۳: صابئين چه گروهى و حكم آنان چيست؟

ج: پيروان حضرت يحيى را صابئين مى گويند. اعمال شان از يهود و مسيحيت گرفته شده

است.

س ۴: منظور از نجس بودن كفار، نجاست عينى آنان است يا نجاست

عرضى؟

ج: كفار نجس العين هستند.

**س ۵:** منظور از حلال بودن طعام کفار در قرآن کریم چیست آیا همه غذای آنان اعم از حبوب و غیر حبوب، غذاها خشک و تر آنان پاک و حلال است یا نیم خورده آنان پاک و حلال است؟

**ج:** حبوب خشک مانند گندم، نخود، لوبیا، سویا و مانند آن پاک و حلال است.

**س ۶:** هم غذا شدن با کفار چه حکمی دارد؟

**ج:** جایز نیست.

**س ۷:** آیا ازدواج مردان و زنان مسلمان با زنان و مردان کفار جایز است؟

**ج:** ازدواج موقت با زنان یهودی و مسیحی اشکالی ندارد.

**س ۸:** آیا ورود کفار (کتابی و غیر کتابی) به مسجد الحرام و اماکن مقدسه و سایر مساجد جایز است.

**ج:** جایز نیست.

**س ۹:** آیا ناصبی و غلات پاک هستند؟

**ج:** ناصبی و غالی غیر محکوم به اسلام و نجس هستند.

**س ۱۰:** طرح بحث طهارت و نجاست کفار در جوامع امروزی خصوصاً در بین کفار و چگونگی معاشرت با آنان چه قدر ضرورت دارد؟

ج: این بحث با ضرورت ندارد. هر کس تکلیف خود را بداند و عمل کند.

س ۱۱: آیا از نظر عقل نجس یا پاک بودن کفار قابل درک است؟

ج: از نظر عقل قابل درک نیست.

س ۱۲: هر گاه قاتل و مقتول هر دو کافر ذمی باشند آیا بر عهده قاتل، کفاره قتل ثابت می‌شود؟ در صورت مثبت بودن جواب، نظر به این که یکی از مصادیق کفاره، صوم شهرین متتابعین است و از سوی دیگر یکی از شرائط صحت صوم، اسلام است، جمع بین آن دو (مکلف نمودن وی به روزه و شرط صحت صوم) به چه صورت می‌باشد؟

ج: مقدار از ادله مکلف بودن کفار به فروع مانند اصول است و شبهه تکلیف بالایطاق که

در عبادات اسلام و قصد قربت شرط است و از کفار قصد قربت ناشی نمی‌شود. جوابش روشن

است طبق آن قاعده معروف: «الامتناع بالاعتیاد لاینافی الاعتیاد» کفار می‌توانند که اسلام

اعتیاد کنند و با قصد قربت عبادات را انجام دهند. بنابراین بر کفار هم کفاره قتل واجب است.

س ۱۳: آیا خوردن مال کفار به هر نوع جواز شرعی دارد؟ آیا گرفتن از

کفار اشکال ندارد؟

ج: اگر منفده نداشته باشد اشکال ندارد.

## مسائل بانک

**س ۱:** در بانکها یا مؤسسات مالی به نحوی که در حال حاضر در ایران متداول است (درخصوص سپرده گذاری کوتاه مدت یا بلندمدت) نظر حضرتعالی چیست؟

**ج:** در فرض سوال سودی که از بانک می گیرید مجهول المالك و حلت آن ممنوع به

اجازه حاکم شرع است لذا اینجانب به دو شرط اجازه برداشت آن را داده ام:

اول اینکه آن پول را در راه حرام مصرف نکنند.

دوم اینکه اگر سال بر آن گذشت خمس آن را بپردازد.

## احکام کفّاره

**س ۱:** کسی که در روزه ماه مبارک رمضان بدون عذر شرعی افطار کرده اگر بخواهد کفّاره بدهد آیا می‌تواند قیمت آنرا به فقیر بدهد؟

**ج:** در فرض سوال، کفّاره اطعام شصت مسکین یا دادن شصت مد طعام به شصت مسکین است و دادن پول کفایت نمی‌کند.

**س ۲:** اگر فقیر افراد تحت تکفل داشته باشد آیا می‌شود به تعداد این افراد کفّاره یک یا چند روز را بفقیر پرداخت نمود یا فقط کفّاره یک روز را میشود به فقیر داد؟

**ج:** می‌شود به عدد افراد یکدندان خور و واجب التصدق او، مستند به هر یک، هفتصد و پنجاه گرم کندم یا آرد بدهد.

**س ۳:** کفّاره که به فقیر می‌دهد آیا لازم است که فقیر آن را صرف در اکل بکند یا می‌تواند آنرا بفروشد یا هبه کند؟

ج: فقیر بعد از ملک میتواند آن را بفروشد یا به کنده یا بمصرف دیگر غیر از اکل برساند.

س ۴: اطعام مساکین چه گونه است حتماً باید به مسکین طعام داد یا ممکن است گندم یا وجه آن را پرداخت؟

ج: باید به آنها طعام بخورد یا گندم و مانند آن را به آنها بدهد.

س ۵: اگر در یک روز چند مرتبه افطار کرده یک کفارہ کافی است یا کفارہ به عدد افطار تکرار شود؟

ج: اگر افطار به خوردن و آشامیدن باشد و افطار به آب و غذای حرام نباشد یک کفارہ کافی است. اما اگر به جماع باشد باید به عدد جماع کفارہ تکرار شود. هم چنین اگر افطار به استمناء باشد نیز حکم جماع را دارد.

س ۶: کسیکه در اثر جهل کفارہ روزه خود را بجای طعام پول نقد به فقیر داده است آیا کفایت کرده یا نه؟

ج: اگر طرف را وکیل کرده که با آن پول از طرف این شخص طعام بخرد و خودش قبض کند کافی است و اگر وکیل نکرده باید دوباره طعام بپردازد.

س ۷: کسی که در اثر بیماری یا عذر دیگر روزه ماه رمضان را افطار کرده و تا رمضان آینده قدرت روزه گرفتن را ندارد یا دارند ولی مسامحه

می‌کند و باید کفاره بدهد آیا می‌تواند بعد از ماه رمضان کفاره بدهد یا باید صبر کند تا رمضان آینده؟

**ج:** باید صبر کند اگر قدرت برگرفتن روزه پیدا کرد باید روزه بگیرد و اگر نتوانست روزه بگیرد و روزه سال بعد آمد آن وقت کفاره جهت ترک و تاخیر واجب است یعنی اگر روزه اسال را گرفته نتوانست و به سال بعد متصل شد باید کفاره تاخیر یکسال را بدهد.

**س ۸:** شخصی مریضی را دکتر گفته است که روزه برایت ضرر دارد و او هم به حرف دکتر روزه‌اش را افطار کرده است بعد معلوم شده که دکتر اشتباه کرده و روزه برای این شخص ضرری نداشته است حال قضا و کفاره بر او واجب است یا نه؟

**ج:** فقط قضا واجب است و کفاره واجب نیست.

**س ۹:** در کفاره جمع اگر قادر به اداء بعضی از موارد نباشد مانند عتق رقبه و وظیفه چیست؟

**ج:** اطعام مسکین و گرفتن دو ماه روزه کافی است.

**س ۱۰:** اگر خانمی اوّل روز عمدتاً روزه خود را افطار کند و در وسط روز حیض یا نفاس یا مرضی بر او عارض شد آیا کفاره بر او واجب است یا نه؟



**ج:** احتیاط در وجوب کفاره است ولی بعید نیست که کفاره بر او واجب نباشد.

**س ۱۱:** اگر یقین کند که اوّل رمضان است و عمداً افطار کرد بعد معلوم شد که آخر شعبان بوده آیا کفاره بر او واجب است یا نه؟

**ج:** هتأ و کفاره بر او واجب نیست.

**س ۱۲:** شخصی صبی ممیز یا غیر ممیز را امر یا اکراه یا مجبور، به قتل نماید، آیا کفاره قتل بر عهده آمر؛ مکره یا مجبور کننده است یا بر صبی یا بر هیچکدام؟

**ج:** در فرض سؤال کفاره بر هیچکدام واجب نیست.

**س ۱۳:** آیا در قتل عمدی سنّی (عامّه) کفاره جمع واجب می باشد یا یک کفاره؟

**ج:** بنا بر احتیاط کفاره جمع واجب است.

**س ۱۴:** هرگاه قاتل از عمل به خصال کفارات، امتناع ورزد ضمانت اجرای آن چیست؟ آیا حاکم می تواند وی را حبس یا تعزیر نماید؟

**ج:** اگر تعزیر موجب اصلاح و تادیب قاتل شود حاکم شرع می تواند او را تعزیر کند و الاً

تعزیر او جواز ندارد.

**س ۱۵:** هرگاه شخصی خود کشی نماید آیا کفاره قتل بر او واجب

می شود؟

**ج: در فرض سؤال کفاره بر او واجب نیست.**

**س ۱۴:** هرگاه شخصی مهدورالدمی را مثل زانی محصن، سَابِ النَّبِيِّ (ص) و محارب را بکشد، آیا بر کشنده کفاره قتل واجب است؟

**ج: کفاره واجب نیست مگر در صورت اول که بدون اذن امام کشته باشد و اگر با اذن حاکم**

**شرع جامع شرایط کشته باشد کفاره ندارد.**

**س ۱۷:** مراد از مؤمن که در سوره نساء آیه ۹۲ ﴿وَمَنْ كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَمُوتَ﴾ مؤمناً إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةً وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ... { که چند بار تکرار شده است خصوص شیعه است یا اعم از شیعه و سنی؟

**ج: اعم از شیعه و سنی است.**

**س ۱۸:** هرگاه قاتل قصاص شود یا به مرگ طبیعی بمیرد کفاره بر او واجب است؟

**ج: آن مقدار که برایش امکان داشته ساقط نمی شود.**

**س ۱۹:** در صورتی که قاتل پس از انجام قتل، خود کشی کند آیا کفاره قتل ساقط می شود؟

### ج: در فرض سوال کفاره ساقط نمی شود.

**س ۴۰:** در صورتی که شخص قاتل نباشد ولی در اثر فشار زندگی و مانند آن دست به خود کشی (قتل نفس) بزند آیا باید از ترکه او کفاره پرداخت شود؟

### ج: آن شخص بر ورثه واجب نیست.

**س ۴۱:** در مورد قتل عمد یا سایر گناهایی که قصاص حکم می شود آیا کفاره هم پرداخته می شود یا نه؟ یا اگر قصاص صورت گرفت کفاره منتفی می شود؟

### ج: با اجراء قصاص کفاره ساقط نمی شود.

**س ۴۲:** اگر زن حامله نتواند روزه بگیرد باید روز یک مد طعام بدهد اگر تسامحاً و تساهلاً تا رمضان بعدی قضای آن را نگرفت آیا دو کفاره واجب است یا یک کفاره؟

ج: بلی برای هر روز دو تا مد طعام بدهد یکی به عنوان فدیة یکی به عنوان کفاره.

## احکام ربا

**س ۱:** با اینکه ربا حرام است و کسیکه مدیون است و چاره جز گرفتن پول با استفاده از آن ندارد آیا در این صورت دادن ربا و استفاده از آن پول جائز است یا نه؟

**ج:** جائز نیست باید پول را با ضمیمه بخرد تا ربا نشود مثلاً صد هزار افغانی را با یک جانماز به صد و پنجاه هزار تا یکسال بخرد در این صورت هم رفع مشکل میشود هم آن پول حلال میشود.

**س ۲:** آیا بُن کتاب را میتواند به قیمت کمتر خرید و فروش کنند؟

**ج:** اشکال ندارد.

**س ۳:** شخصی منزل را می خواهد اجاره بکند و ماهانه باید یک میلیون و دو صد هزار تومان را برای صاحب خانه بی پردازد. اما شخصی سومی پیدا شده با مستأجر می گوید شما چهل میلیون تومان به من بدهید من اجاره خانه شما را (که مقدار یک میلیون و دو صد هزار تومان) می شود می پردازم. سؤال اصلی اینجاست که آیا فایده چهل میلیون تومان که مبلغ یک میلیون و دو صد هزار تومان در هر ماه می شود ربا نیست و یا اگر ربا

نمی شود حکم شان چیست؟

ج: در فرض سوال چنین معامله براء و حرام است.

## ورزش

**س ۱:** اگر در یک بازی که طرفین بر سر آن شرط بسته اند، بدون نیت شرط بندی در آن مسابقه شرکت نماید، چه حکمی دارد؟

**ج: جاز است.**

**س ۲:** بازی با فوتبال دستی، وسایل و یا دستگاه های (مثل آتاری، میکرو و...) که در خیابان ها و مغازه ها گذاشته اند، شخص هزینه اول آن را می پردازد و پس از بازی و برنده شدن جایزه ای دریافت می کند، آیا این عمل قمار محسوب می شود یا خیر؟

**ج: احوط این است که از آن اجتناب کنند.**

**س ۳:** تماشا، تشویق و یا مساعدت بازیکنان با آلات قمار چه حکمی دارد؟

**ج: جاز نیست.**

**س ۴:** بازی و سرگرمی با بلیارد (بدون برد و باخت) چه حکمی دارد؟

ج: اگر از آلات قمار باشد جائز نیست و الا جائز است.

س ۵: بازی با شطرنج که در عصر حاضر تقریباً از حالت قمار خارج شده و در بیشتر اماکن جهت سرگرمی است (و البته در بعضی از اماکن ممکن است قمار شود) چه حکمی دارد؟

ج: چون نسی با مخصوص دارد باید اجتناب کنند.

س ۶: بازی با آلات قمار با کامپیوتر و مانند آن (یعنی یک طرف انسان و طرف دیگر کامپیوتر و مانند آن باشد) چه حکمی دارد؟

ج: بازی با آلات قمار مطلقاً ممنوع است.

س ۷: ملاک حلال شدن و خروج آلت قمار از آلیت و حالت قمار چیست؟

ج: ملاک خارج شدن از آلت قمار در تمام جهان است.

س ۸: به جنگ انداختن حیوانات با یکدیگر چه حکمی دارد؟

ج: کراهت دارد.

س ۹: ورزش و یا بازی با حیواناتی که منجر به اذیت و آزار آنها بشود، چه حکمی دارد؟

ج: کراهت دارد.

**س ۱۰:** ورزش با حیواناتی که یقیناً منجر به کشته شدن آنها می‌شود (مانند بز کشی با اسب و....) چه حکمی دارد؟

**ج:** چون موجب مهارت در اسب سواری می‌شود دلیل خاص بر جواز آن داریم جائز بلکه

راجح است.

**س ۱۱:** شکار حیوانات برای تفریح چه حکمی دارد؟

**ج:** جائز نیست.

**س ۱۲:** ورزش های خطرناک یعنی ورزش های که بسیار سخت، خشن که غالباً با ضرب و شتم صدمات نا خوشایندی از قبیل جراحت، کبودی، شکستگی و گاهی کشته شدن همراه است، چه حکمی دارد،

**ج:** هر ورزشی که موجب خطر جانی باشد ممنوع است.

**س ۱۳:** ورزش بانوان در محافل عمومی و مردانه چه حکمی دارد؟

**ج:** چون موجب تهیج شهوت جوانان می‌شود جائز نیست.

**س ۱۴:** ورزش با اهداف سوء مانند تکبر، دعوا، تظاهر و مانند آن چه

حکمی دارد؟

**ج:** ورزشی که نتیجه اش تکبر باشد ممنوع است.

**س ۱۵:** شنیدن موسیقی شاد به هنگام ورزش چه حکمی دارد؟



ج: در صورتیکه غنا باشد حرام است.

س ۱۶: معاشرت، دوستی یا همراهی با قمار بازان و انسان های فاسد چه حکمی دارد؟

ج: ممنوع است. مگر اینکه معاشرت برای اصلاح آنها و امر به معروف و نهی از منکر باشد جایز بلکه راجح است و اگر قابل اصلاح باشد معاشرت با آنها واجب می شود.

س ۱۷: استفاده از کراوات و یا استفاده از لباس هایی که تصاویر نامناسب و تبلیغ فرهنگ غرب است، چه حکمی دارد؟

ج: مروجیت دارد ولی حرام نیست.

س ۱۸: شعبده بازی و تردستی چه حکمی دارد؟

ج: برای تماشا و سرگرمی اشکال ندارد.

س ۱۹: لطفاً در نهایت توصیه و یا نکته اخلاقی به ورزشکاران بفرمائید تا در کتاب چاپ شده و مورد استفاده علاقمندان قرار بگیرد.

ج: برادران ورزشکار باید نهایت اهتمام به نماز و خوردن الطعمه حلال داشته باشند سفرهای ورزشی به هیچ وجه نباید موجب ترک نماز و اکل حرام شود و اگر بدانند در این سفر نمازشان ترک

می‌شود و یا بتلی به اکل حرام می‌شوند آن سفر را ترک کنند.

س ۲۰: ورزش و یا مسابقه زنان و مردان نا محرم به صورت مشترک چه حکمی دارد؟

ج: جائز نیست.

س ۲۱: موتور سواری و دوچرخه سواری بانوان در معابر عمومی چه حکمی دارد؟

ج: در صورتیکه حجاب اسلامی را رعایت کنند و موجب تهیج شهوت جوانان نباشد جائز

است.

س ۲۲: دست دادن مردان و زنان نامحرم با دستکش چه حکمی دارد؟

ج: در صورتیکه موجب شهوت نباشد جائز است.

س ۲۳: تماشای مسابقات و یا ورزش زنان مسلمان به طور مستقیم و یا از طریق تلویزیون چه حکمی دارد؟

ج: اگر موجب تهیج شهوت نباشد حرام است.

س ۲۴: تهیه تمام و یا بخشی از جایزه با پول خود بازیکنان چه حکمی دارد؟

**ج: در صورتیکه خود مسابقه شروع باشد پول دادن هم مشروع است.**

**س ۲۵:** استفاده از قرص های انرژی زا، دوپینگ و مانند آن در ورزش و یا مسابقات چه حکمی دارد؟

**ج: شرعاً مانعی ندارد.**

**س ۲۶:** در بعضی از شهرها و یا کشورها غذاهای غیر اسلامی و شاید هم حرام داده می شود، مسافرت برای مسابقات ورزشی به چنین شهر یا کشورهایی چه حکمی دارد؟

**ج: اگر موجب اکل حرام شود جایز نیست.**

**س ۲۷:** نماز و عبادت ورزشکاران در بعضی از سفرهای خارجی به دلیل موقعیت کشور یا شرایط ورزش یا مسابقه، ممکن است ترک و یا سهل انگاری شود، آیا چنین مسافرتی جایز است؟

**ج: جایز نیست.**

**س ۲۸:** ورزش در مساجد خصوصاً در زیر زمین آن چه حکمی دارد؟

**ج: در صورتیکه مزاحمت با نمازگزاران نداشته باشد جایز است.**

**س ۲۹:** افراط و اتلاف وقت در ورزش تا حدی که مسائل جدی زندگی را تحت الشعاع قرار دهد، چه حکمی دارد؟

**ج: در صورتیکه منجر به ارتکاب حرام و ترک واجب نشود جایز است.**

**س ۳۰:** بازی هایی که هیچ گونه فایده ای ندارد و بیهوده و بی ثمر بوده و صرفاً سرگرمی محسوب می شوند، چه حکمی دارد؟

**ج: از بازیهای که وقت انسان را تلف می کند خودداری شود.**

**س ۳۱:** دیه و ضمانت وارده در جراحات و صدمات ورزشی به عهده کیست؟

**ج: دیه و ضمانت به عهده جراح و صدمه زننده است.**

**س ۳۲:** شرط بندی در چه مسابقاتی بلا مانع است؟

**ج: هر مسابقه‌ای که کمک در جهاد با کفار کند مسابقه با شرط جایز است.**

**س ۳۳:** آیا جواز شرط بندی در خصوص اسب سواری، شامل حیواناتی مانند قاطر و الاغ و مشابه آن نیز می شود؟

**ج: بلی شامل قاطر می شود.**

**س ۳۴:** شرط بندی در مسابقه با ماشین، موتور، دوچرخه و مانند آن (به جای اسب سواری) و نیز شرط بندی در مسابقه با تیر اندازی با اسلحه امروزی یعنی: تفنگ هفت تیر و مانند آن (به جای تیر اندازی با کمان) چه حکمی دارد؟

ج: شرط بندی در همه آنها جایز است.

س ۳۵: شرط بندی بینندگان بر روی بازیکنان چه حکمی دارد؟

ج: جایز نیست.

س ۳۶: اگر بازیکنان بدانند تماشاگران بر روی آنها شرط بندی می کنند،

بازی آنها چه حکمی پیدا می کند؟ آیا باید بازی را ترک کنند؟

ج: ترک بازی واجب نیست.

س ۳۷: شرط بندی در مسابقات که جایز است ولی اگر مبلغ شرط

برای بازنده سنگین باشد چه حکمی دارد، آیا عمل به شرط لازم است؟

ج: در صورتیکه موجب عسر و حرج باشد عمل به شرط لازم نیست.

## مسائل متفرقه

**س ۱:** برای باز پس گرفتن حق هیچ را هی جز پرداخت رشوه نباشد، دادن رشوه جایز است؟

**ج:** اگر هیچ راهی برای احقاق حق نباشد دادن رشوه جایز است.

**س ۲:** آیا با قیمت تریاک می توان به زیارت عتبات عالیات رفت؟

**ج:** مانعی ندارد.

**س ۳:** در برخی مناطق رسم است که وقتی کسی از دنیا می رود مبلغی را به عنوان کمک جمع آوری می کنند آیا این کمک ها جزء ما ترک متوفی به شمار می رود یا مال ورثه است؟

**ج:** مصرف آن تابع قصد کمک کنندگان است.

**س ۴:** جایزه های «لاتری» چه حکمی دارد؟

**ج:** با اجازه حاکم شرع حلال است.

**س ۵:** گنج هایی که از زیر زمین پیدا میشود متعلق به یابنده است یا صاحب زمین؟

**ج:** اگر گنج نشانی دارد و آن را صاحب زمین گفت مال من است مال صاحب زمین است و اگر نه مال یابنده است با پرداخت خمس آن برای یابنده حلال میشود.

**س ۶:** پارچه هایی که بر روی جنازه می اندازند یا پول جمع آوری میکنند و به یکی از اقوام بزرگ تر متوفی می دهند، آیا ورثه می توانند آنها را او به فقرا، روحانیان و سادات بدهند؟

**ج:** این مسأله تابع آداب و رسوم محلی است. اگر منظور کجک به میت است و از طرف به فقرا، سادات و روحانیون، خیرات شود ایرادی ندارد و اگر منظور کجک به ورثه است، از طرف ورثه صغار، وصی و قیم باید قبض و برای ورثه صغار مصرف کند اما سهم ورثه کبار در اختیار خودشان است.

**س ۷:** پول هایی که از راه دعانویسی، به عنوان حق الزحمه با رضایت صاحبان پول داده می شود چه حکمی دارد؟

**ج:** اگر آیات قرآن و دعاهای مأثوره نوشته شود کفر فتن حق الزحمه ایرادی ندارد اما اگر

مطالب غیر مشروع نوشته شود حق الزحمه حلال نیست مگر این که صاحبان پول به آن باسد

بکنند.

**س ۸:** پول هایی که برای مصرف در گورستان ها و مساجد داده می شود، چه عنوانی دارد؟

**ج:** عنوان صدقه و تبرع و یازکات را دارد.

**س ۹:** من دکانداری می کنم و پدرم کشاورزی، هردو با هم زندگی می کنیم صاحب و مالک پول ها من هستم یا پدرم یا هردوی ما؟

**ج:** هردوی تان مالک هستید.

**س ۱۰:** حکم تلبس طلاب علوم دینی به عمامه، عبا و قبا چیست؟

**ج:** عبا و عمامه و قبا چون لباس پیامبر (ص) بوده است و روحانیان از آن حضرت

پیروی می کنند لباس محبوب است.

**س ۱۱:** آیا محو آثار قبرستان متروک مسلمانان جایز است؟

**ج:** اگر صاحبان قبور معلوم نباشند و امانت به مومنان نشود مانعی ندارد.

**س ۱۲:** اگر پدر و مادر انسان نتوانند نفقه خود را تأمین کنند آیا نفقه آنان

بر فرزندان واجب است؟



### ج: بد! نفقه والدین بر فرزندان واجب است.

**س ۱۳:** اگر به کسی از باب دشنام به دیگری لامذهب و بی‌دین بگویید، گوینده مرتد به شمار می‌آید؟

### ج: گفتن چنین کلمات ارتداد حساب نمی‌شود.

**س ۱۴:** بین اهالی قریه و همسایه‌هایی که از جاهای دیگر آمده و در قریه زندگی می‌کنند قرار داد شده است که ساخت و ساز مسجد، خرید لوازم از قبیل ظرف و فرش به عهده اهالی قریه و همسایه‌های جدید در کرایه ملا امام قریه و خادم مسجد و خرید هیزم کمک کنند آیا این قرار داد صحیح است و با مازاد پول هیزم و... می‌توان فرش و ظرف برای مسجد خرید؟

### ج: قرارداد صحیح است اما الزام آور نیست.

**س ۱۵:** گاهی شوهر ناراحت می‌شود و فحش پدر و مادر به همسرش میدهد آیا تنها گناه دارد یا کفاره هم دارد؟

### ج: فحش و دشنام به همه حرام است اما کفاره‌اش توبه و استغفار است.

**س ۱۶:** در بعضی جاها رسم است که پدر عروس به عنوان خرج عروس از پدر داماد، مقدار ۱۲۰ سیر گندم، ۴۵ سیر گوشت و ۵ حلب روغن می‌گیرد و تا این‌ها را نگرفته کارهای عروسی درست نمی‌شود آیا گرفتن

اقلام یاد شده جایز است؟

**ج: دادن ولیمه مستحب است، هزینه های خارج از توان و اما و ظلم است.**

**س ۱۷:** بنده گرفتار کم ذهنی شده ام لطفاً دعایی را به من پیشنهاد کنید:

**ج: همیشه آیه الکرسی را بخوانید.**

**س ۱۸:** آیا اهل کتاب مانند مسیحی و یهودی اجنبیه به شمار می آیند

معاشرت با آنها چه حکمی دارد؟

**ج: بد! اجنبیه هستند، معاشرت جایز نیست.**

**س ۱۹:** زنی که به زیارت امامزاده ها علاقه دارد اما شوهرش مانع میشود

و می گوید از خانه سلام بده کفایت می کند، حق با کدام است؟

**ج: بدون اجازه شوهر به زیارت نرود اما شوهر هم وظیفه دارد که به همسرش برای زیارت**

**اجازه بدهد.**

**س ۲۰:** آیا برای جواز تقيه یقین به خطر لازم است یا احتمال خطر هم

کفایت می کند و مراد از خطر، جانی است یا مالی و آبرویی؟

**ج: برای جواز تقيه احتمال خطر جانی، مالی و آبرویی کفایت می کند.**

**س ۲۱:** زنی هستم که چند سال پیش شوهرم فوت کرد. در زمان حیات

شوهرم، دختر برادر شوهرم را که چهار ماهه بود به فرزندی قبول کردم و

مدت سیزده سال او را تربیت کردم و بزرگ کردم، بعد از سیزده سال پدر دختر، او را از من گرفت و به خانه خودش برد. آیا من به خاطر سیزده سال زحمت، می‌توانم از پدر دختر هزینه ای را مطالبه کنم؟

**ج:** اگر شما دختر را تبرعاً و محضاً بزرگ کرده باشید، اجرتان با خدا است اما اگر در مقابل اجرت بزرگ کرده‌اید می‌توانید هزینه اش را از پدر دختر بگیرید.

**س ۲۲:** در یک مرغداری کار می‌کردم، چهار انگشت من قطع شد. چون بی سواد بودم از یک طلبه ای راهنمایی خواستم، او مرا راهنمایی کرد، اکنون ادعا دارد که از طرف من وکیل بوده است در حالی که نه شاهدی بر وکالت دارد و نه نامش در دادگاه و پرونده به عنوان وکیل ثبت شده است آیا حق دارد وکالت را از من بگیرد؟

**ج:** حق اجرت دارد. در صورتیکه برای شاکار کرده باشد و زحمت کشیده باشد (اجرت المثل).

**س ۲۳:** آیا نوشتن تعویذ توسط مردم جایز است؟

**ج:** اگر از آیات قرآن کریم و دعاهای معتبر بنویسد اشکالی ندارد اما نوشتن دعاهای غیر معتبر جایز نیست.

**س ۲۴:** آیا گرفتن پولی که مردم با میل خود در برابر نوشتن تعویذ به

روحانی می دهد جایز است؟

ج: اگر با رضایت قلبی باشد اشکالی ندارد.

س ۲۵: نوشتن تعویذ برای حیوانات اهلی با درخواست صاحب حیوان با توجه به متن تعویذ که آیات قرآن و دعاهای مأثوره است جایز است؟

ج: اگر اهل علم باشد و آیات مربوط به موارد سوال را بداند اشکالی ندارد. و این در صورتی است که آیات و دعاهای در معرض هتک قرار نگیرد و الا حرام است.

س ۲۶: با توجه به این که نویسندگان تعویذ علم ندارد بر این که از تعویذ که در بر دارنده آیات قرآن و دعاهای معتبر است محافظت و نگهداری میشود، وظیفه اش چیست؟

ج: اگر علم داشته باشد که احترام قرآن رعایت نمی شود، از نوشتن تعویذ خودداری کند و اگر علم به محافظت دارد اشکال ندارد.

س ۲۷: آیا لعن مخالفان جایز است. اگر جایز است موجب اختلاف می شود و اگر نیست زیارت عاشورا چه میشود؟

ج: از لعن مخالفان خودداری شود خصوصاً مخالفان مسلمانان چون همان اسلام نیاز به اتحاد

دارد.

**س ۲۸:** آیا تسلیت گفتن به صاحبان مصیبت بعد از مدت های طولانی چنانکه رسم است رجحان دارد؟

**ج:** فاتحه و دعا برای اموات اگر چه زمان زیادی از فوت آنها گذشته باشد ثواب زیادی دارد و هم برای متوفی و هم برای کسی که فاتحه می خواند.

**س ۲۹:** الكذب من اجل استنقاذ المال المغتصب او الحق المسلوب ما حکمه؟

**ج:** يجوز بل يجوز لانقاذ مال الاخ المسلم ايضاً.

**س ۳۰:** لعن الامام المعصوم (ع) لبني امية قاطبة ماذا يعنى، هل إن آل امية جميعا فى النار والعذاب الاليم، ام يستثنى من ذلك من لم ينكر حق محمد وآل محمد (ص)؟

**ج:** من لم ينكر منهم حق محمد وآله و من يراهم مفترض الطاعة خارج من بني امية حكما و اللعن لا يشملهم.

**س ۳۱:** آیا ذکر نام خدا و ائمه معصومین ت در توالت جایز است؟

**ج:** بلی جایز است.

**س ۳۲:** اگر پدر بعضی از حقوق فرزند خود را ضایع کند به جهت سهل انگاری یا سبب دیگر مثلاً برایش زن نگیرد یا نفقه ندهد باز اطاعت از پدر واجب است یا نه؟

**ج:** در صورتیکه پسر از تحصیل نفقه برای خود عاجز باشد مثلاً بچه صغیر باشد نفقه اش بر پدر

واجب است اما فرزند حق ندارد کاری کند که موجب اذیت پدر و مادر بشود تا زمانی که پدر و مادر امر به ارتکاب گناه نکنند یا بد از آنها اطاعت کند.

**س ۳۳:** آیا خیر و شر هر دو از جانب خداوند است؟

**ج:** خیر از جانب خداوند است شر از ناحیه شیطان و نفس آتاره خود انسان است.

**س ۳۴:** اجرت گرفتن روزه خوان در ایام محرم و صفر و رمضان و ایام دیگر چه حکم دارد؟

**ج:** اجرت گرفتن مانعی ندارد ولی اگر نکیر و اجر بیشتر دارد.

**س ۳۵:** ملبس شدن طلاب علوم دینی به چه دلیل سنت است؟ و تاریخ پوشیدن عمامه سفید برای طلاب و تراشیدن سر برای اهل علم از چه وقت و از چه کسی پیدا شده است.

**ج:** چون لباس پیغمبر عمامه و عبا و قبا بوده است لذا ملبس شدن بلباس اهل علم برای طلاب تاسی به آن حضرت و محبوب است و پوشیدن لباس سفید که از جلد آنها عمامه است بدستور آمده است و احادیث آن در کتاب وسائل الشیعه موجود است. تراشیدن سر و گذاشتن کچمه به سیره قطیعه علماء و متدینین ثابت است.

**س ۳۷۶:** اینجانب شغل رسامی دارم اشیاء مختلف النوع را رسم میکنم اعم از حیوان و انسان و گیاه آیا جایز است یا نه؟

**ج:** تقاشی تمام بدن حیوان و انسان حرام است.

**س ۳۷۷:** عنوان سادات برای چه کسانی اختصاص دارد؟

**ج:** هر کس که از ناحیه پدر مستحب به حضرت هاشم باشد می شود.

**س ۳۷۸:** آیا احترام سادات از لحاظ اینکه آنها از سلاله پیغمبر هستند لازم است یا خیر؟

**ج:** احترام آنها مانند سایر مؤمنین لازم است.

**س ۳۷۹:** آیا اهانت به سید غیر صالح چه حکمی دارد؟

**ج:** اهانت به مسلمان جائز نیست چه سید و چه غیر سید.

**س ۳۸۰:** اگر یک سید صالح باشد آیا اجر اعمال نیک آن دو برابر است یا مساوی با دیگران میباشد؟ همچنان عقاب گناهان نسبت به دیگران دو برابر است یا نه؟

**ج:** آنچه در سوال آمده طبق بعضی از روایات تحقیقت دارد.

**س ۳۸۱:** اگر روحانی در ماه محرم و صفر بگوید اگر فلان مبلغ پول برایم می دهید سخنرانی میکنم و روضه می خوانم و الا نمی خوانم آیا این پول

حلال است یا حرام؟

ج: این کوزه پول اشکالی ندارد.

س ۴۲۲: دلیل تحریف نشدن قرآن کریم چیست؟

ج: چون قرآن برنامه آسمانی دین مقدس اسلام است همان کوزه که دین تا روز قیامت باقی است برنامه اش هم باید دائمی باشد تا ضامن سعادت ابدی بشمار باشد که نباید مصون از تحریف باشد و الا قابل اعتماد نمی باشد. علاوه بر این دلیل عقلی، خود قرآن می فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ﴾ این آیه مبارکه صریح است در اینکه خداوند وعده داده که خداوند خودش از هر کوزه تحریف قرآن را حفظ میکند و هم چنین روایاتی در این زمینه زیاد است. که تفصیل آن را در تفاسیر آن می توانید پیدا کرد.

س ۴۳۳: در ایام محرم دندان کندن و تراشیدن ریش و سر و عروسی

کردن و آرایش کردن از نظر شرعی چگونه است؟

ج: کندن دندان اشکال ندارد و هم چنین تراشیدن سراما تراشیدن ریش چه در ایام محرم و چه

در غیر ایام محرم بنا بر احتیاط واجب حرام است اما عروسی و آرایش اگر موجب امانت و بی



احترامی به امام حسین (ع) باشد جایز نیست و از علامت شیعه بودن همین است که ایام حزن و اندوه اهل بیت پیغمبر (ص) اندو حکین باشند نه اینکه مانند زید یا ایام عزای این خاندان عروسی بگیرند.

**س ۴۴:** خانم های که با اجازه شوهر یا بدون اجازه شوهر از منزل خارج می شوند و برای خرید ضروریات منزل در بازارهای شلوغ و خیابان ها و کوچه ها راه می روند و با افراد نامحرم رو برو می شوند از نگاه شرعی چه حکم دارند؟

**ج:** مجرد و برو شدن با نامحرم حرام نیست بشرطی که ثنونات اسلامی را از قبیل حجاب و غیره مراعات کنند اما اگر آرایش کنند که موجب تحریک شهوت مردان نامحرم بشود حرام است.

**س ۴۵:** برای زنان جلوگیری از حامله شدن با اجازه شوهر جائز است یا نه؟

**ج:** اگر جلوگیری توسط قرص حاملکی و امثال قرص باشد اشکال ندارد اما اگر نیاز به عمل باشد که طبعا پزشک جراح زن یا مرد عورت زن را لمس کند یا نگاه به عورت زن کند جایز نیست مگر

این که جراح پزشک، شوهر این زن باشد که لمس و نگاه زن و شوهر به عورت هم دیگر اشکال ندارد و هم چنین جلوگیری اگر بطوری باشد که زن را بجلی عظیم کند که دیگر راه حامله شدن باقی نماند این حرام است چه پزشک جراح شوهر باشد یا یگانه باشد.

**س ۴۶۷:** اگر زوجه از دنیا برود آیا مصرف کفن و دفنش بر زوج واجب است یا نه؟

**ج:** فقط کفن و دفن زوجه بر زوج واجب است نه مصارف دیگرش.

**س ۴۶۷:** اگر همسایه خانه خود را تبدیل به زمین زراعتی کند و خانه همسایه را مرطوب کند جایز است یا نه؟

**ج:** اگر ضرر به خانه همسایه برسد جایز نیست.

**س ۴۶۸:** جایی که قاتل صبی یا مجنون باشد آیا کفاره قتل لازم است. و اگر لازم است در صورتی که قتل عمد باشد با التفات به اینکه «عمدهما خطأ» آیا کفاره جمع لازم است یا نه؟

**ج:** بر صبی و مجنون کفاره لازم نیست.

**س ۴۶۹:** در صورتی که قاتل کافر باشد و مقتول مسلمان، کفاره قتل به کافر تعلق می‌گیرد؟

## ج: بلی تعلق می‌گیرد.

**س ۵۰:** در امور تعزیری هرگاه مدعی بی‌ینه نداشته باشد می‌تواند باسوگند دعوی را اثبات نماید؟

ج: تعزیر بر سه چیز ثابت می‌شود:

۱. شهادت شامدین

۲. اقرار

۳. علم حاکم

باقسم تعزیر ثابت نمی‌شود.

**س ۵۱:** با عنایت به روایاتی که در باب «الرجل یغتصب المرأة فرجها»<sup>۱</sup> آمده است، بفرمایید معیار به عنف بودن زنا، آیا صرف عدم رضایت زن است به قسمی که بتوان زنای با زن بیهوش یا در حال خواب یا زنای با صغیره یا زنای با مجنون<sup>۲</sup> زنای به عنف و مشمول روایات دانست؟

۱. کافی، ج ۷، کتاب الحدود، ص ۱۸۹.

۲. در دو مثال اول به دلیل فقدان رضایت و در دو مثال بعدی به دلیل عدم اعتبار رضایت، می‌توان گفت رضایت وجود نداشته است و عنوان عنف صادق است.

ج: در زناهی با عنف صرف عدم رضایت زن کافی نیست بلکه در تحقق عنف سلب

اقتیار از زن لازم است.

**س ۵۲:** زنی بخواهد بینی خود را به جهت زیبایی - نه ضرورت پزشکی و جنبه های درمانی - عمل جراحی نماید ولی شوهر مخالف عمل مزبور بوده و شکل فعلی بینی را مطلوب خود بداند، بفرمایید آیا رضایت زوج برای عمل جراحی بینی شرط است؟ در صورت شرط بودن، مسؤلیت زوجه و پزشک را بیان فرمایید؟

ج: در فرض مذکور رضایت شوهر شرط نیست بشرطی که مزاحمت با حق شوهر نداشته باشد بنا

بر این عمل جراحی بینی فی نفسه نیاز به رضایت شوهر ندارد.

**س ۵۳:** مردی بخواهد با اقدامات پزشکی (واز کتومی) قدرت تولید نسل خود را به صورت موقت یا دائم از بین ببرد آیا رضایت زوجه لازم است؟ در صورت لزوم و اقدام شوهر بدون اذن زوجه، چه مسؤلیتی متوجه وی و پزشک معالج خواهد بود؟

ج: عقیم کردن شوهر برای خودش بطور دائمی جایز نیست ولی اگر موقتاً خود را عقیم کند

اشکال ندارد و رضایت زوجه چه در عقیم کردن دائم چه در عقیم کردن موقت لازم نیست.

**س ۵۴:** اگر پدر از اموال فرزند سرقت نماید حدّ منتفی است آیا تعزیر

دارد؟

### ج: تغزیر و تشخیص آن به دست حاکم است هر چه صلاح بداند می تواند.

س ۵۵: اَسْكُنْ مع رفيقى فى بلد غير اسلامى للدراسة و هو يقوم بعض الاحيان عند شراء بعض الفواكه و غيرها بسرقة بعضها او التدليس فى السعر برغم نصيحتى له. هل يجوز الاكل من الطعام الذى يجلبه مع العلم او عدمه بفعله؟

ج: السرقة من الكفار ان لم يكن فيها مفسدة لا اشكال فيها و كذا التدليس فى السعر.

س ۵۶: هل يجوز شرب البيرة التى لاتسكر، او التى تسبب سكرأ خفيفاً و كم بالمائة تقريباً نسبة السكر التى توجب التحريم فى المشروب؟

ج: ان كان المراد من البيرة التى لاتسكر، الماء الشعير الذى يوجد فى اسواق المسلمين ايضاً المعروف بماء الشعير (آب جو) فهو حلال.

س ۵۷: على مايستند علماء العامة فى حلية الاكل من لحوم الدول الاروبية المسيحية (لاهل الكتاب) و يحرمه علماؤنا، هل كلهم متفقون فى حليتها؟

ج: علماء العامة كلهم متفقون فى حلية ذبيحة اهل الكتاب.

س ۵۸: زنى بخواهد بدون ضرورت پزشکی با بستن لوله رحم یا بیرون آوردن رحم از بارداری خود جلوگیری نماید، در صورت جواز، آیا رضایت شوهر، شرط است، بنا بر آن که شرط باشد، اگر پزشکی بدون توجه به نارضایتی زوج اقدام به عمل مزبور نماید، چه مسؤولیتی متوجه وی خواهد شد.

ج: نفس این کار به جز برای شوهر اگر پزشک باشد برای دیگران حرام است چون مستلزم

لمس یا نظربه عورت زن می باشد که برای غیر زوج حرام است چه زوج راضی باشد چه راضی

## نباشد.

**س ۵۹:** زنی که با رضایت شوهر، لوله رحم خود را بسته است، مجدداً بخواهد آن را بردارد در دو صورت ذیل آیا رضایت شوهر برای باز کردن لوله رحم لازم است یا خیر؟

الف) باز کردن لوله رحم به جهت ضرورت های پزشکی بوده و جنبه درمانی داشته باشد.

ب) باز کردن لوله رحم برای تولید نسل و یا هر جهت دیگری غیر از ضرورت ها پزشکی باشد.

**ج: در هر دو فرض اگر محذوری نظیر و لمس عورت زن نباشد نامعی دیگر ندارد. بلی اگر برای**

**ضرورت معایبه باشد و چاره دیگر نباشد که اگر معایبه و عمل نکند جان زن در خطر باشد نامعی ندارد.**

**س ۱- ۶۰:** اگر بستن لوله رحم یا خارج ساختن رحم و مانند آن جنبه درمانی و ضرورت پزشکی داشته باشد، آیا رضایت شوهر لازم است؟ در صورت لزوم رضایت، مسؤلیت پزشکی که با اطلاع از عدم رضایت زوج اقدام به درمان زن نموده است، چیست؟

**س ۲- ۶۰:** در مواردی پرده بکارت به دلیل ویژگی خاصی که دارد، مانع عمل مجامعت می شود و زوج قادر به ازاله بکارت نمی شود و یا ازاله طبیعی آن موجب تحمل درد شدید از ناحیه زن می باشد، آیا در چنین مواردی زن می تواند از طریق امکانات پزشکی مانع مزبور را مرتفع سازد؟ در صورت

جواز آیا رضایت شوهر لازم است؟ در صورت لزوم رضایت، اگر زن بی رضایت شوهر از طریق پزشکی اقدام نماید و پزشک نیز از عدم رضایت شوهر مطلع باشد، چه مسئولیتی متوجه پزشک و زن خواهد بود؟

ج: از جواهرهای قبلی معلوم شد که جراحی‌هایی که مستلزم لمس و یا نظریه عورت باشد برای غیر شوهر جایز نیست مگر به خاطر ضرورت‌های پزشکی و انحصار چاره در این عمل. اما رضایت شوهر در هیچ یکی از موارد فوق شرط نمی‌باشد اما مانع شرعی دیگری وجود دارد که همان لمس و نظر غیر شوهر باشد و اگر خود زن آن مانع را بر طرف کند اشکال ندارد و نیاز به اجازه شوهر نیست مگر اینک مورد اتهام از ناحیه شوهر قرار گیرد.

س ۷۱: آیا قذف جزء حق الله است یا حق الناس محض یا مشترک بین حق الله و حق الناس؟ در صورتی که مشترک باشد شخص مقذوف قاذف را عفو نماید آیا حاکم می‌تواند بلحاظ حق الله بودن قاذف را تعزیر نماید؟

ج: قذف مشترک بین حق الله و حق الناس است و اگر در نزد حاکم شرع توبه قاذف ثابت شود تعزیر از او برداشته می‌شود در صورتیکه مقذوف علیه عفو کند.

س ۷۲: آیا توبه مرتد فطری مطلقاً پذیرفته نیست، یا قبل از ثبوت ارتداد نزد حاکم پذیرفته می‌شود و بعد از ثبوت عند الحاکم پذیرفته نمی‌شود، و

در هریک از فروض سه گانه آیا حد قتل ساقط می شود؟

ج: توبه مرتد فطری نسبت به قتل و انتقال اموال به ورثه و جدایی همسر مطلقاً قبول نمی شود و

نسبت به غیر این سه تا اظہر قبول توبه اوست.

**س ۴۳:** فردی قرار گذاشته که تا آخر عمر (به عنوان خانه داماد) با خانواده خانمش زندگی کند و انجام کارهای خانه و مراقبت از مادر خانمش را بر عهده بگیرد اگر به واسطه مخارج خانه قرض دار شود و مقروض از دنیا برود قرض داری او به عهده ای کیست؟ حالا این فرد، یک فرزند صغیر دارد که بعد از فوت او با پدرش زندگی می کند. آیا با توجه به اینکه قرض داری با اجازه مادر خانم وی بوده و به مصرف خانم و مادر خانمش هم رسیده است قرض داری بر عهده مادر خانمش هست یا نه؟ آیا با وجود اینکه از زمان ازدواج از پدرش جدا شده است و هیچگونه حساب و کتابی با پدرش نداشته بعد از فوتش قرض داری اش بر عهده پدرش هست یا نه؟

ج: اگر در ابتداء و احوال متمتع شده باشد که چند سال در خانه مادر زن کار کند (مدت معین) و

مصارف او را بدو در این صورت اگر در تأمین مصارف بدو به کار شده به عهده خود او است و اگر

مصارف مادر زن را به عهده نگرفته باشد و با اجازه مادر زن قرض کرده باشد و برای او مصرف



کرده در این صورت مادر زن ضامن است و آنچه را برای خود و همسر مصرف کرده خودش ضامن است. و اگر فوت کند و ترک داشته باشد از ترک اش ادامی شود و اگر نداشته باشد از زکات ادامی شود و اداء قرض بر عهده پدر نیست.

**س ۷۱۴:** منطقه ای از مناطق مرکزی افغانستان با سفارش دولت و رضایت مردم منطقه، جاده‌ای احداث گردیده است.

و در اینگونه مناطق هیچگونه نهاد دولتی و یا غیر دولتی متکفل تأمین مصارف و هزینه‌های مورد نیاز در احداث جاده‌ها و... کارهایی از این قبیل نیست، مردم عموماً زمینهایشان را در مسیر جاده بدون هیچگونه درخواست و جهی قرار داده‌اند و همچنین جاده مذکور با طراحی نماینده‌های مردمی منطقه از ابتدایی امر تا انتهای آن نقشه کشی شده است. از آنجا که جاده مذکور در بعضی از قسمتها، زمینهای مزروعی و در بعضی قسمتهای دیگر پیاده روی عمومی را در بر گرفته است، مشکل در اینجاست که بعد از مدت دو سال یکی از مالکین زمینهای مزروعی داخل در طرح، ادعا دارد که جاده (مجدداً) باید از پیاده روی عمومی قدیمی طرح ریزی شود در صورتیکه اگر جاده از پیاده روی قدیمی راه اندازه شود، زمینهای همجوار آن نیز خسارت خواهد دید.

از آنجا که جاده مذکور زمین‌های همه مالکین زمین از جمله فرد معترض نسبت به احداث جاده رضایت کامل داشته‌اند، حال سؤال در این

جاست با توجه به رضایت کامل همه مالکین نسبت به احداث جاده با طرح فعلی، آیا اصلاً پرداخت خسارت شامل حال مالکین معترض می‌شود یا خیر؟ و در صورت شامل شدن، پرداخت خسارت بر عهده چه کسانی می‌باشد؟ (لازم به ذکر است جاده مذکور با همان طرح مورد رضایت همه مالکین در حال حاضر تکمیل شده و به صورت کامل احداث گردیده است.)

**ج: در فرض سؤال اگر از اول کشیدن جاده را از بالای زمین خود اجازه داده اند اکنون حق**

**ابطال جاده را ندارند و حق ادعای خساره هم ندارند.**

**س ۴۵:** آیا کالبد شکافی جهت بیرون آوردن مال غیر از بدن انسان (اعم از زننده و مرده) جایز است؟ - مثلاً - شخصی قلب مصنوعی، پلاتین و امثال آن را به عنوان عاریه به شخصی می‌دهد و شرط می‌کند که پس از مدتی یا پس از وفات آن شخص، شیئی مورد عاریه بر گردانده شود. و یا شخصی، شیئی قیمتی شخص دیگری را بلعیده و برای باز گرداندن آن نیاز به کالبد شکافی و جراحی است آیا کالبد شکافی در این موارد جایز است یا نه؟ و آیا تفاوتی میان قبل از دفن و بعد از دفن وجود دارد؟

**ج: کالبد شکافی جهت بیرون آوردن مال غیر از بدن انسان فی الجمله جایز است:**

**اگر انسان زنده باشد و صاحب مال به مثل و قیمت رضایت ندهد و در آوردن مال موجب**

تلف انسان نشود باید آن مال را از بدن انسان در آورد و اگر موجب تلف شود جان مسلمان اهمیت بیشتر از مال غیر دارد در این صورت نوبت به مثل و قیمت می‌رسد و اگر آن شخص مرده باشد و مال ارزش آن بالاتر از دینه باشد کالبد شگافی و در آوردن مال جایز است. و اگر مال قلیل باشد حق مسلم ممتراز حق مالک است و کالبد شگافی و نبش قبر جواز ندارد، میزان در جواز و عدم جواز هتک حرمت میت مسلمان است و ممکن است دفن و عدم دفن در هتک حرمت اثر داشته باشد.

**س ۴۴:** می‌خواستم در باره شأن و لیاقت بدانم، معیار در شأن و لیاقت چیست مثلاً به هر کسی بگویم می‌گوید شأن من اینست که یک موبایل پانصد هزار تومانی داشته باشم، و اگر بگویم نیست می‌گوید چرا؟! بیشتر از اینها است خواهشمندیم یک معیار و میزانی را بیان فرمائید.

**ج:** در فرض سوال معیار و تشخیص شئونات به دست عرف هر منطقه است و به دست

هر کس نسبت، به درآمد مالی و اسم و رسم خانوادگی و نام و نشان علمی و اجتماعی و غیره است.

**س ۴۷:** با وضع فعلی که در جامعه حاکم است تمام بچه‌ها موبایل دارند و ضروری می‌داند شما لطف فرمایید در ضرورت و عدم ضرورت اینستکه

گاهی نیاز به این موبایل دارد یعنی مفید است آیا همین ضرورت حساب می‌شود یا اینکه بدون آن وسیله در سختی مفرط قرار می‌گیرد یا بدون آن وسیله زندگی سخت است کدام یکی معیار در ضرورت است؟

**ج: ضرورت و عدم ضرورت را خود شخص می‌تواند تشخیص بدهد.**

**س ۷۸:** در موارد جواز کالبد شکافی، حکم کالبد شکافی جنس مخالف چیست؟ آیا مرد می‌تواند بدن زن و زن بدن مرد را کالبد شکافی کند؟

**ج: اگر مستلزم لمس و نظر باشد در حال اختیار کالبد شکافی جنس مخالف جواز ندارد.**

**س ۷۹:** نگاه کردن به عورت میت در هنگام کالبد شکافی چه حکمی دارد؟ و آیا اصولاً کالبد شکافی عورت جایز است یا نه؟

**ج: در حال اختیار جواز ندارد مگر اینکه ضرورت اقتضا کند.**

**س ۷۰:** آیا شهادت فرزند علیه پدر صحیح است؟

**ج: اقرب قبول شهادت اوست.**

**س ۷۱:** آیا جایز است مؤلفان و مترجمان و صاحبان آثار هنری مبلغی را در برابر زحماتشان و یا به عنوان حق تألیف تلاش و وقت و مالی که برای انجام آن کار صرف کرده‌اند تقاضا نمایند؟

**ج: بله! حق مطالبه حق الزحمه دارند.**

**س ۷۲:** اگر مؤلف یا مترجم یا هنرمند در برابر چاپ اول اثر خود مبلغی را دریافت کند و در عین حال برای خود حقی را نسبت به چاپهای بعدی شرط کند، آیا می‌تواند در چاپهای بعدی حق خود را از ناشر مطالبه نماید؟ در یافت این مبلغ چه حکمی دارد؟

**ج:** اگر از اول با هم قرار کنند حق مطالبه دارند.

**س ۷۳:** اگر مصنف و مؤلف در اجازه چاپ اول چیزی در مورد چاپهای بعدی ذکر نکرده باشند، آیا جایز است ناشر بدون کسب اجازه مجدد و پرداخت مبلغی به آنان مبادرت به تجدید چاپ نماید؟

**ج:** ناشر می‌تواند آن اثر را بنام صاحبش چاپ کند در صورتیکه در موقع خرید قید عدم چاپ

بلیغ نکرده باشد.

**س ۷۴:** در صورتی که مصنف به علت سفر یا فوت و مانند آن غایب شود در باره تجدید چاپ از چه کسی باید کسب اجازه شود و چه کسی باید پول را دریافت کند؟ و آیا ناشر موظف است که ورثه او را پیدا کند تا حق تألیف کتاب را به آنها پرداخت کند.

**ج:** به نظر اینجانب اجازه مصنف و مؤلف لازم نیست مگر اینکه در موقع خرید کتاب به

شرط عدم چاپ فروخته باشد. که در این فرض باید از ورثه اجازه بگیرد.

**س ۷۵:** آیا چاپ کتاب بدون اجازه مؤلف آن با وجود عبارت «حقوق چاپ برای مؤلف محفوظ است»، جایز است؟ و همچنین چاپ کتابهای که مؤلف آنها ناشناخته است، چه حکمی دارد؟ و در چه مواردی ناشر می‌تواند حق تألیف را به مؤلف پرداخت نکند؟

### ج: جواب این سوال از جوابهای سابق دانسته می‌شود.

**س ۷۶:** آیا عناوین و نامهای تجاری و فروشگاهها و شرکتهای مختص مالکان آنهاست به طوری که دیگران حق نامگذاری فروشگاهها و شرکتهای خود را به نام آنها ندارند به عنوان مثال فردی فروشگاهی به نام خانوادگی اش دارد آیا فرد دیگری از همان خانواده حق دارد فروشگاه خود را به آن اسم نامگذاری کند؟ و آیا فردی از خانواده های دیگر حق نامگذاری فروشگاه خود به آن اسم را دارد؟

### ج: اگر موجب تدلیس و فریبکاری نباشد اشکال ندارد.

**س ۷۷:** بعضی اشخاص به مغازه هایی که فتوکپی و زیرآگس از اوراق و کتابها می‌گیرند مراجعه کرده و در خواست تصویر برداری از آنها را می‌نمایند و صاحب مغازه که از مؤمنین است تشخیص می‌دهد که کتاب یا اوراق و یا مجله فوق برای همه مؤمنین سودمند می‌باشد آیا جایز است بدون اجازه صاحب کتاب از آنها تصویر برداری کند و آیا اگر بداند که صاحب کتاب راضی به این کار نیست در حکم تفاوتی به وجود می‌آید؟

### ج: در فرض سؤال اجازه صاحب کتاب و اوراق لازم است.

**س ۷۸:** آیا نسخه برداری و تکثیر از نوارهای کامپیوتری (Disk) جایز است و آیا تفاوتی با درج عبارت «حق تکثیر محفوظ است» می‌کند؟ و بر فرض حرمت، آیا این حکم مختص نوارهایی است که در ایران تدوین شده‌اند یا شامل نوارهای بیگانه هم می‌شود؟ و با علم به اینکه بعضی از دیسک‌های کامپیوتری با توجه به اهمیت محتوای آنها، بسیار گرانبها هستند؟

### ج: اگر مالک آن نوار باشد حق تکثیر دارند.

**س ۷۹:** کتابی توسط ناشر چاپ می‌شود، که در آن غلط املائی و یا صفحاتی سفید و یا ناقصی در فرم‌ها وجود دارد، آیا ناشر مجاز است آن کتابها را نشر دهد و بفروشد؟

### ج: اگر مالک کتابها ناشر باشد با اعلام نقض حق فروش دارد و اگر مالک کتابها مؤلف

است با اجازه مالک حق فروش دارد و اگر نقض را اعلام نکند مشتری حق فسخ دارد.

**س ۸۰:** بعضی مواقع، کتاب چند سال در انبار می‌ماند تا بفروش رسد، آیا ناشر می‌تواند قیمت پشت جلد آنها را تغییر دهد و به قیمت روز بفروشد؟ همچنین آیا کتاب ناشر دیگری را می‌توان با تغییر قیمت پشت جلد آن فروخت؟

**ج: اگر مالک کتابها ناشر است می تواند قیمت روی جلد را تغییر دهد و به قیمت روز بفروشد و اگر مالک مؤلف است او حق تغییر قیمت دارد.**

**س ۸۱:** از چاپ کتابی توسط وزارت ارشاد اسلامی جلوگیری شده، خسارت و هزینه های کتاب به عهده مؤلف است یا ناشر و یا وزارت ارشاد اسلامی؟

**ج: به عهده مؤلف است مگر اینکه در تاریخ ناشر و یا وزارت ارشاد مقصر باشند.**

**س ۸۲:** شخصی به عنوان مؤلف کتابی را به ناشری برای چاپ می سپارد، پس از چاپ معلوم می شود، مؤلف کتاب شخص دیگری است، تکلیف کتاب، حق تألیف و هزینه های انجام شده با کیست؟

**ج: اگر چه این کار شرعاً مجازند و آن شخص استحقاق حق تألیف ندارد ولی هزینه به عهده چاپ کننده است.**

**س ۸۳:** مؤلفی کتابی مشابه کتاب قبلی خود تألیف می کند و به ناشر دیگر می دهد، ناشر کتاب اول آیا حق جلوگیری از نشر کتاب مشابه را دارد؟

**ج: حق جلوگیری ندارد.**

**س ۸۴:** پس از چاپ کتاب معلوم می شود در یکی از مراحل فنی چاپ



کتاب، اشکالاتی در متن کتاب پدید آمده، خسارت به عهده ناشر است یا عوامل فنی (مثل لیتوگرافی و یا چاپ خانه و...)?

**ج: هر کس در آن قسمت کوتاهی کرده است خسارت به عهده اوست.**

**س ۸۵:** ناشری کتابی را چند سال است چاپ نمی کند، آیا مؤلف مجاز است کتاب را به ناشر دیگری واگذار کند؟ و آیا ناشری چاپ کتابی را معطل نماید، مؤلف می تواند از او خسارت بگیرد؟

**ج: اگر با ناشر قرار چاپ نکرده باشد حق چاپ دارد، اگر ناشر چاپ کتابی را برای مدت معین به عهده گرفته باشد و در آن مدت چاپ نکند خسارت به عهده ناشر است.**

**س ۸۶:** آیا ناشر یک کتاب، حق واگذاری کتاب آن مؤلف را، به ناشر دیگری دارد؟

**ج: اگر قید مباشرت کرده باشد و یا چاپ این ناشر بهتر از دیگری باشد حق واگذاری**

**ندارد.**

**س ۸۷:** آیا می توان کاغذ تعاونی که برای چاپ یک کتاب گرفته شده، در بازار فروخت و بعداً کاغذ آزاد خریداری شود و آن کتاب چاپ گردد؟ و همچنین آیا با کاغذ تعاونی این که به کتاب خاصی تعلق گرفته است، می توان کتاب دیگری چاپ نمود؟

ج: اگر کاغذ را تعاونی برای کتاب خاص فروخته باشد حق ندارد آن را در بازار آزاد

فروخت.

س ۸۸: آیا چاپ نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و امثال آن از جهت حق التألیف، برای سادات حقی ایجاد می‌کند؛ و ناشر باید مبلغی را به عنوان حق سادات به حاکم شرع پرداخت کند؟

ج: حقی را ایجاد نمی‌کند.

س ۸۹: کتابی فروش بسیار زیادی دارد، آیا مؤلفان و یا ناشران دیگر می‌توانند کتاب همانم و هم مطلب آن را چاپ کنند؟

ج: اشکال ندارد مگر اینکه کتاب خود را بنام آن کتاب بفروشد عرضه کند.

س ۹۰: ۱ - کیفیت خواندن هفت مبین چگونه است؟ (معمولاً در بین مهاجرین رایج است)

۲ - چاه اذکار خوانده می‌شود و هر کدام چند مرتبه؟

۳ - اینگونه ختم قرآن (هفت مبین) از سیره کدام یکی از معصومین  $\text{ع}$  بوده است؟

۴ - منابع و مأخذ موارد مذکور را راهنمایی فرمایید.

۵ - توضیحات و نظر شخصی خود را بیان فرمایید.

ج: در فرض سوال منظور از هفت مبین همان هفت مبین است که در سوره مبارکه

یاسین است و خواندن قرآن از سیره همدیه معصومین است. منابع و مأخذ هم روایات و آیات زیاد است که در ثواب خواندن قرآن آمده است و برای خصوص قرائت سوره مبارکه یاسین روایات زیاد وارد شده است از جمله به تفسیر نور الثقلین مراجعه کنید.

**س ۹۱:** نحوه برخورد رزمندگان اسلام با مجروحین دشمن حربی که قادر بر ادامه جنگ نمی باشد در حین درگیری و جنگ و بعد از پایان جنگ چگونه باید باشد؟

**ج:** کشتن مجروحین و اسیرانی دشمن حربی جایز است مگر اینکه زمیند برای تبادل اسراء باشد که در این صورت از کشتن آنها خودداری کنند.

**س ۹۲:** حکم شرعی افراد کافری که علیه مسلمانان و کشورهای اسلامی در مسایل نظامی و غیر نظامی اقدام به جاسوسی می کنند چیست؟

**ج:** کشتن جاسوس کفار حربی جایز است چون اهتمام به تضعیف مسلمین دارد.

**س ۹۳:** با عنایت به روایت شریفه "ان النبی (ص) نهی ان یلقى السم فی بلاد المشرکین" که در متون مختلف فقهی جهت حرمت استفاده از سم علیه بلاد مشرکین مورد استناد قرار گرفته است مرقوم فرمائید:

آیا در خصوص تسلیحات کشتار جمعی مانند بمب های هسته ای و شیمیایی و میکروبی هم همین حکم می تواند جاری باشد؟

ج: نمی از القاء سم به بلاد مشرکین شامل عساکر حربی نمی شود، مراد آن این است که القاء سم به بلاد مشرکین موجب قتل زنان و کودکان و پسر مردان می شود، و اما القاء سم به عساکر حربی و استفاده از تسلیحات کتار جمعی مثل بهبای هسته ای و شیمیایی و میکروبی جهت شکست عساکر حربی بلا مانع است.

س ۹۴: شخصی در حال حیات و سلامتی در حال اختیار، زمین های خود را برای نوه برادرش می فروشد و برای فرزندان و نواسه برادرش می گوید من تمام زمین های خود را برای شما در برابر کفن و دفن و قضای صوم و صلاة می فروشم این معامله در حضور تعداد مؤمنین صورت می گیرد یکسال زمین را مشتری ها اخذ می کند بعد از یکسال بایع مذکور از این معامله پشیمان می شود می گوید من زمین هایم را نمی دهم اکنون از نگاه شرعی بایع می تواند این معامله را فسخ کند؟

ج: در فرض سوال اگر بیع زمین در مقابل کفن و دفن و قضاء نماز و روزه معین باشد یعنی مدت نماز و روزه را معین کرده باشد آن بیع صحیح است و اگر مغنون واقع نشده باشد بایع حق فسخ ندارد و اگر مدت نماز و روزه را معین نکرده باشد که چند سال نماز و چند ماه روزه بگیرد در این صورت

معاذب باطل است. و اگر مضمون هم واقع شده باشد بایح حق فسخ دارد.

س ۹۵: فی الحدیث الوارد انّ الامّة ستقسم الى ۷۳ فرقة. و سؤالی هو هل المذاهب الاربعة الموجودة اليوم (الحنفیة، المالکیة، الشافعیة والحنبلیة) تشكل فرقة واحدة أو كل مذهب هو فرقة واحدة؟

ج: اربعة مذاهب تحسب اربع فرق.

س ۹۶: هل الفترة الممتدة بين النبی عیسی (ع) و الرسول الاکرم (ص) كانت خالیة من الأنبیاء و الأوصیاء؟

ج: هذه الفترة لم تكون خالیة من الأوصیاء من جانب عیسی (ع) كانوا موجودین الى زمان خاتم النبیین محمد المصطفی (ص).

س ۹۷: زندگی امام زمان (عج) چگونه است آیا با تجرد زندگی می کند

یا نه؟

ج: امام زمان (عج) در تجرد زندگی نمی کند حتماً دارای همسر و فرزندان است معقول نیست

این همه سفارش و تاکید در اسلام به همسر داری و تأهل شده است امام زمان (ع) مجرد زندگی

کند.

س ۹۸: دلیل حرمت طلا برای مرد چیست؟

ج: مرد منظر صلابت و مقاومت است با طلا که برای تجمل و آرایش است مناسب

ندارد شاید حکمت حرمت همین باشد ولی حرمت استعمال طلا یک امر تعبدی است آنچه را

## شارع مقدس بیان فرموده ما باید تعبداً قبول کنیم عقول ناقص ما انسانها قادر به ادراک فلسفه احکام نیست.

س ۱ - ۹۹: هل كل المسيحيين بطوائفهم فى العالم يؤمنون ان النبى عيسى (ع) قد مات مصلوباً؟

س ۲ - ۹۹: من هو الذى صلب السيد المسيح يعتقدہ المسيحيون، اليهود ام الوثنيون... ام غيره؟

س ۳ - ۹۹: ما هى اقرب طائفة مسيحية اليوم فى اعتقادها و تشريعاتها الى الاسلام؟

ج: حيث ان المسيحيين ينكرون رسالة خاتم النبيين (ص) فهم محكومون بالكفر فليست وظيفتنا الجواب لأسئلتكم و هو لا يفتكم.

**س ۱۰۰:** اشخاصی به عنوان نماینده قوم قبرستان مسلمین را به فروش رسانیده‌اند و یک نفر خشت مال خاک این قبرستان را برای خشت مالی می‌کند و باعث تخریب قبرستان شده است. نظر حضرت‌عالی در مورد فروش قبرستان مسلمین و یافروش خاک قبرستان چیست؟

ج: زمینی که وقف شده برای قبرستان مؤمنین فروختن و خشت دست کردن از خاک

قبرستان شرعاً جایز نیست.

**س ۱۰۱:** شخصی چکی را به بنده منتقل کرده و صادر کننده چک در خصوص آن چک شکایت خیانت در امانت مطرح نموده و در داد سرا تحت رسیدگی باشد. اگر شهود نیز تحصیل چک از طریق خیانت در امانت

را گواهی نموده باشند آیا قبل از تعیین تکلیف موضوع شکایت در محکمه کیفری، تصرف در چک مزبور مشروع است؟

ج: قبل از رسیدگی تصرف در آن چک جواز ندارد.

---

الحمد لله اولاً و آخراً والصلاة والسلام على محمدٍ وآله بدءاً و ختاماً.

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۲۲